

باقیات الصالحات

نویسنده و تهیه کننده: محمدعلی شرطان

حواشی کتاب مفاتیح الجنان

که برای استفاده خوانندگان محترم در اینجا آورده شده:

فضیلت سوره یس

منقول است از مفاتیح النّجاح از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که هر که سوره یس را بخواند بواسطه رضای خدای، بخشد خدای عزّوجلّ او را و میدهد به او اَجْر چنانکه گویا خوانده قرآن را دوازده نوبت و هر بیمار که خوانده شود نزد او سوره یس نازل می‌شود به عدد هر حرفی از آن ده فرشته پیش او، صف می‌زنند و جهت او استغفار می‌کنند و در قبض روح او حاضرند و مشایعت جنازه او می‌کنند و نماز بر او می‌کنند و در وقت دفن او حاضرند و هر بیماری که بخواند این سوره را در سَکَرات مرگ یا نزد او بخوانند می‌آید رضوان خازن بهشت با یك شربت از آب بهشت و به او می‌دهد پس او می‌آشامد و می‌میرد سیراب و مبعوث می‌شود سیراب و محتاج نمی شود به حوضی از حوضهای پیغمبران تا وقتی که داخل بهشت می‌شود و او سیراب است و منقول است که سوره یس به صاحبش می‌رساند خیر دنیا و آخرت را و دفع می‌کند از او بلای دنیا و هَوْلهای آخرت را و دفع می‌کند هر شرّی را و روا می‌کند جهت او هر حاجتی را و هر که بخواند این سوره را برابر بیست حجّ است برای او و هر که بشنود جهت او باشد هزار نور و هزار یقین و هزار برکت و هزار رحمت و از او بیرون می‌آورد هر کوفتی را و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که

هر که در قبرستان درآید و سوره یس بخواند خدای عزّوجلّ عذاب اموات را تخفیف دهد و جهت او باشد به عدد ایشان حسنات و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره یس را در روز بخواند مرزوق و محفوظ است تا شب و هر که پیش از خواب در شب بخواند موکّل سازد خدای عزّوجلّ بر او هزار فرشته که حفظ کنند او را از شرّ هر شیطان رجیم و از هر آفتی و اگر بمیرد در آن روز خدای تعالی او را داخل بهشت سازد، الخبر.

فضیلت سوره الرّحمن

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمود مگذارید خواندن سوره الرّحمن را بدرستی که او در دل منافقان قرار نمی گیرد و می‌آید از نزد خدای عزّوجلّ در روز قیامت در صورت آدمی در بهترین صورتی و خوشترین بوئی تا آنکه می‌ایستد نزد خدای تعالی در جایی که نزدیکتر از آن نیست به خدای تعالی پس می‌گوید خدای عزّوجلّ به آن که کیست آنکه قیام می‌نمود به امر تو در حیات دنیا و مداومت می‌کرد در خواندن تو پس او می‌گوید یا ربّ فلان و فلان پس سفید می‌شود رویهای ایشان، پس می‌گوید به ایشان که شفاعت کنید هر کس را که می‌خواهید پس شفاعت می‌کنند تا حدّی که کسی نمی ماند که اراده شفاعت جهت او داشته باشد که شفاعت نکند پس خدای عزّوجلّ می‌گویدبه ایشان که داخل بهشت شوید و هرجا که می‌خواهید ساکن شوید و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بخواند سوره الرّحمن را و هر جا که بخواند «فَبِأَيِّ الآءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ» بگوید «لابِشَيْ ءٍ مِنْ الآئِكَ رَبِ اُكَذِّبُ» پس اگر در شب بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده و اگر در روز بخواند آنگاه بمیرد شهید مرده.

فضیلت سوره واقعه

نقل است که عثمان بن عفّان به عیادت عبدالله بن مسعود رفت در مرضی که به آن فوت شد به او گفت که از چه شِکوه داری گفت از گناهان خود گفت چه چیز میل داری گفت رحمت پروردگار خود گفت جهت تو طبیب طلب نکنم گفت طبیب مرا بیمار کرده گفت امر نکنم که به تو عطیّه بدهند گفت در وقتی که احتیاج داشتم به من ندادی الحال که مستغنیم می‌دهی گفت آنچه می‌دهم جهت دختران تو بوده باشد گفت ایشان را به آن حاجتی نیست جهت اینکه من ایشان را امر کردم بخواندن سوره واقعه و من شنیده ام از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که می‌گفت هر که بخواند سوره واقعه را در هر شب نمی رسد به او پریشانی هرگز و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقلست که هر که بخواند سوره واقعه را هر شب پیش از آنکه بخوابد ملاقات کند خدای عزّوجلّ را در حالتی که روی آن شخص چون ماه باشد در وقت تمامی آن و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که مشتاق باشد به بهشت و به وصف بهشت سوره واقعه بخواند.

فضیلت سوره جُمعه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که واجبست بر هر مؤمن هرگاه شیعه ما باشد که بخواند در نماز شب جمعه سوره جمعه وَ سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلى و در نماز ظهر آن جمعه و منافقین و هرگاه این را به عمل آورد چنانست که گویا عمل رسول خدا صلی الله علیه وآله را بجا آورده و ثواب و جزای او بر خداوند عزّوجلّ بهشت است.

فضیلت سوره تبارك

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بخواند سوره تَبارَكَ الَّذی بِیَدِهِ الْمُلْكُ در مكتُوبه پیش از آنکه بخوابدپیوسته درامان خدای تعالی خواهدبود تا داخل صبح شود و در امان خدای تعالی خواهد بود روز قیامت تا داخل بهشت شود و قطب راوندی از ابن عبّاس نقل کرده که مردی خیمه زد بر روی قبری و ندانست که آن قبر است پس خواند سوره تَبارَكَ الَّذی بِیَدِهِ الْمُلْكُ را پس شنید صَیحه زننده ای را که گفت این سوره مُنْجِیَه است پس این مطلب را به حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض کرد آن حضرت فرمود آن سوره نجات دهنده است از عذاب قبر.

فضیلت سوره النَّبَأ

شیخ صدوق از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر که بخواند سوره عَمَّ یَتَساَئَلُونَ را از سال بیرون نشود که زیارت کند بیت الله الحرام را هرگاه مداومت کند بر آن در هر روز و شیخ طبرسی در مجمع البیان از اُبیّ بن کعب روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که بخواند سوره عَمَّ یَتَساَئَلُونَ را سیراب فرماید حقّ تعالی او را از شراب سرد در روز قیامت و بدانکه در روایات اهل بیت علیهم السلام وارد شده که نَبأعظیم ولایت است و آنکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نَبأ عظیم است «هُوَ النَّبَأُ الْعَظیمُ وَ فُلْكُ نُوحٍ. وَ بابُ اللَّهِ وَانْقَطَعَ الْخِطابُ.»

فضیلت سوره أعْلی

شیخ صدوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که سوره سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلی را در فریضه یا نافله بخواند در روز قیامت به او گویند که از هر دری از درهای بهشت که می‌خواهی داخل شو.

فضیلت سوره والشّمس

در مجمع البیان از اُبیّ بن کعب از حضرت پیغمبرصلی الله علیه وآله نقل کرده که کسی که سوره وَالشَّمْسِ را بخواند گویا تصدّق داده هر چه که بتابد بر آن شمس و قمر.

در فضیلت سوره قدر و زلزله

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ را در نماز فریضه بخواند منادی از جانب پروردگار او را ندا کند که خدا گناهان گذشته تو را آمرزید عمل از سرگیر و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مروی است که هر که چهار مرتبه اِذا زُلْزِلَ را بخواند مثل آن کسی است که همه قرآن را خوانده.

فضیلت سوره عادیات

در خبر است که هر که مداومت بر خواندن آن کند با حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام محشور گردد.

فضیلت سوره کافرون و نصر و توحید و معوذتین

در احادیث بسیار وارد شده فضیلت خواندن سوره قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُون در نمازهای فریضه و نافله و آنکه خواندن آن رُبع قرآن است و سوره توحید ثلث قرآن است و خواندن سوره نصر در فرایض و نوافل سبب نصرت بر اعداء است و آنکه چون شخص از منزل خود بیرون رود معوذتین را بخواند چشم بد به او ضرر نرساند و کسی که در خواب ترسد در وقت خواب این دو سوره را با آیةالکرسی بخواند.

مُقَدَّمَةُ رسالَةُ الْباقِیاتُ الصّالِحات فِی الْأَدْعِیَةِ والصَّلوات المَنْدُوبات

بسم الله الرحمن الرحیم اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی سَمَكَ السَّماءَ وَنَدَبَ عِبادَهُ اِلَی الدُّعاءِ وَالصَّلوةُ وَالسَّلامُ عَلی مَنْ قَدَّمَهُ فِی الْأِصْطِفاءِ مُحَمَّدٍ خاتِمِ الْأَنْبِیاءِ وَعَلی آلِهِ الطّاهِرینَ مَصابیحِ الدُّجی سِیَّما عَلی قائِمِهِمْ خاتِمِ الْأَوْصِیاءِ[1].

و بعد چنین گوید این گنه کار روسیاه و مقصّر درگاه اِله عبّاس بن محمّدرضا القمّی سامَحَهُما اللّهُ که این مجموعه ای است مشتمل بر مختصری از اعمال شبانه روز و ذکر بعضی از نمازهای مأثوره و نبذی از عوذات و احراز و اذکار و ادعیه موجزه و خواصّ بعضی از سُوَر و آیات و مجملی از آداب اموات و جمع کردم آن را تا به مفاتیح الجنان مُنضمّ گردد و آن کتاب شریف از هر جهتی کامل و نفعش اَتَمّ شود و نامیدم آن را «بالباقیات الصّالحات فِی الأدعیة والصَّلواتِ المندوباتِ قالَ

---

۱. سپاس خداوندی را است که آسمان را برافرشت و بندگان خود را به دعا فراخواند و درود و سلام بر پیامبری که او را در برگزیدگی مقدم داشت (و او) محمد خاتم پیمبران است و بر خاندان طاهرینش که چراغهای شب تارند بویژه بر قائم ایشان که خاتم اوصیاء است.

اللَّهُ تَعالی وَالْباقِیاتُ الصّالِحاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَیْرٌ اَمَلاً» و مرتّب گردانیدم آن را بر شش باب و یك خاتمه: باب اول در مختصری از اعمال شب و روز، باب دوّم در ذکر بعضی از نمازهای مستحبّه، باب سیّم در ادعیه و عوذات آلام و اسقام و علل اعضا و تب و غیره، باب چهارم در ادعیه ای که منتخب شده از کتاب شریف کافی، باب پنجم در ذکر بعض احراز و ادعیه موجزه که منتخب شده از مهج الدّعَوات و مجتنی ، باب ششم در ذکر خواصّ بعض سُوَر و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرّقه خاتمه در مجملی از احکام اموات رجاء واثق و امید صادق که اخوان مؤمنین و شیعیان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام این مجرم عاصی را از دعا و طلب مغفرت در حال حیات و بعد از ممات فراموش نفرمایند.

باب اوّل در مختصری از اعمال شب و روز

و مشتمل است بر چند فصل:

فصل اوّل در اعمالی که متعلق است به ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب

بدانکه از جمله اوقات شریفه وقت بین الطّلوعین است و اخبار بسیاری از اهل بیت علیهم السلام در فضیلت این وقت و تحریص بر عبادت و ذکر و تسبیح در آن وارد شده است و در بعض اخبار تعبیر شده از این وقت به ساعت غفلت چنانکه از حضرت باقر علیه السلام منقول است که ابلیس لعین لشکرهای خودش را متفرّق و پهن می‌کند در دو وقت در حین غروب آفتاب و حین طلوع آن پس بسیار یاد کنید خدا را در این دو ساعت و پناه بجوئید به خدا از شرّ

ابلیس و لشکرش و در پناه خدا در آورید کودکان خود را در این دو ساعت زیرا که آن دو ساعت غفلت است.

و بدانکه خواب در این وقت مکروه است و نیز از حضرت باقر علیه السلام مرویست که خواب در وقت صبح شومست و روزی را منع می‌کند و رنگ را زرد و متغیّر می‌کند و این خواب هر مَشُومی است بدرستی که حق تعالی روزیها را در ما بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب قسمت می‌کند پس بپرهیزید از خواب کردن در این وقت.

و شیخ طوسی در مصباح این دعا را نقل کرده که در وقت طلوع فجر صادق بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ صاحِبُنا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَفْضِلْ عَلَيْنا، اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُ الصّالِحاتُ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاَتْمِمْها عَلَيْنا عآئِذاً بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ، عآئِذاً بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ، عآئِذاً بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ[1].

پس میگوئی:

يا فالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لا اَرى وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ اَرى ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ اَوَّلَ يَوْمِنا هٰذا صَلاحاً، وَاَوْسَطَهُ فَلاحاً، وَآخِرَهُ نَجاحاً[2]. انتهی

پس ده مرتبه می‌گوئی:

---

[1]. بار خدایا توئی یاور ما پس درود فرست بر محمد و خاندانش و بر ما زیاده بخش، بار خدایا به نعمتت کارهای شایسته پایان پذیرد پس درود فرست بر محمد و آلش و نعمتت را بر ما تمام کن پناهنده به خدا از آتش پناهنده به خدا از آتش پناهنده به خدا از آتش.

[2]. ای شکافنده سپیده از آنجا که من نبینم و برون آرنده‌اش از آنجا که بینم درود فرست بر محمد و آلش و قرار ده آغاز این روز را شایستگی و وسطش را رستگاری و پایان را موفقیت و کامیابي.

اَللّٰهُمَّ اِنّی اُشْهِدُكَ اَنَّهُ ما اَصْبَحَ بی مِنْ نِعْمَةٍ اَوْ عافِیَةٍ فی دینٍ اَوْ دُنْیا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لا شَریكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ، بِها عَلَیَّ حَتّی تَرْضا وَبَعْدَ الرِّضا[1].

و اذكار وارده در این وقت غیر آنچه ذكر شد بسیار است و بهترین آنها ذكر سُبْحانَ اللّٰهِ، وَالْحَمْدُ للّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ، وَاللّٰهُ اَكْبَرُ[2]، است كه تعبیر شده از آن به باقیات الصّالحات و نیز خواندن این دعا است:

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ، وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، یُحْیی وَیُمیتُ، وَیُمیتُ وَیُحْیی ، وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ[3].

و چون ندای اذان صبح را شنیدی می‌گوئی:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاِقْبالِ نَهارِكَ، وَاِدْبارِ لَیْلِكَ، وَحُضُورِ صَلَواتِكَ، وَاَصْواتِ دُعآئِكَ، وَتَسْبیحِ مَلائِكَتِكَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَتُوبَ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ[4].

[آداب بیت الخلا]

و چون خواستی متوجه به نماز شوی و حاجت داری به رفتن به بیت الخلا پس ابتدا كن به آن.

---

[1]. بار خدایا براستی من تو را گواه گیرم كه هر چه از نعمت یا عافیتی در دین یا دنیا به من برسد همه از تو است كه یكتائی و شریك نداری سپاس خاص تو است و برمن است سپاسگزاری بر آن تا خوشنود گردی و بالاتر از خشنودي.

[2]. منزه است خدا و ستایش خاص خدا است و معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگتر است.

[3]. معبودی جز خدای یگانه نیست شریك ندارد پادشاهی خاص او است و ستایش هم خاص او است زنده می‌كند و می‌میراند و می‌میراند و زنده می‌كند و او است زنده‌ای كه نمیرد تمام نیكیها بدست اوست و او بر هر چیزی توانا است.

[4]. خدایا براستی از تو خواهم به آمدن روزت و رفتن شبت و رسیدن نمازهایت و صداهای دعایت و تسبیح فرشتگانت كه درود فرستی بر محمد و خاندانش و توبه‌ام بپذیری كه تو براستی توبه پذیر مهربانی.

و آداب بیت الخلا بسیار است و جمله ای از آن بطور اختصار آن است که مقدّم داری در وقت داخل شدن پای چپ را و می‌گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبيثِ الْمُخْبِثِ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ[1].

حالات مستور کردن عورت را از ناظر محترم و حرام است در این حال رو به قبله و پشت به قبله نشستن و مستحب است آنکه بگوئی در حال قضاء حاجت:

اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنی طَيِّباً فی عافِيَةٍ وَاَخْرِجْهُ مِنّی خَبيثاً فی عافِيَةٍ[2].

و وقتی که نظرت افتاد برآنچه ازتودفع شده می‌گوئی:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَلالَ وَجَنِّبْنِی الْحَرامَ[3].

و چون خواستی استنجاء کنی اول استبراء می‌کنی پس دعای رؤیت آب را می‌خوانی:

اَلْحَمْدُ للّٰهِ الَّذی جَعَلَ الْماۤءَ طَهُوراً، وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِساً[4].

و در وقت استنجاء می‌گوئی :

اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجی وَاَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتی ، وَحَرِّمْنی عَلَی النّارِ[5].

و چون از جای خود برخاستی دست راست را بر شکم می‌کشی و می‌گوئی:

---

[1]. به نام خدا و با یاد خدا پناه برم بخدا از پلید ناپاك آلوده آلوده پرور (یعنی) شیطان رانده شده.

[2]. خدایا بخورانم غذای پاك در تندرستی و از من خارجش کن ناپاك در تندرستي.

[3]. خدایا روزی حلالم ده و از حرام دورم کن.

[4]. ستایش خاص خدائی است که آب را پاك کننده قرار داد و ناپاکش نکرد.

[5]. خدایا عورتم را (از گناه) نگه دار و پارسایش کن و آنچه پوشیدنش باید بپوشان و بدنم را بر آتش حرام کن.

اَلْحَمْـدُ للهِ الَّذی اَمـاطَ عَـنِّی الْأَذی وَهَنَّـاَنی طَعـامی وَشَرابی وَعافـانی مِنَ الْبَلْوی[1].

پس بیرون می‌آیی و مقدّم می‌داری پای راست را بر پای چپ و این دعا را می‌خوانی:

اَلْحَمْـدُ للهِ الَّذی عَـرَّفَنی لَذَّتَـهُ وَاَبْقـی فی جَسَـدی ، قُوَّتَـهُ وَاَخْـرَجَ عَـنّی اَذاهُ یا لَها نِعْمَةً، یا لَها نِعْمَةً یا لَها نِعْمَةً لا یَقْدِرُ الْقادِرُونَ قَدْرَها[2].

[آداب وضو گرفتن]

و چون خواستی وضو بگیری ابتداء می‌کنی به مسواك نمودن که دهان را پاکیزه می‌کند و بلغم را برطرف و حفظ را زیاد می‌کند و باعث زیادتی حَسَنات و خوشنودی حق تعالی است و دو رکعت نماز با مسواك افضل است از هفتاد رکعت به غیر از مسواك و اگر مسواك نباشد انگشت مُجزی است از آن.

و سزاوار است که در وقت وضو گرفتن رو به قبله بنشینی و ظرف آب را در جانب راست خود می‌گذاری و چون نگاهت بر آب فتاد این دعا می‌خوانی:

اَلْحَمْدُ للهِ الَّذی جَعَلَ الْمآءَ طَهُوراً، وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِساً[3].

پس می‌شوئی دست خود را پیش از آنکه داخل ظرف آب کُنی و می‌گوئی در وقت داخل کردن دست در ظرف آب:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مِنَ التَّوّابینَ وَاجْعَلْنی مِنَ الْمُتَطَهِّرینَ[4].

---

[1]. سپاس خاص خدائی است که زدود از من آزار را و گوارا کرد بر من خوراك و نوشیدنیم را و از بلیه نگاهم داشت.

[2]. سپاس خدائی را که لذت غذا به من داد و نیرویش را در بدنم نهاد و آزارش را برون برد، وه که چه نعمتی چه نعمتی چه نعمتی که اندازه‌گیران اندازه‌اش نتوانند کرد.

[3]. ستایش خاص خدائی است که آب را پاك کننده قرار داد وقرارش نداد ناپاك.

[4]. به نام خدا و به ذات خدا خدایا مرا از توبه‌کنندگان قرارم ده و نیز قرارم ده از پاکیزه کنندگان.

پس سه دفعه مضمضه می‌کنی با سه کف آب و می‌گوئی:

اَللّهُمَّ لَقِّنی حُجَّتی یَوْمَ اَلْقاكَ، وَاَطْلِقْ لِسانی بِذِكْراكَ[۱].

پس سه دفعه استنشاق می‌کنی و می‌گوئی:

اَللّهُمَّ لا تُحَرِّمْ عَلَیَّ ریحَ الْجَنَّةِ، وَاجْعَلْنی مِمَّنْ یَشَمُّ ریحَها وَرَوْحَها وَطیبَها[۲].

پس شروع کن بشستن صورت ومی گوئی:

اَللّهُمَّ بَیِّضْ وَجْهی یَوْمَ تَسْوَدُّ فیهِ الْوُجُوهُ، وَلا تُسَوِّدْ وَجْهی یَوْمَ تَبْیَضُّ فیهِ الْوُجُوهُ[۳].

پس بردار یك مشت آب به جهت شستن دست راست و در وقت شستن می‌گوئی:

اَللّهُمَّ اَعْطِنی كِتابی بِیَمینی ، وَالْخُلْدَ فِی الْجِنانِ بِیَساری ، وَحاسِبْنی حِساباً یَسیراً[٤].

پس دست چپ را بشوی و در آن وقت می‌گوئی:

اَللّهُمَّ لا تُعْطِنی كِتابی بِشِمالی وَلا مِنْ وَرآءِ ظَهْری ، وَلا تَجْعَلْها مَغْلُولَةً اِلی عُنُقی ، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعاتِ النّیرانِ[٥].

پس مسح کن جلو سر را به رطوبت دست راست خود و می‌گوئی در این حال:

---

[۱]. خدایا دلیل قاطعی روز لقائت بر زبانم نِه و زبانم را به ذکر خودت باز کن.

[۲]. خدایا بوی بهشت را بر من حرام مکن و قرارم ده از زمره کسانی که بوی آن و نسیمش و عطرش را ببوید.

[۳]. خدایا سفید گردان رویم را در آن روزی که روها سیاه گردد و سیاه نکن رویم را روزی که روها سفید گردد.

[٤]. خدایا نامه عملم را بدست راستم ده و رقعه جاوید در بهشت را بدست چپم و حسابم را به آسانی برس.

[٥]. خدایا مده نامه عملم را بدست چپم و نه پشت سرم و قرارش مده بسته به گردنم و پناه برم به تو از پاره‌های (سوزان) آتش.

اَللّهُمَّ غَشِّنى رَحْمَتَكَ وَبَرَكاتِكَ[1].

پس مسح کن پاهای خود را و می‌خوانی در این حال:

اَللّهُمَ ثَبِّتْنى عَلَى الصِّراطِ يَوْمَ تَزِلُّ فيهِ الْأَقْدامُ، وَاجْعَلْ سَعْيِى فيما يُرْضيكَ عنّى يا ذَاالْجَلالِ وَالْأِكْرام[2].

و چون فارغ شدی از وضو می‌گوئی:

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ تَمامَ الْوُضُوءِ وَتَمامَ الصَّلوةِ، وَتَمامَ رِضْوانِكَ وَالْجَنَّةَ[3].

و می‌گوئی نیز اَلْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ و می‌خوانی سوره قدر را سه مرتبه پس بعد از فراغ از وضو بوی خوش بکار می‌بری.

[آداب رفتن به مسجد]

پس روانه می‌شوی به جانب مسجد با حالت سکینه و وقار ومی گوئی در وقت بیرون شدن از خانه به جهت رفتن به مسجد:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذى، خَلَقَنى فَهُوَ يَهْدينِ وَالَّذى هُوَ يُطْعِمُنى وَيَسْقينِ وَاِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفينِ وَالَّذى يُميتُنى ثُمَّ يُحْيينِ، وَالَّذى اَطْمَعُ اَنْ يَغْفِرَ لى خَطيئَتى يَوْمَ الدّينِ، رَبِّ هَبْ لى حُكْماً وَاَلْحِقْنى بِالصَّالِحينَ، وَاجْعَلْ لى لِسانَ صِدْقٍ فِى الْأخِرينَ، وَاجْعَلْنى مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعيمِ، وَاغْفِرْ لِأَبى.

و چون خواستی داخل مسجد شوی اوّل ملاحظه تهِ کفش خود می‌نمائی که نجاستی با آن نباشد پس پای راست را مقدّم می‌داری پس می‌خوانی این دعا را:

---

[1]. خدایا بپوشان مرا به رحمت و برکات خود.

[2]. خدایا مرا بر صراط ثابت بدار در آن روزی که قدمها بلغزد و کوششم را در کاری که تو را خوشنود کند قرار ده ای صاحب بزرگواری و کرامت.

[3]. خدایا از تو می‌خواهم درستی و کمال وضوء و کمال نماز و کمال خوشنودی تو و بهشت را.

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَمِنَ اللَّهِ وَاِلَی اللَّهِ، وَخَیرُ الْأَسْمآءِ کُلِّها لِلَّهِ ، تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ، وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لی اَبْوابَ رَحْمَتِكَ، وَتَوْبَتِكَ وَاَغْلِقْ عَنّی اَبْوابَ مَعْصِیَتِكَ، وَاجْعَلْنی مِنْ زُوّارِكَ وَعُمّارِ مَساجِدِكَ، وَمِمَّنْ یُناجیكَ فی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ، وَمِنَ الَّذینَ هُمْ فی صَلوتِهِمْ خاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطانَ الرَّجیمَ، وَجُنُودَ اِبْلیسَ اَجْمَعینَ.

و چون اراده کردی که نماز کنی می‌گوئی:

اَللّهُمَّ اِنّی اُقَدِّمُ اِلَیْكَ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، بَیْنَ یَدَیْ حاجَتی ، وَاَتَوَجَّهُ بِهِ اِلَیْكَ فَاجْعَلْنی بِهِ وَجیهاً عِنْدَكَ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبینَ وَاجْعَلْ صَلواتی بِهِ مَقْبُولَةً وَذَنْبی بِهِ مَغْفوراً، وَدُعآئی بِهِ مُسْتَجاباً اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ.

[اذان و اقامه]

پس اذان و اقامه می‌گوئی به جهت نماز و ما بین اذان و اقامه فاصله می‌کنی به یك سجده یا نشستنی و این دعا را می‌خوانی:

اَللّهُمَّ اجْعَل قَلْبی بآرّاً وَعَیْشی قآرّاً، وَرِزْقی دآرّاً، وَاجْعَلْ لی عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِكَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ، مُسْتَقَرّاً وَقَراراً.

و آنچه خواهی دعا می‌کنی و حاجت خود را از حقّ تعالی طلب می‌کنی زیرا که دعا در بین اذان و اقامه ردّ نمی شود و بعد از گفتن اقامه می‌خوانی:

اَللّهُمَّ اِلَیْكَ تَوَجَّهْتُ وَمَرضاتَكَ، طَلَبْتُ وَثَوابَكَ ابْتَغَیْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَعَلَیْكَ تَوَکَّلْتُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ مَسامِعَ قَلْبی

لِذِكْـرِكَ وَثَبِّتْـنى عَـلى دينِـكَ، وَلا تُـزِغْ قَلْـبى بَعْـدَ اِذْ هَـدَيْتَنى وَهَـبْ لى مِـنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ.

[آداب نماز صبح]

پس مهيّا مى‌شوى به جهت نماز و حاضر مى‌كنى قلب خود را و ملاحظه مى‌كنى ذلّت مقام خود را و عظمت و جلالت مولاى خود را كه در مقام مناجات با او درآمده اى و چنان باش كه گويا او را مى‌بينى و حيا كن از آنكه با او تكلّم كنى و دلت به جانب ديگر متوجّه باشد پس مى‌ايستى با وقار و خشوع در حالتى كه دستهايت را بر رانهاى خود مقابل سر زانو گذاشته باشى و ما بين قدمهايت بقدر سه انگشت تا يك شبر باز كرده فُرجه مى‌گذارى و نظرت را به موضع سجده مى‌افكنى پس نيّت فريضه صبح بكن قربةً الى اللّه و تكبيرة الاحرام بگو و مستحب است كه شش تكبير ديگر بر او اضافه كنى و در هر تكبيرى دستها را بلند كنى تا محاذى نرمه گوش در حالى كه كف دستها رو به قبله باشد وانگشتها غيراز انگشت بزرگ به هم چسبيده باشد و بخوانى دعاهاى تكبيرات را به اين طريق كه بعد از تكبير سيّم بگوئى:

اَللّهُـمَّ اَنْـتَ الْمَـلِكُ الْحَـقُّ الْمُبـينُ، لا اِلهَ اِلاّ اَنْـتَ، سُـبْحانَكَ اِنّى ظَلَمْـتُ نَفْسى ، فَاغْفِرْ لى ذَنْبى اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاّ اَنْتَ.

و بعد از تكبير پنجم مى‌گوئى:

لَبَّيْـكَ وَسَـعْدَيْكَ وَالْخَـيْرُ فى يَـدَيْكَ، وَالشَّرُّ لَـيْسَ اِلَيْـكَ وَالْمَهْـدِىُّ مَـنْ هَـدَيْتَ عَبْـدُكَ وَابْـنُ عَبْـدَيْكَ، ذَليـلٌ بَـيْنَ يَـدَيْكَ، مِنْـكَ وَبِـكَ وَلَكَ وَاِلَيْـكَ لا

مَلْجَأَ وَلا مَنْجا، وَلا مَفَرَّ مِنْكَ اِلاَّ اِلَيْكَ، سُبْحانَكَ وَحَنانَيْكَ تبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ، سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرامِ.

و بعد از تكبير هفتم می‌گوئی:

وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذى فَطَرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ، عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ، حَنيفاً مُسْلِماً وَما اَ نَا مِنَ الْمُشْرِكينَ، اِنَّ صَلوتى وَنُسُكى وَمَحْياىَ وَمَماتى للّهِ رَبِ الْعالَمينَ، لا شَريكَ لَهُ وَبِذلِكَ اُمِرْتُ، وَاَ نَا مِنَ الْمُسْلِمينَ.

و چون خواهی شروع کنی به قرائت کلمه استعاذه را آهسته می‌گوئی پس بخوان سوره حمد را با آداب تمام و حضور قلب و تفکّر در معانی آن و بعد از فراغ بقدر یك نفس ساکت می‌شوی پس بخوان سوره ای از قرآن و خوبست که امثال سوره عَمَّ وَ هَلْ اَتى ولاٰاُقْسِمُ بوده باشد پس از آن نیز به قدر یك نفس ساکت می‌ایستی پس دستها را بلند می‌کنی به جهت گفتن تکبیر به طریقی که سابق ذکر شد پس برو به رکوع و می‌گذاری دست راست را بر سر زانوی راست پیش از گذاشتن دست چپ بر زانوی چپ و انگشتان کف دست را از هم باز می‌کنی و پُر می‌کنی آنها را از زانوهای خود و کمر را خم نموده و گردن را کشیده و مساوی با کمر و نظر را به ما بین قدمها می‌افکنی و بگو سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ و سزاوار است که این ذکر را هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه بگوئی و پیش از گفتن ذکر این دعا را بخوانی:

اَللّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبّى خَشَعَ لَكَ سَمْعى وَبَصَرى ، وَشَعْرى وَبَشَرى وَلَحْمى وَدَمى وَمُخّى

وَعَصَبی ، وَعِظامی وَما اَقَلَّتْهُ قَدَمایَ غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَلا مُسْتَکْبِرٍ وَلا مُسْتَحْسِرٍ.

پس برخیز از رکوع وبایست ودر اینحال می‌گوئی سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ پس تکبیر می‌گوئی وبرو به سجده با نهایت خضوع و خشوع و کفها را پهن کرده پیش از زانوها بر زمین می‌گذاری و سجده می‌کنی بر تربت امام حسین علیه السلام و ذکر سجود را بگو و بهتر آنکه هفت یا پنج یا سه مرتبه بگوئی و پیش از ذکر این دعا را بخوانی:

اَللّهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ وَبِکَ آمَنْتُ، وَلَکَ اَسْلَمْتُ، وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ، وَاَنْتَ رَبّی سَجَدَ وَجْهی لِلَّذی خَلَقَهُ، وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ، اَلْحَمْدُ للّهِ رَبِّ الْعالَمینَ، تَبارَکَ اللّهُ اَحْسَنُ الْخالِقینَ.

پس ذکر را بگو و سر از سجده بردار و بنشین و مستحبّ است که تکبیر بگوئی و متورّکاً بنشینی وبگوئی:

اَسْتَغْفِرُ اللّهَ رَبّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ.

و نیز می‌گوئی:

اَللّهُمَّ اغْفِرْ لی وَارْحَمْنی ، وَاجْبُرْنی وَادْفَعْ عَنّی وَعافِنی ، اِنّی لِما اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقیرٌ تَبارَکَ اللّهُ رَبُّ الْعالَمینَ.

پس تکبیر می‌گوئی و برو به سجده دوّم و به عمل می‌آوری آنچه را که در سجده اوّل بجامی آوردی پس سراز سجده بردار و جلسه استراحت را بجامی آوری پس برخیز و در حال برخاستن می‌گوئی:

بِحَوْلِ اللّهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ.

و چون قرار گرفتی بخوان حمد و سوره و بهتر آنکه سوره توحید بخوانی و مستحب است گفتن سه مرتبه كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبِّی بعد از فراغ از سوره توحید پس تکبیر می‌گوئی و دستها را به جهت قنوت بلند می‌کنی تا به مقابل صورت و شکم کف دستها را بسوی آسمان می‌کنی و انگشتها را بهم می‌چسبانی سوای انگشت بزرگ.

و خوبست آنکه اختیار کنی به جهت قنوت خواندن کلمات فرج راو بخوانی بعد از آن:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَارْحَمْنا وَعافِنا، وَاعْفُ عَنّافِی الدُّنْیا وَالْأخِرَةِ، اِنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

پس می‌گوئی:

اَللّٰهُمَّ مَنْ كانَ اَصْبَحَ وَلَهُ ثِقَةٌ اَوْ رَجاءٌ غَیْرُكَ، فَاَنْتَ ثِقَتی وَرَجآئی یا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَیااَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ ضَعْفی وَمَسْكَنَتی ،وَقِلَّةَ حیلَتی وَامْنُنْ عَلَیَّ بِالْجَنَّةِ، طَوْلاً مِنْكَ وَفُكَّ رَقَبَتی مِنَ النّارِ، وَعافِنی فی نَفْسی وَفی جَمیعِ اُمُوری ، بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

و سزاوار است طول دادن قنوت و دعاهائی که در قنوت خوانده می‌شود بسیار است پس تکبیر می‌گوئی و رکوع و سجود را بجا بیاور بهمان نحو که مذکور شد

و بعد از فراغ از دو سجده بنشین از برای تشّهد و سلام و مستحب است آنکه مُتَوَرِّكاً بنشینی و پیش از تشهد بگوئی:

بِسْــمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَالْأَسْمــآءُ الْحُسْــنى ، كُلُّهــا للَّهِ وَالْحَمْــدُ للَّهِ وَخَــيْرُ الْأَسْمآءِ للَّهِ ، اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللَّهُ.

تا آخر

و چون فارغ شدی از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب که تأکید و امر بسیار به آن شده و حق تعالی فرموده فَاِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَاِلی رَبِّكَ فَارْغَبْ و روایت شده در تفسیر آیه یعنی چون فارغ شوی از نماز خود را به تعب انداز در دعا و بسوی پروردگار خود رغبت کن و حاجات خود را از او بطلب و امید خود را از غیر او قطع کن و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که هر که از شما فارغ گردد از نماز پس باید دستها را بلند کند بسوی آسمان و خود را به تعب افکند در دُعا، و از روایات استفاده شده که تعقیب زیاد کننده روزی است و مؤمن در نماز است و ثواب نماز دارد مادام که به ذکر حق تعالی مشغول است و دعا بعد از نماز واجب بهتر است از نماز سُنّت و علامه مجلسی رحمه الله فرموده که تعقیب ظاهرش آن است که قرآن و دعا و ذکر که متّصل باشد به نماز عرفاً تعقیب می‌باشد و لکن افضل آن است که با وضو باشد و نشسته باشد رو به قبله و بهتر آن است که برطریق تشهّد نشسته باشد و سخن نگوید در اثنای تعقیب خصوصاً در تعقیب نماز شام و بعضی گفته اند که جمیع شرایط نماز را در تعقیب رعایت کنند و ظاهر آن است که به هر حالی که بعد از نماز مشغول قرآن و ذکر و دعا باشد ثواب تعقیب فی الجمله داشته باشد اگر چه در راه رفتن باشد مؤلّف گوید که از ائمّه اطهارعلیهم السلام دعاهای بسیار برای دین و دنیا در تعقیب نمازها وارد شده و چون اشرف عبادات بدنیه نماز است و تعقیبات ماثوره

را در تکمیل نمازها مدخلیتی عظیم است و ایضاً موجب رفع درجات و حَطّ سیّئات و حُصول مطالب و

حاجات می‌گردد بخاطر داعی رسید که جمله ای از آنها را دراین رساله ایرادکنم و نقل کنم اکثر آن را از کتاب بحار و مقباس علامه مجلسی عطراللَّهُ مَرْقَدَهُ الشَّریف.

[تعقیبات نمازها]

پس گوئیم تعقیبات بر دو قسم است تعقیبات مشترکه و تعقیبات مختصّه،

[تعقیبات مشترکه]

امّا مشترکه و آن تعقیباتی است که بعد از هر نماز خوانده شود و آن بسیار است و ما در اینجا به چند امر از آن اکتفا می‌نمائیم:

اوّل تسبیح حضرت فاطمه زهراء صلوات اللّه علیها است و احادیث در فضیلت این زیاده از حدّ و احصاء است از حضرت صادق علیه السلام منقول است که ما امر می‌کنیم کودکان خود را به تسبیح فاطمه علیها السلام چنانکه امر می‌کنیم ایشان را به نماز پس آن را ترك مکن که هر که مداومت نماید بر آن شقی و بدبخت نمی شود و در روایات معتبره وارد شده که ذکر کثیر که خدا در قرآن مجید به آن امر فرموده تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام است و هر که بعد از هر نماز بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یاد کرده و به آیه کریمه «وَاذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثیراً» عمل نموده و به سند معتبر از امام محمّد باقر علیه السلام مرویست که هر که تسبیح فاطمه سلام اللّه علیها را بگوید و بعد از آن استغفار کند خدا او را بیامرزد و آن بر زبان صد هست و در میزان عمل هزار و شیطان را دور

می‌کند و خدا را خوشنود می‌گرداند و به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که تسبیح فاطمه علیها السلام را بعد از نماز بگوید پیش از آنکه پاها را از هیئت نماز بگرداند آمرزیده شود و بهشت او را واجب گردد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که تسبیح فاطمه علیها السلام را بعد از هر نماز خواندن بهتر است نزد من از آنکه هزار رکعت نماز بگذارد در هر روزی و در روایت معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که عبادت الهی کرده نشده است به چیزی از تسبیح و تمجید که بهتر از تسبیح فاطمه علیها السلام باشد و اگر چیزی از آن بهتر می‌بود حضرت رسول صلی الله علیه وآله آن را به حضرت فاطمه علیها السلام عطا می‌فرمود و احادیث در فضل آن زیاده از آنست که در این رساله ایراد توان کرد و در کیفیّت آن اختلافی در احادیث هست و اشهر و اظهر آن است که سی و چهار مرتبه اَللَّهُ اَكْبَرُ و سی و سه مرتبه اَلْحَمْدُلِلَّهِ و سی و سه مرتبه سُبْحانَ اللَّهِ بگوید و در بعضی روایات سُبْحانَ اللَّهِ پیش از اَلْحَمْدُلِلَّهِ وارد شده و بعضی از علماء جمع به این نحو کرده اند که بعد از نماز بطریق اوّل بخواند و در هنگام خواب رفتن بطریق ثانی و ظاهراً مطلقاً بطریق اوّل که مشهور است اَوْلی باشد و سنّت است که بعد از اتمام کردن يك نوبت لااِلهَ اِلاَّ اللَّهُ بگوید چنانکه از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که بعد از هر نماز فریضه تسبیح فاطمه علیها السلام را بگوید و در عقب آن يك مرتبه لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ بگوید خدا او را بیامرزد و بهتر آن است که به تسبیح تربت حضرت امام حسین علیه السلام حساب آن را نگاه دارد و در جمیع اذکار سنّت است و پیوسته تسبیح تربت آن حضرت را با خود داشتن مستحبّ است و حرز از

بلاها است و مورث ثواب بی انتها است و منقولست که در ابتدا حضرت فاطمه علیها السلام رشته ای از پشم تابیده بودند و بر آن گِرِه ها زده بودند و به آن تسبیح می‌گفتند تا آنکه حضرت حمزة بن عبدالمطّلب رضی الله عنه شهید شد پس حضرت فاطمه علیها السلام از تربت قبر آن شهید بزرگوار خاك برگرفت و تسبیح ساخت و به آن تسبیح می‌کرد مردم نیز چنان کردند و چون سیّدالشّهداء حسین بن علیّ علیهما السلام شهید شد سنّت شد که از تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و با آن ذکر گویند از حضرت صاحب الأمرعلیه السلام مرویست که هر که تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند ثواب ذِکر برای او نوشته می‌شود و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تسبیح تربت آن حضرت ذکر می‌کند و تسبیح می‌گوید بی آنکه آدمی بگوید و فرمود که یك ذکر یا استغفار که با آن گفته می‌شود برابر است با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود و اگر بی ذکر بگرداند به هر دانه هفت تسبیح برای او نوشته می‌شود و به روایت دیگر اگر با ذکر بگرداند به هر دانه چهل حَسَنه برای او نوشته می‌شود و مروی است که حوریان بهشت چون ملکی را می‌بینند که به زمین می‌آید از او التماس می‌کنند که تسبیح و تربت حضرت حسین علیه السلام را برای ما بیاور و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که مؤمن می‌باید خالی نباشد از پنج چیز: مسواك و شانه و سجّاده که بر روی آن نماز کند و تسبیحی که در آن سی و چهار دانه باشد و انگشتر عقیقی و ظاهر آن است که خام و پخته هر دو خوب است و خام بهتر است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که به تسبیح

تربت قبر امام حسین علیه السلام یك تسبیح بگوید حق تعالی برای او چهار صد حسنه بنویسد و چهارصد گناه از او محو کند و چهارصد حاجت او را برآورد و چهارصد درجه برای او بلند کند و مروی است که مستحبّ است که رشته اش کبود باشد به رنگ آسمان و از بعضی روایات مستفاد می‌شود که زنان را به انگشتان شمردن افضل است ولکن احادیث فضیلت تربت مطلقاً اکثر و اقوی است

دویّم مستحبّ است که بعد از سلام نماز فریضه سه مرتبه دست بردارد تا محاذی روی و برگرداند تا به زانو یا نزدیك زانو و با هر مرتبه یك اَللّٰهُ اَكْبَرُ بگوید چنانکه علیّ بن ابراهیم و سیّد بن طاوس و ابن بابویه به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که مفضّل بن عمر از آن حضرت پرسید که به چه علت نماز گذارنده بعد از سلام سه مرتبه تکبیر می‌گوید و دست برمی دارد فرمود برای آنکه چون حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله فتح مکّه نمود نزد حجرالأسود نماز ظهر با اصحاب گذارد و چون سلام نماز داد سه نوبت تکبیر گفت و با هر نوبت دست برداشت پس گفت:

لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ،وَاَعَزَّ جُنْدَهُ، وَغَلَبَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِى وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس رو به جانب اصحاب گردانید و فرمود ترك مکنید این تکبیر را و این دعا را بعد از هر نماز فریضه زیرا که هر که بعد از سلام چنین کند ادا کرده است شکر نعمت خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام و در حدیث صحیح منقول

است که چون حضرت صادق علیه السلام از نماز فارغ می‌شدند دستها را بالای سر مبارك خود بلند می‌کردند و دعاء می‌نمودند و از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر بنده ای که دستها را بسوی خدا بلند کند حقّ تعالی شرم می‌کند که دستهای او را خالی برگرداند پس چون دعا کنید دستها را فرو میاورید مگر آنکه بر سر و روی خود بکشید.

سیّم کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که هر کس بعد از نماز فریضه پیش از آنکه پاهای خود را بگرداند سه مرتبه این دعا را بخواند خدا گناهان او را بیامرزد اگرچه مانند کفّ دریا باشد در بسیاری:

اَسْتَغْفِرُ اللّهَ الَّذی لا اِلهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ، ذُوالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ، وَاَتُوبُ اِلَیْهِ.

و در روایت دیگر وارد شده است که هر که این استغفار را در هر روز بخواند حق تعالی چهل کبیره او را بیامرزد

چهارم کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ترك مکن بعد از هر نماز این دعا را:

اُعیذُ نَفْسی وَما رَزَقَنی رَبّی بِاللّهِ الْواحِدِ الصَّمَدِ، الَّذی لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ، وَاُعیذُ نَفْسی وَما رَزَقَنی رَبّی بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ، وَمِنْ شِرِّ غاسِقٍ اِذا وَقَبَ، وَمِنْ شَرِّ النَّفّاثاتِ فِی الْعُقَدِ، وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ اِذا حَسَدَ، وَاُعیذُ نَفْسی وَما رَزَقَنی رَبّی بِرَبِّ النّاسِ، مَلِكِ النّاسِ، اِلهِ النّاسِ، مِنْ شَرِّالْوَسْواسِ الْخَنّاسِ،الَّذی یُوَسْوِسُ فی صُدُورِ النّاسِ، مِنَ الْجِنَّةِ وَالنّاسِ.

پنجم شیخ کلینی به سند معتبر از علیّ بن مهزیار روایت کرده است که محمّد بن ابراهیم به حضرت امام علیّ نقیّ علیه السلام نوشت که اگر مصلحت دانی ای سیّد من تعلیم نما برای من دعائی که بعد از همه نمازها بخوانم تا حق تعالی به سبب آن جمع نماید برای من خیر دنیا و آخرت را پس آن حضرت نوشت که می‌گوئی:

اَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتی لا تُرامُ وَقُدْرَتِكَ، الَّتی لا يَمْتَنِعُ مِنْها شَیْ ءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ، وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجاعِ كُلِّها.

و در بعضی از روایات این تتمه را دارد:

وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

ششم کلینی و ابن بابویه به سندهای صحیح و غیر صحیح از حضرت امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام روایت کرده اند که کمتر چیزی که تو را مجزی است از دعاء بعد از نماز واجب آن است که بگوئی:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ عافِيَتَكَ فی اُمُوری كُلِّها، وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيا وَعَذابِ الْأخِرَةِ.

و در روایت ابن بابویه چنین است:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ تا آخر دعا

هفتم سنّت است که چون از نماز فارغ شود بگوید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاَجِرْنی مِنَ النّارِ، وَاَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ وَزَوِّجْنِي الْحُورَ الْعينَ.

چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که باید بنده از نماز فارغ نشود تا آنکه از حق تعالی سؤال کند بهشت را و پناه برد به خدا از دوزخ و سؤال کند که تزویج کند او را با حورالعین.

هشتم به سند موثّق از حضرت صادق علیه السلام مرویست که چون حق تعالی امر کرد که این آیات را به زمین آورند چنگ زدند به عرش الهی و گفتند پروردگارا ما را بسوی اهل خطا و گناهکاران می‌فرستی پس حق تعالی وحی کرد بسوی ایشان که بروید بسوی زمین به عزّت و جلال خودم سوگند یاد کنم که تلاوت نکند شما را احدی از آل محمدصلی الله علیه وآله و شیعیان ایشان مگر آنکه نظر رحمت کنم بسوی ایشان از رحمتهای پنهان خود هر روز هفتاد نظر در هر نظری هفتاد حاجت او را برآورم و او را قبول کنم هر چند معصیت بسیار کرده باشد و به روایت دیگر هر که این آیات را بعد از هر نماز بخواند او را ساکن گردانم در حَظیره قدس با هر گناهی که داشته باشد و اگر نکنم نظر کنم بسوی او بنظر رحمت خاصّ خود در هر روز هفتاد نظر کردن و اگر نکنم هر روز هفتاد حاجت او را برآورم که کمتر آنها آمرزیدن گناهان باشد و اگر نکنم او را پناه دهم از شرّ شیطان و از شرّ هر دشمنی و یاری دهم او را بر ایشان و مانع نشود او را از داخل شدن بهشت غیر از مرگ و آن آیات اینها است سوره فاتحه تا آخر و آیةالکرسی تا هُمْ فیها خالِدُونَ بخواند بهتر است و آیه شهادت یعنی:

شَهِدَ اللَّهُ اَنَّهُ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ وَالْمَلائِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ، قآئِماً بِالْقِسْطِ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ، اِنَّ الدّینَ عِنْدَ اللَّهِ الْأِسْلامُ، وَمَا اخْتَلَفَ الَّذینَ

أُوتُوا الْكِتابَ اِلاَّ مِنْ بَعْدِ ما جاۤءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْياً بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاياتِ اللَّهِ فَاِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسابِ.

و آیه مُلك یعنی:

قُلِ اللّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ، مَنْ تَشاۤءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ، مِمَّنْ تَشاۤءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشاۤءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشاۤءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ، تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ، وَتُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ، وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ، مِنَ الْحَيِّ، وَتَرْزُقُ مَنْ تَشاۤءُ، بِغَيْرِ حِسابٍ.

و به سند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که آیةالکرسی را بعد از هر نماز فریضه بخواند او را گزنده ضرر نرساند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود که یا علی بر تو باد به تلاوت کردن آیةالکرسی بعد از هر نماز فریضه بدرستی که محافظت نکند بر آن مگر پیغمبری یا صدّیقی یا شهیدی و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله منقولست که هر که آیةالکرسی را بعد از هر نماز بخواند مانعی نباشد او را از داخل شدن به بهشت بغیر مرگ و به روایت دیگر هر که آیةالکرسی را بعد از هر نماز فریضه بخواند نمازش مقبول گردد و در امان خدا باشد و خدا او را از بلاها و گناهان نگاه دارد.

نهمّ کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که شیبه هذلی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد و گفت یا رسول اللّه صلی الله علیه وآله من پیر شده ام و قوّه ام وفا نمی‌کند به اعمالی که قبل از این خود را به آن عادت داده بودم از نماز و

روزه و حجّ و جهاد پس تعلیم کن مرا کلامی که خدا مرا به آن نفع بخشد و بر من سبك و آسان باشد حضرت فرمود که بار دیگر بگو او سه مرتبه این سخن را اعاده کرد پس حضرت فرمود که نماند بر دُوْرِ تو درختی و کلوخی مگر اینکه گریست بر تو برای ترحّم بر تو هرگاه از نماز صبح فارغ شوی ده مرتبه بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ الْعَظيمِ، وَبِحَمْدِهِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

تا خدا تو را عافیت دهد به برکت این دعا از کوری و دیوانگی و خوره و پیسی و پریشانی و خَرِفْ شدن شیبه گفت: یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وآله این برای دنیای من است برای آخرت من چیزی بفرما فرمود که می‌گوئی بعد از هر نماز:

اَللّهُمَّ اهْدِنی مِنْ عِنْدِكَ، وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكاتِكَ.

پس حضرت فرمود که اگر بر این مواظبت نماید و عمداً ترك نکند تا وقت مردن چون به صحرای محشر درآید هشت دَرِ بهشت برای او گشوده گردد که از هر دَرْ که خواهد داخل شود و دعای آخر به اسانید معتبره دیگر وارد شده.

دهمّ خواندن تسبیحات اربع است چنانچه شیخ طوسی و ابن بابویه و حمیری به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که روزی حضرت رسالت پناه صلی اللّه علیه وآله به اصحاب خود فرمود اگر جمع کنید آنچه دارید از جامها و ظرفها و بر روی هم گذارید آیا به آسمان می‌رسد گفتند نه یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وآله فرمود که می‌خواهید تعلیم کنم شما را چیزی که اصلش

درزمین است وشاخهایش در آسمان گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که بعد از هر نماز سی نوبت بگوئید:

سُبْحانَ اللَّهِ ، وَالْحَمْدُ للَّهِ، وَلا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ اَكْبَرُ

که اصل اینها در زمین است و فرعشان در آسمان و دفع می‌کند از آدمی خانه فرود آمدن و غرق شدن و سوختن و در چاه افتادن و دریدن درّندگان و به مرگهای بد مردن و هر بلائی که در آن روز از آسمان نزول کند و اینهایند باقیات صالحات که حقّ تعالی در قرآن فرموده و به سندهای صحیح دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که این تسبیحات را بعد از هر نماز فریضه چهل نوبت بخواند پیش از آنکه از جای نماز حرکت کند هر حاجت که از خدا سؤال کند روا گردد و به سند صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که بعد از نماز فریضه سی مرتبه سُبْحانَ اللَّهِ بگوید بربدنش گناهی نماند مگر بریزد و در حدیث صحیح دیگراز آن حضرت منقول است که ذکر بسیار که حق تعالی در کلام مجید مدح کرده است این است که سی مرتبه سُبْحانَ اللَّهِ بعد از هر نماز فریضه بگوید و قطب راوندی روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به براء بن عازب گفت که می‌خواهی دلالت کنم تو را بر امری که چون بجا آوری به حقّ و راستی دوست خدا باشی گفت بلی فرمود که بعد از هر نماز هر یك از تسبیحات اربع را ده مرتبه بگو چون چنین کنی هزار بلیّه در دنیا از تو دورگردد که یکی ازآنها مرتدّ شدن باشد و هزارمرتبه در آخرت برای تو ذخیره کنند که یکی آن باشد که در جوار حضرت رسول صلی الله علیه وآله باشی.

یازدهم کلینی به سند حسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز فریضه سه مرتبه بگوید:

یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشآءُ، وَ لایَفْعَلُ ما یَشآءُ اَحَدٌ غَیْرُهُ،

هر حاجت سؤال کند روا شود

دوازدهم شیخ برقی به سند موثق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از فارغ شدن از نماز پیش از آنکه زانوهای خود را از جای خود حرکت دهد ده مرتبه این تهلیل را بخواند حق تعالی چهل هزار هزار گناه او را محو کند و چهل هزار هزار حسنه برای او بنویسد و چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و فرمود که من صد مرتبه می‌خوانم و شما را ده مرتبه کافی است:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ، اِلهاً واحِداً اَحَداً صَمَداً، لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً.

و فضیلت این تهلیل بسیار وارد شده است خصوصاً در تعقیب نماز صبح و شام و هنگام طلوع و غروب آفتاب.

سیزدهم کلینی و ابن بابویه و دیگران به سندهای صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که جبرئیل به نزد حضرت یوسف علیه السلام آمد در زندان و گفت بعد از هر نماز بگو:

اَللّهُمَّ اجْعَلْ لی فَرَجاً وَمَخْرَجاً، وَارْزُقْنی مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَیْثُ لا اَحْتَسِبُ.

چهاردهم در بلدالأمین از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که خواهد که خدا او را در قیامت بر اعمال بد او مطلّع نگرداند و دیوان گناهان او را نگشاید باید که بعد از هر نماز بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ مَغْفِرَتَكَ اَرْجی مِنْ عَمَلی ، وَاِنَّ رَحْمَتَكَ اَوْسَعُ مِنْ ذَنْبی ، اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ ذَنْبی عِنْدَكَ عَظیماً فَعَفْوُكَ، اَعْظَمُ مِنْ ذَنْبی ، اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ اَکُنْ اَهْلاً اَنْ تَرْحَمَنی ، فَرَحْمَتُكَ اَهْلٌ اَنْ تَبْلُغَنی وَتَسَعَنی ، لِأَنَّها وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

پانزدهم کفعمی از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله روایت کرده است که مردی به آن حضرت شکایت کرد بیماری و تنگدستی را فرمود که بعد از هر نماز فریضه بگو:

تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً، وَلا وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَریكٌ فِی الْمُلْكِ، وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبیراً.

و به روایت دیگر فرمود که هیچ شدّتی مرا رو نداد مگر آنکه جبرئیل برای من مُتمثّل شد و گفت که این دعا بخوان و در احادیث معتبره وارد شده است که برای وساوِس سینه و قرض و پریشانی و بیماری مکرّر این دعا را باید خواند و در بعضی روایات در اوّلش «لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ» است.

شانزدهم شیخ مفید در مقنعه در تعقیب هر نماز این دعا را آورده است:

اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِالْعِلْمِ وَزَیِّنّا بِالْحِلْمِ وَجَمِّلْنا بِالْعافِیَةِ وَکَرِّمْنا بِالتَّقْوی اِنَّ وَلِیِّیَ اللّٰهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ وَهُوَ یَتَوَلَّی الصّالِحینَ.

هفدهم ابن بابویه و شیخ طوسی و غیر ایشان به سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که خواهد بیرون رود از دنیا و حال آنکه پاك شده باشد از گناهان چنانچه پاك می‌شود طلا از غشّ و از او احدی بازخواست مظلمه ننماید در قیامت پس بخواند بعد از نمازهای پنجگانه نسبت پروردگار را یعنی سوره قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد را دوازده مرتبه پس دستها را بسوی آسمان بگشاید و این دعا را بخواند پس حضرت فرمود که این از رازهای مکنون است که تعلیم کرد مرا رسول خداصلی الله علیه وآله و امر کرد مرا که تعلیم به حسن و حسین علیهما السلام نمایم و دعا این است:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبارَكِ وَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظیمِ وَسُلْطانِكَ الْقَدیمِ یا واهِبَ الْعَطایا یا مُطْلِقَ الْأُساری یا فَكّاكَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفُكَّ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَاَخْرِجْنی مِنَ الدُّنْیا آمِناً وَاَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ سالِماً وَاجْعَلْ دُعآئی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَاَوْسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرَهُ صَلاحاً اِنَّكَ اَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ

و در بعضی نسخ معتبره دعا چنین است:

یا فَكّاكَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَاَنْ تُخْرِجَنی مِنَ الدُّنْیا سالِماً وَتُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ آمِناً وَاَنْ تَجْعَلَ دُعآئی اَوَّلَهُ فَلاحاً وَاَوْسَطَهُ نَجاحاً وَآخِرَهُ صَلاحاً اِنَّكَ اَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ

و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که ایمان دارد به خدا و روز قیامت باید که ترك نکند بعد از هر نماز فریضه

خواندن سوره قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ را بدرستی که هر که بخواند آن را خدا جمع کند برای او خیر دنیا و آخرت را و می‌آمرزد او را و پدر و مادر او را و هر که از پدر و مادر او به هم رسیده اند و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که بعد از هر فریضه ده مرتبه سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ بخواند حق تعالی از حورالعین به او تزویج نماید و سید بن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که بعد از هر نماز سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ بخواند رحمت از آسمان بر سرش فرو ریزد و سکینه بر او نازل گردد و خدا نظر رحمت بسوی او افکند و گناهانش را بیامرزد و هر حاجت که سؤال کند برآورد و در امان خدا باشد.

هیجدهم کلینی و دیگران به سند معتبر از اهلبیت علیهم السلام روایت کرده اند که هر که بعد از هر نماز ریش خود را بدست راست خود بگیرد و دست چپ را بسوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید:

یا ذَاالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ اِرْحَمْنی مِنَ النَّارِ

پس سه مرتبه بگوید:

اَجِرْنی مِنَ الْعَذابِ الْأَلیمِ

پس دست راست را از ریش بردارد و هر دو دست را بسوی آسمان بگشاید و سه مرتبه بگوید:

یا عَزیزُ یا کَریمُ یا رَحْمنُ یا غَفُورُ یا رَحیمُ

پس دستها رابگرداند وپشت دستها را به جانب آسمان کند و سه مرتبه بگوید:

اَجِرْنی مِنَ الْعَذابِ الْأَلیمِ

پس بگوید:

وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْمَلائِكَةُ وَالرُّوحُ

پس حضرت فرمود که هر که این دعا را بخواند خدا جمیع گناهان او را بیامرزد و از او راضی شود و استغفار کند برای او جمیع خلایق بغیر از جنّ وانس تاهنگام مردن او.

نوزدهم شیخ مفید در کتاب مجالس از محمّدبن الحنفیّة روایت کرده است که روزی پدرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در دور کعبه طواف می‌کرد ناگاه مردی را دید که چنگ در پرده های کعبه زده و این دعا می‌خواند پس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام گفت این است دعای تو گفت بلی مگر شنیدی حضرت فرمود بلی شنیدم گفت پس بخوان این دعا را بعد از هر نماز بخدا سوگند که هر مؤمنی که این دعا بخواند بعد از هر نماز البته حقّ تعالی می‌آمرزد گناهان او را هر چند به عدد ستاره های آسمان و قطره های باران و ریگ زمین و ذرّه های خاك باشد پس حضرت امیرعلیه السلام گفت که من می‌دانم این دعا را و حق تعالی واسع العطایا و کریم است آن مرد گفت راست گفتی یا امیرالمؤمنین وبالای هردانائی داناتری است و آن مرد حضرت خضر علیه السلام بود و کفعمی نیز این دعا را در کتاب بلد الأمین روایت کرده است و دعا این است:

يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يا مَنْ لا يُغَلِّطُهُ السَّآئِلُونَ وَيا مَنْ لا يُبْرِمُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّينَ اَذِقْنى بَرْدَ عَفْوِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَحَلاوَةَ رَحْمَتِكَ.

بیستم دیلمی در اعلام الدّین از ابن عبّاس روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که سه مرتبه این آیات را بعد از نماز مغرب بخواند

آنچه از ثواب در روز گذشته از او فوت شده باشد دریابد و نمازش مقبول گردد و اگر بعد از هر نماز فریضه و سنّت بخواند نوشته شود برای او حسنات به عدد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگ درختان و ذرّات خاك زمین و چون بمیرد به هر حسنه ده حسنه در قبر به او داده شود واین است آیات:

فَسُبْحانَ اللَّهِ حينَ تُمْسُونَ وَحينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيّاً وَحينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَكَذلِكَ تُخْرَجُونَ سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

بیست و یکم سیّد بن طاوس به سند معتبر از جمیل بن درّاج روایت کرده است که مردی به خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام آمد و گفت ای مولای من سنّم بالا رفته است و خویشان من مُردند و مونسی ندارم و می‌ترسم که مرا نیز مرگ دریابد حضرت فرمود که برادران مؤمن صالح برای انس گرفتن بهترند از اقارب و اگر درازی عمر خود و خویشان و دوستان را خواهی این دعا را بعد از هر نماز بخوان:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّهُمَّ اِنَّ رَسُولَكَ الصّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قالَ اِنَّكَ قُلْتَ ما تَرَدَّدْتُ فى شَىْءٍ اَ نَا فاعِلُهُ كَتَرَدُّدى فى قَبْضِ رُوحِ عَبْدِىَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَاَكْرَهُ مَسآئَتَهُ اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَالْعافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَلا تَسُؤْنى فى نَفْسى وَلا فى اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتى.

و اگر خواهی يك يك از دوستان خود را نام ببر و بگو: «وَ لافی فُلانٍ وَ لا فی فُلانٍ» راوی گفت: چون بر این دعا مداومت كردم چندان عمر یافته ام كه از زندگانی ملول شده ام و این دعا بسیار معتبر است و در جمیع كتب دعا نقل شده است.

ذكر تعقیبات مختصّه به نماز صبح

بدانكه تعقیب نماز صبح زیادتر از سایر نمازها است و احادیث در فضیلت خصوص این تعقیب بسیار است از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است كه ذكر خدا بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب كاملتر است در تحصیل روزی از سفر كردن در زمین و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است كه هر كه از طلوع صبح تا طلوع آفتاب در مصلای خود قرار گیرد و به تعقیب مشغول باشد خدا او را از آتش دوزخ مستور گرداند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست كه شیطان لشكر روز را از طلوع صبح تا طلوع آفتاب پهن می‌كند و لشكر شب را از غروب آفتاب تا ذهاب حمره مغربی پس خدا را در این دو ساعت بسیار یاد كنید كه در این دو ساعت شیطان آدمی را از ذكر خدا غافل می‌سازد و به سند صحیح منقولست كه حضرت امام رضا علیه السلام در خراسان چون نماز صبح می‌كردند تا طلوع آفتاب در مصلای خود می‌نشستند و مشغول تعقیب بودند پس خریطه برای آن حضرت می‌آوردند كه مسواكها در آن بود و به يك يك از آنها مسواك می‌كردند پس اندك كُندر می‌خوائیدند پس قرآن مجید را برمی گرفتند و تلاوت می‌كردند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است كه هركه از طلوع صبح تا طلوع آفتاب مشغول تعقیب باشد ثواب

حجّ برای او نوشته می‌شود و در حدیث قدسی واردشده است که حق تعالی می‌فرماید ای فرزند آدم یاد کن مرا بعد از صبح يك ساعت و بعد از عصر يك ساعت تا کفایت کنم جمیع مهمّات تو را.

امّا تعقیبات مختصه به صبح

اوّل ابن بابویه به سند معتبر از امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه «اَسْتَغْفِرُاللَّهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» بگوید خدا او را بیامرزد هر چند در آن روز هفتاد هزار گناه بکند و به روایت دیگر هفتصد گناه

دویّم ایضاً ابن بابویه به سند صحیح و سندهای معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح یازده مرتبه سوره قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ بخواند در آن روز گناهی بر او نوشته نشود بِرَغْمِ اَنْف شیطان و در بلدالأمین از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده که هر که سوره قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ را هر روز ده مرتبه بخواند در آن روز هر چند شیطان سعی کند گناهی بر او نوشته شود نشود

سیّم کلینی به سند صحیح روایت کرده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید «ماشآءاللَّهُ کانَ وَلاحَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ» در آن روز هیچ مکروهی نبیند و شیخ طوسی و دیگران نیز در کتب دعا ذکر کرده اند

چهارم کفعمی و غیر او از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده اند که هر که سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ را بعد از صبح ده مرتبه و نزد زوال

شمس ده مرتبه و بعد از عصر ده مرتبه بخواند به تعب اندازد دو هزار کاتب را سی سال و نیز از آن حضرت مرویست که هر که هفت مرتبه آن را بعد از طلوع فجر بخواند هفتاد صف از ملائکه هفتاد صلوات بر او بفرستند و هفتاد مرتبه بر او ترحّم کنند و از امام محمد تقی علیه السلام ثواب بسیار منقولست برای کسی که سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ را در شبانه روزی هفتاد و شش مرتبه بخواند بعد از طلوع صبح پیش از نماز صبح هفت مرتبه و بعد از نماز صبح ده مرتبه و بعد از زوال شمس پیش از نافله ده مرتبه و بعد از نوافل زوال بیست و یك مرتبه و بعد از نماز عصر ده مرتبه و بعد از نماز عشاء هفت مرتبه و در وقت خواب یازده مرتبه و از جمله ثوابش آن است که حق تعالی هزار ملك خلق کند که در سی و شش هزار سال ثواب آن را برای او بنویسند

پنجم ابن بابویه و سایر علماء رضوان الله علیهم به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هرکه هرروزعقب نمازصبح ده مرتبه بگویدسُبْحانَ اللَّهِ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ وَلاحَوْلَ وَلاقُوةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ حق تعالی او را عافیت دهد از کوری و دیوانگی و خوره و پریشانی و خانه بر سرش فرود آمدن یا خرافت درهنگام پیری

ششم در بلدالأمین ازحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود هر که خواهد که خدا در اجل او تأخیر کند و او را بر دشمنان یاری دهد و از مرگهای بد او را نگاه دارد باید که هر بامداد و پسین بر این دعا مداومت نماید سه مرتبه بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ مِلْأَ الْميزانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ.

و سه مرتبه بگوید:

اَلْحَمْدُ للهِ مِلْأَ الْميزانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ.

و سه مرتبه بگوید:

لا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ مِلْأَ الْميزانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ.

و سه مرتبه بگوید:

اَللَّهُ اَكْبَرُ مِلْأَ الْميزانِ وَمُنْتَهَى الْعِلْمِ وَمَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَسَعَةَ الْكُرْسِيِّ.

هفتم سیّد بن طاوس به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ» به اسم اعظم خدا نزدیکتر باشد از سیاهی چشم به سفیدی آن و به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام منقول است که بعد از نماز صبح و مغرب پیش از آنکه سخن بگوید و حرکت کند هفت مرتبه این دعا بخواند هفتاد نوع بلا از او دور گردد که سهلتر آنها خوره و پیسی و شرّ شیطان و شرّ پادشاهان باشد و در بعضی روایات معتبره سه مرتبه نیز وارد شده و بعضی ده مرتبه و اَقَلّش سه مرتبه و اکثرش صد مرتبه و هر چه بیشتر بگوید ثوابش بیشتر است

هشتم شیخ احمد بن فهد و دیگران روایت کرده اند که مردی به خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام شکایت کرد که کار من بسته شده است و به هر کاری که متوجّه می‌شوم سودی نمی یابم و به هر حاجت که رُو می‌نهم برآورده نمی شود حضرت فرمود که بعد از نماز صبح ده مرتبه بگو «سُبْحانَ اللَّهِ الْعَظیمِ وَبِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَاَسْئَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ» راوی گفت که اندك زمانی که بر این مداومت کردم جمعی از بادیه آمدند و خبر دادند مرا که مردی از اقوام تو مُرده و به غیر از تو وارثی ندارد پس مال بسیار بدست من آمد و تا حال بی نیازم و در کافی و مکارم روایت کرده اند که مردی هلقام نام به آن حضرت عرض کرد که دعائی مرا تعلیم کن که جامع باشد برای دنیا و آخرت و آسان باشد حضرت این دعا را تعلیم او کرد که بعد از نماز صبح بخواند تا آفتاب طلوع کند و مداومت کرد او بر این دعا و حالش نیکو شد

نهمّ عیّاشی از عبدالله بن سنان روایت کرده است که به خدمت حضرت صادق علیه السلام رفتم حضرت فرمود که می‌خواهی تو را دعائی تعلیم کنم که چون بخوانی حق تعالی قرض تو را ادا کند و حال تو نیکو شود گفتم چه بسیار محتاجم به چنین دعا حضرت فرمود که بعد از نماز صبح بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذى لاٰ يَمُوتُ وَالْحَمْدُ للّٰهِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً اَللّٰهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُؤْسِ وَالْفَقْرِ وَمِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَالسُّقْمِ وَاَسْئَلُكَ اَنْ تُعينَنى عَلى اَداءِ حَقِّكَ اِلَيْكَ وَاِلَى النَّاسِ.

و به روایت شیخ طوسی و دیگران چنین است:

وَمِـنْ غَلَبَـةِ الدَّيْـنِ فَصَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَآلِهِ وَاَعِـنّى عَـلى اَدآءِ حَقِّـكَ اِلَيْـكَ وَاِلَى النَّاسِ

دهم کفعمی قدس سره روایت کرده است که مردی به حضرت رسول صلی الله علیه وآله شکایت کرد از تنگدستی و پریشانی و بیماری حضرت فرمود که هر صبح و شام ده مرتبه این دعا را بخواند او سه روز بر این مداومت کرد حال او به صحّت و توانگری و رفاهیّت برگشت و شیخ طوسی و دیگران در تعقیب نماز صبح ذکر کرده اند و دعا این است:

لا حَـوْلَ وَلا قُـوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ تَوَكَّلْـتُ عَـلَى الْحَـيِّ الَّذى لا يَمُـوتُ وَالْحَمْـدُ لِلَّهِ الَّذى لَـمْ يَتَّخِـذْ وَلَداً وَلَـمْ يَكُـنْ لَهُ شَريـكٌ فِى الْمُـلْكِ وَلَـمْ يَكُـنْ لَهُ وَلِىٌّ مِـنَ الذُّلِ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً.

یازدهم شیخ طبرسی و کفعمی و دیگران از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که به اصحاب خود گفت که آیا عاجزید از آنکه هر صبح و شام نزد خداوند عالمیان عهدی بگیرید گفتند چگونه عهدی بگیریم فرمود که این دعا بخوانید هر که این دعا بخواند مُهری بر او می‌زنند و در زیر عرش الهی می‌گذارندچون روز قیامت شود منادی ندا می‌کند که کجایند آنانکه نزد خداوند رحمن عهدی دارند پس آن عهد را به ایشان دهند و با آن عهد داخل بهشت شوند و شیخ طوسی(ره) این دعا را در تعقیب نماز صبح ایراد کرده:

اَللّهُـمَ فـاطِرَ السَّـمواتِ وَالْأَرْضِ عـالِمَ الْغَيْـبِ وَالشَّـهادَةِ الـرَّحْمنَ الـرَّحيمَ اَعْهَـدُ اِلَيْـكَ فى هـذِهِ الدُّنْيـا اَنَّـكَ اَنْـتَ اللَّهُ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْـتَ وَحْـدَكَ لا شَريـكَ لَكَ وَاَنَ مُحَمَّـداً صَـلَّى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَآلِهِ عَبْـدُكَ وَرَسُـولُكَ اَللّهُـمَّ فَصَـلِّ عَـلى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلا تَكِلْنی اِلی نَفْسی ـ طَرْفَةَ عَیْنٍ اَبَداً وَلا اِلی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاِنَّكَ اِنْ وَكَلْتَنی اِلَیْها تُباعِدْنی مِنَ الْخَیْرِ وَتُقَرِّبْنی مِنَ الشَّرِّ ـ اَیْ رَبِّ لا اَثِقُ اِلاَّ بِرَحْمَتِكَ فِصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ وَاجْعَلْ لی عِنْدَكَ عَهْداً تُؤَدّیهِ اِلَیَ یَوْمَ الْقِیمَةِ اِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ.

دوازدهم در عدة الدّاعی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلّم کند بگوید «رَبِّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ» حق تعالی روی او را از آتش جهنم نگاه دارد و ابن بابویه در ثواب الأعمال به سند معتبر روایت کرده است که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگو: اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ تا حق تعالی رُوی تو را از آتش جهنّم نگاه دارد و به روایت دیگر صد مرتبه پیش از سخن گفتن بگو:

یا رَبِّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْتِقْ رَقَبَتی مِنَ النَّارِ.

در سجده شکر است

و چون از تعقیب نماز فارغ شدی پس سجده شکر بجا می‌آوری و اجماعی علماء شیعه است که سجده شکر سنّت است در وقت متجدّد شدن نعمتی یا دفع شدن بلائی و بهترین افرادش سجده بعد از نماز است برای شکر توفیق اداء نماز به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایتست که پدرم امام زین العابدین علیه السلام هیچ نعمتی از خدا یاد نکرد مگر آنکه به شکر آن سجده کرد و هیچ آیه ای نخواند که در آن سجده باشد مگر آنکه سجده می‌کرد و دفع نکرد خدا از او بدی را که از آن می‌ترسید مگر آنکه سجده کرد و از هر نماز واجب که فارغ می‌شد بعد از آن سجده می‌کرد و هر وقت که توفیق می‌یافت که میان دو

کس اصلاح کند برای شکر آن سجده می‌کرد و در جمیع مواضع سجود آن حضرت اثر سجود بود به این سبب آن حضرت را سجّاد می‌نامیدند و ایضاً به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایتست که هر مؤمن که از برای خدا سجده کند برای شکر نعمتی در غیر نماز حق تعالی برای او ده حسنه بنویسد و ده سیّئه محو کند و ده درجه در بهشت بلند گرداند و به سندهای معتبره بسیار از آن حضرت منقولست که نزدیکترین احوال بنده به خدا در حالتی است که در سجده باشد و گریان باشد و در حدیث صحیح دیگر فرمود که سجده شکر واجبست بر هر مسلمانی تمام می‌کنی به آن نماز خود را و خوشنود می‌گردانی به آن پروردگار خود را و ملائکه را از خود به عجب می‌آوری بدرستی که هرگاه که بنده نماز کند و بعد از آن سجده شکر کند پروردگار عالمیان حجاب را از میان بنده و ملائکه بگشاید پس گوید ای ملائکه من نظر کنید بسوی بنده من که ادا کرد فرض مرا و تمام کرد عهد مرا پس سجده کرد نزد من برای شکر آنچه من بر او انعام کرده ام ای ملائکه من او را چه باید داد گویند پروردگارا رحمت تو پس فرماید که دیگر چه باید داد گویند پروردگارا بهشت تو باز فرماید که دیگر چه باید داد گویند کفایت مهمّات او و برآوردن حاجات او پس حق تعالی مکرّر سؤال نماید و ملائکه جواب گویند تا آنکه ملائکه گویند پروردگارا دیگر ما چیزی نمی دانیم آنگاه خداوند کریم فرماید که من او را شکر کنم چنانچه او مرا شکر کرد و اقبال کنم بسوی او به فضل خود و رحمت عظیم خود را در قیامت به او بنمایم و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خداوند عالمیان ابراهیم علیه السلام را برای آن خلیل خود گردانید که سجده بر زمین بسیار می‌کرد و در حدیث معتبر

دیگر فرمود که چون نعمتی از نعمتهای خدا را به یاد آری و در موضعی باشی که کسی از مخالفان تو را نه بیند پهلوی روی خود را بر زمین نه و اگر در جائی باشی که ایشان باشند و نتوانی سجده کرد دست بر پایین شکم خود گذار و خم شو برای تواضع و شکستگی نزد خدا و دست بر شکم گذاشتن برای آن است که مخالفان گمان کنند که پیچی در شکم تو بهم رسیده است و در روایت بسیار وارد شده است که حق تعالی به حضرت موسی علیه السلام خطاب کرد که می‌دانی چرا تو را برگزیدم و از میان خلق تو را کلیم خود گردانیدم موسی گفت: نمی دانم ای پروردگار من فرمود: برای آنکه بر احوال بندگان خود مطلّع شدم در میان ایشان کسی ندیدم که نزد من نفسش از تو ذلیل تر باشد بدرستی که چون تو از نماز فارغ می‌شوی دو طرف روی خود را بر خاك می‌گذاری و به سندموثق از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که سجده بعد از نماز واجب شکر خدا است بر آنکه توفیق داد بنده خود را بر آنکه ادا کرد فرض او را و کمتر آنچه در این سجده گویند آنست که سه مرتبه بگوید شُکْراً لِلَّهِ راوی پرسید که چه معنی دارد شُکْراً لِلَّهِ حضرت فرمود که معنیش آن است که این سجده از من شکر خدا است بر آنکه مرا توفیق داد که به خدمت او قیام نمودم و فرض او را ادا کردم و شکر خدا موجب مزید نعمت و توفیق طاعت است و اگر در نماز تقصیری مانده باشد که به نافله ها تمام نشده باشد به این سجده تمام می‌شود و اما کیفیّت این سجده به هر نحو که واقع شود به عمل می‌آید و احوط آن است که اگر بر زمین باشد و تواند مانند سجده نماز بر هفت عضو سجده کند و پیشانی را بر چیزی گذارد که در نماز بر آن می‌گذارد و افضل آنست که برخلاف سجده نماز دستها را بر زمین بخواباند

و شکم را بر زمین برساند و سنّت است که اوّل پیشانی را بر زمین گذارد پس طرف راست رو را پس طرف چپ رو را پس باز پیشانی را بر زمین گذارد و به این سبب دو سجده شکر می‌گویند و ظاهراً بدون ذکر نیز به عمل می‌آید و سنّت است که ذکری بکند و بهتر آن است که از اذکار و ادعیه باشد که مذکور خواهد شد و مستحبّ است که این سجده را طول دهد چنانچه منقولست که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بعد از طلوع صبح سجده می‌کرد تا وقت زوال و بعد از عصر تا شام و در حدیث دیگر وارد شده که آن حضرت زیاده از ده سال هر روز بعد از طلوع آفتاب تا وقت زوال در سجده بودند و به سند صحیح منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام آنقدر در سجود می‌ماند که سنگ ریزه مسجد از عرق او تر می‌شد و دو طرف روی خود را بر زمین مسجد می‌چسبانید و در رجال کشّی مذکور است که فضل بن شاذان به نزد ابن ابی عمیر آمد و او در سجده بود و سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت و طول سجده او را مذکور ساختند گفت اگر سجود جمیل بن درّاج را می‌دیدید سجود مرا طویل نمی شمردید و گفت روزی به نزد جمیل رفتم و او سجده را بسیار طول داد چون سر برداشت من گفتم که سجده را طول دادید گفت که اگر طول سجده معروف بن خَرَّ بوذ را می‌دیدی سجده مرا سهل می‌شمردی و ایضاً از فضل بن شاذان روایت کرده است که حسن بن علیّ بن فضّال به صحرا می‌رفت برای عبادت و سجده را چندان طول می‌داد که مرغ می‌آمد و بر پشتش می‌نشست به گمان آنکه جامه ای است افتاده و وحشیان بر دور او چرا می‌کردند و از او وحشت نمی کردند و ایضاً روایت کرده است که علیّ بن مهزیار(ره) چون آفتاب

طلوع می‌کرد به سجده می‌رفت و سر برنمی داشت تا برای هزار نفر از برادران خود دعا می‌کرد مثل آنچه از برای خود دعا کرده بود و بر پیشانی او پینه بود مانند زانوی شتر از بسیاری طول سجود و ایضاً روایت کرده است که ابن ابی عمیر بعد از نماز صبح به سجده شکر سر می‌گذاشت و برنمی داشت مگر وقت ظهر و افضل آنست که سجده شکر بعد از جمیع تعقیبات باشد و پیش از نوافل و در نماز مغرب اکثر گفته اند که بعد از نوافل بجا آورد و بعضی پیش از نوافل گفته اند و ظاهراً هر دو خوبست و پیش از نوافل بجا آوردن افضل است چنانچه حمیری از حضرت صاحب الزّمان علیه السلام روایت کرده است و اگر هر دو را به عمل آورد شاید بهتر باشد.

امّا دعاهای این سجده بسیار است و آسانتر آنها این چند امر است:

اوّل به سند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که اگر خواهی صد مرتبه شُکْراً شُکْراً بگو و اگر خواهی صد مرتبه عَفْواً عَفْواً و در عیون اخبارالرضا از رجاءبن ابی الضّحاك روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام در راه خراسان هرگاه از تعقیب نماز ظهر فارغ می‌شد به سجده شکر می‌رفت و صد مرتبه می‌گفت شُکْراً لِلَّهِ و چون از تعقیب عصر فارغ می‌شد صد مرتبه در سجده می‌گفت حَمْداً لِلَّهِ

دویّم شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که نزدیکترین احوال بنده بسوی خدای تعالی وقتی است که بنده در سجود باشد و خدای خود را بخواند چون به سجده روی بگو:

يا رَبَّ الْأَرْبابِ وَيا مَالِكَ الْمُلُوكِ وَيا سَيِّدَ السَّاداتِ وَيا جَبَّارَ الْجَبابِرَةِ وَيا اِلَهَ الْأَلِهَةِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

پس حاجت خود را بطلب پس بگو:

فَاِنّى عَبْدُكَ ناصِيَتى فى قَبْضَتِكَ.

پس هر دعا كه خواهى بكن كه خدا بخشنده است و برآوردن هيچ حاجت بر او دشوار نيست

سيّم ايضاً كلينى به سند موثّق از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه شنيدم شبى پدرم در مسجد به سجود رفته مى‌گريست و اين دعا مى‌خواند:

سُبْحانَكَ اَللّهُمَّ اَنْتَ رِبّى حَقّاً حَقّاً سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّداً وَرِقّاً اَللّهُمَّ اِنَ عَمَلى ضَعيفٌ فَضاعِفْهُ لى اَللّهُمَّ قِنى عَذابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبادَكَ وَتُبْ عَلَىَ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

چهارم ايضاً كلينى به سند معتبر روايت كرده است كه حضرت امام موسى عليه السلام در سجده اين دعا را مى‌خواند:

اَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ حَرُّها لا يُطْفى وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ جَديدُها لا يَبْلى وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ عَطْشانُها لا يُرْوى وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نارٍ مَسْلُوبُها لا يُكْسى.

پنجم ايضاً كلينى به سند معتبر روايت كرده است كه شكايت كرد مردى به حضرت صادق عليه السلام كه امّ ولدى دارم و او عليل است حضرت فرمود كه به او بگو بعد از هر نماز واجب در سجده شكر بگويد:

یا رَؤُفُ یا رَحیمُ یا رَبِ یا سَیِّدی.

پس حاجت خود را بطلبد.

ششم در روایات معتبره بسیار منقولست که حضرت صادق و کاظم علیهما السلام در سجده شکر بسیار می‌فرمودند:

اَسْئَلُکَ الرّاحَةَ عَنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسابِ.

هفتم به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام مرویست که در سجده می گفتند:

سَجَدَ وَجْهِیَ اللَّئیمُ لِوَجْهِ رَبِّیَ الْکَریمِ.

هشتم در بعضی از کتب معتبره از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که بهترین سخنان نزد حق تعالی آن است که بنده در سجده سه مرتبه بگوید:

اِنّی ظَلَمْتُ نَفْسی فَاغْفِرْ لی

نهم در جعفریّات به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون سر به سجده می‌گذاشت این دعا را می‌خواند:

اَللّهُمَ مَغْفِرَتُکَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبی وَرَحْمَتُکَ اَلاَرْجی عِنْدی مِنْ عَمَلی فَاغْفِرْ لی ذُنُوبی یا حَیّاً لا یَمُوتُ.

دهم قطب راوندی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه تو را شدّتی و غمّی عارض شود و به نهایت برسد سجده کن بر زمین و بگو:

یا مُذِلَ کُلِّ جَبّارٍ یا مُعِزَّ کُلِّ ذَلیلٍ قَدْ وَحَقِّکَ بَلَغَ مَجْهُودی فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنّی.

و در عدّة الداعی از آن حضرت روایت کرده است که هرگاه به مردی نازله یا امر شدیدی یا کربی و غمّی نازل شود زانوها و دستهای خود را تا مِرْفَقْ برهنه کند و بر زمین بچسباند و سینه خود را بر زمین برساند و حاجت خود را طلب کند.

یازدهم ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هرگاه بنده در سجده سه مرتبه بگوید:

یا اَللَّهُ یا رَبَّاهُ یا سَیِّداهُ

خداوند کریم جواب او گوید لَبَّیْكَ بنده من حاجت خود را بطلب و در مکارم الأخلاق روایت کرده است که هر که در سجده بگوید یا رَبَّاهُ یا سَیِّداهُ آنقدر که نفس منقطع شود حق تعالی فرماید که حاجت خود را بخواه.

دوازدهم در مکارم الأخلاق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله به مردی گذشت و او در سجده بود می‌گفت:

یا رَبِّ ماذا عَلَیْكَ اَنْ تُرْضِیَ عَنّی کُلَّ مَنْ کانَ لَهُ عِنْدی تَبِعَةٌ وَاَنْ تَغْفِرَ لی ذُنُوبی وَاَنْ تُدْخِلَنِی الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ فَاِنَّما عَفْوُكَ عَنِ الظّالِمینَ وَاَنَا مِنَ الظّالِمینَ فَلْتَسَعْنی رَحْمَتُكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

پس حضرت فرمود که سر بردار که دعایت مستجاب شد بدرستی که دعای پیغمبری را خواندی که در زمان قوم عاد بود

مؤلّف گوید که ما در مفاتیح در ضمن اعمال مسجد کوفه و مسجد زید بعضی دعاها نقل کردیم که در سجده خوانده می‌شود و شیخ طوسی در مصباح المتهجّد

در ذکر سجده شکر فرموده و مستحب است که دعا کند از برای برادران خود در سجده پس بگوید:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيالِى الْعَشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَاللَّيْلِ اِذا يَسْرِ وَرَبَّ كُلِّ شَىْ ءٍ وَاِلٰهَ كُلِّ شَىْ ءٍ وَ خالِقَ كُلِّ شَىْ ءٍ وَمَليكَ كُلِّ شَىْ ءٍ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافعَلْ بى وَبِفُلانٍ وَفُلانٍ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَلا تَفْعَلْ بِنا ما نَحْنُ اَهْلُهُ فَاِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوى وَاَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

و چون سر از سجده برداشتی می‌مالی دست خود را بر موضع سجود خود و می‌مالی بصورت خود از طرف چپ صورت پس می‌مالی به پیشانی پس به جانب راست سه مرتبه و در هر مرتبه می‌گوئی:

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لا اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّى الْهَمَّ وَالْحَزَنَ وَالْغِيَرَ وَالْفِتَنَ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ.

فصل دُوِیّم در مختصری از اعمالی که متعلّق به ما بین طلوع آفتاب و غروب آنست.

چون آفتاب خواهد طلوع کند می‌خوانی در آن وقت دعاهائی را که در فصل پنجم خواهد آمد ان شاء الله تعالی

و سزاوار است که در ابتدای روز تصدّق دهی اگر چه چیز کمی باشد و آنکه پیش از ظهر مهیّا شوی برای نماز ظهر و مقدّم داری خواب قیلوله را و خواب قیلوله معین است برای عبادت در شب و روزه روز و جِدّ و جهد می‌کنی که برای ظهر بیدار شوی پس وضو می‌گیری و می‌روی به جانب مسجد و نماز

تحیّت مسجد را بجا می‌آوری و منتظر دخول وقت می‌شوی اگر وقت داخل نشده و مستحب است آنکه نماز در اوّل وقت خوانده شود

[دعاي هنگام زوال]

و چون زوال محقّق شد اوّل کاری که می‌کنی آنست که می‌گوئي:

سُبْحانَ اللَّهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللَّهُ وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبيراً

و روایت شده که حضرت امام محمّد باقر علیه السلام به محمّد بن مسلم فرمود که محافظت کن بر این چنانکه محافظت می‌کنی بر چشمهای خود

و اگر با وضو نیستی مبادرت کن به وضو گرفتن و آدابی که در سابق ذکر شد به عمل می‌آوری

[نوافل ظهر]

پس شروع می‌کنی به خواندن نوافل ظهریّه و آنها هشت رکعت است پس نیّت می‌کنی از برای دو رکعت اوّل و هفت تکبیری که در سابق ذکر شد با دعاهایش بجا می‌آوری و کلمه استعاذه را می‌گوئی و می‌خوانی سوره حمد و توحید در رکعت اوّل و سوره حمد «و قُلْ يا اَيُّهَا الْكافِرُونَ» در رکعت دویّم و بعد از فراغ از این دو رکعت سه تکبیری که در تعقیبات ذکر شد با تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام می‌گوئی پس می‌خوانی:

اَللّهُمَّ اِنّی ضَعيفٌ فَقَوِّ فی رِضاكَ ضَعْفی وَخُذْ اِلَى الْخَيْرِ بِناصِيَتی وَاجْعَلِ الْأيمانَ مُنْتَهی رِضایَ وَبارِكْ لی فيما قَسَمْتَ لی وَبَلِّغْنی بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذی اَرْجُو مِنْكَ وَاجْعَلْ لی وُدّاً وَسُرُوراً لِلْمُؤْمِنينَ وَعَهْداً عِنْدَكَ

پس بر می‌خیزی و دو رکعت دیگر به جا می‌آوری به همین طریق مگر آنکه شش تکبیر افتتاح را نمی‌گوئی و نیز برمی‌خیزی و دو رکعت دیگر به همین کیفیّت بجا می‌آوری و تسبیح و دعای مذکور را در عقب این چهار رکعت نیز می‌خوانی و دو رکعت دیگر از این نوافل را ما بین اذان و اقامه می‌کنی و بعد از اقامه نماز می‌گوئی:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلوةِ الْقآئِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللّٰهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنى بِهِمْ عِنْدَكَ وَجيهاً فِى الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

پس مشغول شو به خواندن نماز ظهر و مراعات می‌کنی آنچه را که در نماز صبح مذکور شد و در اینجا در ماسوای بسم الله آهسته بخوان و بهتر آنکه بخوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ را و در رکعت دویّم سوره توحید را و چون دو رکعت از آن را خواندی و از تشهد فارغ شدی می‌گوئی بعد از صَلَواتِ تشهّد:

وَتَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ

پس برخیز و بخوان تسبیحات اربع را سه مرتبه و اگر اضافه کنی استغفاری قربةً الی الله نیز خوبست پس رکوع و سجود را بجا آور به همان آدابی که در سابق به شرح رفت پس برخیز از رکعت سیّم و رکعت چهارم را نیز به همین کیفیّت بجا آور پس تشهّد و سلام بخوان

پس از نماز شروع می‌کنی به خواندن تعقیب و آن سه تکبیری که در اوّل تعقیبات بود می‌گوئی پس می‌خوانی لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ اِلهاً واحِداً تا آخر دعا که سابق مذکور شد پس تسبیح زهراعلیها السلام را می‌گوئی و می‌خوانی آنچه خواهی از تعقیبات مشترکه که بعد از نماز صبح می‌خواندی پس می‌خوانی تعقیبات مختصّه نماز ظهر را و آنها بسیار است و ما بعضی از آنها را در هدیّه و مفاتیح ذکر نمودیم و این مختصر گنجایش ذکر ندارد پس سجده شکر بجا می‌آوری

[نوافل و نماز عصر]

و چون از تعقیب نماز ظهر فارغ شدی مهیّا می‌شوی به جهت نماز عصر پس بجا می‌آوری نافله آن را و آن نیز هشت رکعتست و بعد از فراغ از نوافل نماز عصر بجا می‌آوری به همان آداب که مذکور شد و سزاوار است آنکه بخوانی در رکعت اوّل بعد از حمد سوره «اِذا جآءَ یا سوره اَلْهیکُمُ التَکاثُرُ» یا امثال آن را و در رکعت دوم می‌خوانی سوره توحید را و بعد از فراغ از نماز می‌خوانی از تعقیبات مشترکه آنچه را که بخواهی پس به عمل می‌آوری آنچه را که مختص به نماز عصر است که از جمله هفتاد مرتبه استغفار و ده مرتبه سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ است پس سجده شکر بجا می‌آوری

و چون خواستی از مسجد بیرون آئی این دعا را می‌خوانی:

اَللّهُمَّ دَعَوْتَنی فَاَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَصَلَّیْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَانْتَشَرْتُ فی اَرْضِكَ كَما اَمَرْتَنی فَاَسْئَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطاعَتِكَ وَاجْتِنابِ مَعْصِیَتِكَ وَالْكَفافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ.

فصل سیّم در اعمالی که متعلّق به ما بین غروب آفتاب تا وقت خوابست

بدانکه آنچه سزاوار است از برای تو در نزدیکی غروب آنست که تعجیل کنی به رفتن به جانب مسجد و آنکه در وقت زردی آفتاب بگوئی:

اَمْسی ـ ظُلْمی مُسْتَجیراً بِعَفْوِكَ وَاَمْسَتْ ذُنُوبی مُسْتَجیرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَاَمْسی ـ خَوْفی مُسْتَجیراً بِاَمانِكَ وَاَمْسی ـ ذُلّی مُسْتَجیراً بِعِزِّكَ وَاَمْسی ـ فَقْری مُسْتَجیراً بِغِناكَ وَاَمْسی ـ وَجْهِیَ الْبالی مُسْتَجیراً بِوَجْهِكَ الدّآئِمِ الْباقی اَللّهُمَّ اَلْبِسْنی عافِیَتَكَ وَغَشِّنی بِرَحْمَتِكَ وَجَلِّلْنی کَرامَتَكَ وَقِنی شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنِّ وَالْأِنْسِ یا اَللّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ.

و سزاوار است که در این وقت مشغول باشی به تسبیح کردن و استغفار نمودن زیرا که فضیلت این وقت مثل فضیلت پیش از طلوع است و حق تعالی فرموده «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ» و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون آفتاب تغییر کرد یعنی مشرف بر غروب شد پس ذکر کن خدای عزّوجلّ را و اگر با مردمی هستی که تو را مشغول دارندبرخیز ودعاکن یعنی ازنزد آنها برخیز ومشغول دعا شو ومی گوئی در وقت غروب:

یا مَنْ خَتَمَ النُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اِخْتِمْ لی فی یَوْمی هذا بِخَیْرٍ وَشَهْری بِخَیْرٍ وَسَنَتی بِخَیْرٍ وَعُمْری بِخَیْرٍ.

و می‌خوانی تهلیل و استعاذه مأثوره را که در ادعیه صباح و مساء بیاید پس می‌گذاری دست خود را بر بالای سرت ومی کشی بر صورت خود و می‌گیری ریش خود را بدست و می‌گوئی:

اَحَطْتُ عَلى نَفْسى ـ وَاَهْلى وَمالى وَوَلَدى مِنْ غائِبٍ وَشاهِدٍ بِاللَّهِ الَّذى لا اِلَهَ اِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ الْحَىُّ الْقَيُّومُ لا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ ... مى‌خوانى تا اَلْعَلِىُّ الْعَظيمُ

[نماز مغرب]

پس مبادرت مى‌كنى به خواندن نماز مغرب و سزاوار نيست تأخير افكندن نماز مغرب را از اوّل وقت آن و در احاديث كثيره تأكيد بسيار شده به تأخير نينداختن آن از اوّل وقتش و چون خواستى مشغول نماز شوى اذان و اقامه مى‌گوئى به همان آدابى كه در سابق گذشت و نيز در ما بين اذان و اقامه مى‌گوئى:

اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِاِقْبالِ لَيْلِكَ وَاِدْبارِ نَهارِكَ وَحُضُورِ صَلَواتِكَ وَاَصْواتِ دُعآئِكَ وَتَسْبيحِ مَلئِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَتُوبَ عَلَىَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.

پس برمى خيزى و نماز مغرب را با آداب و شرايط بجا مى‌آورى و بعد از فراغ از نماز سه تكبير و تسبيح زهراء عليها السلام را مى‌گوئى پس مى‌خواني:

اِنَّ اللّهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْليماً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَعَلى ذُرِّيَّتِهِ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ.

و هفت مرتبه مى‌گوئى:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِىِ الْعَظيمِ.

پس سه مرتبه مى‌گوئى:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى يَفْعَلُ ما يَشآءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشآءُ غَيْرُهُ.

پس مى‌گوئى:

سُبْحانَكَ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ اِغْفِرْ لی ذُ نُوبی جَمیعاً فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ کُلَّها جَمیعاً اِلاَّ اَنْتَ.

و اگر دوست داشته باشی که تعقیب بیشتر از این بخوانی افضل آنست که بعد از نافله مغرب بخوانی پس برمی خیزی به جهت خواندن نافله و آن چهار رکعت است به دو سلام و مکروه است تکلّم ما بین نماز مغرب و نافله آن و می خوانی در رکعت اوّل سوره «قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ» و در رکعت دوّم توحید و در دو رکعت دیگر هر سوره که خواسته باشی و سزاوار است که در رکعت سیّم بخوانی اوّل سوره حدید تا «عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» و در رکعت چهارم آخر سوره حشر «لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ» تا آخر سوره و اگر به حمد تنها بخواهی اکتفا کنی جایز است مثل سایر نوافل و سزاوار است بلند خواندن قرائت در آن و هم چنین در سایر نافله های شب

پس چون از نافله مغرب فارغ شدی مانعی نیست از آنکه بخوانی از تعقیبات مشترکه آنچه که خواهی پس سجده شکر بجا می‌آوری بنحوی که در سابق گذشت و اقلّ چیزی که در سجده شکر مجزی است آنست که بگوئی شُکْراً شُکْراً شُکْراً و شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود هرگاه از نماز مغرب فارغ شدی دست بکش بر جبین خود و بگو سه مرتبه:

بِسْمِ اللَّهِ الَّذی لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهادَةِ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ اَللّهُمَّ اَذْهِبْ عَنّی الْهَمَّ وَالْحَزَنَ

و شایسته است آنکه بخوانی نماز غفیله را و کیفیّت آن در مفاتیح و غیره مذکور است و چون شفق پنهان شود اذان و اقامه می‌گوئی از برای نماز عشاء به همان آدابی که در سابق گذشت

[نماز عشاء]

پس شروع کن بخواندن فریضه عشاء با آداب و شرایط و سزاوار است آنکه طول دهی قنوت و تعقیب آن را زیرا که وقت وسعت دارد پس می‌خوانی درتعقیب دعاء مشترکه بین صبح و شام را پس از آن می‌خوانی دعاهای مختصّه به شام را و آنها بسیار است از جمله دعائی است که برای طلب روزی وارد شده و در مفاتیح نقل شده و مستحبّ است آنکه بخوانی هفت مرتبه سوره قدر را پس می‌گوئی:

اَللّهُمَّ رَبَّ السَّمواتِ السَّبْعِ وَ ما اَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضینَ السَّبْعِ وَ ما اَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّیاطینِ وَ ما اَضَلَّتْ وَ رَبَّ الرِّیاحِ وَ ما ذَرَتْ اَللّهُمَّ رَبَّ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ اِلهَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَلیکَ کُلِّ شَیْ ءٍ اَنْتَ اللهُ الْمُقْتَدِرُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ اَنْتَ اللهُ الْأَوَّلُ فَلا شَیْ ءَ قَبْلَکَ وَ اَنْتَ الْأخِرُ فَلا شَیْ ءَ بَعْدَکَ وَ اَنْتَ الظّاهِرُ فَلا شَیْ ءَ فَوْقَکَ وَ اَنْتَ الْباطِنُ فَلا شَیْ ءَ دُونَکَ رَبَّ جَبْرَئیلَ وَمیکائیلَ وَاِسْرافیلَ وَاِلهَ اِبْراهیمَ وَاِسْمعیلَ وَاِسْحقَ ویَعْقُوبَ وَالأَسْباطِ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَوَلاّنی بِرَحْمَتِکَ وَلا تُسَلِّطَ عَلَیَّ اَحَداً مِنْ خَلْقِکَ مِمّنْ لاطاقَةَ لی بِهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَتَحَبَّبُ اِلَیْکَ فَحَبِّبْنی وَ فِی النّاسِ فَعَزِّزْنی وَ مِنْ شَرِّ الشَّیاطینِ الْجِنِ وَالْأِنْسِ فَسَلِمّنی یا رَبَّ الْعالِمینَ وَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

پس دعا می‌کنی به آنچه دوست می‌داری پس سجده شکر بجا می‌آوری پس نماز وُتیره را بجا می‌آوری و آن دو رکعت نافله نشسته است بعد از نماز عشاء و مستحب است آنکه در این نماز خوانده شود صد آیه از قرآن و خوبست آنکه در رکعت اوّل بعد از حمد خوانده شود سوره واقعه و در دوّیم سوره توحید و می‌خوانی بعد از سلام هر دعایي که خواستی.

[آداب وقت خواب ودعاهاي آن]

و چون خواستی بخوابی سزاوار است که مهیّای موت شوی و با طهارت باشی و توبه از گناهان نمایي و قلب خود را از هموم دنیا فارغ سازی و یاد کنی وقت مرگ و خوابیدن در لَحد را تنها و بی کس و وصیّت خود را نوشته در زیر و ساده خود گذاری و عازم باشی بر آنکه برای نماز شب برخیزی زیرا که فخر مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت نماز در آخر شب است و می‌خوانی در وقت خوابیدن سوره قُل هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ و سوره اَلْهیكُمُ التَّكاثُرُ و آیةالکرسی را پس سه دفعه می‌خواني:

اَلْحَمْـــدُ للَّهِ الَّذی عَلافَقَهَـــرَ وَالْحَمْـــدُللَّهِ الَّذی بَطَـــنَ فَخَـــبَرَ وَالْحَمْـــدُللَّهِ الَّذی مَـلَكَ فَقَـدَرَ وَالْحَمْـدُللَّهِ الَّذی يُحْـيِ الْمَـوْتی وَيُميـتُ الْأَحْيـآءَ وَهُـوَ عَـلی كُلِّ شَیْ ءٍ قَديرٌ[1].

پس می‌گویي تسبیح حضرت زهراءعلیها السلام را و می‌خوابی بر طرف راست به هیئت میّت که در قبر گذاشته می‌شود امّا خوابیدن به هیئت محتضر

[1]. ستایش مخصوص خدائی است که برتر و غالب است در درون و آگاه است و ستایش خاص خدائی است که فرمانروا است و اندازه گیرد و ستایش مخصوص خدائی است که زنده کند مردگان را و بمیراند زندگان را و او بر هر چیز توانا است.

شیخ ما ثقة الأسلام نوری در دارالسّلام فرموده که نیافتم آنرا در هیچ خبر و اثری بلی غزالی آنرا ذکر کرده و شك نیست که رشد در خلاف اوست انتهی.

و اگر خواستی آنکه بیدار شوی از برای نماز شب یا غیر آن و بترسی از غلبه خواب می‌خوانی آخر سوره کهف را که این آیه است:

قُلْ اِنَّما اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى اِلَىَّ اَنَّما اِلهُكُمْ اِلهٌ واحِدٌ فَمَنْ كانَ يَرْجُو لِقآءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَلايُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ اَحَداً[1].

و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که هیچکس نمی خواند این آیه را در وقت خوابیدن مگر آنکه بیدار می‌شود در آن ساعتی که می‌خواهد بیدار شود در آن ساعت.

[عوذه عقرب و احتلام]

و اگر از عقرب و جانوران دیگر می‌ترسی بخوان این دعا را که حضرت امام محمّد باقر علیه السلام ضامن شده سلامتی خواننده آن را از شرّ عقرب و هَوامّ تا وقت صبح و دعا این است:

اَعُوذُ بِكَلِماتِ اللّهِ التّآمّاتِ الَّتى لايُجاوِزُ هُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ماذَرَءَ وَمِنْ شَرِّ ما بَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دآبَّةٍ هُوَ اخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.

و اگر از احتلام ترسی این دعا را بخوان:

[1]. بگو جز این‌نیست‌که من بشری هستم مانند شما که به من وحی شود و جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس‌هرکه امید لقاء پروردگارش را دارد باید عمل شایسته کند و هیچکس را در پرستش پروردگارش شریك نکند.

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْأِحْتِلامِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَحْلامِ وَ مِنْ اَنْ يَتَلاعَبَ بِىَ الشَّيْطانُ فِى الْيَقْظَةِ وَالْمَنامِ.

و اگر بترسى از خراب شدن خانه و مكانى كه در آنجا مى‌خوابى پس مى‌خوانى اين آيه را:

اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّموٰاتِ وَالْأَرْضَ اَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا اِنْ اَمْسَكَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً

و اگر از دزد ترسى آخر سوره بنى اسرائيل را بخوان كه اوّلش اين است: قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ

و در وقت خواب سرمه بكش هفت ميل چهار ميل در چشم راست و سه ميل در چشم چپ و در وقت سرمه كشيدن مى‌خوانى اين دعا را:

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فى بَصَرى وَالْبَصيرَةَ فى دينى وَالْيَقينَ فى قَلْبى وَالْاِخْلاصَ فى عَمَلى وَالسَّلامَةَ فى نَفْسى وَالسَّعَةَ فى رِزْقى وَالشُّكْرَ لَكَ اَبَداً ما اَبْقَيْتَنى اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْءٍ قَديرٌ.

و سزاوار است آنكه ترك كنى خواب بَيْنِ الطّلوعين و خواب بعد از عصر را و چون خواستى بخوابى چراغ را خاموش مى‌كنى و رو به قبله مى‌خوابى و در بامى كه اطرافش ديوار نداشته باشد نمى خوابى و خوابى كه ديدى براى هركس نقل مكن مگر آنكه عالم و ناصح و مهربان باشد.

فصل چهارم در برخاستن از خواب و نماز شب خواندن

[فضیلت نماز شب]

بدانکه روایات بسیار وارد شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب برخاستن شب و بیان فضیلت آن و روایت شده که آن شرف مؤمن است و آنکه نماز شب باعث صحّت بدن و کفّاره گناهان روز و برطرف کننده وحشت قبر است رُوی را سفید و بُوی را پاکیزه و روزی را جَلْب می‌نماید و آنکه مال و پسران زینت حیات دنیایند و هشت رکعت نماز در آخر شب با نماز وتر زینت آخرت است و گاهی حق تعالی جمع می‌فرماید این دو زینت را برای بعضی از مردمان و آنکه دروغ گفته کسی که بگوید من نماز شب می‌کنم و روز گرسنگی می‌برم زیرا که نماز شب ضامن روزی روز است و از حضرت صادق علیه السلام روایت است که فرموده بود در وصیّت رسول خدا به علیّ عَلَیْهِما وَ اٰلِهِمَا السَّلامُ یا علی وصیّت می‌کنم ترا در باب نفس خودت به چند خصلت پس حفظ کن آنها را بعد از آن فرمود خداوندا یاری کن او را و ذکر فرمود جمله ای از خصلتها تا اینکه فرمود:

وَعَلَیْـكَ بِصَـلوةِ اللَّیْـلِ وَ عَلَیْـكَ بِصَـلوةِ اللَّیْـلِ وَعَلَیْـكَ بِصَـلوةِ اللَّیْـلِ وَ عَلَیْكَ بِصَلوةِ الزَّوالِ وَعَلَیْكَ بِصَلوةِ الزَّوالِ وَعَلَیْكَ بِصَلوةِ الزَّوالِ [1].

و ظاهر اینست که حضرت اراده کردند به نماز شب سیزده رکعت را و به نماز زوال هشت رکعتی که نافله زوال است.

---

۱. بر تو باد به خواندن نماز شب و بر تو باد به خواندن نماز شب و بر تو باد به خواندن نماز شب و بر تو باد به خواندن نماز زوال و برتو باد به خواندن نماز زوال و بر تو باد به خواندن نماز زوال

و از انس روایت است که گفت شنیدم حضرت پیغمبرصلی الله علیه وآله فرمود دو رکعت نماز در دل شب بهتر است بسوی من از دنیا و آنچه در دنیا است.

و روایت شده که از امام زین العابدین علیه السلام سؤال کردند که چه شده که کسانی که در شب تهجّد می‌کنند رویشان از همه کس نیکوتر است فرمود برای آنکه ایشان خلوت می‌کنند با خدا حق تعالی می‌پوشاند به ایشان از نور خویش.

و بالجمله روایات در این باب بسیار است و مکروه است ترك برخاستن شب و شیخ بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود نیست بنده ای مگر اینکه بیدار می‌شود در هر شب یك مرتبه یا دو مرتبه یا چند مرتبه پس اگر برخاست که برخاست و اگر نه می‌گشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول می‌کند در گوش او و آیا نمی بیند آن کسی که برنخاسته است از برای نماز شب صبح که برمی خیزد گران و مکدّر و سنگین و کَسِل است.

و شیخ برقی به سند معتبر از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود از برای شب شیطانی است که او را رها می‌گویند پس هرگاه بنده ای از خواب بیدار شود و اراده کند برخاستن برای نماز شب را آن شیطان به او گوید حالا وقت برخاستن تو نیست پس دفعه دیگر که بیدار شود و خواهد برخیزد آن شیطان گوید که وقت برخاستن نشده یعنی زود است پس پیوسته او را از برخاستن زایل کند و حبس کند او را تا فجر طلوع کند و چون فجر طالع

شود بول کند در گوش او آن وقت بگذرد از او در حالیکه دُم خود را می‌جنباند از ناز و بخود می‌بالد.

و ابن ابی جمهور از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرده که آن حضرت روزی به اصحاب خود فرمود که احدی از شما هرگاه خوابید شیطان گره می‌زند بر پس سر او سه گره بزند مکان هر گرهی عَلَیْكَ لَیْلٌ طَویلٌ فَارْقُدْ یعنی شبت دراز است بخواب پس هرگاه بیدار شد و ذکر خدا کرد یك گِره گشوده شود و اگر وضوء گرفت یك گره دیگر گشوده گردد و اگر نماز خواند یك گره دیگر گشوده گردد پس داخل صبح شود به حال نشاط پاکیزه نفس والاّ صبح کند خبیث النَّفس کَسْلان و این روایت در کتب اهل سنّت نیز مذکور است.

و قطب راوندی روایت کرده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود طمع مکن در سه چیز با سه چیز طمع مکن در بیداری شب با پرخوردن و در نور صورت با خوابیدن در جمیع شب و در امان از دنیا با صحبت فُسّاق.

و نیز قطب راوندی روایت کرده که حضرت عیسی علیه السلام صدا زد مادر خود مریم علیه السلام را بعد از مردنش و گفت ای مادر با من تکلّم کن آیا می‌خواهی به دنیا برگردی گفت بلی برای آنکه نماز گذارم برای خدا در شب بسیار سرد و روزه بگیرم در روز بسیار گرم ای پسر جان من این راه بیمناك است.

و امّا کیفیّت نماز شب

بنحو آسان و مختصر که همه کس بتواند بجا آورد ان شاء الله تعالی آنست که چون از خواب برخاست سجده کند برای خداوند تعالی و نیکو است در این حال یا در حال برداشتن سر از سجده بگوید:

اَلْحَمْـدُلِلّٰهِ الَّذی اَحْیـانی بَعْـدَ مـا اَمـاتَنی وَ اِلَیْـهِ النُّشُـورُ اَلْحَمْـدُ لِلّٰهِ الَّذی رَدَّ عَلَیَّ رُوحی لِأَحْمَدَهُ وَاَعْبُدَهُ[1].

و چون برخاست و ایستاد بگوید:

اَللّٰهُمَ اَعِنّی عَلی هَـوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسِّعْ عَـلَیَّ الْمَضْـجَعَ وَارْزُقْـنی خَیْرَمـا بَعْـدَ الْمَوْتِ[2].

و چون صدای خروس شنید بگوید:

سُـبُّوحٌ قُـدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِکَـةِ وَالـرُّوحِ سَـبَقَتْ رَحْمَتُـکَ غَضَـبَکَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اَنْـتَ عَمِلْـتُ سُـوءً وَظَلَمْـتُ نَفْسی فَـاغْفِرْلی اِنَّـهُ لایَغْفِـرُ الذُّنُـوبَ اِلاَّ اَنْـتَ فَتُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ[3].

و چون نگاه کند به اطراف آسمان بخواند:

اَللّٰهُـمَّ اِنَّـهُ لایُـواری مِنْـکَ لَیْـلٌ سـاجٍ وَلاسَمـآءٌ ذاتُ اَبْـراجٍ وَلا اَرْضٌ ذاتُ مِهـادٍ وَلاظُلُـماتٌ بَعْضُـها فَـوْقَ بَعْـضٍ وَ لابَحْرٌ لُجِّیٌ تُـدْلِجُ بَـیْنَ یَـدَیِ الْمُـدْلِجِ مِـنْ خَلْقِـکَ تُـدْلِجُ الرَّحْمَـةَ عَـلی مَـنْ تَشـآءُ مِـنْ خَلْقِـکَ تَعْـلَمُ خآئِنَـةَ الْأَعْـیُنِ وَ مـا تُخْفِی الصُّـدُورُ غـارَتِ النُّجُـومُ وَنامَـتِ الْعُیُـونُ وَ اَنْـتَ الْحَـیُّ الْقَیُّـومُ لا تَأْخُـذُکَ سِـنَةٌ وَلانَوْمٌ سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَ اِلٰهِ الْمُرْسَلینَ وَالْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمینَ[4].

پس بخواند پنج آیه آل عمران:

---

۱. ستایش خاص خدائی است که مرا پس از آنکه میراند زنده‌ام کرد و بسوی او است رستاخیز ستایش خاص خدائی است که روحم را به من بازگرداند تا ستایش و پرستشش کنم.

۲. خدایا یاریم ده بر هراس روز قیامت و فراخ گردان بر من آرامگاه قبرم را و خیر و خوبی پس از مرگ را روزی ما گردان.

۳. بسیار منزه و بسیار پاکیزه است پروردگار فرشتگان و روح (جبرئیل) پیشی گرفته مهرت بر خشمت معبودی نیست جز تو بد کرده‌ام و به خویشتن ستم کرده‌ام پس بیامرز مرا که براستی نیامرزد گناهان را جز تو پس توبه‌ام بپذیر که همانا توئی توبه پذیر مهربان.

۴. خدایا براستی نپوشاند چیزی را از تو شب تار و نه آسمان برج دار و نه زمین گسترده و نه تاریکیهای متراکم روی هم و نه دریای پرآب بروی شبانه در پیش شبروان خلق خویش و در شب، رحمت خویش را به هر که خواهی از خلق خود بدهی بدانی بهم خوردن دیدگان را و آنچه را در سینه‌ها است ستارگان فرو رفتند و دیدگان به خواب رفتند و توئی زنده پاینده که نگیردت چرت و خواب منزه است خدا پروردگار جهانیان و معبود رسولان و ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است.

اِنَّ فِي خَلْقِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ لَأ یاتٍ لِأوُلِى الْأَلْبابِ الَّذینَ یَذْکُروُنَ اللّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً وَ عَلى جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّروُنَ فى خَلْقِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلاً سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ رَبَّنا اِنَّکَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَیْتَهَ وَ ما لِلظَّالِمینَ مِنْ اَنْصارٍ رَبَّنا اِنَّنا سَمِعْنا مُنادِیاً یُنادى لِلْأیمانِ اَنْ اٰمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ کَفِّرْ عَنَّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ رَبَّنا وَ اٰتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِکَ وَلاتُخْزِنا یَوْمَ الْقِیمَةِ اِنَّکَ لاتُخْلِفُ الْمیعادَ[1].

پس هرگاه خواست که متوجّه شود بسوى عبادت و او را حاجتى به تخلّى بوده باشد ابتدا کند به آن و چون بیرون آید از خلاء ابتدا کند به مسواك بعد از آن وضو بسازد وضوء کامل و خود را خوشبو سازد پس برخیزد به نماز شب و اوّل وقت آن از نصف شب است و هر چه نزدیکتر شود به طلوع صبح صادق افضل است و اگر طلوع کند صبح و چهار رکعت آن را بجا آورده باشد بقیّه را بخواند به حمد تنها بى سوره پس چون برخاست براى نماز شب شروع مى‌کند به هشت رکعت نماز شب و بعد از هر دو رکعت سلام مى‌دهد و خوب است که در دو رکعت اوّل بعد از حمد شصت مرتبه توحید بخواند در هر رکعتى سى مرتبه تا منصرف شود از نماز و نبوده باشد میان او و خداى عزّوجلّ گناهى و یا آنکه در رکعت اوّل آن توحید و در رکعت دوّم «قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِروُنَ» بخواند و در

---

[1]. براستی در خلقت آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز نشانه‌هائی است برای صاحبان خرد آنانکه یاد کنند خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو خفته و بیندیشند در آفرینش آسمانها و زمین (و گویند) پروردگارا تو اینها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب دوزخ نگهدار پروردگارا هر که را تو بدوزخ بری براستی که خوارش کرده‌ای و ستمکاران را یاوری نیست پروردگارا ما ندازنی را شنیدیم که به ایمان ندا می‌زد (و می‌گفت) به پروردگارتان ایمان آورید ما نیز ایمان آوردیم پروردگارا گناهان ما را بیامرز و بدیهای ما را پوشیده دار و بمیران ما را با نیکان پروردگارا آنچه را که به‌ما وعده داده‌ای بوسیله فرستادگان خویش به‌ما بده و در روز قیامت رسوایمان مکن که تو خلف وعده نمی‌کني.

شش رکعت دیگر حمد و هر سوره که خواهد بخواند و کافی است حمد و «قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ» در هر رکعتی و جایز است اکتفا به حمد تنها وچنانکه سنّت است قنوت درنمازهای واجبی سنّت است نیز در هر رکعت دویّمی ازنوافل و کافی است سه سُبْحانَ اللَّهِ گفتن و یا آنکه گفته شود:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَارْحَمْناوَ عافِنا وَاعْفُ عَنَّا فِی الدُّنْیا وَ الْأخِرَةِ اِنَّكَ عَلی کُلِّشَیْ ءٍ قَدیرٌ.

و یا آنکه بگوید:

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّكَ اَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَکْرَمُ.

و روایت شده که حضرت امام موسی علیه السلام چون شب در محراب عبادت می‌ایستاد می‌خواند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ خَلَقْتَنی سَوِیّاً و این دعاء پنجاهم صحیفه کامله است و چون فارغ شود از هشت رکعت نماز شب پس بجا می‌آورد دو رکعت نماز شفع و یك رکعت نماز وتر و می‌خواند در این سه رکعت بعد ازحمد قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ تا به منزله آن باشد که یك ختم قرآن کرده باشد زیرا که سوره توحید ثلث قرآن است و یا آنکه بخواند در نماز شفع در رکعت اوّل حمد وَ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و در رکعت دوّم حمد و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و چون از نماز شفع فارغ شد مستحبّ است آنکه بخواند اِلٰهی تَعَرَّضَ لَكَ فی هذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ و این دعائی است که در اعمال شب نیمه شعبان در مفاتیح الجنان مذکور شده و چون از دو رکعت شفع فارغ شد برمی خیزد به جهت یك رکعت وتر و می‌خواند درآن حمد و سوره توحید و یا آنکه می‌خواند بعد از حمد قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ سه مرتبه و مُعوّذتَیْن یعنی قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْفَلَقِ وَ قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ پس دست برمی دارد برای قنوت

و دعا می‌خواند آنچه بخواهد شیخ طوسی فرموده که دعاهائی که در این محلّ خوانده می‌شود از بسیاری احصا نمی شود ولکن چیز موقّتی نیست که خلاف آن جایز نباشد و مستحبّ است که انسان در قنوت آن گریه کند از خوف خدا و ترس از عقاب خدا یا تَباکی کند و دعا کند برای برادران مؤمن و مستحبّ است که ذکر شود چهل نفر پس بدرستی که کسی که دعا کند برای چهل مؤمن دعایش مستجاب می‌شود ان شاء الله و دعا کند به آنچه خواسته باشد و شیخ صدوق در فقیه فرموده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قنوت وتر می‌خواند:

اَللّٰهُمَّ اهْدِنی فیمَنْ هَدَیْتَ وَ عافِنی فیمَنْ عافَیْتَ وَ تَوَلَّنی فیمَنْ تَوَلَّیْتَ وَ بارِكْ لی فیما اَعْطَیْتَ وَقِنی شَرَّ ما قَضَیْتَ فَاِنَّكَ تَقْضی وَلایُقْضی عَلَیْكَ سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَیْتِ اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَیْكَ وَ اُومِنُ بِكَ وَاَتَوَكَّلُ عَلَیْكَ وَلاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِكَ یا رَحیمُ.

و سزاوار است آنکه هفتاد مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ

و سزاوار است که دست چپ را بدعاء بلند کرده باشد و استعفار را بدست راست بشمارد و روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله استغفار می‌کرد.

در نماز وتر هفتاد مرتبه و هفت مرتبه می‌گفت:

هذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ.

و نیز روایت شده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در سحر در نماز وتر سیصد مرتبه می‌گفت: اَلْعَفْوَ اَلْعَفْوَ و بگوید بعد از این:

رَبِّ اغْفِرْلی وَارْحَمْنی وَ تُبْ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الْغَفُورُ الرَّحیمُ.

و سزاوار است آنکه طول دهد قنوت را و چون فارغ شد از قنوت به رکوع رود و چون سر از رکوع برداشت بخواند این دعا را که شیخ در تهذیب از حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام نقل کرده:

هـذا مَقامُ مَـنْ حَسَـناتُهُ نِعْمَـةٌ مِنْـكَ وَ شُـكْرُهُ ضَـعيفٌ وَ ذَنْبُـهُ عَظـيمٌ وَ لَـيْسَ لِذلِكَ اِلاَّ رِفْقُـكَ وَ رَحْمَتُـكَ فَاِنَّـكَ قُلْـتَ فى كِتابِـكَ الْمُـنْزَلِ عَـلى نَبِيِّـكَ الْمُرْسَـلِ صَـلَّى اللّهُ عَلَيْـهِ وَ آلِهِ كانُـوا قَلـيلاً مِـنَ اللَّيْـلِ مـا يَهْجَعُـونَ وَبِالأَسْحـارِهُمْ يَسْـتَغْفِرُونَ طـالَ هُجُـوعى وَ قَـلَّ قِيـامى وَ هـذَا السَّـحَرُ وَ اَ نَا اَسْـتَغْفِرُكَ لِذُنُـوبى اِسْـتِغْفارَ مَـنْ لايَجِـدُ لِنَفْسِـهِ ضَرّاً وَلا نَفْعـاً وَلا مَـوْتاً وَلاحَيـوةً وَلا نُشُوراً.

پس به سجده رَوَد و نماز را تمام کند و بعد از سلام تسبیح زهراء علیها السلام بخواند پس بگوید:

اَلْحَمْدُ لِرَبِ الصَّباحِ الْحَمْدُ لِفالِقِ الْأِصْباحِ.

و بگوید:

سُبْحانَ رَبِّىَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزيزِ الْحَكيمِ.

سه مرتبه پس بگوید:

يا حَىُّ يا قَيُّـومُ يا بَـرُّ يا رَحـيمُ يا غَـنِىُّ يا كَـريمُ اُرْزُقْـنى مِـنَ التِّجـارَةِ اَعْظَمَهـا فَضْـلاً وَ اَوْ سَـعَها رِزْقـاً وَ خَيْرَهـا لى عاقِبَـةً فَاِنَّـهُ لا خَـيْرَ فـيما لا عاقِبَـةَ لَهُ.

و شایسته است که بخواند بعد از این دعای حزین را اُناجيكَ يا مَوْجُوداً فى كُلِّ مَكانٍ الخ

پس به سجده رود و بگوید پنج مرتبه:

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ.

پس بنشیند و بخواند آیةالکرسی را دگر باره به سجده رود و ذکر سابق را پنج مرتبه بخواند پس برخیزد به جهت نافله صبح و آن دو رکعت است در رکعت اوّل بعد از حمد سوره «قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ» و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره توحید بخواند و چون سلام داد بخوابد بر پهلوی راست رو به قبله به هیئت میّت در لحد و بگذارد گونه راست خود را بر روی دست راست و بگوید:

اِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اللّهِ الْوُثْقَى الَّتى لاَانْفِصامَ لَها وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللّهِ الْمَتينِ وَ اَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَ اَعُوذُ بِاللّهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْأِنْسِ.

پس سه مرتبه بگوید:

سُبْحانَ رَبِّ الصَّباحِ فالِقِ الْأِصْباحِ

و بخواند پنج آیه آل عمران اِنَّ فی خَلْقِ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ پس برخیزد و بنشیند و تسبیح زهراءعلیها السلام بگوید و در کتاب من لایحضره الفقیه است که روایت شده هر که صلوات بفرستد بر محمد و آل محمّد صد مرتبه ما بین دو رکعت نافله صبح و نماز صبح نگاه دارد حق تعالی روی او را از حرارت آتش و کسی که بگوید صد مرتبه «سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ اَسْتَغْفِرُاللّهَ رَبّی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ» بنا کند خداوند تعالی از برای او خانه ای در بهشت و کسی که بخواند بیست و یك مرتبه قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ بنا کند حق تعالی برای او خانه ای در بهشت و اگر بخواند آن را چهل مرتبه بیامرزد حق تعالی او را

و سزاوار است آنکه خوانده شود بعد از فراغ از نماز شب دعای سی و دوّم صحیفه کامله اَللَّهُمَّ یاذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ پس سجده شکر کند و سزاوار است که دعا کند در آن از برای برادران مؤمن خود و بخواند دعای اَللَّهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ را که در ادعیه سجده شکر گذشت رجاء واثق از برادران دینی که از برای این گنه کار رُوسیاه نیز دعا کنند که بسیار محتاجم به دعاء وَاللَّه الموّفق.

فصل پنجم در ذکر بعض اذکار و دعاها که در صباح و مسآء باید خواند

بدان اِیَّدَكَ اللَّه که تحریص و ترغیب بی شمار بر محافظت این دو وقت در آیات و اخبار شده است لهذا در این دو وقت ادعیه و اذکار بسیار از رسول خدا و ائمّه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین مأثور گردیده و ما در این رساله به ذکر مختصری از اینها تبرّك می‌جوئیم

اوّل ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که هرکه پیش از طلوع آفتاب قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ وَ اِنَّا اَنْزَلْناهُ و آیةالکرسی هر کدام را یازده مرتبه بخواند خدا منع کند مال او را از آنچه ترسد و فرمود که هر که قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ و اِنَّا اَنْزَلْناهُ پیش از طلوع آفتاب بخواند در آن روز گناهی به او نرسد هر چند شیطان جهد کند

دوّم کلینی و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فریضه و واجبست بر هر مسلمان که ده مرتبه پیش از طلوع آفتاب و ده مرتبه پیش از غروب این دعا بخواند:

لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاشَریكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ یُحْیی وَ یُمیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

و در بعضی از روایات چنین وارد است که: «يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي» و در چند روایت «وَ هُوَ حَيٌّ لايَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ» نیست و در بعضی هست و ظاهراً همه خوبست و اگر همه قِسم را بگوید بهتر است و در بعضی از روایات وارد شده است که اگر ترك شود قضا کنید که لازم است و در بعضی از روایات کفّاره گناهان اوست در آن روز

سیّم ابن بابویه و دیگران به سندهای معتبر بسیار از حضرت امام زین العابدین و حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده اند که هر که در شام صد مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید چنانست که صد بنده آزاد کرده باشد و به سند صحیح دیگر از امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که هر که صد مرتبه پیش از طلوع آفتاب و صد مرتبه پیش از غروب آفتاب اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگوید خداوند کریم برای او مثل ثواب صد بنده آزاد کردن بنویسد و هر که ده مرتبه سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ بگوید خدا ده حسنه برای او بنویسد و هر که زیاده بگوید زیاده برای او نوشته شود

چهارم ایضاً ابن بابویه به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که در بهشت غرفه ای چند هست که ظاهر آنها از اندرون آنها و اندرون آنها از بیرون آنها نمایان است و از امّت من کسی در آنها ساکن می‌شود که سخن نیك گوید و طعام به مردم بخوراند و به هر که رسد سلام کند و در شب نماز کند در هنگامی که مردم در خواب باشند پس فرمود کلام نیك آنست که در صبح و شام ده مرتبه بگوید «سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُلِلّٰهِ وَلا اِلَهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ» و در محاسن برقی به سند

صحیح منقول است ازحضرت امام محمد باقر علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه وآله به مردی گذشت که باغی برای خود غرس می‌کرد ایستاد و فرمود که می‌خواهی تو را دلالت کنم بر باغی که اصلش از این باغ ثابت تر و میوه اش زودرس تر و نیکوتر و باقی تر باشد گفت بلی یا رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که در صبح و شام بگو: «سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُلِلَّهِ وَلا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ اَکْبَرُ» که به عددهرتسبیحی دربهشت درختهابرای توغرس می‌نمایندازانواع میوه هاواینهااست باقیات صالحات که خدا در قرآن فرموده است که نیکوتر و باقی ترند از مال دنیا

پنجم ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که هر که نزدیك به شام یا بعد از شام سه مرتبه این آیه را بخواند در آن شب چیزی از او فوت نشود و جمیع شرور از او دور گردد و هم چنین است هرگاه در هنگام صبح بگوید و آیه این است:

فَسُبْحانَ اللَّهِ حینَ تَمْسُونَ وَ حینَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَ عَشِیّاً وَ حینَ تُظْهِرُون

ششم برقی در محاسن به سند موثَّق از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که در صبح سه مرتبه و در شام سه مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ.

نترسد از شیطان و نه از پادشاهی و نه از خُره و نه از پیسی و حضرت فرمود که من صد مرتبه می‌گویم و در تعقیب نماز صبح و شام هفت مرتبه نیز گذشت.

هفتم به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که مردی از انصار چند روز به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله نرسید و حضرت از او پرسید که به چه سبب در این چند روز از ما غایب بودی گفت به سبب تنگدستی و طول بیماری فرمود می‌خواهی تو را دعائی تعلیم نمایم که چون بخوانی فقر و بیماری از تو زایل گردد گفت بلی یا رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که در صبح و شام این دعا بخوان:

لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذى لايَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.

هشتم در روایات معتبره بسیار از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پیش از طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بگو:

اَعُوذُ بِاللَّهِ السَّميعِ الْعَليمِ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطينِ وَ اَعُوذُ بِاللَّهِ اَنْ يَحْضُرُونِ اِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.

و در بعضی از روایات چنین است:

وَ اَعُوذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَحْضُرُونِ.

ودربعضی روایات:

اَسْتَعيذُ بِاللَّهِ السَّميعِ الْعَليمِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ وَ اَعُوذُ بِاللَّهِ اَنْ يَحْضُرُونِ تا آخر

نهم در فلاح السّائل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چه مانع است شما را که در هر صبح و شام این دعا را سه مرتبه بخوانید:

اَللّٰهُمَّ مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصارِ ثَبِّتْ قَلْبی عَلی دینِكَ وَلاتُزِغْ قَلْبی بَعْدَ اِذْ هَدَیتَنی وَهَبْ لی مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ وَأَجِرْنی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ امْدُدْلی فی عُمْری وَ اَوْسِعْ عَلَیَّ فی رِزْقی وَانْشُرْ عَلَیَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ اِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فی اُمِّ الْكِتابِ شَقِیّاً فَاجْعَلْنی سَعیداً فَاِنَّكَ تَمْحُوما تَشاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ اُمُّ الْكِتاب.

دهم شیخ طوسی و سیّد بن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده اند که هرکه در صبح وشام «یك مرتبه» بگوید: سُبْحانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحانَ اللّٰهِ الْعَظیمِ حق تعالی ملکی بفرستد بسوی بهشت با بیلی از نقره که برای او در زمین بهشت که از مشك ناب است درختان غرس کند و دیواری بر دور آنها بکشد و دری بر آن نصب کند و بر آن دربنویسد که این بستان فلان پسر فلان است و سید به روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که این تسبیح را بگوید در غیر مقام تعجّب حق تعالی هزار گناه او را محو کند و هزار حسنه برای او ثبت نماید و هزار شفاعت برای او بنویسد و هزار درجه برای او بلند کند و برای او از این کلمه مرغ سفید خلق کند که تا روز قیامت این تسبیح را گوید و ثوابش برای او نوشته شود.

یازدهم قطب راوندی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که صبح کند و چهار نعمت خدا را یاد نکند می‌ترسم که نعمت خدا از او زایل گردد:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی عَرَّفَنی نَفْسَهُ وَ لَمْ یَتْرُكْنی عَمْیانَ الْقَلْبِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی جَعَلَنی مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی جَعَلَ

رِزْقى فى يَدَيْـهِ وَ لَـمْ يَجْعَـلْ رِزْقى فى اَيْـدى النَّـاسِ اَلْحَمْـدُ لِلَّهِ الَّذى سَـتَرَ ذُنُوبى وَ عُيُوبى فَلَمْ يَفْضَحْنى بَيْنَ الْخَلايِقِ.

یعنی سپاس خداوندی را سزاست که خود را به من شناسانید و مرا کور دل نگذاشت سپاس خداوندی را رواست که مرا از امّت محمّدصلی الله علیه وآله گردانید حمد می‌کنم خداوندی را که روزی مرا خود متکفّل شد و بدست مردم نگذاشت ستایش می‌کنم خداوندی را که گناهان مرا پوشانید و مرا میان خلایق رسوا نگردانید

دوازدهم در بلدالأمین از سلمان فارسی روایت کرده است که هر بنده که داخل صبح شود بگوید سه مرتبه:

اَلْحَمْدُللَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْداً كَثيراً طَيِّباً مُباركاً فيهِ

حق تعالی هفتاد نوع بلا از او رفع کندکه کمترآنها اندوه باشد

سیزدهم شیخ کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که چون صبح کنی بگو:

اَصْـبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤمِنـاً عَـلى ديـنِ مُحَمَّـدٍ وَسُـنَّتِهِ وَديـنِ عَـلِيٍ وَ سُـنَّتِهِ وَ ديـنِ الْأَوصِـياءِ وَ سُـنَّتِهِمْ آمَنْـتُ بِسِرِّهِمْ وَ عَلانِيَـتِهِمْ وَ شـاهِدِهِمْ وَ غـآئِبِهِمْ وَ اَعُـوذُ بِاللَّهِ مِمَّـا اسْـتَعاذَ مِنْـهُ رَسُـولُ اللَّهِ صَـلَّى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَ آلِهِ وَ عَـلِيٌ عَلَيْـهِ السَّـلامُ وَالْأَوْصِـياءُ عَلَـيْهِمُ السَّـلامُ وَاَرْغَـبُ اِلَى اللَّهِ فـيما رَغِبُـوا اِلَيْـهِ وَلاحَـوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ.

چهاردهم شیخ کلینی از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فضیلت بسیاری نقل کرده برای خواندن این دعا بعد از صبح پیش از طلوع آفتاب:

اَللّٰهُ اَكْـبَرُ اَللّٰهُ اَكْـبَرُ كَبـيراً وَ سُـبْحانَ اللّٰهِ بُكْـرَةً وَ اَصـيلاً وَالْحَمْـدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ كَثيراً لاشريكَ لَهُ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

پانزدهم در بلد الأمين از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه هر كه در صبح سه مرتبه اين دعا بخواند تا شام به او بلائى نرسد و اگر در شام بگويد تا صبح به او بلائى نرسد:

بِسْـمِ اللّٰهِ الَّذى لايَضُرُّ مَـعَ اِسْمِـهِ شَىْ ءٌ فِى الْأَرْضِ وَلا فِى السَّـمآءِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.

شانزدهم كلينى و ابن بابويه و ديگران به سندهاى موثّق و معتبر از حضرت امام محمّد باقر عليه السلام روايت كرده اند كه حق تعالى حضرت نوح عليه السلام را بنده بسيار شكر كننده ناميد براى آنكه هر صبح و شام اين دعا مى‌خواند:

اَللّٰهُـمَّ اِنّى اُشْـهِدُكَ اَنَّـهُ مـا اَمْسى وَ اَصْـبَحَ بى مِـنْ نِعْمَـةٍ اَو عافِيَـةٍ فى ديـنٍ اَوْ دُنْيـا فَمِنْـكَ وَحْـدَكَ لاشَريـكَ لَكَ لَكَ الْحَمْـدُ وَ لَكَ الشُّـكْرُ بِهـا عَـلَىَ حَتّى تَرْضى اِلٰهَنا.

و در بعضى روايات است:

اَللّٰهُـمَّ اِنَّـهُ مـا اَصْـبَحَ بى مِـنْ نِعْمَـةٍ اَوْ عافِيَـةٍ فى ديـنٍ اَوْ دُنْيـا فَمِنْـكَ وَحْـدَكَ لاشَريـكَ لَكَ لَكَ الْحَمْـدُ وَ لَكَ الشُّـكْرُ بِهـا عَـلَىَّ حَـتّى تَـرْضى وَ بَعْـدَ الرِّضا.

ده مرتبه مى‌خواند و هر دو خوبست.

هفدهم كلينى و برقى به سندهاى معتبر از حضرت صادق و كاظم عليهما السلام روايت كرده اند كه چون نزديك شود به غروب آفتاب اين دعا بخوان تا

ایمن گردی از شرّ هر درّنده و از شرّ شیطان لعین و فرزندان او و از هر گزنده و صاحب زهری و از دزدان و غولان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَالْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی یَصِفُ وَلا یُوصَفُ وَ یَعْلَمُ وَلایُعْلَمُ یَعْلَمُ خآئِنَةَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ وَ اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْکَریمِ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظیمِ مِنْ شَرِّ ما ذَرَءَ وَ بَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ ما تَحْتَ الثَّری وَ مِنْ شَرِّ ما ظَهَرَ وَ ما بَطَنَ وَ مِنْ شَرِّ ما کانَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ اَبی قِتْرَةَ وَ ما وَلَدَ وَ مِن شَرِّ الرَّسیسِ وَ مِنْ شَرِّ ما وَصَفْتُ وَ ما لَمْ اَصِفْ وَالْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ.

هیجدهم کلینی به سند معتبر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که در صبح این دعا را بخواند در آن روز هیچ چیز به او ضرر نرساند و هر که در شام بخواند در آن شب چیزی او را ضرر نرساند ان شاء اللّه تعالی:

اَللّهُمَّ اِنّی اَصْبَحْتُ فی ذِمَّتِکَ وَ جِوارِکَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ دینی وَ نَفْسی وَ دُنْیایَ وَ آخِرَتی وَ اَهْلی وَ مالی وَ اَعُوذُبِکَ یا عَظیمُ مِنْ شَرِّ خَلْقِکَ جَمیعاً وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ شَرِّ ما یُبْلِسُ بِهِ اِبْلیسُ وَ جُنُودُهُ.

نوزدهم ایضاً کلینی به سندٍ کالصَّحیح روایت کرده است که مردی به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مرا دعائی تعلیم فرما که هر صبح و شام بخوانم حضرت فرمود که این دعا را بخوان:

اَلْحَمْـدُلِلَّهِ الَّذى يَفْعَـلُ مـا يَشـآءُ وَلايَفْعَـلُ مـا يَشـآءُ غَـيْرُهُ اَلْحَمْـدُلِلَّهِ كَـما يُحِـبُّ اللَّهُ اَنْ يُحْمَـدَ اَلْحَمْـدُ لِلَّهِ كَـما هُـوَ اَهْـلُهُ اَللَّهُـمَّ اَدْخِلْـنى فى كُلِّ خَـيْرٍ اَدْخَلْـتَ فيـهِ مُحَمَّـداً وَ آلَ مُحَمَّـدٍ وَ اَخْـرِجْنى مِـنْ كُلِّ سُـوءٍ اَخْرَجْـتَ مِنْـهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

بيستم در بلد الأمين از رسول خدا صلى الله عليه وآله روايت كرده است كه هر كه در صبح هفت مرتبه بخواند اين دعا را در آن روز از بلاها محفوظ باشد:

فَـاللَّهُ خَـيْرٌ حافِظـاً وَ هُـوَ اَرْحَـمُ الـرَّاحِمينَ اِنَّ وَلِـيِّيَ اللَّهُ الَّذى نَـزَّلَ الْكِتـابَ وَ هُـوَ يَتَـوَلَّى الصَّـالِحينَ فَـاِنْ تَوَلَّـوْا فَقُـلْ حَسْـبِيَ اللَّهُ لا اِلَهَ اِلاَّ هُـوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.

بيست و يكم در بعضى از كتب معتبره مروى است كه هر كه سه مرتبه در بامداد و سه مرتبه در آخر روز اين صلوات را بخواند گناهانش آمرزيده شود و شادى او هميشه باشد و دعايش مستجاب گردد و روزيش فراخ شود و بر دشمن يارى يابد و در بهشت از رفيقان محمدصلى الله عليه وآله باشد اين است صَلَوات:

اللَّهُـمَّ صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ فِى الْأَوَّلـينَ وَ صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ فِى الْأخِـرينَ وَ صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ فِى الْمَـلاَءِ الْأَعْـلى وَ صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ فِى الْمُرْسَـلينَ اَللَّهُـمَّ اَعْـطِ مُحَمَّـداً الْوَسـيلَةَ وَ الشَّرَفَ وَالْفَضـيلَةَ وَالدَّرَجَـةَ الْكَبـيرَةَ اللَّهُـمَّ اِنّى آمَنْـتُ بِمُحَمَّـدٍ وَ آلِهِ وَ لَـمْ اَرَهُ فَـلا تَحْـرِمْنى يَـوْمَ الْقِيمَـةِ رُؤْيَتَـهُ وَارْزُقْـنى صُحْبَتَـهُ وَ تَـوَفَّنى عَـلى مِلَّتِـهِ وَاسْـقِنى

مَـنْ حَوْضِـهِ مَشْرَبـاً رَوِيّاً سـآئِغاً هَنيئاً لا اَظْمَـأُ بَعْـدَهُ اَبَـداً اِنَّـكَ عَـلى كُلِّ شَئْ ءٍ قَـديرٌ اَللّٰهُـمَّ كَـما آمَنْـتُ بِمُحَمَّـدٍ صَـلَّى اللّٰهُ عَلَيْـهِ وَ آلِهِ وَ لَـمْ اَرَهُ فَـاَرِنى فِى الْجِنانِ وَجْهَهُ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنّى تَحِيَّةً كَثيرَةً وَ سَلاماً.

مؤلف گويد كه اين صلوات همان صلواتى است كه كفعمى از حضرت صادق عليه السلام نقل كرده كه هر كه بخواهد مسرور كند محمّد و آل محمّدعليهم السلام را در صلوات بر ايشان آن را بخواند و ما در مفاتيح در اعمال روز عرفه آن را ذكر نموديم و بدانكه دعاهاى وارده در صبح و شام بسيار است واين مختصر را گنجايش بيش از اين نيست و بيايد در باب چهارم ذكر ده دعا از كافى كه در وقت صبح و شام خوانده مى‌شود و اگر وقت داشتى بخوان دعاى عشرات و دعاى معروف به يستشير و دعاى نور و دعاى عهد اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظيمِ را و اين دعاها را در مفاتيح ما ذكر نموديم و در آداب تربت نيز ذكر نموديم دعاى اَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمامِكَ را كه تسبيح تربت بر دست گرفته و آن دعا را در صباح و مساء براى ايمنى از هر خوف بخوانند.

فصل ششم در دعاهايي كه در ساعات روز بايد خواند و دعاهاى هر روز كه خصوصيتى به ساعتى ندارد

بدانكه شيخ طوسى وسيّد بن باقى وشيخ كفعمى هر روز را به دوازده ساعت منقسم ساخته اند و هر ساعتى را به امامى از ائمّه اِثنى عشر صلوات اللّه عليهم اجمعين نسبت داده اند و براى هر ساعتى دعائى كه مشتمل بر توسّل به آن امام عاليمقام است ذكر كرده اند و اگر چه روايتش را بخصوص ايراد نكرده اند امّا

معلوم است که چنین امری را بدون روایت ذکر نمی کنند و ما در این رساله اکتفا می‌کنیم به آنچه در مصباح المتهجّد است فرموده

ساعت اوّل

از طلوع فجر است تا طلوع آفتاب منسوب است به امیرالمؤمنین علیه السلام و دعای آن این است:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْبَهآءِ وَالْعَظَمَةِ وَالْكِبْرِيآءِ وَالسُّلْطانِ اَظْهَرْتَ الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ وَ مَنَنْتَ عَلى عِبادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَ تَسَلَّطْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَرُوتِكَ وَ عَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ نِعْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى لِلدّينِ وَالْعالِمِ بِالْحُكْمِ وَ مَجارِی التُّقى اِمامِ الْمُتَّقينَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِی الْأَوَّلينَ وَالْأخِرينَ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَ كَذا.

ساعت دوّم

از طلوع شمس است تا ذهاب حُمره و منسوب است به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام:

اَللّٰهُمَّ لَبِسْتَ بَهآئَكَ فی اَعْظَمِ قُدْرَتِكَ وَ صَفا نُورُكَ فی اَنْوَرِ ضَوْئِكَ وَ فاضَ عِلْمُكَ حِجابَكَ وَ خَلَّصْتَ فيهِ اَهْلَ الثِّقَةِ بِكَ عِنْدَ جُودِكَ فَتَعالَيْتَ فی كِبْرِيآئِكَ عُلُوّاً عَظُمَتْ فيهِ مِنَّتُكَ عَلى اَهْلِ طاعَتِكَ فَباهَيْتَ بِهِمْ اَهْلَ سَمواتِكَ بِمِنَّتِكَ عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَيْكَ اَسْئَلُكَ وَ بِهِ اَسْتَغيثُ اِلَيْكَ وَاُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَ كَذا.

ساعت سیّم

از ذهاب شعاع است تا ارتفاع نهار ومنسوب است به حضرت امام حسین علیه السلام:

یا مَنْ تَجَبَّرَ فَلا عَیْنٌ تَراهُ یا مَنْ تَعَظَّمَ فَلا تَخْطُرُ الْقُلُوبُ بِکُنْهِهِ یا حَسَنَ الْمَنِّ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا حَسَنَ الْعَفْوِ یا جَوادُ یا کَریمُ یا مَنْ لا یُشْبِهُهُ شَیْ ءٌ مِنْ خَلْقِهِ یا مَنْ مَنَّ عَلی خَلْقِهِ بِاَوْلِیآئِهِ اِذْارْتَضیهُمْ لِدینِهِ وَ اَدَّبَ بِهِمْ عِبادَهُ وَ جَعَلَهُمْ حُجَجاً مَنّاً مِنْهُ عَلی خَلْقِهِ اَسْئَلُکَ بِحَقِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلامُ السِّبْطِ التَّابِعِ لِمَرْضاتِکَ وَ النَّاصِحِ فی دینِکَ وَالدَّلیلِ عَلی ذاتِکَ اَسْئَلُکَ بِحَقِّهِ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.

ساعت چهارم

منسوب است به علیّ بن الحسین علیهما السلام و آن از ارتفاع نهار است تا زوال شمس:

اَللّهُمّ َ صَفا نُورُکَ فی اَتَمِّ عَظَمَتِکَ وَ عَلا ضِیآؤُکَ فی اَبْهی ضَوْئِکَ اَسْئَلُکَ بِنُورِکَ الَّذی نَوَّرْتَ بِهِ السَّمواتِ وَ الْأَرَضینَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبابِرَةَ وَاَحْیَیْتَ بِهِ الْأَمْواتَ وَ اَمَتَّ بِهِ الْأَحْیآءَ وَ جَمَعْتَ بِهِ الْمُتَفَرِّقَ وَ فَرَّقْتَ بِهِ الْمُجْتَمِعَ وَ اَتْمَمْتَ بِهِ الْکَلِماتِ وَ اَقَمْتَ بِهِ السَّمواتِ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام الذَّآبِّ عَنْ دینِکَ وَالْمُجاهِدِ فی سَبیلِکَ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.

ساعت پنجم

منسوب است به امام محمّد باقر علیه السلام و آن از زوال شمس است تا مقدار چهار رکعت از آن:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الضِّیآءِ وَالْعَظَمَةِ وَالنُّورِ وَالْکِبْرِیآءِ وَالسُّلْطانِ تَجَبَّرْتَ بِعَظَمَةِ بَهآئِكَ وَ مَنَنْتَ عَلی عِبادِكَ بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ دَلَلْتَهُمْ عَلی مَوْجُودِ رِضاكَ وَ جَعَلْتَ لَهُمْ دَلیلاً یَدُلُّهُمْ عَلی مَحَبَّتِكَ وَ یُعَلِّمُهُمْ مَحآبَّكَ وَ یَدُلُّهُمْ عَلی مَشِیَّتِكَ اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلامُ عَلَیْكَ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.

ساعت ششم

منسوب است به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و آن از مقدار چهار رکعت از زوال گذشته است تا نماز ظهر:

یا مَنْ لَطُفَ عَنْ اِدْراكِ الْأَوْهامِ یا مَنْ کَبُرَ عَنْ مَوْجُودِ الْبَصَرِ یا مَنْ تَعالی عَنِ الصِّفاتِ کُلِّها یا مَنْ جَلَّ عَنْ مَعانِی اللُّطْفِ وَ لَطُفَ عَنْ مَعانِی الْجَلالِ اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَ ضِیآءِ کِبْرِیآئِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِ عَظَمَتِكَ الْعافِیَةَ مِنْ نارِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَیْكَ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّی عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.

ساعت هفتم

منسوب است به موسی بن جعفرعلیهما السلام و آن ازنماز ظهر است تا مقدار چهار رکعت قبل از عصر:

يا مَنْ تَكَبَّرَ عَنِ الْأَوْهامِ صُورَتُهُ يا مَنْ تَعالى عَنِ الصِّفاتِ نُورُهُ يا مَنْ قَرُبَ عِنْدَ دُعآءِ خَلْقِهِ يا مَنْ دَعاهُ الْمُضْطَرُّونَ وَ لَجَاَ اِلَيْهِ الْخائِفُونَ وَ سَئَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَ عَبَدَهُ الشّاكِرُونَ وَ حَمِدَهُ الْمُخْلِصُونَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ نُورِكَ الْمُضيءِ وَ بِحَقِّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْكَ وَ اَتَقَرَّبُ بِهِ اِلَيْكَ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَىْ حَوآئِجى اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بى كَذا وَ كَذا.

ساعت هشتم

منسوب است به علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام و آن از مقدار چهار رکعت بعد از ظهر است تا نماز عصر:

يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ يا خَيْرَ مَنْ اَعْطى يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ يا مَنْ اَضاءَ بِاسْمِهِ ضَوْءُ النَّهارِ وَ اَظْلَمَ بِهِ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ سالَ بِاسْمِهِ وابِلُ السَّيْلِ وَ رَزَقَ اَوْلِيآئَهُ كُلَّ خَيْرٍ يا مَنْ عَلاَ السَّمواتِ نُورُهُ وَ الْأَرْضَ ضَوْئُهُ وَالشَّرْقَ وَالْغَرْبَ رَحْمَتُهُ يا واسِعَ الْجُودِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا عَليهِمَا السَّلامُ وَ اُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَىْ حَوآئِجى اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بى كَذا وَ كَذا.

ساعت نهم

منسوب است به حضرت امام محمّد تقی علیه السلام و آن از نماز عصر است تا دو ساعت بعد می‌گوئی:

يا مَنْ دَعاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَاَجابَهُمْ وَالْتَجاَ اِلَيْهِ الْخائِفُونَ فَامَنَهُمْ وَعَبَدَهُ الطّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَشَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَباهُمْ وَ اَطاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَئَلُوهُ

فَاَعْطاهُمْ وَ نَسُوْا نِعَمَتَهُ فَلَمْ یُخْلِ شُکْرَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَامْتَنَّ عَلَیْهِمْ فَلَمْ یَجْعَلِ اسْمَهَ مَنْسِیّاً عِنْدَهُمْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیهِمَا السَّلامُ حُجّتِكَ الْبالِغَةِ وَ نِعْمَتِكَ السَّابِغَةِ وَ مَحَجَّتِكَ الْواضِحَةِ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.

ساعت دهم

منسوب است به امام علیّ نقی علیه السلام و آن از دو ساعت بعد از نماز عصر است تا پیش از زرد شدن آفتاب:

یا مَنْ عَلا فَعَظُمَ یا مَنْ تَسَلَّطَ فَتَجَبَّرَ وَ تَجَبَّرَ فَتَسَلَّطَ یا مَنْ عَزَّ فَاسْتَکْبَرَ فی عِزِّهِ یا مَنْ مَدَّ الظِّلَ عَلی خَلْقِهِ یا مَنْ اِمْتَنَ بِالْمَعْرُوفِ عَلی عِبادِهِ یا عَزیزاً ذَا انْتِقامٍ یا مُنْتَقِماً بِعِزَّتِهِ مِنْ اَهْلِ الشِّرْكِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمَا السَّلامُ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.

ساعت یازدهم

منسوب است به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وآن پیش از زرد شدن آفتاب است تا زرد شدن آن:

یا اَوَّلاً بِلا اَوَّلِیَّةٍ وَ آخِراً بِلا آخِرِیَّةٍ یا قَیُّوماً بِلا مُنْتَهی لِقِدَمِهِ یا عَزیزاً بِلاَ انْقِطاعٍ لِعِزَّتِهِ یا مُتَسَلِّطاً بِلا ضَعْفٍ مِنْ سُلْطانِهِ یا کَریماً بِدَوامِ نِعْمَتِهِ یا جَبَّاراً وَ مُعِزّاً لِأَوْلِیائِهِ یا خَبیراً بِعِلْمِهِ یا عَلیماً بِقُدْرَتِهِ یا قَدیراً بِذاتِهِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَلَیْهِمَا السَّلامُ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا.

ساعت دوازدهم

منسوب است به امام عصرعلیه السلام و آن از زرد شدن شمس است تا غروب آن:

یا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ یا مَنْ غَنِیَ عَنْ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ یا مَنْ عَرَّفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ یا مَنْ سَلَكَ بِاَهْلِ طاعَتِهِ مَرْضاتَهُ یا مَنْ اَعانَ اَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلی شُكْرِهِمْ یا مَنْ مَنَّ عَلَیْهِمْ بِدینِهِ وَ لَطُفَ لَهُمْ بِنائِلِهِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْخَلَفِ الصّالِحِ عَلَیْهِ السَّلامُ عَلَیْكَ وَ اَتَضَرَّعُ اِلَیْكَ بِهِ وَ اُقَدِّمُهُ بَیْنَ یَدَیْ حَوآئِجی اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَ كَذا اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اُولِی الْاَمْرِ الَّذینَ اَمَرْتَ بِطاعَتِهِمْ وَ اُولِی الْاَرْحامِ الَّذینَ اَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ وَ ذَوِی الْقُرْبَی الَّذینَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ الْمَوالِی الَّذینَ اَمَرْتَ بِعِرْفانِ حَقِّهِمْ وَ اَهْلِ الْبَیْتِ الَّذینَ اَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهیراً اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَ كَذا.

علامه مجلسی(ره) در مقباس المصابیح فرموده و به سندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که حق سبحانه و تعالی در سه ساعت شب و سه ساعت روز خود را به مجد و بزرگواری یاد می‌کند و سه ساعت روز از وقت چاشت تا اوّل ظهر است و سه ساعت شب ثلث آخر شب است تا صبح پس هر بنده مؤمن که این تمجید را بخواند و دلش با خدا باشد البته حق تعالی حاجت او را برآورد و اگر شقی و بد عاقبت باشد امیدوارم که سعادت مند و نیکو عاقبت گردد.

مؤلّف گويد: كه اگر دراين ساعتهاى روز و شب اين دعا را بخواند مناسبتر خواهد بود اين است دعا:

اَنْتَ اللّٰهُ لااِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ رَبُّ الْعالَمينَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبيرُ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ مالِكُ يَوْمِ الدّينِ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰاَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ الْخَلْقِ وَ اِلَيْكَ يَعُودُ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذى لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ لاتَزالُ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذى لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ خالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ خالِقُ الْجَنَّةِ وَالنّارِ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ الْأَحَدُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزيزُ الْجَبّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللّٰهِ عَمّا يُشْرِكُونَ اَنْتَ اللّٰهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْأَسْمآءُ الْحُسْنى يُسَبِّحُ لَكَ ما فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَ اَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ الْكَبيرُ الْمُتَعالِ وَالْكِبْرِيآءُ رِدآؤُكَ.

و ابن بابويه به سند صحيح از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده است كه هر بنده اى كه هر روز هفت مرتبه بگويد:

اَسْئَلُ اللّٰهَ الْجَنَّةَ وَ اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النّارِ.

جهنم گويد خدايا او را از من پناه ده و به سند معتبر ديگر از آن حضرت روايت كرده است كه اگر مؤمنى در يك روز چهل گناه كبيره بكند پس از روى ندامت و پشيمانى اين استغفار را بخواند خدا گناهان او را بيامرزد:

اَسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذی لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ بَدیعُ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ ذُوالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ وَ اَسْئَلُهُ اَنْ یَتُوبَ عَلَیَّ.

و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است هر که هر روز هفت مرتبه بگوید:

اَلْحَمْدُلِلَّهِ عَلی کُلِّ نِعْمَةٍ کانَتْ اَوْ هِیَ کائِنَةٌ

ادای شکر نعمتهای گذشته و آینده کرده است.

و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که هر که هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید:

اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَ الْمُسْلِماتِ

حق تعالی به عدد هر مؤمن که گذشته و هر مؤمن که بیاید تا روز قیامت حسنه در نامه اعمال او بنویسد و به آن عدد گناه از او محو کند و درجه ای در بهشت برای او بلند کند.

و ایضاً به سند معتبر از آن حضرت روایت کرده است که هر که هر روز صد مرتبه بگوید:

لاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ

حق تعالی هفتاد نوع بلا از او دور گرداند که کمتر آنها همّ و غم باشد و به روایت دیگر هرگز پریشان نشود

و کلینی و شیخ طبرسی و دیگران به سندهای حَسَن و معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه وآله هر روز هفتاد مرتبه می‌گفت: اَسْتَغْفِرُاللَّهَ و هفتاد مرتبه اَتُوبُ اِلَی اللَّهِ

و در كشف الغمّه و امالى شيخ طوسى به سند معتبر روايت شده است كه حضرت رسول صلى الله عليه وآله فرمود هر كه هر روز صد مرتبه بگويد لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ امان يابد از فقر و وحشت قبر و توانگرى به او روى آورد و درهاى بهشت بر روى او گشوده شود و در امالى «لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» است و در ثواب الأعمال و محاسن برقى سه مرتبه روايت كرده اند و قطب راوندى در دعوات خود روايت كرده است از حضرت امام رضا عليه السلام كه حضرت رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود: هر كه خواهد كه او را زياده از مجاهدين در ملاء اعلى ثنا گويند پس هر روز اين دعا بخواند اگر حاجتى داشته باشد برآورده شود و اگر دشمنى داشته باشد بر او غالب گردد و اگر قرضى داشته باشد ادا شود و اگر غمّى و همّى داشته باشد زايل گردد و اين دعا از هفت آسمان بالا رود تا در لوح محفوظ براى او نوشته شود اين است دعاء:

سُبْحانَ اللَّهِ كَما يَنْبَغى لِلَّهِ وَالْحَمْدُللَّهِ كَما يَنْبَغى لِلَّهِ وَ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ كَما يَنْبَغى لِلَّهِ وَاللَّهُ اَكْبَرُ كَما يَنْبَغى لِلَّهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ عَلى اَهْلِ بَيْتِهِ وَ جَميعِ الْمُرْسَلينَ وَالنَّبِيّينَ حَتّى يَرْضَى اللَّهُ.

و به سند معتبر از حضرت امام رضا عليه السلام منقول است كه شخصى از اصحاب حضرت رسول صلى الله عليه وآله نامه اى را يافت و به خدمت آن حضرت آورد پس حضرت فرمود ندا كردند كه همه اصحاب حاضر شوند پس بر منبر برآمد و فرمود كه اين نامه اى است كه يوشع بن نون وصىّ موسى عليه السلام نوشته است و مضمون نامه اين بود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ بدرستى كه

پروردگار شما به شما دوست و مهربان است بدرستی که بهترین بندگان پرهیزکار گم نامست و بدترین خلق کسی است که انگشت نمای مردم باشد به ریاست باطل پس کسی که خواهد به او ثواب کامل داده شود و شکر نعمتهای خدا کرده باشد پس در هر روز این دعا بخواند:

سُبْحانَ اللَّهِ کَما یَنْبَغی للَّهِ وَالْحَمْدُ للَّهِ کَما یَنْبَغی للَّهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ کَما یَنْبَغی للَّهِ وَ لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ وَ عَلَی جَمیعِ الْمُرْسَلینَ وَالنَّبِیِّینَ حَتّی یَرْضَی اللَّهُ

و در بلدالأمین از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده و خدا دفع کند از او هفتاد نوع بلا را که از جمله آنها دیوانگی و خوره و پیسی و فالج بوده باشد و حق تعالی هفتاد هزار ملك موکّل گرداند که برای او استغفار نمایند

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که هر روز صد مرتبه بگوید «لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ» تنگدستی و فقر او را درنیابد و هر که هر روز صد مرتبه بگوید:

سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُللَّهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ اَکْبَرُ حق تعالی بدنش را بر آتش جهنّم حرام گرداند و در بلدالأمین از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هر که هر روز ده مرتبه این دعا بخواند حق تعالی چهار هزار گناه کبیره او را بیامرزد و او را از سکرات مرگ و فشار قبر و صد هزار هول قیامت

نجات دهد و از شرّ شیطان و لشکرهای او محفوظ گردد و قرضش ادا شود و همّ و غمّش زایل گردد این است دعا:

اَعْـدَدْتُ لِـكُلِّ هَـوْلٍ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَ لِـكُلِّ هَمٍ وَ غَمٍ مـا شـاءَاللَّهُ وَ لِـكُلِّ نِعْمَـةٍ الْحَمْـدُ للَّهِ وَ لِـكُلِّ رَخـآءٍ اَلشُّـكْرُ للَّهِ وَ لِـكُلِّ اُعْجُوبَـةٍ سُـبْحانَ اللَّهِ وَ لِـكُلِّ ذَنْـبٍ اَسْـتَغْفِرُاللَّهَ وَ لِـكُلِّ مُصـيبَةٍ اِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَيْـهِ راجِعُـونَ وَ لِـكُلِّ ضـيقٍ حَسْـبِيَ اللَّهُ وَ لِـكُلِّ قَضـآءٍ وَ قَـدَرٍ تَوَكَّلْـتُ عَـلَى اللَّهِ وَ لِـكُلِّ عَـدُوٍّ اِعْتَصَـمْتُ بِاللَّهِ وَ لِكُلِّ طاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

و کلینی و ابن بابویه و برقی رحمةاللّه علیهم به سندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که هر روز ده مرتبه این دعاء بخواند حق تعالی چهل و پنج هزار حسنه برای او بنویسد و محو فرماید از او چهل و پنج هزار سیّئه و چهل و پنج هزار درجه در بهشت برای او بلند کند و حرزی باشد برای او از شرّ شیطان و ظالمان و متصرّف نشود او را و احاطه به او نکند گناه کبیره و به روایت دیگر چنان باشد که دوازده مرتبه قرآن را ختم کرده باشد و خدا در بهشت خانه ای برای او بنا کند و در روایت ابن بابویه ده بار نیست، این است دعا:

اَشْـهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْـدَهُ لاشَريـكَ لَهُ اِلهـاً واحِـداً اَحَـداً صَمَـداً لَـمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَداً

و در ثواب الأعمال و محاسن و کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی اللّه علیه وآله فرمود که هر که هر روز پانزده مرتبه بگوید:

لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ ایماناً وَ تَصْدیقاً لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ عُبُودِیَّةً وَرِقّاً

حق تعالی رُویِ رحمت خود را از او نگرداند تا داخل بهشت گرداند او را

و در محاسن از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که هرکه هر روز صد مرتبه سُبْحانَ اللَّهِ بگوید بهتر باشد از صد شتر برای کعبه قربانی کردن و هر که صد مرتبه اَلْحَمْدُللَّهِ بگوید بهتر باشد از صد بنده آزاد کردن و هر که صد مرتبه بگوید اللَّهُ اَکْبَرُ بهتر باشد از آنکه صد اسب با زین و لجام درراه خدابفرستدوهرکه صد مرتبه لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ بگوید کسی از او عملش نیکوتر نباشد مگر کسی که بیشتر بگوید و قطب راوندی روایت کرده است که در بنی اسرائیل عابدی بود که سالها عبادت حق تعالی کرده بود روزی دعا کرد که پروردگارا می‌خواهم حال خود را نزد تو بدانم اگر عملهای مرا پسندیده باشی دیگر از این اعمال بسیار کنم والاّپیش ازمرگ توبه کنم حق تعالی ملکی به نزد او فرستاد و گفت تو را نزد خدا هیچ عمل خیر نیست گفت پروردگارا عبادتهای من چه شد ملك گفت هر کار خیری که می‌کردی به مردم خبر می‌دادی و می‌خواستی مردم تو را نیك دانندوبه نیکی یاد کنند اکنون ثواب تو همان است که خود برای عمل خود راضی شدی این سخن برعابد بسیار گران آمد و محزون و نالان شد پس بار دیگر ملك آمد و گفت حقّ تعالی می‌فرماید که الحال خود را از من بخر و بعد از این هر روز به عدد هر رگی از رگهایِ بدن خود تصدّق بکن گفت چگونه توانم چنین کاری بکنم فرمود که هر روز سیصد و شصت مرتبه به عدد رگهای بدن خود بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُللَّهِ وَلا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ وَاللَّهُ اَكْبَرُ وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ.

گفت پروردگارا زیاده بفرما فرمود اگر زیاده بگوئی ثوابت بیشتر است

و کلینی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله هر روز به عدد رگهای بدن سیصد و شصت مرتبه می‌گفت:

اَلْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ کَثیراً عَلی کُلِ حالٍ

و به روایت دیگر از آن حضرت منقول است که هر که در دو ماه پیاپی هر روز چهارصد مرتبه این دعا بخواند خدا علم بسیار یا مال بسیار او را کرامت فرماید این است دعا:

اَسْتَغْفِرُاللَّهَ الَّذی لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ الْحَیُ الْقَیُّومُ الرَّحْمنُ الرَّحیمُ بَدیعُ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ مِنْ جَمیعِ ظُلْمی وَ جُرْمی وَ اِسْرافی عَلی نَفْسی وَ اَتُوبُ اِلَیْهِ.

و شیخ طوسی و دیگران روایت کرده اند که سنّت است هر روز این دعا بخواند:

اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْمُشْرِقِ الْحَیِ الْباقِ الْکَریمِ وَ اَسْئَلُکَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْقُدُّوسِ الَّذی اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمواتُ وَانْکَشَفَتْ بِهِ الظُّلُماتُ وَ صَلُحَ عَلَیْهِ اَمْرُ الْأَوَّلینَ وَالْأخِرینَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَنْ تُصْلِحَ لی شَأْنی کُلَّهُ.

و کفعمی از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که هر روز این دعا بخواند حق تعالی امور دنیا و آخرت او را کفایت کند:

بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِیَ اللَّهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ خَیْرَ اُمُوری کُلِّها وَ اَعُوذُبِكَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَ عَذابِ الْأخِرَةِ

و ایضاً روایت کرده است که هر که هر روز این دعا بخواند هفت مرتبه امور دنیا و عقبای او کفایت شود:

حَسْبِیَ اللَّهُ رَبِّیَ اللَّهُ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ.

و ایضاً روایت کرده است که هر که درعرض یك سال هر روز یك مرتبه این دعا بخواند نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند:

سُبْحانَ الدَّآئِمِ الْقآئِمِ سُبْحانَ الْقآئِمِ الدَّآئِمِ سُبْحانَ الْواحِدِ الْأَحَدِ سُبْحانَ الْفَرْدِ الصَّمَدِ سُبْحانَ الْحَیِّ الْقَیُّومِ سُبْحانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحانَ الْحَیِّ الَّذی لایَمُوتُ سُبْحانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحانَ رَبِّ الْمَلائِکَةِ وَالرُّوحِ سُبْحانَ الْعَلِیِّ الْأَعْلی سُبْحانَهُ وَ تَعالی.

باب دویّم در ذکر نمازهای مستحبّه که در مفاتیح الجنان ذکر نشده

نماز اعرابی

سیّد بن طاوس در جمال الأسبوع از شیخ تلعکبری نقل کرده که او به سند خود از زید بن ثابت روایت کرده که گفت مردی از بادیه نشینان به خدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله ایستاد و گفت پدر و مادرم فدای تو باد

یا رسول اللّه صلی اللّه علیه وآله ما در بادیه می‌باشیم و دوریم از مدینه و نمی توانیم هر جمعه به نماز جمعه حاضر شویم پس دلالت کن مرا بر عملی که چون آن را بجا آورم فضیلت نماز جمعه را دریابم و چون به اهل و قبیله خود برگردم ایشان را نیز بیاموزم حضرت فرمود که چون روز بلند شود دو رکعت نماز بکن در رکعت اوّل بعد از حمد هفت مرتبه قُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْفَلَقِ و در رکعت دوّم بعد از حمد هفت مرتبه قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بخوان و بعد از سلام هفت مرتبه آیةالکرسی بخوان پس برخیز و هشت رکعت دیگر بکن به دو سلام و بنشین بعد از هر دو رکعت از آن و تشهّد بخوان و سلام مگو و چون چهار رکعت را تمام کردی سلام بگو و چهار رکعت دیگر نیز بدین طریق بجا آور و بخوان در هر رکعتی حمد یك مرتبه و اِذا جاءَ نَصْرُاللَّهِ یك مرتبه و قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد بیست و پنج مرتبه و چون از تشهّد و سلام فارغ شدی هفت مرتبه بخوان این دعا را:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا ذَاالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا اِلهَ الْأَوَّلینَ وَ الْأخِرینَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَ الْأخِرَةِ وَ رَحیمَهُما یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَاغْفِرْلی

پس حاجت خود را ذکر کن و هفتاد مرتبه بگو:

لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

و بگو:

وَسُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْکَریمِ

پس حضرت فرمود به حقّ آن خداوندی که مرا براستی فرستاده سوگند که هر مؤمن و مؤمنه که این نماز را بکند در روز جمعه من ضامنم بهشت را برای او و از جای خود برنخیزد تا گناهانش و گناهان پدر و مادرش آمرزیده شود و عطا فرماید حقّ تعالی به او ثواب هر که نماز کرده در این روز در شهرهای مسلمانان و بنویسد از برای او اجر کسی که روزه گرفته و نماز کرده در این روز در مشرق و مغرب عالم و حق تعالی به او عطا فرماید آنچه را که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده باشد.

مؤلّف گوید: که شیخ طوسی در مصباح نیز این نماز را نقل کرده و لکن در روایت ایشان دعای مذکور نیست بلکه فرموده چون فارغ شدی از نماز بگو:

سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَلا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

هفتاد مرتبه

نماز هدیّه

روایت شده از معصومین علیهم السلام که آدمی که در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد یعنی بعد از هر دو رکعت سلام بگوید چهار رکعت آن را هدیّه حضرت رسول صلی الله علیه وآله بکند و چهار رکعت دیگر را هدیّه حضرت فاطمه صَلَواتُ اللَّهِ علیها و در روز شنبه چهار رکعت بکند و هدیّه حضرت امیرالمؤمنین صلوات اللَّهِ و سلامه علیه گرداند و همچنین هر روز از هفته را چهار رکعت بکند و هدیّه امامی‌کند به ترتیب آنها تا آنکه در روز پنجشنبه چهار رکعت کند و هدیه امام جعفر صادق علیه السلام گرداند و باز در روز جمعه هشت

رکعت کند چهار رکعت آن را هدیّه حضرت رسول خداصلی الله علیه وآله و چهار رکعت دیگر هدیّه حضرت فاطمه سلام الله علیها گرداند و در روز شنبه چهار رکعت هدیّه حضرت امام موسی علیه السلام کند و همچنین هر روز چهار رکعت بگذارد و هدیّه امامی نماید به ترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت را هدیّه امام عصر عَجَّلَ اللّهَ فرجهُ گرداند و ما بین هر دو رکعت یعنی بعد از هر دو رکعت از این نمازها این دعاء بخواند:

اَللّهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ وَ مِنْكَ السَّلامُ وَ اِلَيْكَ يَعُودُ السَّلامُ حَيِّنا رَبَّنا مِنْكَ بِالسَّلامِ اَللّهُمَّ اِنَّ هذِهِ الرَّكَعاتِ هَدِيَّةٌ مِنّا اِلى وَلِيِّكَ فُلان فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ بَلِّغْهُ اِيّاها وَاَعْطِنى اَفْضَلَ اَمَلى وَ رَجآئى فيكَ وَ فى رَسُولِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فيهِ.

پس هر دعا که می‌خواهد بکند و به جای فلان اسم آن امام علیه السلام را بگوید که نماز را برای او بجا می‌آورد.

نماز لَیلَة الدَّفْن

دو رکعت است در رکعت اوّل حمد و آیةالکرسی و در رکعت دویّم حمد و ده مرتبه اِنّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ و چون سلام دهد بگوید:

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوابَها اِلى قَبْرِ فُلان

و به جای فلان نام میّت را ذکر کند.

نماز دیگر ایضاً سید بن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه وآله روایت کرده است که فرمود نمی گذرد برمیّت ساعتی سخت ترازشب اوّل قبرپس رحم نمائید مُردگان خود را به صدقه و اگر نیافتی چیزی که صدقه بدهی پس یکی از

شماها دو رکعت نماز کند بخواند در رکعت اوّل فاتحة الکتاب يك مرتبه و قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد دو مرتبه و در رکعت دوّیم فاتحه يك مرتبه و اَلْهيكُمُ التَّكاثُر ده مرتبه و سلام دهد و بگوید:

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍوَ آلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوابَها اِلى قَبْرِ ذلِكَ الْمَيِّتِ فُلانِ بْنِ فُلان

پس حق تعالی می‌فرستد همان ساعت هزار ملك بسوی قبر آن میّت با هر ملکی جامه ای و حُلّه ای و تنگی قبر او را وسعت دهد تا روز نفخ صور و عطا کند به نمازگذار به عدد آنچه آفتاب بر آن طلوع می‌کند حسنات و بالا برده شود برای او چهل درجه.

مؤلّف گوید که کفعمی نیز این نماز را به همین کیفیّت نقل کرده پس از آن فرموده که در بعض کتب دیدم که در رکعت اوّل بعد از حمد آیةالکرسی يك مرتبه و توحید دو مرتبه بخواند

و علامه مجلسی قدس سره در زادالمعاد فرموده که باید مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرّفه پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان به عمل آورد و در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاقّ ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد به سبب اعمال خیری که از برای ایشان به عمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان

عاق گردد به سبب آنکه اعمال خیری که باید از برای ایشان به عمل آورد کم به عمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آن است که قروض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حجّ و سایر عبادات که از ایشان فوت شده باشد سعی کند به استیجار یا به تبرّع بجا آورد.

و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب از برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز می‌کردند و در رکعت اوّل اِنَّا اَنْزَلْناهُ و در رکعت دوّم اِنَّا اَعْطَیْنا می‌خواندند

و به سند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بسا باشد که میّت در تنگی و شدّتی بوده باشد و حق تعالی به او وسعت دهد و تنگی از او بردارد پس به او گویند این فَرَج که تو را روی داد به سبب نمازی است که فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید: دو میّت را در دو رکعت نماز شریك می‌توانم کرد فرمود بلی فرمود که میّت شاد می‌شود و فَرَج می‌یابد به دعا و استغفاری که از برای او کنند چنانچه زنده شاد می‌شود به هدیّه که برای او برند و فرمود که بر میّت داخل می‌شود در قبرش نماز و روزه و حجّ و تصدق و سایر اعمال خیرو دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می‌شود.

و در حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میّتی عمل صالحی بکند خدا ثواب آن را مضاعف می‌گرداند و میّت به آن عمل منتفع می‌گردد

و در روایتی وارد شده است که هرگاه شخصی به نیّت میّتی تصدّق بکند حق تعالی جبرئیل را امر می‌نماید که با هفتاد هزار ملك به نزد قبر او می‌روند و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یك به او می‌گویند اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ ای دوست خدا این هديّه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن می‌شود و حق تعالی هزار شهر در بهشت به او کرامت می‌فرماید و هزار حوری به او تزویج می‌فرماید و هزار حُلّه به او می‌پوشاند و هزار حاجت او را روا می‌کند.

نماز فرزند برای پدر و مادر

دو رکعتست در رکعت اوّل فاتحه و ده مرتبه:

رَبِّ اغْفِرْلی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِلْمُؤْمِنینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسابُ

و در رکعت دوّم فاتحه و ده مرتبه

رَبِّ اغْفِرْلی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِناً وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ.

و چون سلام دهد ده مرتبه بگوید:

رَبِّ ارْحَمْهُما کَما رَبَّیانی صَغیراً.

نماز گرسنه

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که گرسنه باشد وضو بگیرد و دو رکعت نماز گذارد و بگوید:

یا رَبِّ اِنّی جائِعٌ فَاَطْعِمْنی

و در روایت دیگر بگوید:

رَبِّ اَطْعِمْنی فَاِنّی جائِعٌ

پس بدرستی که حقّ سبحانه و تعالی او را در ساعت طعام دهد.

نماز حدیث نَفْس

ازحضرت صادق علیه السلام روایت است که نیست هیچ مؤمنی که بگذرد بر او چهل صباح مگر آنکه عارض شود او را حدیث نفس پس هر گاه او را حدیث نفس عارض شود دو رکعت نماز گذارد و پناه برد به خدا از آن.

و از آن حضرت منقول است که فرمود شکایت کرد حضرت آدم علیه السلام بسوی خداوند عزّوجلّ از حدیث نفس پس جبرئیل نازل شد و گفت بگو:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ

حضرت آدم علیه السلام این ذکر را گفت حدیث نفس از او برطرف شد پس حضرت فرمود این است اصل لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ

و از حضرت باقر علیه السلام روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد و شکایت کرد به آن حضرت از وسوسه و حدیث نفس و دَینی که او را سنگین کرده بود و از درویشی حضرت رسول صلی الله علیه وآله به او فرمود بگو:

تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذى لايَمُوتُ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكَ فِى الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً

و این را مکرر بگو پس چندی نگذشت که آن مرد آمد خدمت آن حضرت و گفت یا رسول اللَّه خداوند وسوسه مرا برد و قرض مرا ادا کرد و مرا از درویشی توانگر کرد

و نیز روایت شده که از برای دفع وسوسه شیطان بگو هنگامی که در سینه ات شکّی پیدا شد:

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْأخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْباطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ.

و نیز از برای دفع وسوسه شیطان از حضرت صادق علیه السلام مرویست که دست بر سینه خود بکش و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَلاحَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظیمِ اَللَّهُمَّ امْسَحْ عَنّی ما اَحْذَرُ

پس دست بر شکم خود می‌کشی و سه مرتبه می‌گویی که ان شاء اللّه برطرف خواهد شد

و نیز از برای دفع وسوسه نافع است شستن سر به سدر و مسواک کردن و انار خوردن و آب نیسان آشامیدن و روزه سه روز از هر ماه پنجشنبه اوّل و آخر و چهارشنبه وسط و نیز بگوید:

اَعُوذُبِاللَّهِ الْقَوِیِّ مِنَ الشَّیْطانِ الْغَوِیِّ وَ اَعُوذُ بِمُحَمَّدٍ الرَّضِی مِنْ شَرِّ ما قُدِّرَ وَ قُضِیَ وَ اَعُوذُ بِإلهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ اَجْمَعینَ

نماز استخاره ذات الرّقاع

و کیفیّت آن چنانست که هرگاه اراده کردی امری را می‌گیری شش رقعه را و می‌نویسی در سه رقعه از آن:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ خِیَرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزیزِ الْحَکیمِ لِفُلان بْنِ فُلانة اِفْعَلْ

و در سه رقعه دیگر می‌نویسی لاتَفْعَلْ بجای اِفْعَلْ پس می‌گذاری آنها را در زیر مصلّای خود و دو رکعت نماز می‌گذاری و چون فارغ شدی سجده می‌کنی و می‌گوئی در سجود صد مرتبه:

اَسْتَخیرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خِیَرَةً فی عافِیَةٍ

پس می‌نشینی و می‌گوئی:

اَللَّهُمَ خِرْلی وَاخْتَرْلی فی جَمیعِ اُمُوری فی یُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِیَةٍ

پس دست می‌زنی به رقعه ها و آنها را به هم مخلوط می‌کنی و یکی یکی بیرون می‌آوری پس هرگاه سه اِفْعَلْ پشت سر هم بیرون آمد آن امر را بجا می‌آوری که اراده کرده ای و اگر سه لاتَفْعَلْ بیرون آمد به جا نیاور آن امر را که نیّت کرده ای و اگر یکی اِفْعَلْ بیرون آمد ودیگری لاتَفْعَلْ پنج رقعه بیرون آور و به آن نگاه کن هرگاه سه اِفْعَلْ است و دو لاتَفْعَلْ بجا آور آن امر را و اگر به عکس است بجا نیاور.

مؤلف گوید که معنی استخاره طلب خیر کردن است پس هر کاری که می‌خواهی بکنی طلب کن خیر خود را از حق تعالی و روایت شده که در سجده آخر نماز شب طلب خیر کن و صد و یك مرتبه بگو:

اَسْتَخیرُاللَّهَ بِرَحْمَتِهِ

و در سجده آخر نافله صبح و در هر رکعت از نافله های زوال نیز استخاره مندوبست

و بدانکه علامه مجلسی قدس سره از والد ماجدش نقل کرده که روایت کرده از استادش شیخ بهائی(ره)که گفت شنیدم از مشایخ که مذاکره می‌کردند از

حضرت قائم عَجَّل اللَّه فرجه در استخاره با تسبیح آنکه تسبیح را بدست گیرد و سه مرتبه صلوات بفرستد بر محمّد و آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین و یك قبضه از تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمرد پس اگر یکی باقی ماند بجا آورد و اگر دو تا باقی ماند بجا نیاورد و شیخ فقیه اجلّ صاحب جواهر فرموده در جواهر استخاره ای است معمول نزد بعض اهل زمان ما و بسا هست که نسبت داده می‌شود به مولای ما حضرت قائم عجل اللَّه فرجه و او آن است که بعد از قرائت و دعا یك قبضه از تسبیح را بگیرد و هشت هشت طرح کند پس اگر یکی باقیماند فی الجمله نیکست و اگر دو تا باقی ماند یك نهی از آن است و اگر سه تا ماند اختیار دارد چون فعل و ترك آن مساویست و اگر چهارتا ماند دو نهی است از آن و اگر پنج تا ماند بعضی گفته اند که تعب و رنج دارد و بعضی گفته اند که در آن ملامت است و اگر شش تا ماند نهایت خوبست و باید تعجیل در آن کرد و اگر هفت تا ماند حکمش مثل پنج است و اگر هشت تا ماند چهار نهی از آن است و بدانکه ما در باب ششم بعضی از استخارات را ذکر خواهیم کرد و بدان نیز که مرحوم محدّث کاشانی در تقویم المحسنین برای استخاره به قرآن مجیددر ایّام هفته ساعاتی نقل کرده و گفته اختیار این مطلب بنابر مشهور است و اگر چه یافت نشده بر آن حدیثی از اهل بیت علیهم السلام پس گفته روز یکشنبه نیك است تا ظهر پس از عصر تامغرب روزدوشنبه نیکست تاطلوع شمس پس از ناهار تا ظهر و از عصر تا عشاء آخر روز سه شنبه نیکست از اوّل وقت ناهارتاظهر پس از عصر تا عشاء آخر روز چهارشنبه نیکست تا ظهر پس از عصر تا عشاء آخر روز پنجشنبه نیکست تا طلوع آفتاب پس از ظهر تا عشاء آخر روز جمعه

نیکست تا طلوع آفتاب پس از زوال تا عصر روز شنبه نیکست تا وقت ناهار پس از زوال تا عصر و این جدول مأخوذ است از مدخل منظوم محقّق طوسی طاب ثراه.

ذکرنماز برای قضای دین و کفایت ظلم سلطان

شیخ طوسی روایت کرده است که مردی خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و گفت شکایت می‌کنم بسوی تو ای آقای من از قرضی که مرا فراگرفته و از سلطانی که ستم به من می‌کند می‌خواهم تعلیم فرمائی مرا دعائی که تحصیل کنم به آن غنیمتی که ادا نمایم به آن قرض خود را و باز دارم به آن ستم سلطان را فرمود هرگاه تاریکی شب تو را فرا گرفت پس دو رکعت نماز گذار بخوان در رکعت اوّل آن حمد و آیةالکرسی و در رکعت دویّم حمد و آخر سوره حَشْر لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ تا آخر سوره پس بگیر قرآن مجید را و بگذار بر سَرِ خود و بگو:

بِحَقِّ هـذَا الْقُـرْآنِ وَ بِحَـقِّ مَـنْ اَرْسَـلْتَهُ بِـهِ وَ بِحَـقِّ كُلِّ مُـؤْمِنٍ مَدَحْتَـهُ فيـهِ وَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فَلا اَحَدَ اَعْرَفُ بِحَقِّكَ مِنْكَ

بگو: [بِكَ] يا اَللّٰهُ. ده مرتبه يا مُحَمَّدُ. ده مرتبه يا عَلِيُّ. ده مرتبه يا فاطِمَةُ. ده مرتبه يا حَسَنُ. ده مرتبه يا حُسَيْنُ. ده مرتبه يا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ. ده مرتبه يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ. ده مرتبه يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ. ده مرتبه يا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ. ده مرتبه يا عَلِيَّ بْنَ مُوسى. ده مرتبه يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ. ده مرتبه يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ. ده مرتبه يا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ. ده مرتبه بِالْحُجَّةِ. ده مرتبه پس حاجت خود را بطلب

راوی گفت آن مرد رفت و بعد از مدّتی آمد درحالی که قرضش ادا شده بود و امر سلطانش اصلاح شده بود و مالش زیاد گشته بود مؤلّف گوید که ظاهر آن است که این عمل بعد از نماز بجا آورده می‌شود نماز حاجت از دعوات راوندی نقل است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام گذشتند به مردی که بر در خانه مردی نشسته بود فرمود با وی که برای چه بر در منزل این ستمکار جَبّار نشسته ای گفت به جهت محنت و سختی که مرا عارض شده فرمود برخیز تا من تو را راهنمائی کنم به دری که بهتر از در او است و بسوی ربّی که بهتر است برای تو از او پس گرفت دست او را و آورد او را تا به مسجد پیغمبرصلی الله علیه وآله و فرمود که رو به قبله کن و دو رکعت نماز کن بدرگاه خدا پس ثناگو خدا را و صلوات بفرست بر رسول خداصلی الله علیه وآله و بخوان آخر سوره حَشْر و شش آیه اوّل سوره حدید و دو آیه که در آل عمران است پس سؤال کن حاجت خود را از خدا که خدا عطا می‌فرماید تو را جناب راوندی فرموده شاید دو آیه آیه قُلِ اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ باشد یعنی تا بِغَیْرِ حِسابٍ علامه مجلسی قدس سره فرموده شاید آیه قُلِ اللَّهُمَّ باشد با آیه شَهِدَاللَّه و بدانکه روایت شده از امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود هرگاه یکی از شما اراده حاجتی کند پس صبح پنجشنبه در طَلَب آن بیرون رود و بخواند در وقتی که از منزل بیرون می‌رود آخر سوره آل عمران و آیةالکرسی و اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ و سوره حمد زیرا که در اینها است حوائج دنیا و آخرت.

نماز در مُهمّات

چهار رکعت می‌گذاری و قنوت و ارکان آن را نیکو بجا می‌آوری و می‌خوانی در رکعت اوّل حمد یکمرتبه و حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ هفت مرتبه و در رکعت دوّم حمد يك مرتبه و آيه ماشآءَاللَّهُ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ مالاً وَ وَلَداً هفت مرتبه و در رکعت سيّم حمد يك مرتبه و قوله تعالى لا اِلَهَ اِلاَّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ هفت مرتبه و در چهارم حمد يك مرتبه وَ اُفَوِّضُ اَمْرى اِلَى اللَّهِ اِنَّ اللَّهَ بَصيرٌ بِالْعِبادِ هفت مرتبه پس حاجت بخواه.

نماز رفع عُسْرت و سختی

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون دشوار شود بر تو کاری دو رکعت نماز بگذار وقت زوال بخوان در رکعت اوّل فاتحه و قُلْ هُوَاللَّهُ وَ اِنَّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبيناً تا وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزيزاً و در رکعت دوّم فاتحه و قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد وَ اَلَمْ نَشْرَحْ و این نماز به تجربه رسیده است.

نماز برای زیاد شدن روزی

روایتست که مردی نزد حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد و گفت یا رسول اللَّه من صاحب عیالم و قرض دارم و حالم سخت است تعلیم فرما مرا دعائی که بخوانم خداوند عزّوجلّ را به آن تا روزی کند مرا آن قدری که قرض خود را ادا کنم و استعانت بجویم با آن برعیال خویش فرمود ای بنده خدا وضو بگیر وضوی کاملی پس دو رکعت نماز کن و رکوع و سجود آن را تمام بجا آور پس بگو:

يا ماجِدُ يا واحِدُ يا كَريمُ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يا مُحَمَّدُ يا رَسُولَ اللَّهِ اِنّى اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللَّهِ رَبّى وَ رَبِّكَ

وَ رَبِّ كُلِّ شَـيْءٍ وَ اَسْـئَلُكَ اللّٰهُـمَّ اَنْ تُصَـلِّيَ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ اَهْـلِ بَيْتِـهِ وَ اَسْئَلُكَ نَفْحَـةً كَرِيمَـةً مِـنْ نَفَحاتِـكَ وَ فَتْحاً يَسـيراً وَ رِزْقـاً واسِـعاً اَلُـمُّ بِـهِ شَـعَثى وَ اَقْضى بِهِ دَيْنى وَاَسْتَعينُ بِهِ عَلى عِيالى.

نماز دیگر برای زیاد شدن روزی

چون خواستی به دکّان خویش بروی ابتدا کن به مسجد و دو رکعت نماز یا چهار رکعت بجا آور و بگو:

غَـدَوْتُ بِحَـوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِـهِ وَ غَـدَوْتُ بِـلا حَـوْلٍ مِـنّى وَلا قُـوَّةٍ وَلٰكِـنْ بِحَـولِكَ وَ قُوَّتِـكَ يا رَبِّ اَللّٰهُـمَّ اِنّى عَبْـدُكَ اَلْـتَمِسُ مِـنْ فَضْـلِكَ كَـما اَمَـرْتَنى فَيَسِّرْ لى ذٰلِكَ وَ اَنَا خافِضٌ فى عافِيَتِكَ.

نماز دیگر

دو رکعت است در رکعت اوّل حمد یك مرتبه وِاِنَّااَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ سه مرتبه و در رکعت دوّم حمد یك مرتبه و هر یك از دو قُلْ اَعُوذُ سه مرتبه

نماز حاجت

منقول از مکارم هرگاه نصف شب شود غسل کن و دو رکعت نماز بجا آور بخوان در هر دو رکعت حمد وپانصد مرتبه سوره توحید ولکن در رکعت دویّم چون از خواندن توحید فارغ شدی بخوان آخر سوره حشر که لَو اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ باشد تا آخر سوره و شش آیه اوّل سوره حدید و بگو بعد از آن به همان حال که ایستاده ای هزار مرتبه اِيّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيّاكَ نَسْتَعينُ پس نماز را تمام کن و ثنا کن حق تعالی را پس اگر حاجت برآورده شد فَبِها والاّ دفعه دیگر بجا آور و

اگر در دفعه دوّم برآورده نشد دفعه سیّم به عمل آور که ان شاء اللّه تعالی برآورده شود.

نماز دیگر ثقة الأسلام کلینی درکافی به سند معتبر روایت کرده از عبد الرَّحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و عرض کردم فدای تو شوم از پیش خود دعائی اختراع کرده ام فرمود واگذار مرا از اختراع خود هرگاه تو را حاجتی روی دهد پس پناه بَر به رسول خداصلی اللّه علیه وآله و دو رکعت نماز کن و هدیّه کن آن را بسوی حضرت رسول صلی اللّه علیه وآله عرض کردم به چه نحو کنم این نماز را فرمود غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری مثل نماز فریضه در افتتاح و اختتام و چون سلام گفتی می‌گوئی:

اَللَّهُمَّ اَنْتَ السَّلامُ وَ مِنْكَ السَّلامُ وَ اِلَیْكَ یَرْجِعُ السَّلامُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَبْلِغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنّی السَّلامَ وَ اَرْواحَ الْأَئِمَّةِ الصّادِقینَ سَلامی وَارْدُدْ عَلَیَّ مِنْهُمُ السَّلامَ وَالسَّلامُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ اَللَّهُمَّ اِنَّ هاتَیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ هَدِیَّةٌ مِنّی اِلی رَسُولِ اللّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فَاَثِبْنی عَلَیْهِما ما اَمَّلْتُ وَ رَجَوْتُ فیكَ وَ فی رَسُولِكَ یا وَلِیَ الْمُؤْمِنینَ.

پس به سجده می‌روی و چهل مرتبه می‌گوئی:

یاحَیُّ یاقَیُّومُ یا حَیّاً لایَمُوتُ یا حَیّاً لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ یا ذَاالْجَلالِ وَالْأِکْرامِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

پس جانب راست روی را بر زمین می‌گذاری و این دعا را چهل مرتبه می‌گویی پس جانب چپ روی را بر زمین می‌گذاری و باز چهل مرتبه می‌گوئی پس سر از سجده بر می‌داری و دست راست را بلند می‌کنی و چهل مرتبه می‌خوانی

پس دستها را بگردن خود می‌گذاری و التجا می‌بری به انگشت شهادت خود و چهل مرتبه می‌خوانی پس می‌گیری ریش خود را بدست چپ و گریه یا تَباکی می‌کنی یعنی اگر گریه ات نیاید خود را به گریه می‌داری و می‌گوئی:

یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّهِ اَشْکُو اِلَی اللّهِ وَ اِلَیْکَ حاجَتی وَ اِلی اَهْلِ بَیْتِکَ الرَّاشِدینَ حاجَتی وَ بِکُمْ اَتَوَجَّهُ اِلَی اللّهِ فی حاجَتی

پس به سجده می‌روی و می‌گوئی یا اَللّهُ یا اَللّهُ یا اَللّهُ آنقدر که نفس منقطع شود پس می‌گوئی:

صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی کَذا وَ کَذا

و به جای وَافْعَلْ بی کَذا حاجت خود را می‌خواهی پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که من ضامنم برخدای عزّوجلّ که از جای خود حرکت نمی کنی مگرآنکه حاجت تو برآورده شودز

مؤلّف گوید: که در باب چهارم ادعیه بسیاری برای حوائج دنیا و آخرت ذکر نمائیم

و شیخ کفعمی در بلدالأمین برای حاجت مهمّه ذکر کرده که بنویسد این کلمات را در کاغذی و بیندازد در آب:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلیلِ اِلَی الْمَوْلیَ الْجَلیلِ رَبِّ اِنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمینَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَاکْشِفْ هَمّی وَ فَرِّجْ عَنّی غَمّی بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ

و ایضاً نماز حاجت سید بن طاوس در مزار در باب اعمال مسجد کوفه در ذیل اعمال محراب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده ذکر نماز حاجتی که

در خصوص این مکان باید به عمل آورد و آن چهار رکعت است یعنی به دو سلام می‌خوانی در رکعت اوّل حمد و ده مرتبه قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد و در رکعت دوّم حمد و بیست و یك مرتبه توحید و در کعت سیّم حمد و سی و یك مرتبه توحید و در رکعت چهارم حمد و چهل و یك مرتبه توحید و چون سلام نماز دادی و تسبیح خواندی بخوان پنجاه و یك مرتبه توحید و پنجاه مرتبه استغفار کن و پنجاه مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل آن حضرت بفرست و پنجاه مرتبه بگو:

لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

پس بگو:

یا اَللَّهُ الْمانِعُ [ای یمنع قدرته عن ایصال الضّرر الی خلقه و الحاصل انّه تعالی لایفعل فیه ما یقدر علیه من التّعذیب والأنتقام «منه»] قُدْرَتَهُ خَلْقَهُ وَالْمالِكُ بِها سُلْطانَهُ وَالْمُتَسَلِّطُ بِمافی یَدَیْهِ عَلی کُلِّ مَوْجُودٍ وَ غَیْرُكَ یَخیبُ رَجآءُ راجیهِ وَ راجیكَ مَسْرُورٌ لایَخیبُ اَسْئَلُكَ بِکُلِّ رِضیً لَكَ وَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ اَنْتَ فیهِ وَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ تُحِبُّ اَنْ تُذْکَرَ بِهِ وَ بِكَ یا اَللَّهُ فَلَیْسَ یَعْدِلُكَ شَیْ ءٌ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَحفَظَنی وَ وَلَدی وَ اَهْلی وَ مالی وَ تَحْفَظَنی بِحِفْظِكَ وَ اَنْ تَقْضِیَ حاجَتی فی کَذا وَ کَذا

و ذکر کن حاجت خود را

ایضاً نماز حاجت روایت شده که هر که را بسوی خدا حاجتی باشد و بخواهد برآورده شود چهار رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعت فاتحة الکتاب و انعام و در عقب نماز بگوید:

يا كَـريمُ يا كَـريمُ يا عَظـيمُ يا عَظـيمُ يا عَظـيمُ يا اَعْظَـمَ مِـنْ كُلِّ عَظـيمٍ يا سَميعَ الدُّعـآءِ يا مَـنْ لاتُغَـيِّرُهُ اللَّيـالى وَالْأَيّامُ صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِهِ وَارْحَـمْ ضَـعْفى وَ فَقْـرى وَفـاقَتى وَ مَسْـكَنَتى فَاِنَّـكَ اَعْـلَمُ بِهـا مِـنّى وَ اَنْـتَ اَعْـلَمُ بِحـاجَتى يا مَـنْ رَحِـمَ الشَّـيْخَ يَعْقُـوبَ حـينَ رَدَّ عَلَيْـهِ يُوسُـفَ قُـرَّةَ عَيْنِـهِ يا مَـنْ رَحِـمَ اَيُّـوبَ بَعْـدَ طُـولِ بَلائِـهِ يا مَـنْ رَحِـمَ مُحَمَّـداً وَ مِـنَ الْيُـتْمِ آواهُ وَ نَصَرَهُ عَلى جَبابِرَةِ قُرَيْشٍ وَ طَواغيتِها وَ اَمْكَنَهُ مِنْهُمْ يا مُغيثُ يا مُغيثُ يا مُغيثُ

مى گوئى: اين را مكرّر پس سؤال مى‌كنى از خداوند تعالى حاجات خود را كه حق تعالى عطا مى‌فرمايد آن را.

ايضاً نماز حاجت سيّد بن طاوس قدس سره روايت كرده فرموده كه در شب جمعه و شب عيد اضحى دو ركعت نماز بكن و در هر ركعت سوره فاتحه بخوان و آيه اِيّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيّاكَ نَسْتَعينُ را صد مرتبه بگو پس حمد را تمام كن و بعد از حمد بخوان دويست مرتبه سوره توحيد را و چون سلام گفتى هفتاد مرتبه بگو:

لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ

پس به سجده برو و دويست مرتبه بگو يا رَبِّ يا رَبِّ پس هر حاجت كه دارى بطلب كه ان شاء اللّه بر آورده است

ايضاً نماز حاجت كه جماعت بسيارى از علماء مانند شيخ مفيد و طوسى و سيّد بن طاوس و ديگران آن را نقل كرده اند ازحضرت صادق عليه السلام و كيفيّت آن موافق روايت سيّد چنان است كه هرگاه تو را حاجت مهمّى روى دهد بسوى خداوند عزّوجلّ پس سه روز متوالى كه چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد روزه بگير و چون روز جمعه شد غسل كن و جامه نو و نظيف بپوش پس

بالا رو به بامی که بلندترین بامهای خانه ات باشد و دو رکعت نماز بجا آور پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنّی حَلَلْتُ بِساحَتِكَ لِمَعْرِفَتی بِوَحْدانِیَّتِكَ وَ صَمَدا نِیَّتِكَ وَ اَنَّهُ لا قادِراً عَلی قَضآءِ حاجَتی غَیْرُكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ یا رَبِّ اَنَّهُ کُلَّما تَظاهَرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَیَّ اشْتَدَّتْ فاقَتی اِلَیْكَ وَ قَدْ طَرَقَنی هَمٌّ کَذا وَ کَذا

به جای کذا و کذا حاجت خود را ذکر کند

وَ اَنْتَ بِکَشْفِهِ عالِمٌ غَیْرُ مُعَلَّمٍ واسِعٌ غَیْرُ مُتَکَلِّفٍ فَاَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی وَضَعْتَهُ عَلَی الْجِبالِ فَنُسِفَتْ وَ وَضَعْتَهُ عَلَی السَّمواتِ فَانْشَقَّتْ وَ عَلی النُّجُومِ فَانْتَثَرَتْ وَ عَلَی الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ وَ اَسْئَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذی جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ عِنْدَ عَلِیٍ وَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسی وَ عَلِیٍ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍ وَالْحَسَنِ وَ الْحُجَّةِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَنْ تَقْضِیَ لی حاجَتی وَ تُیَسِّرَ لی عَسیرَها وَ تَکْفِیَنی مُهِمَّها فَاِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ اِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ غَیْرُ جائِرٍ فی حُکْمِكَ وَلا مُتَّهَمٍ فی قَضآئِكَ وَلاحآئِفٍ فی عَدْلِكَ.

پس رخسار خود را می‌چسبانی به زمین و می‌گویی:

اَللّٰهُمَّ اِنَ یُونُسَ بْنَ مَتّی عَبْدُكَ دَعاكَ فی بَطْنِ الْحُوتِ وَ هُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ اَنَا عَبْدُكَ اَدْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لی

حضرت صادق علیه السلام فرمود بسا حاجتی از برای من پیدا می‌شود و من می‌خوانم این دعا را پس مراجعت می‌کنم و حاجتم برآورده شده است.

مؤلف گوید که سیّد بن طاوس در جمال الأسبوع کلامی فرموده که حاصلش این است که هرگاه از خدای تعالی حاجتی خواستی لااقلّ چنان باشد حال تو مثل آنکه هرگاه حاجت مهمّه بطلبی از یکی از پادشاهان دنیا چه هرگاه حاجتی به ایشان داشته باشی طلب رضا و خوشنودی ایشان می‌نمائی به هر چه ممکنت شود پس همچنین در وقت حاجت خواستن از خدا کوشش کن در تحصیل رضای او و مبادا که اقبالت بخدا کمتر باشد از اقبالت بر ملوك دنیا که اگر چنین باشد حال تو پس تو از مستهزئین هالکین خواهی بود و چگونه جایز خواهد بود که اهتمام تو به رضای خدا کمتر باشد از اهتمام بر رضای مخلوقین پس هرگاه منزلت خدا نزد تو کمتر باشد از منزلت ملوك دنیا که ایشان بندگان خدای تواند پس تو استخفاف و استهزاء کرده ای به خدا و حقیر شمرده ای عظمت و جلالت او را و از او اعراض کرده ای و هیهات که در این صورت ظفریابی به حاجت خود به سبب نماز یا روزه خود و باید روزه و نماز تو که به جهت حاجت بجا می‌آوری از روی تجربه نباشد چه آنکه انسان تجربه نمی‌کند مگر کسی را که بدگمان است در حقّ او و حق تعالی مذمّت فرموده آنهائی را که گمان بد در حقّ او بردند بقوله تعالی يَظُنُّونَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دائِرَةُ السَّوْءِ بلکه باید در کمال اطمینان و اعتماد باشی به رحمت خدا و به وعده های او و امید تو به خدا در طلب حاجت خود زیادتر باشد از آنکه قصد کنی حاتم را بجهت طلب یك قیراط چه اگر بجهت یك قیراط قصد حاتم کنی یقین داری که به تو عطا خواهد کرد به هر نحو که باشد پس بدانکه حاجت تو نزد حق تعالی پست تر و کمتر است از یك قیراط نزد حاتم پس البتّه مبادا که اعتمادت به حقّ تعالی کمتر باشد و نیز سزاوار است از

برای تو که هرگاه به جهت حاجتی روزه یا نمازی بجا آوری نیّت کنی آن عمل خود را به جهت الأهمّ فالأهمّ از حاجات دینیّه خود و بدانکه اهَمِّ آنها حوائج آن کسی است که تو در پناه هدایت و حمایت اوئی و آن امام زمان تو صلوات اللّه علیه است پس باید نماز و روزه تو اوّل به جهت قضاء حاجات آن حضرت باشد و بعد به جهت حوائج دینیّه تو و بعد به جهت آن حاجتی که عارض تو شده و قصد آن را داشته مثلاً هرگاه ظالمی در صدد کشتن و هلاکت تو باشد و تو روزه حاجت گرفتی برای خلاصی از شرّ او و بدانکه اهمّ از آن حاجت دینیّه تو است که آن عفو و رضای حق تعالی باشد از تو و آنکه بر تو اقبال فرماید و عمل تو را قبول خود کند زیرا که در کشته شدن تو دنیای تو فاسد شود هرگاه دین تو سالم باشد بعلاوه آنکه اگر کشته نشوی لابد خواهی مرد و لکن اگر عفو و رضای خدا برای تو حاصل نشود در دنیا و آخرت هلاك خواهی شد و هولها و شدایدی برای تو حاصل خواهد شد که به خیال تو نخواهد رسید و امّا اینکه گفتیم مقدّم بدار حاجت امام زمان خود را بر حوائج خود پس به جهت آن است که بقای دنیا و اهل آن بواسطه وجود اوست پس هرگاه وجود تو محفوظ باشد بوجود یك نفر دیگر چگونه مقدّم بداری حوائج و مراد خود را بر حوائج او بلکه واجبست مقدّم داری حوائج او را بر حوائج خود و مراد او را بر مراد خود و بدانکه آن جناب در حاجات خودش از روزه و نماز تو مستغنی است و حاجتی به تو ندارد لکن مقتضای بندگی و وظیفه تو آن است که چنین کنی چنانکه استفتاح می‌کنی دعاهای خود را به صلوات بر ایشان صَلَواتُ اللّه عَلیهِمْ اَجْمَعینَ.

نماز استغاثه

در مکارم است که چون خواستی در شب بخوابی بگذار نزد سَر خود ظرف نظیفی که در آن آب طاهر باشد و بپوشان آن را به پارچه نظیفی و چون بیدار شدی در آخر شب از برای نماز شب از آن آب بیاشام سه جرعه پس وضو بگیر به باقی آن آب و رُو به قبله کن و اذان و اقامه بگو و دو رکعت نماز کن و بخوان در آن هر سوره که بخواهی از قرآن و چون از قرائت فارغ شدی به رکوع می‌روی و می‌گوئی در رکوع بیست و پنج مرتبه یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ پس سر از رکوع بر می‌داری و بیست و پنج مرتبه می‌گوئی و همچنین در سجده اوّل و بعد از سربرداشتن و در سجده دویّم و بعد از سربرداشتن در هر کدام بیست و پنج مرتبه می‌گوئی و برمی خیزی و رکعت دوّم را نیز به همین کیفیّت بجا می‌آوری که مجموع سیصد مرتبه گفته شود پس تشهّد می‌خوانی و سلام می‌دهی و بعد از نماز سر بسوی آسمان می‌کنی و سی مرتبه می‌گوئی:

مِنَ الْعَبْدِ الذَّلیلِ اِلَی الْمَوْلَی الْجَلیلِ

و حاجت می‌طلبی همانا به زودی حاجت روا خواهد شد ان شاء الله تعالی.

نماز استغاثه به حضرت بتول صلّی اللَّه علیها

روایت شده که هرگاه تو را حاجتی باشد بسوی حقّ تعالی و سینه ات از آن تنگ شده باشد پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام نماز گفتی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس به سجده برو و بگو صد مرتبه:

یا مَوْلاتی یا فاطِمَةُ اَغیثینی

پس جانب راست رو را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو پس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن بدرستی که خداوند برمی آورد آن را ان شاء الله تعالی.

مؤلف گوید که شیخ حسن بن فضل طبرسی در مکارم الأخلاق فرموده نماز استغاثه به بتول علیها السلام دو رکعت نماز می‌کنی پس به سجده می‌روی و می‌گوئی یا فاطِمَةُ صد مرتبه پس جانب راست رُو را بر زمین می‌گذاری و صد مرتبه می‌گوئی پس جانب چپ می‌گذاری و صد مرتبه می‌گوئی پس دوباره به سجده می‌روی و صد و ده مرتبه می‌گوئی پس از آن می‌گوئی:

یا آمِناً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خائِفٌ حَذِرٌ اَسْئَلُكَ بِاَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ خَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْطِيَنى اَماناً لِنَفْسى وَ اَهْلى وَ مالى وَ وَلَدى حَتّى لا اَخافَ اَحَداً وَ لا اَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ اَبَداً اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

و نیز در این کتاب شریف از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هرگاه یکی از شما خواهد استغاثه کند بسوی خداوند پس دو رکعت نماز کند پس به سجده رود و بگوید:

یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللّهِ یا عَلِيُّ یا سَيِّدَيِ الْمُؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِناتِ بِكُما اَسْتَغيثُ اِلَى اللّهِ تَعالى یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ اَسْتَغيثُ بِكُما یا غَوْثاهُ بِاللّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ.

و می‌شماری هر یك از امامان را پس می‌گوئی:

بِكُمْ اَتَوَسَّلُ اِلَی اللَّهِ تعالی

پس بدرستی که در همان ساعت به فریاد تو خواهند رسید انشاء اللّه تعالی

نماز حضرت حجّت علیه السلام

در مسجد جمکران که در یك فرسخی بلده طیّبه قم می‌باشد شیخ مرحوم در نجم ثاقب کیفیّت بناء این مسجد شریف را به امر امام صاحب الزّمان علیه السلام نقل کرده در حکایت اوّل از باب هفتم آن کتاب و در آن حکایت است که آن جناب فرمود به حسن مثله جمکرانی مردم را بگو تا رغبت کنند بدین موضع و عزیز دارند و چهار رکعت نماز اینجا بگذارند دو رکعت تحیّت مسجد در هر رکعتی یك بار الحمد و هفت بار قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد و تسبیح رکوع و سجود هفت بار بگویند و دو رکعت نماز امام صاحب الزّمان علیه السلام بگذارند بر این نسق چون فاتحه خواند به اِیَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِینُ رسد صد بار بگوید و بعد از آن فاتحه را تا آخر بخواند و در رکعت دوّیم نیز به همین طریق بگذارد و تسبیح در رکوع و سجود هفت بار بگوید و چون نماز تمام کرده شد تهلیل بگوید و تسبیح فاطمه زهراعلیها السلام و چون از تسبیح فارغ شود سر به سجده نهد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آلش صلوات اللّه علیهم بفرستد و این نقل از لفظ مبارك امام علیه السلام است که فَمَنْ صَلیَّهُما فَکَاَنَّما صَلّی فِی الْبَیْتِ الْعَتیقِ یعنی هر که این دو رکعت نماز را بگذارد همچنین باشد که دو رکعت نماز در کعبه گذارده باشد

ایضاً نماز آن حضرت

و نیز در نجم ثاقب از کتاب کنوز النّجاح شیخ طبرسی نقل کرده که بیرون آمد از ناحیه مقدسّه حضرت صاحب الزّمان علیه الصَّلوةُ والسَّلامُ که هرکس را بسوی حق تعالی حاجتی باشد پس باید که بعد از نصف شب جمعه غسل کند و بجای نماز خود رود و دو رکعت نماز گذارد در رکعت اوّل بخواند سوره حمد را و چون به اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیَّاکَ نَسْتَعینُ برسد صد مرتبه آن را مکرّر کند و بعد از آنکه صد مرتبه تمام شود تتمّه سوره حمد را بخواند و بعد از تمام شدن سوره حمد سوره قُلْ هُوَاللَّه اَحَد را یك مرتبه بخواند و رکوع و دو سجده بجا آورد و سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ را هفت مرتبه در رکوع بگوید و سُبْحانَ رَبِّیَ الْأَعْلی وَ بِحَمْدِهِ را در هر یك از دو سجده هفت مرتبه بگوید و بعد از آن رکعت دویّم را نیز مانند رکعت اوّل بجا آورد و بعد از تمام شدن نماز این دعا را بخواند پس بدرستی که حق تعالی البّته حاجت او را برمی آورد هرگونه حاجتی که باشد مگر آنکه حاجت او در قطع کردن صله رحم باشد و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اِنْ اَطَعْتُكَ فَالْمَحْمِدَةُ لَكَ وَ اِنْ عَصَیْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ مِنْكَ الرَّوْحُ وَ مِنْكَ الْفَرَجُ سُبْحانَ مَنْ اَنْعَمَ وَ شَكَرَ سُبْحانَ مَنْ قَدَّرَ وَ غَفَرَ اللّٰهُمَّ اِنْ كُنْتُ عَصَیْتُكَ فَاِنّی قَدْ اَطَعْتُكَ فی اَحَبِّ الْأَشْیاءِ اِلَیْكَ وَ هُوَ الْأیمانُ بِكَ لَمْ اَتَّخِذْ لَكَ وَلَداً وَ لَمْ اَدْعُ لَكَ شَریكاً مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَیَّ لا مَنّاً مِنّی بِهِ عَلَیْكَ وَ قَدْ عَصَیْتُكَ یا اِلهی عَلی غَیْرِ وَجْهِ الْمُكابَرَةِ وَ لاَ الْخُرُوجِ عَنْ عُبُودِیَّتِكَ وَلاَ الْجُحُودِ لِرُبُوبِیَّتِكَ وَلكِنْ اَطَعْتُ هَوایَ وَ اَزَلَّنِی الشَّیْطانُ

فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَ الْبَيانُ فَاِنْ تُعَذِّبْنی فَبِذُنُوبی غَيْرُ ظالِمٍ لی وَ اِنْ تَغْفِرْلی وَ تَرْحَمْنی فَاِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ.

و بعد از آن تا نفس او وفا كند یا كريمُ يا كَريمُ. را مكرّر بگويد

و بعد از آن بگويد:

يا آمِناً مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ كُلُّ شَيْ ءٍ مِنْكَ خائِفٌ حَذِرٌ اَسْئَلُكَ بِاَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ خَوْفِ كُلِّ شَيْ ءٍ مِنْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْطِيَنی اَماناً لِنَفْسی- وَ اَهْلی وَ وَلَدی وَ سائِرِ ما اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّی لااَخافَ وَ لا اَحْذَرَ مِنْ شَيْ ءٍ اَبَداً اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَديرٌ وَ حَسْبُنَا اللّهُ وَ نِعْمَ الْوَكيلُ يا كافِيَ اِبْراهيمَ نُمْرُودَ وَ يا كافِيَ مُوسی فِرْعَوْنَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَكْفِيَنی شَرَّ فلان بن فلان.

به جای فلان بن فلان نام شخصی را كه از ضرر او می‌ترسد و نام پدر او را بگويد و از حق تعالی طلب كند كه ضرر او را دفع نمايد و كفايت كند پس بدرستی كه حق تعالی البّته كفايت ضرر او خواهد كرد ان شاء اللّه تعالی و بعد از آن به سجده رود و حاجت خود را مسئلت نمايد و تضرّع و زاری كند بسوی حق تعالی پس بدرستی كه نيست مرد مؤمنی و نه زن مؤمنه ای كه اين نماز را بگذارد و اين دعا را از روی اخلاص بخواند مگر آنكه گشوده می‌شود برای او درهای آسمان برای برآمدن حاجات او و دعای او مستجاب می‌گردد در همان وقت و در همان شب هرگونه حاجتی كه باشد و اين به سبب فضل و انعام حق تعالی است بر ما و بر مردمان «انتهی».

مؤلّف گوید که نجل جلیل شیخ طبرسی رضیّ الدّین حسن بن فضل نیز این نماز را در مکارم الأخلاق نقل کرده و در اوّل دعا بجای اَللّٰهُمَّ اِنْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُكَ، اِنْ کُنْتُ قَدْ عَصَیْتُكَ ذکر کرده و بعد از حَتّٰی لا اَخافَ کلمه اَحَداً اضافه کرده و بعد از فِرْعَوْن اَسْئَلُكَ و بقیّه مثل هم اند

نماز خوف از ظالم منقول از مکارم

غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری و زانوهای خود را برهنه می‌کنی در نزد جا نماز خود و صد مرتبه می‌گوئی:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا حَیّاً لا اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغیثُ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَغِثْنِي السّاعَةَ السّاعَةَ.

پس چون فارغ شدی از این بگو:

اَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَلْطُفَ لی وَ اَنْ تَغْلِبَ لی وَ اَنْ تَمْکُرَلی وَ اَنْ تَخْدَعَ لی وَ اَنْ تَکیدَلی وَ اَنْ تَکْفِیَنی مَؤُنَةَ فلان بن فُلان.

و این دعای حضرت رسول صلی الله علیه وآله است در روز اُحُد.

نماز به جهت تیزی ذهن و قوّت حافظه

در مکارم الاخلاق روایت شده از صادقین علیهما السلام که می‌نویسی با زعفران در ظرف نظیفی حمد و آیةالکرسی و اِنّا اَنْزَلْناهُ و یس و واقعه و سوره حشر و تبارك و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد و دو قُلْ اَعُوذُ را پس این سوره ها را می‌شوئی به آب زمزم یا به آب باران یا آب نظیفی پس می‌اندازی در آن آب دو مثقال کُندر و ده مثقال شکر و ده مثقال عسل پس بگذار آن را شب در زیر آسمان و بگذار

بر روی آن آهنی پس آخر شب که می‌شود دو رکعت نماز می‌خوانی در هر رکعت حمد و پنجاه بار قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد و چون فارغ شدی از نماز آب را می‌آشامی که نیکو و مُجرّب است برای حفظ انشاء اللّه و بیاید در اواخر باب ششم چیزهائی که سبب کثرت حافظه خواهد بود.

نماز برای آمرزش گناهان

دو رکعت بجا آورد در هر رکعت شصت مرتبه قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد بخواند چون از نماز فارغ شود گناهانش آمرزیده شود

نماز دیگر شیخ طوسی در مصباح در اعمال روز جمعه گفته روایت شده از عبداللَّه بن مسعود که گفت فرمود رسول خداصلی الله علیه وآله هر کسی که در روز جمعه بعد از نماز عصر دو رکعت نماز گذارد بخواند در رکعت اوّل فاتحه و آیةالکرسی و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ بیست و پنج مرتبه و در رکعت دوّم فاتحه و قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ بیست و پنج مرتبه و چون از نماز فارغ شود بیست و پنج مرتبه بگوید:

لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

از دنیا بیرون نرود تا بنمایاند حق تعالی بهشت را در خواب به او و ببیند مکان خود را در بهشت.

مؤلّف گوید که سید بن طاوس در فصل سی و سیّم جمال الأسبوع نماز برای آمرزش گناهان نقل کرده و فرموده این نمازی است جلیل القدر و عظیم الشأن حامل اسرار الهی می‌شناسد آن را و مَبادا که در حقّ آن سُستی کنی هر که طالب است به آن کتاب رجوع کند.

نماز وصیّت

که حضرت رسول صلی الله علیه وآله به آن وصیّت فرموده دو رکعت است بین مغرب و عشاء در رکعت اوّل حمد و سیزده مرتبه اِذا زُلْزِلَتْ و در دوّم حمد و پانزده مرتبه قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد اگر هر شب بجا آورد ثوابش را غیر از خدا کسی نتواند شماره نماید.

نماز عفو

دو رکعت است در هر رکعت حمد و یك مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناهُ و بعد از قرائت رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ پانزده مرتبه و در رکوع ده مرتبه تمام می‌کنی مثل نماز جعفر

مؤلّف گوید نماز استغفار مثل نماز عفو است مگر آنکه عوض رَبِّ عَفْوَكَ باید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ گفته شود و این نماز برای توسعه معاش نافع است ان شاء الله تعالی.

ذکر نمازهای ایّام هفته

نماز روز شنبه

سیّد بن طاوس از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که فرمود خواندم از کتابهای پدرانم علیهم السلام که هر که روز شنبه چهار رکعت نماز گذارد بخواند در هر رکعتی حمد و قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد و آیةالکرسی بنویسد خداوند عزّوجلّ او را در درجه پیغمبران و شهداء و صالحین و نیکو رفیقانند ایشان.

نماز روز یکشنبه

و نیز از آن حضرت مرویست که فرمود هرکه روز یك شنبه چهار رکعت نماز بخواند در هر رکعت حمد و سوره تَبارَكَ الَّذی بِیَدِهِ الْمُلْكُ حق تعالی مکان دهد او را در بهشت هر کجائی که خواسته باشد.

نماز روز دوشنبه

و نیز فرمود که هر که روز دوشنبه ده رکعت نماز بجاآورد بخواند در هر رکعت حمد و توحید ده مرتبه حق تعالی در روز قیامت برای او نوری قرار دهد که روشنائی دهد مَوقِف را تا غبطه برند بر او جمیع خلق خدا در آن روز.

نماز روز سه شنبه

و نیز از آن حضرت مرویست که هر که در روز سه شنبه شش رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد آیه آمَنَ الرَّسُولُ را تا به آخر و سوره اِذا زُلْزِلَتْ را یك مرتبه حق تعالی گناهان او را بیامرزد و از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولّد شده.

نماز روز چهارشنبه

و نیز از آن حضرت مرویست که هر که روز چهارشنبه چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در هر رکعت بعد از حمد یك مرتبه سوره قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد و سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ خداوند قبول فرماید توبه او را از هر گناهی و تزویج فرماید به او حوریّه در بهشت.

نماز روز پنجشنبه

و فرمود آن حضرت که هر که روز پنجشنبه ده رکعت نماز گذارد و بخواند در هر رکعتی سوره حمد و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد را ده مرتبه ملائکه به او گویند که هر حاجتی داری بخواه که برآورده خواهد شد.

نماز روز جمعه

و نیز فرمود که هر که روز جمعه چهار رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی سوره حمد وَ تَبارَكَ الَّذی بِیَدِهِ الْمُلْكُ و حم سجده حق تعالی او را داخل بهشت کند و شفاعت او را در حقّ اهلبیت او قبول فرماید و نگهدارد او را از فشار قبر و هولهای روز قیامت راوی سؤال کرد از آن حضرت که در چه وقت از روزها این نمازها را باید بجا آورد فرمود از ما بین طلوع آفتاب تا وقت زوال.

باب سیّم در ادعیه و عوذات آلام و اسْقام و علل اعضا و تب و غیره

سیّد بن طاوس در مُهَج الدّعوات نقل کرده از سعید بن ابی الفَتح قمّی که در واسط ساکن بود گفت مرا مرضی عظیم بود که طبیبان از علاج آن عاجز بودند و پدرم مرا به دارالشّفا برد و طبیبان و ساعور که مقدّم ترسایان باشد در طبّ جمع کرد برای معالجه من پس ایشان فکر کردند و گفتند که این مرض را غیر از خدا کسی نمی تواند علاج کند از این سخن شکسته دل و غمناك شدم و کتابی از کتابهای پدرم برداشتم که چیزی از آن مطالعه نمایم در پشت آن کتاب دیدم نوشته که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که هر که را مرضی باشد بعد از نماز صبح چهل بار بگوید:

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمنِ الـرَّحیمِ اَلْحَمُـد للَّهِ رَبِّ الْعـالَمینَ حَسْـبُنَا اللَّهُ وَ نِعْـمَ الْوَکیلُ تَبارَکَ اللَّهُ اَحْسَنُ الْخالِقینَ وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

و دست بر آنجا که علّت باشد بمالد از آن صحّت یابد و حضرت عزّت او را شفا بخشد پس من صبر کردم چون صبح شد فریضه را بجا آوردم و چهل نوبت این دعا را خواندم و دست بر آن محل می‌مالیدم پس خدای تعالی آن مرض را از من دفع نمود و من نشسته بودم و می‌ترسیدم که مبادا برگردد تا سه روز بدین حال بودم باز نگردید بعد از آن پدرم را خبر دادم به این قصّه پس شکر خدا را بجا آورد و برای بعضی از اطبّاء که ذمّی بود آن را نقل کرد پس آن طبیب نزد من آمد و مرض را دید که برطرف شده در همانحال مسلمان شد و کلمه شهادت گفت و اسلامش نیکو گردید.

شیخ کفعمی در مصباح فرموده که هرگاه در تو علّتی باشد دست بمال به موضع سجده خود و بمال آن را بر موضع علّت هفت مرتبه در عقب هر نماز فریضه و بگو:

یا مَـنْ کَـبَسَ الْأَرْضَ عَـلَی الْمـآءِ وَ سَـدَّ الْهَـوآءَ بِالسَّـمآءِ وَاخْتـارَ لِنَفْسِـهِ اَحْسَـنَ الْأَسْمـآءِ صَـلِّ عَـلی مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ وَافْعَـلْ بی کَـذا وَ کَـذا وَ ارْزُقْنی وَ عافِنی مِنْ کَذا وَ کَذا.

دعای عافیت

کفعمی از متهجّد نقل کرده که هر کسی که طلب عافیت بکند از دردی که با اوست پس بگوید در سجده دوّم از دو رکعت اوّل نماز شب:

یا عَـلِیُّ یا عَظـیمُ یا رَحْمـنُ یا رَحـیمُ یا سَمیـعَ الدَّعَـواتِ یا مُعْطِـیَ الْخَـیْراتِ صَـلِّ عَـلی مُحَمَّـدٍ وَ آلِهِ وَاَعْطِـنی مِـنْ خَـیْرِ الدُّنْیـا وَالْأخِـرَةِ مـا اَنْـتَ اَهْـلُهُ وَاصْرِفْ عَـنّی مِـنْ شَرِّ الدُّنْیـا وَالْأخِـرَة مـا اَنْـتَ اَهْـلُهُ وَ اَذْهِـبْ عَـنّی هـذَا الْوَجَعَ

و نام برد آن درد را

فَاِنَّهُ قَدْ غاظَنی وَ اَحْزَنَنی

و الحاح کند در دعا که عافیت به تعجیل به او می‌رسد ان شاء اللّه تعالی

و از عدةالدّاعی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که بگو در نزد علّت در حالی که خود را ظاهر کنی در زیر آسمان و دستها را بلند کنی:

اَللّهُمَّ اِنَّـکَ عَـیَّرْتَ اَقْوامـاً فی کِتابِـکَ فَقُلْـتَ قُـلِ ادْعُـوا الَّذیـنَ زَعَمْـتُمْ مِـنْ دُونِـهِ فَـلا یَمْلِکُـونَ کَشْـفَ الضُّرِّ عَـنْکُمْ وَلا تَحْـویلاً فَیـا مَـنْ لا یَمْـلِکُ کَشْـفَ ضُرّی وَ لا تَحْـویلَهُ عَـنّی اَحَـدٌ غَـیْرُهُ صَـلِّ عَـلی مُحَمَّـدٍ وَ آلِهِ وَاکْشِـفْ ضُرّی وَحَوِّلْهُ اِلی مَنْ یَدْعُو مَعَکَ اِلهاً آخَرَ فَاِنّی اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ غَیْرُکَ.

و روایت شده که هر مؤمنی که هر بیماری و علّتی پیدا کند دست بمالد به موضع درد و بگوید با خلوص نیّت:

وَ نُـنَزِّلُ مِـنَ الْقُـرْآنِ مـا هُـوَ شِـفاءٌ وَ رَحْمَـةٌ لِلْمُـؤْمِنینَ وَلا یَزیـدُ الظّـالِمینَ اِلاَّ خَساراً

عافیت یابد از آن هر نحو علّتی باشد و مصداق این در خود آیه است که فرموده شِفآءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنینَ

ایضاً برای دفع مرض

یك صاع گندم بخرد و قفا بخوابد و آن گندمها را بر روی سینه خود بریزد و بگوید:

اَللَّهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذی اِذا سَئَلَكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مابِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِی الْأَرْضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلیفَتَكَ عَلی خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلی اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَنْ تُعافِیَنی مِنْ عِلَّتی

پس برخیزد و بنشید و گندمها را از اطراف خود جمع کند و این دعا را بخواند پس آن را قسمت کند به چهار قسمت و هر چارك آن را که یك مدّ باشد به مسکینی دهد و این دعا را بخواند که ان شاء الله تعالی از مرض بهبودی حاصل کند

و ایضاً از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه:

اَللَّهُ اَللَّهُ اَللَّهُ رَبّی حَقّاً لا اُشْرِكُ بِهِ شَیْئاً اَللَّهُمَّ اَنْتَ لَها وَ لِكُلِّ عَظیمَةٍ فَفَرِّجْها عَنّی.

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست بر موضع درد گذار و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ

پس دست بکش بر آن و بگو هفت مرتبه:

اَعُـوذُ بِعِـزَّةِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِقُـدْرَةِاللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِجَـلالِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِعَظَمَـةِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِجَمْـعِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِرَسُـولِ اللَّهِ صَـلّىَ اللَّهُ عَلَيْـهِ وَ آلِهِ وَ اَعُـوذُ بِاَسْمآءِ اللَّهِ مِنْ شَرِّ ما اَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ ما اَخافُ عَلى نَفْسى.

و روایت شده که هرگاه فرزند مریض شد مادرش بالای بام رود و مقنعه از سر برگیرد که موی او در زیر آسمان ظاهر شود پس به سجده رود و بگوید:

اَللّهُـمَّ رَبِّ اَنْـتَ اَعْطَيْتَنيـهِ وَ اَنْـتَ وَ هَبْتَـهُ لى اَللّهُـمَّ فَاجْعَـلْ هِبَتَـكَ الْيَوْمَ جَديدَةً اِنَّكَ قادِرٌ مُقْتَدِرٌ.

پس سر بلند نکند تا آنکه خوب شود فرزند او و شیخ شهید(ره) نقل کرده که هر که درد شدیدی دارد بخواند بر قَدَحِ آبی چهل مرتبه سوره حمد پس آن آب را بریزد بر خود و بگذارد مریض نزد خود زنبیلی که در آن گندم باشد پس بدست خود از آن گندم به سائل دهد و امر کند او را که دعا کند برای او تا شفاء یابد ان شاء اللّه تعالی و به اسانید معتبره وارد شده که دوا کنید بیماران خود را به تصدّق و نیز شیخ شهید نقل کرده برای رفع مرض آنکه دست بگذارد بر بازوی راست مریض و بخواند حمد هفت مرتبه و بخواند این دعا را:

اَللّهُـمَّ اَزِلْ عَنْـهُ الْعِلَـلَ وَالدّآءَ وَ اَعِـدْهُ اِلَى الصِّـحَّةِ وَالشِّـفآءِ وَ اَمِـدَّهُ بِحُسْـنِ الْوِقايَـةِ وَ رُدَّهُ اِلى حُسْـنِ الْعافِيَـةِ وَاجْعَـلْ مـا نالَهُ فى مَرَضِـهِ هـذا مـادَّةً لِحَيوتِهِ وَ كَفَّارَةً لِسَيِّئاتِهِ اَللّهُمَّ وَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

پس اگر اثر نکرد در خوب شدن او مکرّر کند حمد را هفتاد مرتبه که اثر خواهد کرد ان شاء اللّه تعالی

از حضرت باقر علیه السلام روایت است که هرکس را که سوره حمد و قُلْ هُوَ اللّهَ اَحَد خوب نکند چیز دیگر او را خوب نکند و هر علّتی را این دوسوره نیکومی‌کند

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر مؤمنی که علّتی داشته باشد از روی اخلاص بگوید:

وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفآءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ

و مسح کند موضع علّت را حق تعالی او را شفا دهد

و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که برای رفع تمامی امراض بخوان برآنها:

یا مُنْزِلَ الشِّفآءِ وَ مُذْهِبَ الدّآءِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اَنْزِلْ عَلی وَجَعی الشِّفآءَ

سیّد بن طاوس در مهج از ابن عبّاس روایت کرده که گفت من در نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته بودم پس شخصی در آمد رنگ او رفته و گفت یا امیرالمؤمنین من همیشه بیمارم و دردهای بسیار دارم پس مرا دعائی بیاموز که به آن استعانت بجویم بر امراضم حضرت فرمود که می‌آموزم تو را دعائی که جبرئیل آن را به حضرت پیغمبرصلی الله علیه وآله آموخت در وقتی که حسن و حسین بیمار بودند و آن دعا این است:

اِلهی کُلَّما اَنْعَمْتَ عَلَیَّ نِعْمَةً قَلَّ لَکَ عِنْدَها شُکْری وَ کُلَّما ابْتَلَیْتَنی بِبَلِیَّةٍ قَلَ لَکَ عِنْدَها صَبْری فیامَنْ قَلَّ شُکْری عِنْدَ نِعَمِهِ فَلَمْ یَحْرِمْنی وَ یا مَنْ قَلَ صَبْری عِنْدَ بَلآئِهِ فَلَمْ یَخْذُلنی وَ یا مَنْ رَ انی عَلَی الْمَعاصی فَلَمْ

يَفْضَحْنى وَ يا مَنْ رَ انى عَلَى الْخَطايا فَلَمْ يُعاقِبْنى عَلَيْها صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لى ذَنْبى وَ اشْفِنى مِنْ مَرَضى اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْئٍ قَديرٌ.

ابن عبّاس گفت پس ديدم آن مرد را بعد از يك سال در حالى كه رنگش نيكو و قرمز شده بود و گفت در هيچ دردى نخواندم اين دعا را مگرآنكه شفايافتم و داخل نشدم بر سلطانى كه از او مى‌ترسيدم مگر آنكه خداوند عزّوجلّ ردّ كرد شرّ او را از من

منقول است كه به نجاشى از پدرانش كلاهى به ارث رسيده بود از چهارصد سال كه بر هر دردى كه نهاده مى‌شد ساكن مى‌گشت پس آن كلاه را شكافتند كه به بينند چه در آنست ديدند كه در آن اين دعا است:

بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبينِ شَهِدَاللَّهُ اَنَّهُ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ الْمَلآئِكَةُ وَ اوُلُوا الْعِلْمِ قآئِماً بِالْقِسْطِ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ اِنَّ الدّينَ عِنْدَاللَّهِ الْإِسْلامُ للَّهِ نُورٌ وَحِكْمَةٌ وَ حَوْلٌ وَ قُوَّةٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطانٌ وَ بُرْهانٌ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ آدَمُ صَفِىُ اللَّهِ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ اِبْرهيمُ خَليلُ اللَّهِ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ مُوسى كَليمُ اللَّهِ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ مُحَمَّدٌ الْعَرَبِىُّ رَسُولُ اللَّهِ وَ حَبيبُهُ وَ خِيَرَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ اُسْكُنْ يا جَميعَ الْأَوْجاعِ وَ الْأَسْقامِ وَ الْأَمْراضِ وَ جَميعَ الْعِلَلِ وَ جميعَ الْحُمَّياتِ سَكَّنْتُكَ بِالَّذى سَكَنَ لَهُ ما فِى اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعينَ.

در مكارم الأخلاق است كه نجاشى ملك صُداعى داشت مرض خود را براى حضرت رسول صلى الله عليه وآله نوشت حضرت اين حرز را براى او فرستاد او در كلاه خود گذاشت دردش ساكن شد و آن حرز اين است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبينُ شَهِدَاللَّهُ.
تا آخر آیه

لِلَّهِ نُورٌ وَ حِكْمَةٌ وَ عِزٌّ وَ قُوَّةٌ وَ بُرْهانٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطانٌ وَ رَحْمَةٌ يا مَنْ لا يَنامُ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ اَبْرهيمُ خَليلُ اللَّهِ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ مُوسى كَليمُ اللَّهِ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ عيسى رُوحُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ صَفِيُّهُ وَ صِفْوَتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اُسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِمَنْ يَسْكُنُ لَهُ ما فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَ بِمَنْ سَكَنَ لَهُ ما فِى الَّيْلِ وَالنَّهارِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ فَسَخَّرْنا لَهُ الرّيحَ تَجْرى بِاَمْرِهِ رَخآءً حَيْثُ اَصابَ وَ الشَّياطينَ كُلَّ بَنَّآءٍ وَ غَوَّاصٍ اَلا اِلَى اللَّهِ تَصيرُ اَلْأُمُورُ.

تعویذ به جهت درد سر و درد گوش

از حضرت باقر العلوم علیه السلام مرویست که به جهت تسکین درد سر، سر را مسح کند و هفت مرتبه بگوید:

اَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذى سَكَنَ لَهُ ما فِى الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ ما فِى السَّمواتِ وَالْأَرْضِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ.

و این دعا از برای درد گوش نیز از حضرت صادق علیه السلام هفت مرتبه نقل شده و نیز از آن حضرت وارد شده که پنیر بسیار کُهنه را قدری بگیر و نرم بکوب و با شیر ممزوج کن و بر روی آتش گرم و نرم کن و چند قطره در گوش که درد می‌کند بریز ایضاً برای درد سر بخواند بر قدح آبی:

اَوَلَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا اَنَّ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْمآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ اَفَلا يُؤْمِنُونَ.

پس بیاشامد آن را و روایت شده که هرگاه کسالت یا صُداع عارض حضرت رسول صلی الله علیه وآله می‌گشت دستها را می‌گشود و فاتحه و معوذتین می‌خواند و بصورت می‌کشید پس برطرف می‌شد از آن حضرت درد و نیز از برای رفع صُداع دست بکشد بر سَرِ او و بگوید:

اِنَّ اللّهَ یُمْسِکُ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ اَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا اِنْ اَمْسَکَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ کانَ حَلیماً غَفُوراً

و از ربیع الأبرار نقلست که مأمون را در طرطوس صداعی عارض شد و به هیچ وجه علاج آن نشد قیصر روم کلاهی برای او فرستاد و نوشت برای او شنیدم خبر صُداع تو را این کلاه را فرستادم که بر سر گذاری تا درد ساکن شود مأمون ترسید که در آن زهری تعبیه کرده باشد امر کرد که بر سر حاملش نهادند دید ضرری به او نرسانید پس امر کرد بر سر کسی دیگر که صداع داشت نهادند دردش ساکن شد آن وقت مأمون آن کلاه را بر سر خود گذاشت.

دردش ساکن گشت تعجّب نمود او را شکافت دید که در آن نوشته است:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ کَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلّهِ فی عِرْقٍ ساکِنٍ حم عسق لا یُصَدَّعُونَ عَنْها وَلا یُنْزِفُونَ مِنْ کَلامِ الرَّحْمنِ خَمَدَتِ النیّرانُ وَ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّهِ وَ جالَ نَفْعُ الدَّوآءِ فیکَ کَما یَجُولُ ماءُ الرَّبیعِ فِی الْغُصْنِ.

تعویذ به جهت درد شَقیقِه

بگذارد دست بر محلّ درد و سه دفعه بگوید:

یا ظاهِراً مَوْجُوداً وَ یا باطِناً غَیْرَ مَفْقُودٍ اُرْدُدْ عَلی عَبْدِکَ الضَّعیفِ اَیادِیَکَ الْجَمیلَةَ عِنْدَهُ وَ اَذْهِبْ عَنْهُ ما بِهِ مِنْ اَذیً اِنَّکَ رَحیمٌ قَدیرٌ.

به جهت کری گوش

از حضرت باقر العلوم علیه السلام وارد شده که بگذار دست بر آن و بخوان:

لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ. تا آخر سوره

به جهت درد دهان

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که بگذار دست بر آن و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذی لایَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ داۤءٌ اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللَّهِ الَّتی لایَضُرُّ مَعَها شَیْئٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ اَسْئَلُکَ یا رَبِّ بِاسْمِکَ الطّاهِرِ الْمُقَدَّسِ الْمبارَکِ الَّذی مَنْ سَئَلَکَ بِهِ اَعْطَیْتَهُ وَ مَنْ دَعاکَ بِهِ اَجَبْتَهُ اَسْئَلُکَ یا اللَّهُ یا اللَّهُ یا اللَّهُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ النَّبِیِ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَنْ تُعافِیَنی مِمّا اَجِدُ فی فَمی وَ فی رَأْسی وَفی سَمْعی وَ فی بَصَری وَ فی بَطْنی وَ فی ظَهْری وَ فی یَدی وَ فی رِجْلی وَ فی جَوارِحی کُلِّها

که شفا می‌یابی ان شاء اللّه تعالی

به جهت درد دندان

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخواند بر آن بعد از گذاشتن دست بر آن حمد و توحید و قدر و این آیه مبارکه

وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَةً وَ هِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذی اَتْقَنَ کُلَّ شَیْئٍ اِنَّهُ خَبیرٌ بِما تَفْعَلُونَ.

ایضاً از امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که دست بکش به موضع سجده خود پس مسح کن دندان دردکن را و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَالشَّافى اَللَّهُ وَ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ

عوذه مجرّبه برای درد دندان

می‌خوانی حمد و دو قُلْ اَعُوذُ و قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد را و می‌خوانی با هر سوره بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ و بعد از قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَد می‌گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ وَ لَهُ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ قُلْنا يا نارُ كُونى بَرْدَاً وَ سَلاماً عَلى اِبْرهيمَ وَ اَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرينَ نُودِىَ اَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَ مَنْ حَوْلَها وَ سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ

پس می‌گوئی:

اَللَّهُمَّ يا كافِياً مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لا يَكْفى مِنْكَ شَيْءٌ اِكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ اَمَتِكَ مِنْ شَرِّ ما يَخافُ وَ يَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذى يَشْكُوهُ اِلَيْكَ.

و نیز روایت شده که کاردی یا برگ خرمائی بگیرد و بمالد بر آن جانب که درد می‌کند و بگوید هفت مرتبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ اِبْرهيمُ خَليلُ اللَّهِ اُسْكُنْ بِالَّذى سَكَنَ لَهُ ما فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ بِأِذْنِهِ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

و ایضاً وارد شده که چوبی یا آهنی بگذارد بر دندان درد کن و افسون کُند آن را از جانب آن هفت مرتبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ اَلْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ دُودَةٌ تَكُونُ فِي الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ وَ تُنْزِلُ الدَّمَ اَنَا الرَّاقِى وَ اللَّهُ الشَّافِى وَ الْكافِى لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَالْحَمْدُللَّهِ رَبِ الْعالَمِينَ وَ اِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادَّارَ أْتُمْ فيها. بخواند تا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

هفت مرتبه این را بجا آورد

به جهت درد سینه

وارد شده آیه

وَ اِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادَّارَأْتُمْ تا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

و روایت شده که استشفا کن به قرآن زیرا که حق تعالی فرموده «فیه شفآءٌ لِما فِي الصُّدُورِ» و از برای سرفه دعاء جامعه وارد شده اَللَّهُمَّ اَنْتَ رَجائی وَ اَنْتَ ثِقَتی وَ عِمادی.

و این دعای طویلی است طالبین رجوع کنند به مأخذ آن کتاب دعای بحار

به جهت درد شکم

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که بیاشامد شربت عسل به آب گرم و تعویذ کند آن را به فاتحة الکتاب هفت مرتبه ایضاً از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که بیاشامد آب گرم و بگوید:

یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا رَبَّ الْأَرْبابِ یا اِلهَ الْأَلِهَةِ یا مَلِكَ الْمُلُوكِ یا سَيِّدَ السَّادَةِ اشْفِنِى بِشِفآئِكَ مِنْ كُلِّ داۤءٍ وَ سُقْمٍ فَاِنِّى عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ اَتَقَلَّبُ فِى قَبْضَتِكَ.

و نیز به جهت درد شکم و غیره بگذارد دست بر آن و بگوید هفت مرتبه:

اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ جَلالِهِ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ.

و بگذارد دست راست بر موضع درد و بگوید سه مرتبه بسم اللّه

به جهت قولنج

بنویسد بر لوحی یا کتفی حمد و توحید و دو قُلْ اَعُوذُ و در زیر آنها بنویسد:

اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْعَظيمِ وَ بِعِزَّتِهِ الَّتی لا تُرامُ وَ بِقُدْرَتِهِ الَّتی لا یَمْتَنِعُ مِنْها شَيْءٌ مِنْ شَرِّ هذَا الْوَجَعِ وَ مِنْ شَرِّ ما فیهِ وَ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ مِنْهُ.

پس بشوید آن را به آب باران و در وقتی که ناشتا است و در وقت خواب بیاشامد که ان شاء اللّه مبارك و نافع است

به جهت درد شکم و قولنج

روایت شده که شخصی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله شکایت کرد از درد شکم برادرش حضرت فرمود امر کن برادرت را که بیاشامد شربتی از عسل با آب گرم آن مرد رفت و فردای آن روز خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد که آن شربت را به او آشامانیدم و فایده نبرد فرمود صَدَقَ اللَّه وَکَذَبَ بَطْنُ اَخیكَ برو او را شربت عسل بده و تعویذ کن آن را به سوره حمد هفت مرتبه پس چون آن مرد رفت حضرت فرمود به امیرالمؤمنین علیه السلام یاعلی بدرستی که برادر این مرد منافق است و از این جهت است که آن شربت او را نفع نمی بخشد به جهت ثالول و آن میخچه ای است که غالباً در دست پیدا می‌شود وارد شده بگیر برای هر یك از آن هفت دانه جو و بخوان بر هر دانه جو از اوّل سوره اِذا وَقَعَتْ تاهَبآءً مُنْبَثّاً وَ:

يَسْـئَلُونَكَ عَـنِ الْجِبـالِ فَقُـلْ يَنْسِـفُها رَبّى نَسْـفاً فَيَـذَرُها قاعـاً صَفْصَـفاً لاتَرى فيها عِوَجاً وَلا اَمْتاً.

هفت مرتبه پس بگیر یك یك دانه های جو را و به مال به ثالول پس به بند آنها را در خرقه و به آن سنگی ببند و بینداز آن را در چاهی و بعضی گفته اند که شایسته است این عمل در آخر ماه باشد که ماه در آن پنهان است و نیز نقل شده که صاحبش قطعه نمکی بگیرد و بمالد به ثالول و بخواند بر آن سه مرتبه لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ تا آخر سوره حشر و بیندازد آن را در تنوری و بشتاب بگذرد که برطرف خواهد شد ان شاء الله.

و در خزائن است که مالیدن نوره بر ثالول برطرف خواهد کرد آن را به جهت ورمهای بدن روایت شده که چون وضو سازی برای نماز فریضه بخوان بر آن پیش از نماز و بعد از آن لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ تا آخر سوره و تدبّر کن در وقت خواندن آن که ان شاء الله ورم ساکن خواهد شد به جهت رفع دشوار زائیدن زنان بنویسد در پوستی:

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمنِ الـرَّحِيمِ كَاَنَّهُـمْ يَـوْمَ يَـرَوْنَ مـا يُوعَـدُونَ لَـمْ يَلْبَثُـوا اِلاَّ سـاعَةً مِـنْ نَهـارٍ كَاَنَّهُـمْ يَـوْمَ يَرَوْنَهـا لَـمْ يَلْبَثُـوا اِلاَّ عَشِـيَّةً اَوْ ضُحيهـا اِذْ قالَـتِ اَمْـرَاَتُ عِمْـرانَ رَبِّ اِنّى نَـذَرْتُ لَكَ مـا فى بَطْـنى مُحَـرَّراً فَتَقَبَّـلْ مِـنّى اِنَّـكَ اَنْـتَ السَّميعُ الْعَليمُ.

پس به بندد آن را بر ران راست او و چون فرزندش متولّد شد آن را باز کند و نیز روایت شده که بخواند بر آن:

فَاَجاَئَهَا الْمَخاضُ اِلی جِذْعِ النَّخْلَةِتا رُطَباً جَنِيّاً

پس صدا بلند کند به این آیه:

وَاللَّهُ اَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ اُمَّهاتِكُمْ لاتَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ كَذلِكَ اُخْرُجْ اَيُّها الطِّلْقُ اُخْرُجْ بِإذْنِ اللَّهِ.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که برای آسان شدن ولادت بنویسد در پوستی یا کاغذی:

اَللّٰهُمَّ فارِجَ الْهَمِّ وَ كاشِفَ الْغَمِّ وَ رَحْمنَ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ وَ رَحيمَهُما اِرْحَمْ فلانة بنت فُلانة رَحْمَةً تُغْنيها بِها عَنْ رَحْمَةِ جَميعِ خَلْقِكَ تُفَرِّجُ بِها كُرْبَتَها وَ تَكْشِفُ بِها غَمَّها وَ تُيَسِّرُ بِها وِلادَتَها وَ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لايُظْلَمُونَ وَ قيلَ الْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ

به جهت باز کردن بسته شده

بنویسد اوّل سوره اِنَّا فَتَحْنا تا مُسْتَقيماً و سوره اِذا جآءَ نَصْرُاللَّهِ و این آیات را:

وَ مِنْ آياتِهِ اَنْ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْواجاً لِتَسْكُنُوا اِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً اِنَّ فى ذلِكَ لَأياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ثُمَّ ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبابَ فَاِذا دَخَلْتُمُوهُ فَاِنَّكُمْ غالِبُونَ فَفَتَحْنا اَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْماءُ عَلى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ رَبِّ اشْرَحْ لى صَدْرى وَ يَسِّرْلى اَمْرى وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسانى يَفْقَهُوا قَوْلى وَ تَرَكْنا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فى بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْناهُمْ جَمْعاً كذلك حَلَلْتُ فُلانَ بْنِ فُلانٍ عَنْ بِنْتِ فُلانَةٍ لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِكُمْ عَزيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ

حَـرِيصٌ عَلَـيْكُمْ بِالْمُـؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِـيمٌ فَـاِنْ تَوَلَّـوْا فَقُـلْ حَسْـبِىَ اللَّهُ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.

پس اين نوشته را همراه او نموده و بر او آويزان كنند و در طبّ الأئمّه دعائى از حضرت موسى بن جعفرعليه السلام نيز نقل شده كه تعليم اسحاق صحّاف فرموده چون طولانى بود ذكر ننموديم

تعويذ تب

(١) بخواند اين تعويذ را كه رسول خداصلى الله عليه وآله تعليم اميرالمؤمنين عليه السلام فرموده:

اَللَّهُـمَّ ارْحَـمْ جِـلْدِىَ الرَّقيـقَ وَ عَظْمِـىَ الدَّقيـقَ وَ اَعُـوذُ بِـكَ مِـنْ فَـوْرَةِ الْحَريـقِ يا اُمَّ مِـلْدَمٍ اِنْ كُنْـتِ آمَنْـتِ بِاللَّهِ فَـلا تَأْكُلـىِ اللَّحْـمَ وَلاتَشْرَبـىِ الدَّمَ وَلاتَفُـورى مِـنَ الْفَـمِ وَانْـتَقِلى اِلى مَـنْ يَـزعَمُ اَنَّ مَـعَ اللَّهِ اِلهاً آخَـرَ فَـاِنّى اَشْـهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاشَريكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

(٢) مواظبت كند در صبح و شام بخواندن دعاى نور كه سلمان از حضرت فاطمه صلوات اللَّه عليها نقل كرده و در مفاتيح ذكر شده

(٣) روايت شده كه ائمّه عليهم السلام تب را به آب سرد معالجه مى‌كردند پيوسته يك جامه را در آب تر مى‌كردند و بر جسد مى‌چسبانيدند

(٤) به خط امام رضا عليه السلام ديده شد كه براى تب به سه قطعه كاغذ بنويسند بر قطعه اوّل:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ لاتَخَفْ اِنَّكَ اَنْتَ الْأَعْلى.

و بر دوّم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ لاتَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمينَ.

و بر سوّم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ اَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ.

پس بخواند بر هر قطعه ای سه مرتبه توحید و ببلعد آن را در سه روز هر روزی یکی از آنها را که خوب خواهد شد ان شاء اللّه.

(۵) تکمه های پیراهن را بگشاید و سر را در پیراهن داخل کند و اذان و اقامه گوید و هفت مرتبه حمد بخواند که ان شاء اللّه خوب خواهد شد

(٦) روایت است از ائمّه علیهم السلام که بنویسد در پوستی و آویزان کند بر تب دار این عَوذَه را:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ سُلْطانِكَ وَ ما اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ لا تُسَلِّطَ عَلی فُلانِ بْنِ فُلانٍ شَیْئاً مِمّا خَلَقْتَ بِسُوءٍ وَارْحَمْ جِلْدَهُ الرَّقیقَ وَ عَظْمَهُ الدَّقیقَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَریقِ اُخْرُجی یا اُمَّ مِلْدَمٍ یا آكِلَةَ اللَّحْمِ وَ شارِبَةَ الدَّمِ حَرُّها و بَرَدُها مِنْ جَهَنَّمَ اِنْ كُنْتِ آمَنْتِ بِاللَّهِ الْأَعْظَمِ اَنْ لاتَأْكُلی لِفُلانِ بنِ فُلانة لَحْماً وَ لاتَمُصّی لَهُ دَماً وَلاتَنْهَكی لَهُ عَظْماً وَلاتُثَوِّری عَلَیْهِ غَمّاً وَ لاتُهَیِّجی عَلَیْهِ صُداعاً وَانْتَقِلی عَنْ شَعْرِهِ وَ بَشَرِهِ وَ لَحْمِهِ وَ دَمِهِ اِلی مَنْ زَعَمَ اَنَّ مَعَ اللَّهِ اِلهاً آخَرَ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِكُونَ.

و بنویسد بعد از عَمَّا یُشْرِكُون اسم یك نفر از اهل ذمّه یایکی از دشمنان خدا را

(۷) بنویسد از برای تب و به بندد بر بازویِ راست تب دار:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ اَلْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ

تا آخر سوره

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللَّهِ التَّآمّاتِ کُلِّها الَّتی لایُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ ذَرَءَ وَ بَرَءَ وَ مِنْ شَرِّ الْهآمَّةِ وَ السّآمَّةِ وَالْعآمَّةِ وَاللّامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ طَوارِقِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ فُسّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِ وَالْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطانِ وَ شَرَکِهِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دآبَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ اِلَیْکَ اَنَبْنا وَ اِلَیْکَ الْمَصیرُ یا نارُ کُونی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی اِبْرهیمَ وَ اَرادُوا بِهِ کَیْداً فَجَعَلْناهُمْ الْأَخْسَرینَ بَرْداً وَ سَلاماً عَلی فُلانِ بْنِ فُلانَةَ رَبَّنا لاتُؤاخِذْنا اِنْ نَسینا اَوْ اَخْطَأْنا.

تا آخر سوره:

حَسْبِیَ اللَّهُ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَکیلاً وَ تَوَکَّلْ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لایَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ کَفی بِهِ بِذُنُوبِ عِبادِهِ خَبیراً بَصیراً لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ صَدَقَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزابَ وَحْدَهُ ماشآءَ اللَّهُ لاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ کَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ اَنَا وَ رُسُلی اِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزیزٌ اِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِیَ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ.

(۸) بر سه قطعه شکر بنویسد و هر قطعه را صبح ناشتا بخورد تا سه روز در قطعه اوّل عَقَدْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ و در دوّم شَدَدْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ و در سیّم سَكَنْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ دُعاء زَحیر

روایت شده که شخصی شکایت کرد به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و گفت مرا زَحیری است که ساکن نمی شود فرمود هرگاه فارغ شدی از نماز شب بگو:

اَللّٰهُمَّ ما كانَ مِنْ خَيْرٍ فَمِنْكَ لاحَمْدَلی فيهِ وَ ما عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنيهِ لاعُذْرَ لی فيهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُبِكَ اَنْ اَتَّكِلَ عَلى مالا حَمْدَلی فيهِ اَوْ آمَنَ مِمّا لا عُذْرَ لی فيهِ.

دعاء قرقره شکم

و نیز روایتست که شخصی شکایت کرد به آن حضرت و گفت شکم من پیوسته صدا می‌کند و من حیا می‌کنم با مردم تکلّم کنم زیرا که آن صدا از شکم من بیرون می‌آید و مردم می‌شنوند پس دعا کنید از برای من به شفاء، آن حضرت فرمود هرگاه فارغ شدی از نماز شب بگو اَللّٰهُمَّ ما عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لا حَمْدَ لی فيهِ تا آخر آنچه که گذشت و نیز از حضرت صادق علیه السلام وارد شده برای قَراقِر شکم که سیاه دانه با عسل بخورد دعای بَرَص یعنی پیسی اندام از یونس روایتست که گفت سپیدی در ما بین دیدگان من عارض شده بود شکایت کردم آن را به حضرت صادق علیه السلام فرمود وضو بگیر و دو رکعت نماز گذار و بگو:

يا اَللّهُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ يا سَميعَ الدَّعَواتِ يا مُعْطِيَ الْخَيْراتِ اَعْطِني خَيْرَ الدُّنْيا وَ خَيْرَ الْأخِرَةِ وَ قِني شَرَّ الدُّنْيا وَ شَرَّ الْأخِرَةِ وَ اَذْهِبْ عَنّي ما اَجِدُ فَقَدْ غاضَنِي الْأَمْرُ وَاَحْزَنَني

یونس گفت چنان کردم که آن حضرت فرموده بود حق تعالی آن پیسی را از من زایل کرد وَ لَهُ الْحَمْدُ و در روایت عدّة الدّاعی است که حضرت با وی فرمود چون ثلث آخر شب می‌شود برخیز در اوّل آن و وضو بگیر و مشغول نماز شب خود بشو و بگو در سجده آخر در رکعت اوّل:

يا عَلِيُّ يا عَظيمُ يا رَحْمنُ يا رَحيمُ يا سامِعَ الدَّعَواتِ يا مُعْطِيَ الْخَيْراتِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَعْطِني مِنْ خَيْرِ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَاصْرِفْ عَنّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيا وَالْأخِرَةِ ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَاَذْهِبْ عَنّي هذَا الْوَجَعَ فَاِنَّهُ قَدْ غاظَني وَاَحْزَنَني.

و الحاح و مبالغه کن در دعاء یونس گفت من بجا آوردم آنچه فرموده بود به کوفه هنوز نرسیده بودم که خوب شدم و نیز برای آن نوشتن سوره یس با عسل در جامی و شستن و خوردن وارد است چنانکه برای بواسیر نیز وارد شده و همچنین تربت امام حسین علیه السلام با آب باران برای پیسی وارد شده و حَنا را با نوره مخلوط کردن و بر روی آن مالیدن نیز روایت شده

به جهت جرب و دمّل و قوباء

و آن جوشی است در بدن یا خارش بسیار که آن را دار گویند روایت شده که بخوانند بر او و بنویسند و بر او آویزان کنند:

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمنِ الـرَّحيمِ وَ مَثَـلُ كَلِمَـةٍ خَبيثَـةٍ كَشَـجَرَةٍ خَبيثَـةٍ اجْتُثَّـتْ مِـنْ فَـوْقِ الْأَرْضِ مـا لَهـا مِـنْ قَـرارٍ تا آخـر آيـه مِنْها خَلَقْنـاكُمْ وَ فيهـا نُعيـدُكُمْ وَ مِنْهـا نُخْـرِجُكُمْ تارَةً أُخْـرى اَللَّهُ اَكْـبَرُ وَ اَنْـتَ لاتُكَـبَّرُ اَللَّهُ يَبْقـى وَ اَنْـتَ لاتَبْقـى وَاللَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

به جهت درد عورت

روایت شده که یکی از اصحاب ائمّه علیهم السلام عورت خود را گشوده بود در موضعی که شایسته نبود مبتلا شده بود به درد آن خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد حضرت تعلیم فرمود او را این عَوذه فرمود دست چپ خود را بر آن بگذار و بگو:

بِسْـمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بَـلى مَـنْ اَسْـلَمَ وَجْهَـهُ للَّهِ وَ هُـوْ مُحْسِـنٌ فَـلَهُ اَجْـرُهُ عِنْـدَ رَبِّـهِ وَلا خَـوْفٌ عَلَـيْهِمْ وَلاهُمْ يَحْزَنُـونَ اَللَّهُـمَّ اِنّى اَسْـلَمْتُ وَجْهـى اِلَيْـكَ وَفَوَّضْـتُ اَمْرى اِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَ لامَنْجا مِنْكَ اِلاَّ اِلَيْكَ.

این را سه مرتبه بگو که عافیت خواهی یافت ان شاء اللّه تعالی

به جهت درد زانو

از طبّ الائمّه نقل است که جابر جعفی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که گفت من نزد امام حسین علیه السلام بودم که مردی از شیعیان او از بنی امیّه آمد به خدمتش و عرض کرد یابن رسول اللّهِ من نمی توانم به خدمت شما بیایم به جهت درد پائی که دارم حضرت فرمود: چرا غافلی از تعویذ امام حسن علیه السلام گفت یَابْنَ رَسُول اللَّهِ چیست آن فرمود اِنَّا فَتَحْنا لَكَ فَتْحاً مُبيناً تا وَ

كانَ اللَّهُ عَزيزاً حَكيماً. پس بجا آورد آن مرد آنچه فرموده بود آن حضرت پس از آن احساس نکرد درد پا را و نیز برای درد زانو وارد شده که چون نماز گذاردی بگو:

يا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطى يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفى وَ قِلَّةَ حيلَتى وَ اَعْفِنى مِنْ وَجَعى.

و برای درد ساقها

وارد شده هفت مرتبه بخوانند این آیه شریفه را

وَاتْلُ ما اُوحِىَ اِلَيْكَ مِنْ كِتابِ رَبِّكَ لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً

به جهت درد چشم

روایات بسیار وارد شده که بعد از نماز صبح و نماز مغرب بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فى بَصَرى وَالْبَصيرَةَ فى دينى وَ الْيَقينَ فى قَلْبى وَالْأِخْلاصَ فى عَمَلى وَ السَّلامَةَ فى نَفْسى ـ وَالسَّعَةَ فى رِزْقى وَ الشُّكْرَ لَكَ اَبَداً ما اَبْقَيْتَنى.

و بزنطی از یونس بن ظبیان روایت کرده که گفت وارد شدیم بر حضرت صادق علیه السلام دیدیم آن حضرت را که درد چشم سختی کرده به حدّی که مامغموم شدیم از جهت آن حضرت روز دیگر که خدمتش رسیدیم دیدیم که چشمش دردی ندارد و خوب شده گفتیم فدایت شویم آیا معالجه فرمودید چشمان خود را به چیزی فرمود بلی به چیزی که او از جمله معالجات بود گفتیم چه بود آن فرمود تعویذی بود پس ما نوشتیم آن تعویذ را و آن تعویذ این است:

اَعُـوذُ بِعِـزَّةِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِقُـوَّةِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِقُـدْرَةِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِنُـورِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِعَظَمَـةِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِجَـلالِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِجَـمالِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِبَهـآءِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ.

گفتيم ما چيست جَمْعِ اللَّهِ فرمود:

بِـكُلِّ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِعَفْـوِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِغُفْـرانِ اللَّهِ وَ اَعُـوذُ بِرَسُـولِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِالْأَئِمَّةِ

و نام برد يك يك ايشان را آنگاه گفت:

عَلى ما تَشاۤءُ مِنْ شَرِّ ما اَجِدُ اَللَّهُمَّ رَبَّ الْمُطيعينَ.

و نيز براى درد چشم وارد شده كه بخواند بر آن آيةالكرسى و در دِل گيرد خوب شدن آن را و اگر پيش از آن دست بر چشم نهد و بگويد:

اُعيذُ نُورَ بَصَرى بِنُورِاللَّهِ الَّذى لايُطْفَأُ

وارد شده براى ضعف باصره نافع است و براى ضعف چشم و شب كورى وارد شده است كه بنويسد آيه نور را مكرّر در جامى و به آب محو كند و آن آب را در شيشه كند و از آن آب با ميل به چشم كشد و روايت شده كه هر كه قرآن را از روى قرآن بخواند بهره اى برد از چشم خود و نيز روايت شده كه هر كه در هر روز بگويد فَجَعَلْناهُ سَميعاً بَصيراً چشمانش از آفات سالم بماند شيخ كفعمى فرموده كه به تجربه رسيده براى درد چشم و جميع دردهاى اعضاء توسل جستن به حضرت امام موسى عليه السلام براى خون دماغ آب يخ بر سر و پيشانيش بريزد

تعویذ بُطلان سحر

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مروی است که بر پوست آهو بنویسد و با خود نگاه دارند:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ ماشآءَ اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ لاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ قالَ مُوسی ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ اِنَّ اللَّهَ سَیُبْطِلُهُ اِنَّ اللَّهَ لایُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدینَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَانْقَلَبُوا صاغِرینَ.

و نیز از برای دفع شیاطین و جادوگران

از حضرت رسول خداصلی الله علیه وآله وارد شده که آیه سخره بخوانند و آن این است:

اِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذی خَلَقَ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ فی سِتَّةِ اَیّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ یَطْلُبُهُ حَثیثاً وَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِاَمْرِهِ اَلا لَهُ الْخَلقُ وَالْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُ الْعالَمینَ اُدْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَةً اِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدینَ وَلاتُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ اِصْلاحِها وَادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً اِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَریبٌ مِنَ الْمُحْسِنینَ.

و در بعضی روایت است که تا تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ بخواند و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده که بر هر یك از برگ و دانه درخت اسفند ملکی موکّل است که با آنها هست تا آنکه بپوسد و ریشه اش و شاخش غم و سحر را برطرف می‌کند و در دانه اش شفای هفتاد درد است پس مداوا کنید به اسفند و کُنُدر و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که مصروعی را

دید پس طلب کرد قدحی از آب و خواند بر آن حمد و معوّذتین و دمید در قدح پس امر فرمود که از آن آب بر سر و صورتش ریختند تا به هوش آمد و فرمود دیگر عود نخواهد کرد بسوی تو هرگز و روایت شده از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که اگر جنّ سنگی افکند آن سنگ را بگیرد و بیافکند به همان موضعی که سنگ از آنجا آمده و بگوید:

حَسْبِیَ اللَّهُ وَ کَفی وَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعا لَیْسَ وَراءَ اللَّهِ مُنْتَهی

و نیز از برای شرّ جنّیان نگاه داشتن مرغ وخروس و کبوتر و بزغاله درخانه نافع است و نیز از برای شرّ جنیان در سفروبیابان ومواضع هولناك آن از حضرت صادق علیه السلام مرویست که دست بر بالای سر گذارد و به صدای بلند بخواند

اَفَغَیْرَ دینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَ لَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ اِلَیْهِ یُرْجَعُونَ.

و نیز در بیابان در مواضع مُوحشه و هولناك وارد شده است که بلند اذان گویند حرز چشم زخم وارد شده آیه وَ اِنْ یَکادُ بخوانند و نیز از حضرت صادق علیه السلام مروی است که چون ترسد که چشم او در کسی یا چشم کسی در او تأثیر کند سه مرتبه بگوید: ما شآءَاللَّهُ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِ الْعَظیمِ.

و وارد شده که هرگاه احدی خود را به هیأت نیکو آراست پس بخواند وقتی که از منزل بیرون می‌شود دو قُلْ اَعُوذُ را تا ضرر نرساند به او چیزی باذن الله تعالی و نیز از برای دفع چشم زخم وارد شده که دستها را برابر رو بلند کند و سوره حمد و توحید و دو قُلْ اَعُوذُ را بخواند و دست بر پیش سر بکشد

ایضاً تعویذ چشم زخم:

اَللّهُمَّ رَبَّ مَطَرٍ حابِسٍ وَ حَجَرٍ یابِسٍ وَ لَیْلٍ دامِسٍ وَ رَطْبٍ وَ یابِسٍ رُدَّ عَیْنَ الْعاینِ عَلَیْهِ فی کَبِدِهِ وَ نَحْرِهِ وَ مالِهِ فَارْجِعِ الْبَصَرَ- هَلْ تَری مِنْ فُطُورٍ ثُمَ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ اِلَیْکَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَ هُوَ حَسیرٌ

تعویذ دیگر بگوید:

اَللّهُمَ ذَا السُّلْطانِ الْعَظیمِ وَالْمَنِّ الْقَدیمِ وَالْوَجْهِ الْکَریمِ ذَا الْکَلِماتِ التَّامَّاتِ وَالدَّعَواتِ الْمُسْتَجابات عافِ فُلاناً مِنْ اَنْفُسِ الْجِنِّ وَ اَعْیُنِ الْأِنْسِ.

و این تعویذی است که رسول خدا صلی الله علیه وآله برای حسنین علیهما السلام خواند و اصحاب خویش را فرمود که زنهار اولاد خویش را به این کلمات تعویذ کنید،

تعویذ چشم زخم برای حیوانات و غیره

مروی از امیرالمؤمنین علیه السلام

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللّهِ الْعَظیمِ عَبَسَ عابِسٍ وَ شَهابَ قابِسٍ حَجَرَ یابِسٍ رَدَدْتُ عَیْنَ العاینِ عَلَیْهِ مِنْ رَأْسِهِ اِلی قَدَمَیْهِ اَخَذَ عَیْناهُ قابِضٌ بِکِلاهُ وَ عَلی جارِهِ وَاَقارِبِهِ جِلْدُهُ دَقیقٌ وَ دَمُهُ رَقیقٌ وَ بابُ الْمَکْرُوهِ تَلیقُ فَارْجِعِ الْبَصَرَ- هَلْ تَری مِنْ فُطُورٍ ثمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ- کَرَّتَیْنِ یَنْقَلِبْ اِلَیْکَ الْبَصَرُ خاسِئاً وَ هُوَ حَسیرٌ

به جهت دفع وسوسه شیطان

روایت شده که استعاذه کند به خدای تعالی پس بگوید:

آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ مُخْلِصاً لَهُ الدّينَ

و شیخ شهید از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمودند شیطان بر دو قسم است شیطان جنّی و آن دور می‌شود به گفتن:

لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

و شیطان انسی و آن دور می‌شود به فرستادن صلوات بر بر محمد و آل آن جناب علیهم السلام

مؤلّف گوید: که در باب نمازها گذشت نماز حدیث نفس و ذکر بعضی عوذات به جهت دفع وسوسه به آنجا مراجعه شود

به جهت ایمنی از دزد

بخواند بر حلقه ها و قفل قُلْ اِدْعُوا اللَّهَ اَوِادْعُوا الرَّحْمنَ تا آخر سوره عوذه عقرب روایت شده که تیز نظر کن به ستاره سُهی و آن ستاره کوچکی است نزدیك ستاره وسطی بنات نَعش و بگوید سه مرتبه:

اَللّهُمَّ رَبَّ اَسْلَمَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْنا مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ.

و نیز روایت شده که بر آن نظر افکند و سه مرتبه بگوید:

اَللّهُمَّ رَبَّ هُودِ ابْنِ اُسَیَّةَ آمِنّی شَرَّ کُلِّ عَقْرَبٍ وَ حَیَّةٍ

هر شب که چنین گوید از شرّ مار و عقرب محفوظ ماند

و نیز به جهت دفع شرّ عقارب و مارها

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که بخواند در نزد شب

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَخَذْتُ الْعَقارِبَ وَالْحَيّاتِ كُلَّها بِإِذْنِ اللَّهِ تَبارَكَ وَ تَعالى بِاَفْواهِها وَ اَذْنابِها وَ اَسْماعِها وَ اَبْصارِها وَ قُواها عَنّى وَ عَمَّنْ اَحْبَبْتُ اِلى ضَحْوَةِ النَّهارِ ان شاء اللّه تَعالى.

و نيز به جهت شرّ عقرب

بخواند:

سلامُ عَلى نُوحٍ فِى الْعالَمِينَ اِنّا كَذلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ اِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُؤْمِنِينَ.

و روايت شده كه وقتى حضرت نوح عليه السلام سوار كشتى شد منع فرمود عقرب را از سوار شدن بر كشتى عقرب گفت من مُعاهده مى‌كنم با تو كه نگزم كسى را كه بگويد:

سَلامٌ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلى نُوحٍ فِى الْعالَمِينَ.

و در چند حديث وارد شده است كه ماليدن نمك رفع زهر عقرب و گزندگان مى‌كند.

باب چهارم در ادعيه اى كه منتخب شده از كتاب شريف كافى

و آن مشتمل بر چند فصل است:

فصل اوّل در بعض دعاهاى وارده در وقت صبح و شام

غير آنچه در سابق گذشت و آن ده دعا است:

اوّل از حضرت صادق عليه السلام روايتست كه حضرت علىّ بن الحسين عليه السلام چون داخل صبح مى‌شد مى‌گفت:

اَبْتَدِءُ يَوْمی هذا بَیْنَ یَدَیْ نِسْیانی وَ عَجَلَتی بِسْمِ اللَّهِ وَ ما شآءَ اللَّهُ.

دویّم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرکس این کلمات را سه مرتبه بگوید در وقتی که داخل شب می‌شود پوشیده شود به بالی از بالهای جبرئیل تا آنکه داخل صبح شود:

اَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الْعَلِیَ الْأَعْلَی الْجَلیلَ الْعَظیمَ نَفْسی وَ مَنْ یَعنْینی اَمْرُهُ اَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسِیَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضَعَ لِعَظَمَتِهِ کُلُّ شَیْءٍ.

سیّم و نیز از آن حضرت مروی است که چون داخل شام شوی بگو:

اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ عِنْدَ اِقْبالِ لَیْلِكَ وَ اِدْبارِ نَهارِكَ وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ وَ اَصْواتِ دُعآئِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

و دعا کن به آنچه خواهی

چهارم از حضرت صادق علیه السلام مرویست که پدرم صلّی اللَّهُ عَلیه و آله چون داخل صبح می‌شد می‌گفت:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ اِلَی اللَّهِ وَ فی سَبیلِ اللَّهِ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَللَّهُمَّ اِلَیْكَ اَسْلَمْتُ نَفْسی وَ اِلَیْكَ فَوَّضْتُ اَمْری وَ عَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ یا رَبَّ الْعالَمینَ اَللَّهُمَّ احْفَظْنی بِحِفْظِ الْأِیمانِ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ وَ مِنْ خَلْفی وَ عَنْ یَمینی وَ عَنْ شِمالی وَ مِنْ فَوْقی وَ مِنْ تَحْتی وَ مِنْ قِبَلی لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ نَسْئَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعافِیَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ شَرٍّ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَةِ اَللَّهُمَّ اِنّی اَعُوذُبِكَ مِنْ عَذابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضُغْطَةِ الْقَبْرِ وَ مِنْ ضیقِ الْقَبْرِ وَ اَعُوذُبِكَ مِنْ سَطَواتِ اللَّیْلِ وَالنَّهارِ اَللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْأِحْرامِ اَبْلِغْ مُحَمَّداً وَ

آلَ مُحَمَّدٍ عَنّیِ السَّلامَ اَللَّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصینَةِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِكَ اَنْ تُمیتَنی غَرَقاً اَوْ حَرَقاً اَوْ شَرَقاً اَوْ قَوَداً اَوْ صَبْراً اَوْ مُسَمّاً اَوْ تَرَدِّیاً فی بِئْرٍ اَوْ اَكیلَ السَّبُعِ اَوْ مَوتَ الْفُجائَةِ اَوْ بِشَیْءٍ مِنْ میتاتِ السَّوءِ وَلكِنْ اَمِتْنی عَلی فِراشی فی طاعَتِكَ وَ طاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ مُصیباً لِلْحَقِّ غَیْرَ مُخْطِیءٍ اَوْ فِي الصَّفِ الَّذینَ نَعَّتَهُمْ فی كِتابِكَ كَاَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ اُعیذُ نَفْسی وَ وُلْدی وَ ما رَزَقَنی رَبّی بِقُلْ اَعُوذُ بِرَبِ الْفَلَقِ.

تا آخر سوره:

وَ اُعیذُ نَفْسی وَ وُلْدی وَ ما رَزَقَنی رَبّی بِقُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النّاسِ.

تا آخر سوره و می‌گوئی:

الْحَمْدُ للّٰهِ عَدَدَ ما خَلَقَ اللّٰهُ وَالْحَمْدُللّٰهِ مِثْلَ ما خَلَقَ وَ الْحَمْدُللّٰهِ مِلْأَ ما خَلَقَ وَالْحَمْدُللّٰهِ مِدادَ كَلِماتِهِ وَالْحَمْدُللّٰهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُللّٰهِ رِضا نَفْسِهِ وَلا اِلَهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْحَلیمُ الْكَریمُ وَ لا اِلَهَ اِلاَّ اللّٰهُ الْعَلِیُ الْعَظیمُ سُبْحانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمواتِ وَالْأَرَضینَ وَ ما بَیْنَهُما وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ اَللَّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقاءِ وَ مِنْ شَماتَةِ الْأَعْداءِ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ الْوَقْرِ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْأَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ

و صلوات بفرست بر محمّد و آل محمّد ده مرتبه

پنجم و نیز از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون نماز مغرب و صبح بجا آوردی بگو هفت مرتبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ پس بدرستی که هرکس این را بگوید نرسد به او جذام و پیسی

و دیوانگی و نه هفتاد نوع از انواع بلاها و می‌گوئی چون داخل صبح و داخل شام شدی:

اَلْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّباحِ اَلْحَمْدُ لِفالِقِ الْأِصْباحِ

دو مرتبه

اَلْحَمْـدُلِلَّهِ الَّذی اَذْهَـبَ اللَّیْـلَ بِقُدْرَتِـهِ وَ جـآءَ بِالنَّهـارِ بِرَحْمَتِـهِ وَ نَحْنُ فی عافِیَةٍ.

و می‌خوانی آیةالکرسی و آخر حشر و ده آیه از صافّات:

وَ سُـبْحانَ رَبِّـکَ رَبِّ الْعِـزَّةِ عَمَّـا یَصِـفُونَ وَ سـلامٌ عَـلَی الْمُرْسَـلینَ والْحَمْـدُلِلَّهِ رَبِّ الْعـالَمینَ فَسُـبْحانَ اللَّهِ حـینَ تُمْسُـونَ وَ حـینَ تُصْـبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْـدُ فِی السَّـمواتِ وَالْأَرْضِ وَ عَشِـیّاً وَ حـینَ تُظْهِـرُونَ یُخْـرِجُ الْحَـیَّ مِـنَ الْمَیِّـتِ وَ یُخْـرِجُ الْمَیِّـتَ مِـنَ الْحَـیِّ وَ یُحْـیِ الْأَرْضَ بَعْـدَ مَوْتِهـا وَ کَـذلِکَ تُخْرَجُـونَ سُـبُّوحٌ قُـدُّوسٌ رَبُّنـا وَ رَبُّ الْمَلائِکَـةِ وَالـرُّوحِ سَـبَقَتْ رَحْمَتُـکَ غَضَـبَکَ لا اِلَهَ اِلاَّ اَنْـتَ سُـبْحانَکَ اِنّی ظَلَمْـتُ نَفْسی ـ فَـاغْفِرْ لی وَارْحَمْـنی وَ تُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ.

ششم و نیز از حضرت صادق علیه السلام این دعا برای وقت صبح روایت شده:

اَللَّهُـمَّ لَکَ الْحَمْـدُ اَحْمَـدُکَ وَ اَسْـتَعینُکَ وَ اَنْـتَ رَبّی وَ اَنا عَبْـدُکَ اَصْـبَحْتُ عَـلی عَهْـدِکَ وَ وَعْـدِکَ وَ اُومِـنُ بِوَعْـدِکَ وَ اُوفی بِعَهْـدِکَ مَـا اسْـتَطَعْتُ وَلا حَـوْلَ وَ لا قُـوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ وَحْـدَهُ لا شَریـکَ لَهُ وَ اَشْـهَدُ اَنَّ مُحَمَّـداً عَبْـدُهُ وَ رَسُـولُهُ اَصْـبَحْتُ عَـلی فِطْـرَةِ الْأِسْـلامِ وَکَلِمَـةِ الْأِخْـلاصِ

وَمِـلَّةِ اِبْـرهيمَ وَديـنِ مُحَمَّـدٍ صَـلَواتُ اللّهِ عَلَـيْهِما وَ آلِهِـما عَـلى ذلِكَ اُحْـيى وَ اَمُـوتُ اِنْشـآءَ اللّهُ اَللّهُـمَّ اَحْيِـنى مـا اَحْيَيْتَـنى وَ اَمِتْـنى اِذا اَمَتَّـنى عَـلى ذلِكَ وَابْعَثْـنى اِذا بَعَثْتَـنى عَـلى ذلِكَ اَبْتَغى بِـذلِكَ رِضْـوانَكَ وَاتِّبـاعَ سَـبيلِكَ اِلَيْـكَ اَلْجَاْتُ ظَهْرى وَ اِلَيْـكَ فَوَّضْـتُ اَمْرى آلُ مُحَمَّـدٍ اَئِمَّتى لَـيْسَ لى اَئِمَّـةٌ غَـيْرُهُمْ بِهِـمْ اَئْـتَمُّ وَ اِيَّاهُمْ اَتَـوَلّى وَ بِهِـمْ اَقْتَـدى اَللّهُـمَّ اجْعَلْهُـمْ اَوْلِيـآئى فِى الدُّنْيـا وَ الْأخِـرَةِ وَاجْعَلْـنى اُوالى اَوْلِيــآئَهُمْ وَ اُعـادى اَعْـدآئَهُمْ فِى الدُّنْيـا وَالْأخِـرَةِ وَ اَلْحِقْـنى بالصّالِحينَ وَ آبائى مَعَهُمْ.

هفتم و نیز از آن حضرت مروی است که هر چه را ترک کردی خواندن این دعا را ترک مکن در هر صبح و شام:

اَللّهُـمَ اِنّى اَصْـبَحْتُ اَسْـتَغْفِرُكَ فى هـذَا الصَّباحِ وَ فى هـذَا الْيَـوْمِ لِأَهْـلِ رَحْمَتِـكَ وَ اَبْـرَءُ اِلَيْـكَ مِـنْ اَهْـلِ لَعْنَتِـكَ اَللّهُـمَّ اِنّى اَصْـبَحْتُ اَبْـرَءُ اِلَيْـكَ فى هـذَا الْيَـوْمِ وَ فى هـذَا الصَّباحِ مِمَّـنْ نَحْـنُ بَـيْنَ ظَهْـرانيهِمْ مِـنَ الْمُشْـرِكينَ وَ مِمَّـا كانُـوا يَعْبُـدُونَ اِنَّهُـمْ كانُـوا قَـوْمَ سَـوْءٍ فاسِـقينَ اَللّهُـمَّ اجْعَـلْ مـا اَنْزَلْـتَ مِـنَ السَّـماءِ اِلَى الْأَرْضِ فى هـذَا الصَّـباحِ وَ فى هَـذَا الْيَـوْمِ بَرَكَـةً عَـلى اَوْلِيآئِـكَ وَ عِقـاباً عَـلى اَعْـدآئِكَ اَللّهُـمَ والِ مَـنْ والاكَ وَ عـادِ مَـنْ عـاداكَ اَللّهُـمَّ اخْـتِمْ لى بِالْأَمْـنِ وَالْأيمـانِ كُلَّـما طَلَعَـتْ شَمْـسٌ اَوْ غَرَبَـتْ اَللّهُـمَّ اغْفِـرْلى وَ لِـوالِدَىَّ وَارْحَمْهُـما كَـما ربَّيـانى صَـغيراً اَللّهُـمَّ اغْفِـرْ لِلْمُـؤْمِنينَ وَالْمُؤْمِنـاتِ وَالْمُسْـلِمينَ وَالْمُسْـلِماتِ اَلْأَحْيـآءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْـواتِ اَللّهُـمَّ اِنَّـكَ تَعْلَـمُ مُنْقَلَّبَهُمْ وَ مَثْويهُمْ اَللّهُـمَّ احْفَـظْ اِمـامَ الْمُسْلِمينَ بِحِفْـظِ الْأيمـانِ وَانْصُرْهُ نَصْـراً عَزيـزاً وَافْـتَحْ لَهُ فَتْحـاً يَسـيراً وَاجْعَـلْ لَهُ وَلَنـا مِـنْ لَدُنْـكَ سُـلْطاناً نَصـيراً اَللّهُـمَّ الْعَـنْ فُـلاناً وَ فُـلاناً وَالْفِـرَقَ الْمُخْتَلِفَـةَ عَـلى

رَسُولِكَ وَ وُلاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ رَسُولِكَ وَالْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ شيعَتِهِمْ وَ اَسْئَلُكَ الزِّيادَةَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْأِقْرارَ بِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِكَ وَالتَّسْليمَ لِأَمْرِكَ وَالْمُحافَظَةَ عَلى ما اَمَرْتَ بِهِ لا اَبْتَغى بِهِ بَدَلاً وَ لا اَشْتَرى بِهِ ثَمَناً قَليلاً اَللّٰهُمَّ اهْدِنى فيمَنْ هَدَيْتَ وَ قِنى شَرَّ ما قَضَيْتَ اِنَّكَ تَقْضى وَلا يُقْضى عَلَيْكَ وَ لايَذِلُّ مَنْ والَيْتَ تبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ سُبْحانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ تَقَبَّلْ مِنّى دُعآئى وَ ما تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ مِنْ خَيْرٍ فَضاعِفْهُ لى اَضْعافاً كَثيرَةً وَ اتِنا مِنْ لَدُنْكَ اَجْراً عَظيماً رَبِّ ما اَحْسَنَ ما اَبْلَيْتَنى وَ اَعْظَمَ ما اَعْطَيْتَنى وَ اَطْوَلَ ما عافَيْتَنى وَ اَكْثَرَما سَتَرْتَ عَلَىَّ فَلَكَ الْحَمْدُ يا اِلهى كَثيراً طَيِّباً مُبارَكاً عَلَيْهِ مِلْأَ السَّمواتِ وَ مِلْأَ الْأَرْضِ وَ مِلْأَ ما شاءَ رَبّى وَ رَضِىَ وَ كَما يَنْبَغى لِوَجْهِ رَبّى ذِى الْجَلالِ وَالْأِكْرامِ.

هشتم از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایتست که هرکس بگوید در وقت طلوع فجر:

لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيى وَيُميتُ وَ هُوَ حَىٌّ لايَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

ده مرتبه و صلوات بفرستد بر محمّد و آل محمّد ده مرتبه و تسبیح کند سی و پنج مرتبه و تهلیل گوید سی و پنج مرتبه و تحمید گوید خدا را سی و پنج مرتبه نوشته نشود در آن روز از غافلین و اگر در شب بگوید نیز نوشته نشود در آن شب از غافلین

نهم از محمد بن فضیل روایتست که نوشتم به خدمت حضرت امام محمّد تقی علیه السلام و از آن حضرت درخواستم که مرا تعلیم فرماید دعائی پس نوشت آن حضرت در جواب من که می‌گوئی در وقت صبح و شام:

اَللّهُ اَللّهُ اَللّهُ رَبِّی الرَّحْمنُ الرَّحیمُ لا اُشْرِكُ بِهِ شَیْئاً

پس دعا می‌کنی برای حاجت خود که این کلمات مقدمه است برای سؤال هر حاجتی به اذن خدا

دهم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که به داود رِقّی فرمود که ترك مکن این دعا را سه مرتبه در وقت صبح و سه مرتبه در وقت شام:

اَللّهُمَّ اجْعَلنی فی دِرْعِكَ الْحَصینَةِ الّتی تَجْعَلُ فیها مَنْ تُریدُ

پس بدرستی که پدرم علیه السلام می‌فرمود که این از دعاهای مخزون است.

فصل دُویّم در بعض دعاهای وارده در وقت خوابیدن و بیدار شدن

و آن هفت دعا است:

اوّل

از حضرت صادق علیه السلام مروی است که کسی که بگوید سه مرتبه در وقتی که در خوابگاه خود درآید:

اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذی عَلا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ للّهِ الَّذی بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُللّهِ الَّذی مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ للّهِ الَّذی یُحْیِي الْمَوْتی وَ یُمیتُ الْأَحْیاءَ وَ هُوَ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ[1].

---

[1]. ستایش خدایی را که برتر آمد و چیره و ستایش خدایی را که نهان است و آگاه و ستایش خدایی را که مالك است و نیرومند و ستایش خدایی را که زنده کند مردگان را و بمیراند زندگان را و او بر هر چیز توانا است.

بیرون آید از گناهان خود مانند روزی که زائیده او را مادَرِ او و این روایت را صدوق و شیخ نیز نقل کرده اند و در عدّةالدّاعی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که این اَدْنی چیزی است که مجزی است از تحمید و لکن در آن روایت حمد دویّم بعد از حمد سیّم است.

دویّم

و نیز از آن حضرت مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله چون در رختخواب خود جامی گرفت می‌خواند آیةالکرسی و می‌گفت:

بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اَللَّهُمَّ احْفَظْنی فی مَنامی وَ فی یَقَظَتی[1].

سیّم

از مفضّل بن عمر منقول است که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود که اگر بتوانی شب نکن مگر آنکه تعویذ کنی خود را به یازده حرف گفتم خبر ده مرا به آنها فرمود بگو:

اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِجَلالِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِسُلْطانِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِجَمالِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِمَنْعِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ وَ اَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ بَرَءَ وَ ذَرَءَ[2].

---

[1]. بنام خدا ایمان آوردم به خدا و کافرم به طاغوت خدایا حفظ کن مرا در خوابم و در بیداریم.

[2]. پناه برم به عزت خدا و پناه برم به نیروی خدا و پناه برم به جلال خدا و پناه برم به سلطنت خدا و پناه برم به جمال خدا و پناه برم به دفاع خدا و پناه برم به جلوگیری کردن خدا و پناه برم به جمع‌آوری خدا و پناه برمب ه فرمانروایی خدا و پناه برم به ذات خدا و پناه برم به رسول خدا صلی الله علیه وآله از شر آنچه آفرید و پدید آورده.

وتعویذکن خودرابه این هروقت که خواهی .

چهارم

ازحضرت صادق علیه السلام منقول است که کسی که بخواند صدمرتبه قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ در وقتی که در خوابگاه خود رود آمرزیده شود ازگناهان پنجاه ساله خود و نیز از آن حضرت مرویست که کسی که بخواند در وقتی که در رختخواب خود رود قُلْ یآ اَیُّهَا الْکافِرُونَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ بنویسد حق تعالی برای او بیزاری از شرك را.

پنجم

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود کسی که بخواهد برخیزد برای نماز شب و در رختخواب خود جا کرده باشد بگوید:

اَللَّهُمَّ لاتُؤْمِنّی مَکْرَكَ وَلاتُنْسِنی ذِکْرَكَ وَلا تَجْعَلْنی مِنَ الْغافِلینَ اَقُومُ ساعَةَ کَذا وَ کَذا[1].

هرگاه چنین گفت حقّ تعالی موکّل فرماید به او ملکی که او را بیدار کند در آن ساعت .

ششم

و نیز از آن حضرت مرویست که فرمود هرگاه یکی از شما برخواست در شب از خواب بگوید:

[1]. خدایا مرا ایمن از مکر خود مفرما و ذکرت را فراموشم منما و قرارم مده از بی‌خبران، بپا خیزم در فلان ساعت.

سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ النَّبِيّينَ وَ اِلهِ الْمُرْسَلينَ وَ رَبِّ الْمُسْتَضْعَفينَ وَالْحَمْدُ للَّهِ الَّذى يُحْيِ الْمَوْتى وَ هُوَ عَلى كُلِّشَىْ ءٍ قَديرٌ[1].

پس بدرستى كه چون اين را گفت مى‌گويدخداى تبارك وتعالى راست گفت بنده من وشكر نمود.

هفتم

از عبدالرّحمن بن حجّاج روايت است كه حضرت صادق عليه السلام در آخر شب كه از خواب برمى خواست صدا را بلند مى‌فرمود به حدّى كه اهل خانه بشنوند و مى‌گفت:

اَللَّهُمَّ اَعِنّى عَلى هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسِّعْ عَلَىَّ ضيقَ الْمَضْجَعِ وَارْزُقْنى خَيْرَ ما قَبْلَ الْمَوْتِ وَارْزُقْنى خَيْرَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ [2].

فصل سيّمْ در ذكر چند دعائى كه در وقت بيرون آمدن از منزل خوانده مى‌شود و آن هشت است

اوّل از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه آدمى هرگاه خواست از منزل خود بيرون رود بگويد سه مرتبه در وقتى كه اراده دارد اللَّهُ اَكْبَرُ و سه مرتبه:

بِاللَّهِ اَخْرُجُ وَ بِاللَّهِ اَدْخُلُ وَ عَلَى اللَّهِ اَتَوَكَّلُ

پس بگويد:

---

[1]. منزه است خدا پروردگار پيمبران و معبود رسولان و پروردگار ناتوان شمردگان ستايش خدايى‌را كه زنده كند مردگان را و او بر هر چيز توانا است.

[2]. خدايا كمكم كن بر هراس روز قيامت و فراخ گردان بر من تنگى آرامگاهم را و روزيم كن خوبى پيش از مرگ و خوبى پس از مرگ را.

اَللّهُمَّ افْتَحْ لی فی وَجْهی هذا بِخَیْرٍ وَ اخْتِمْ لی بِخَیْرٍ وَقِنی شَرَّ کُلِ دآبَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیم

پیوسته در ضمان خداوند عزّوجلّ باشد تا برگردد به همان مکانی که در آن بوده

دویّم از حضرت امام زین العابدین علیه السلام مرویست که دروقت بیرون شدن از دَرِ منزل بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ

سیّم ازحضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که هر کس بگوید در وقتی که از منزل خود بیرون می‌شود:

بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِیَ اللَّهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ اُمُوری کُلِّها وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَ عَذابِ الْأَخِرَةِ

کفایت فرماید حق تعالی آنچه را که اندوهگین سازد او را از امر دنیا و آخرت او

چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بگو در وقتی که از منزل خود بیرون روی:

بِسْمِ اللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ ما خَرَجْتُ لَهُ وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ شَرِّ ما خَرَجْتُ لَهُ اَللّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ اَتْمِمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَاسْتَعْمِلْنی فی طاعَتِکَ وَاجْعَلْ رَغْبَتی فیما عِنْدَکَ وَ تَوَفَّنی عَلی مِلَّتِکَ وَ مِلَّةِ رَسُولِکَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.

پنجم از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که پدرم علیه السلام این کلمات را می‌گفت در وقتی که از منزل بیرون می‌شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ لابِحَوْلٍ مِنّی وَ لا قُوَّتی بَلْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ یا رَبِ مُتَعَرِّضاً لِرِزْقِكَ فَأْتِنی بِهِ فی عافِیَةٍ.

ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که بخواند قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ ده مرتبه هنگامی که از منزل خود بیرون می‌رود پیوسته در حفظ خداوند عزّوجلّ باشد و حق تعالی نگهبان او باشد تا برگردد به منزل خود

هفتم از حضرت امام موسی علیه السلام مرویست که هرگاه خواستی سفر روی به ایست بر در خانه ات و بخوان فاتحة الکتاب را از پیش رو و از جانب راست و از جانب چپ و همچنین قُلْ هُوَ اللَّه اَحَد را و همچنین قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ وَ قُلْ اَعُوذُ بِرَبّ الْفَلَقِ را پس بگو:

اَللّهُمَّ احْفَظْنی وَاحْفَظْ ما مَعِیَ وَ سَلِّمْنی وَ سَلِّمْ ما مَعِیَ وَ بَلِّغْنی وَ بَلِّغْ ما مَعِیَ بَلاغاً حَسَناً.

هشتم و نیز از آن حضرت مروی است که هرگاه بیرون شدی از منزل خود در سفر یا در حضر پس بگو:

بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللَّهِ ما شاءَ اللَّهُ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ.

فصل چهارم در ذکر بعض دعاهای وارده پیش از نماز و بعد از نماز و بعد از آن و آن پنج دعا است

اوّل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود هر که بگوید این دعا را وقتی که برمی خیزد برای نماز پیش از آنکه افتتاح نماز کند با محمّد و آل محمّد علیهم السلام خواهد بود:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ صَلَواتی وَ اَتَقَرَّبُ بِهِمْ اِلَیْکَ فَاجْعَلْنی بِهِمْ وَجیهاً فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبینَ مَنَنْتَ عَلَیَّ بِمَعْرِفَتِهِمْ فَاخْتِمْ لی بِطاعَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ وَ وِلایَتِهِمْ فَاِنَّها السَّعادَةُ وَ اخْتِمْ لی بِها فَاِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

پس نماز را بجا میآوری و چون فارغ شدی میگوئی:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فی کُلِّ عافِیَةٍ وَ بَلاءٍ وَاجْعَلْنی مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فی کُلِّ مَثْویً وَ مُنْقَلَبٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْیایَ مَحْیاهُمْ وَمَماتی مَماتَهُمْ وَاجْعَلْنی مَعَهُمْ فِی الْمَواطِنِ کُلِّها وَلاتُفَرِّق بَیْنی وَ بَیْنَهُمْ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ.

دویّم روایت شده از صفوان جمّال که دیدم حضرت صادق علیه السلام رو به قبله کرد پیش از تکبیر و گفت:

اَللّٰهُمَّ لا تُؤْیِسْنی مِنْ رَوْحِکَ وَلاتُقَنِّطْنی مِنْ رَحْمَتِکَ وَلا تُؤْمِنّی مَکْرَکَ فَاِنَّهُ لا یَأْمَنُ مَکْرَاللّٰهِ اِلاَّ الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ.

سیّم از حضرت صادق علیه السلام مروی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میگفت بعد از آنکه فارغ از زوال میگشت:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِمَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ وَ اَنْبِیآئِکَ الْمُرْسَلینَ

وَ بِكَ اللَّهُمَّ اَنْتَ الْغَنِىُّ عَنّى وَ بِىَ الْفاقَةُ اِلَيْكَ اَنْتَ الْغَنِىُّ عَنّى وَ اَنَا الْفَقيرُ اِلَيْكَ اَقَلْتَنى عَثْرَتى وَ سَتَرْتَ عَلَىَّ ذُنُوبى فَاقْضِ الْيَوْمَ حاجَتى وَ لا تُعَذِّبْنى بِقَبيحِ ما تَعْلَمُ مِنّى بَلْ عَفْوُكَ وَ جُودُكَ يَسَعُنى

آنگاه حضرت به سجده مى‌افتاد و مى‌گفت:

يا اَهْلَ التَّقْوى وَ يا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يا بَرُّ يا رَحيمُ اَنْتَ اَبَرُّبى مِنْ اَبى وَ اُمّى وَ مِنْ جَميعِ الْخَلايِقِ اِقْلِبْنى بِقَضاءِ حاجَتى مُجاباً دُعائى مَرْحُوماً صَوْتى قَدْ كَشَفْتَ اَنْواعَ الْبَلاءِ عَنّى.

چهارم از حضرت امام محمّد تقى عليه السلام منقول است كه چون از نماز فريضه فارغ شدى بگو:

رَضيتُ بِاللّهِ رَبّاً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيّاً وَ بِالْأِسْلامِ ديناً وَ بِالْقُرْآنِ كِتاباً وَ بِفُلانٍ وَ فُلانٍ اَئِمَّةً [(به جاى بفلانٍ وَ فُلان بگو) وَ بِعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّد وَ عَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةِ «منه»]

اَللَّهُمَّ وَلِيُّكَ فُلانٌ [به جاى فلان بگو الْقائِمُ الحُجَّةُ (منه)] فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمينِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَامْدُدْ لَهُ فى عُمْرِهِ واجْعَلْهُ الْقائِمَ بِاَمْرِكَ وَالْمُنْتَصِرَ لِدينِكَ وَ اَرِهِ ما يُحِبُّ وَ ما تَقِرُّ بِهِ عَيْنُهُ فى نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ فى اَهْلِهِ وَ مالِهِ وَ فى شيعَتِهِ وَ فى عَدُوِّهِ وَ اَرِهِمْ مِنْهُ ما يَحْذَرُونَ وَ اَرِهِ فيهِمْ ما يُحِبُّ وَ تَقِرُّبِهِ عَيْنُهُ وَاشْفِ صُدُورَنا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنينَ.

و فرمود که چون حضرت رسول صلی الله علیه وآله فارغ می‌شد از نماز می‌گفت:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلی ما قَدَّمْتُ وَ ما اَخَّرْتُ وَ ما اَسْرَرْتُ وَ ما اَعْلَنْتُ وَ اِسْرافی عَلی نَفْسی وَ ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ الْمُؤَخِّرُ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغَیْبَ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعینَ ما عَلِمْتَ الْحَیوةَ خَیْراً لی فَاَحْیِنی وَ تَوَفَّنی اِذا عَلِمْتَ الْوَفاةَ خَیْراً لی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ خَشْیَتَكَ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَةِ وَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِی الْغَضَبِ وَ الرِّضا وَالْقَصْدَ فِی الْفَقْرِ وَالْغِنا وَ اَسْئَلُكَ نَعیماً لایَنْفَدُ وَ قُرَّةَ عَیْنٍ لاتَنْقَطِعُ وَ اَسْئَلُكَ الرِّضا بِالْقَضآءِ وَ بَرَكَةَ الْمَوْتِ بَعْدَ الْعَیْشِ وَ بَرْدَ الْعَیْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ لَذَّةَ الْمَنْظَرِ اِلی وَجْهِكَ وَ شَوْقاً اِلی رُؤْیَتِكَ وَ لِقآئِكَ مِنْ غَیْرِ ضَرّآءَ مُضِرَّةٍ وَلافِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ اَللّٰهُمَّ زَیِّنّا بِزینَةِ الْاَیمانِ وَاجْعَلْنا هُداةٍ مُهْتَدینَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنا فیمَنْ هَدَیْتَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ عَزیمَةَ الرَّشادِ وَالثَّباتَ فِی الْاَمْرِ وَ الرُّشْدَ وَاَسْئَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ حُسْنَ عافِیَتِكَ وَ اَداءَ حَقِّكَ وَاَسْئَلُكَ یا رَبِّ قَلْباً سَلیماً وَ لِساناً صادِقاً وَاَسْتَغْفِرُكَ لِما تَعْلَمُ وَ اَسْئَلُكَ خَیْرَ ما تَعْلَمُ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما تَعْلَمُ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلانَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلاّٰمُ الْغُیُوبِ.

پنجم از حضرت صادق علیه السلام روایت است که هر کس این کلمات را بگوید نزد هر نماز فریضه محفوظ ماند خودش و خانه اش و مالش و اولادش

اُجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وَلَدی وَ اَهْلی وَ داری وَ كُلَّ ما هُوَ مِنّی بِاللّٰهِ الْواحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَ اُجیرُ نَفْسی وَ مالی وَ وَلَدی وَ كُلَّ ما هُوَ مِنّی بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ

تا آخر سوره

وَ اُجيرُ نَفْسى وَ مالى وَ وَلَدى وَ كُلَّ ما هُوَ مِنّى بِرَبِّ النَّاسِ

تا آخر سوره

وَ اُجيرُ نَفْسى وَ مالى وَ وَلَدى وَ كُلَّ ما هُوَ مِنّى بِاللَّهِ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ الْحَىُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلانَوْمٌ

تا آخر آيةالكرسى

فصل پنجم در بعض دعاهاى وارده به جهت رزق

و آنها پنج است:

اوّل از معاوية بن عمّار منقول است كه از حضرت صادق عليه السلام در خواستم كه دعائى مرا تعليم فرمايد براى رزق پس آن حضرت اين دعا را تعليم من فرمود و من نديدم چيزى براى زياد شدن رزق بهتر از اين فرمود بگو:

اَللَّهُمَّ ارْزُقْنى مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ الْحَلالِ الطَّيِّبِ رِزْقاً واسِعاً حَلالاً طَيِّباً بَلاغاً لِلدُّنْيا وَالْأخِرَةِ صَبّاً صَبّاً هَنيئاً مَريئاً مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلا مَنٍ مِنْ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ اِلاَّ سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ الْواسِعِ فَاِنَّكَ قُلْتَ وَاسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَمِنْ فَضْلِكَ اَسْئَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ اَسْئَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلْا اَسْئَلُ.

دويّم از حضرت امام محمّد باقر عليه السلام مروى است كه به زيد شحّام فرمود كه بگو به جهت طلب روزى در سجده نماز فريضه:

يا خَيْرَ الْمَسْئُولينَ وَ يا خَيْرَ الْمُعْطينَ اُرْزُقْنى وَارْزُقْ عِيالى مِنْ فَضْلِكَ فَاِنَّكَ ذُوالْفَضْلِ الْعَظيمِ.

سیّم از ابو بصیر منقول است که شکایت کردم بسوی حضرت صادق علیه السلام از حاجت خود و خواستم از آن حضرت که مرا تعلیم فرماید دعائی به جهت رزق پس حضرت این دعا را تعلیم من فرمود که از زمانی که من خواندم آن را دیگر محتاج نشدم فرمود بگو در نماز شب در حال سجده:

یا خَیْرَ مَدْعُوٍّ وَ یا خَیْرَ مَسْئُولٍ وَ یا اَوْسَعَ مَنْ اَعْطی وَ یا خَیْرَ مُرْتَجیً اُرْزُقْنی وَ اَوسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ سَبِّبْ لی رِزْقاً مِنْ قِبَلِكَ اِنَّكَ عَلی کُلِ شَیْئٍ قَدیرٌ.

مؤلّف گوید که شیخ طوسی این دعا را در سجده آخر رکعت هشتم نافله شب در مصباح ذکر فرموده

چهارم روایت شده که حضرت رسول صلی الله علیه وآله این دعا را برای طلب روزی تعلیم فرمود:

یا رازِقَ الْمُقِلّینَ وَ یا راحِمَ الْمَساکینَ وَ یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ وَ یا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتینَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَارْزُقْنی وَ عافِنی وَ اکْفِنی ما اَهَمَّنی.

پنجم ابوبصیر این دعا را به جهت طلب روزی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده و آن حضرت فرموده که این دعای علیّ بن الحسین علیهما السلام است که خدا را به آن می‌خوانده:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ حُسْنَ الْمَعیشَةِ مَعیشَةً اَتَقَوّی بِها عَلی جَمیعِ حَوآئِجی وَ اَتَوَصَّلُ بِها فِی الْحَیوةِ اِلی آخِرَتی مِنْ غَیْرِ اَنْ تُتْرِفَنی فیها فَاَطْغی اَوْ تُقَتِّرَ بِها عَلَیَّ فَاَشْقی اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ وَ اَفْضِلْ عَلَیَّ مِنْ سَیْبِ فَضْلِكَ نِعْمَةً مِنْكَ سابِغَةً وَ عَطآءً غَیْرَ مَمْنُونٍ ثُمَّ لاتَشْغَلْنی عَنْ

شُـكْرِ نِعْمَتِـكَ بِاِكْثـارٍ مِنْهـا تُلْهيـنى بَهْجَتُـهُ وَ تَفْتِنُـنى زَهَـراتُ زَهْوَتِـهِ وَلا بِاِقْـلالٍ عَـلَىَّ مِنْهـا يَقْصُرُ بِعَمَـلى كَـدُّهُ وَ يَمْـلَأُ صَـدْرى هَمُّـهُ اَعْطِـنى مِـنْ ذلِكَ يا اِلهـى غِـنىً عَـنْ شِرارِ خَلْقِـكَ وَ بَلاغـاً اَنالُ بِـهِ رِضْـوانَكَ وَ اَعُـوذُ بِـكَ يا اِلهـى مِـنْ شَرِّ الدُّنْيـا وَ شَرِّ مـا فيهـا وَ لاتَجْعَـلْ عَـلَىَّ الدُّنْيـا سِجْنـاً وَلافِراقَهـا عَـلَىَّ حُـزْناً اَخْـرِجْنى مِـنْ فِتْنَتِهـا مَرْضِـيّاً عَـنّى مَقْبُـولاً فيهـا عَمَـلى اِلى دارِ الْحَيَـوانِ وَ مَسـاكِنِ الْأَخْيـارِ وَ اَبْـدِلْنى بِالدُّنْيـا الْفانِيَـةِ نَعيـمَ الدّارِ الْباقِيَـةِ اَللّهُـمَّ اِنّى اَعُـوذُ بِـكَ مِـنْ اَزْلِهـا وَ زِلْزالِهـا وَ مِـنْ سَـطَواتِ شَـياطينِها وَ سَـلاطينِها وَ نَكالِهـا وَ مِنْ بَغْيِ مَـنْ بَغى عَـلَىَّ فيها اَللّهُـمَّ مَـنْ كادَنى فَكِـدْهُ وَ مَـنْ اَرادَنى فَـاَرِدْهُ وَ فُـلَّ عَـنّى حَـدَّ مَـنْ نَصَـبَ لى حَـدَّهُ وَاَطْـفِ ءْ عَـنّى نارَ مَـنْ شَـبَّ لى وَ قُـودَهُ وَاكْفِـنى مَكْـرَ الْمَكَـرَةِ وَ افْقَـاْعَنّى عُيُـونَ الْكَفَـرَةِ وَاكْفِـنى هَمَّ مَـنْ اَدْخَـلَ عَـلَىَّ هَمَّـهُ وَادْفَـعْ عَـنّى شَرَّ الْحَسَـدَةِ وَاعْصِـمْنى مِـنْ ذلِكَ بِالسَّـكينَةِ وَاَلْبِسْـنى دِرْعَـكَ الْحَصـينَةَ وَاَحْيِـنى فى سِـتْرِكَ الْـواقى وَ اَصْلِحْ لى حـالى وَ صَـدِّقْ قَـوْلى بِفِعالى وَ بارِكْ لى فى اَهْلى وَ مالى.

مؤلّف گويد: كه در باب دويّم در ذكر نمازها گذشت نمازهائى به جهت زياد شدن روزى.

فصل ششم در ذكر دو دعا به جهت دين

اوّل از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه فرمود بگو:

اَللّهُـمَّ لَحْظَـةً مِـنْ لَحَظاتِـكَ تُيَسِّرُ عَـلى غُرَمـآئى بِهَـا الْقَضـآءَ وَ تُيَسِّرُ لى بِهَا الْأَقْتِضآءَ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ.

دویّم این دعا است که از حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام روایت شده:

اَللّٰهُمَّ ارْدُدْ اِلی جَمیعِ خَلْقِكَ مَظالِمَهُمُ الَّتی قِبَلی صَغیرَها وَ کَبیرَها فی یُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِیَةٍ وَ مالَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتی وَ لَمْ تَسَعْهُ ذاتُ یَدی وَ لَمْ یَقْوَ عَلَیْهِ بَدَنی وَ یَقینی وَ نَفْسی فَاَدِّهِ عَنّی مِنْ جَزیلِ ما عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ ثُمَّ لاتُخَلِّفْ عَلَیَّ مِنْهُ شَیْئاً تَقْضیهِ مِنْ حَسَناتی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّ الدّینَ کَما شَرَعَ وَ اَنَّ الْاِسْلامَ کَما وَصَفَ وَ اَنَّ الْکِتابَ کَما اَنْزَلَ وَ اَنَّ الْقَوْلَ کَما حَدَّثَ وَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبینُ ذَکَرَ اللّٰهُ مُحَمَّداً وَ اَهْلَ بَیْتِهِ بِخَیْرٍ وَ حَیَّا مُحَمَّداً وَ اَهْلَ بَیْتِهِ بِالسَّلامِ.

فصل هفتم در ذکر بعض دعاهای وارده برای دفع اندوه و غم و خوف و غیره

و مشتمل است بر دوازده دعا اوّل روایت شده از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام که چون نازل شد به تو امری که از آن ترسانی رو کن به سوی قبله و دو رکعت نماز گذار پس بگو:

یا اَبْصَرَ النّاظِرینَ وَ یا اَسْمَعَ السّامِعینَ وَ یا اَسْرَعَ الْحاسِبینَ وَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

بگو این کلمات را هفتاد مرتبه و در هر مرتبه که گفتی حاجت خود را با آن ذکر کن

دویّم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله مرویست که فرمود هر که را برسد همّی یا غمیّ یا اندوهی یا بلائی یا شدّتی پس بگوید:

اَللّٰهُ رَبّی لا اُشْرِكُ بِهِ شَیْئاً تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لایَمُوتُ.

سیّم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون برادران یوسف حضرت یوسف را در چاه افکندند جبرئیل علیه السلام آمد نزد او و گفت چه می‌کنی در اینجا ای پسر، جناب یوسف علیه السلام گفت برادرانم مرا افکندند در این چاه گفت دوست داری که بیرون آیی از آن گفت این بسته به مشیّت خداوند عَزّوجلّ است اگر خواست بیرون خواهد آورد مرا جبرئیل گفت که حق تعالی می‌فرماید بخوان مرا به این دعا تا تو را از چاه بیرون آورم گفت کدامست آن دعا گفت بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لا اِلٰهَ اِلاّٰ اَنْتَ الْمَنّٰانُ بَدیعُ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ ذُوالْجَلالِ وَالْاِکْرامِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَجْعَلَ لی مِمّٰا اَنَا فیهِ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً

پس کاروان آمد و او را بیرون آورد همچنانکه حق تعالی قصه او را در قرآن مجید ذکر فرموده چهارم از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرگاه ترسیدی از امری پس بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لایَکْفی مِنْكَ اَحَدٌ وَ اَنْتَ تَکْفی مِنْ کُلِّ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَاکْفِنی کَذا وَ کَذا

و در حدیث دیگر فرمود می‌گوئی:

یا کافِیاً مِنْ کُلِّ شَیْءٍ وَلایَکْفی مِنْكَ شَیْءٌ فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ اِکْفِنی ما اَهَمَّنی مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْأٰخِرَةِ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

و فرمود حضرت صادق علیه السلام که هر کسی که داخل شود بر سلطانی که از او بترسد پس بگوید:

بِاللَّهِ اَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ اَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللَّهُمَ ذَلِّلْ لی صُعُوبَتَهُ وَ سَهِّلْ لی حُزُونَتَهُ فَاِنَّكَ تَمْحُو ما تَشاۤءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ اُمُ الْكِتابِ

و بگوید نیز:

حَسْبِیَ اللَّهُ لا اِلَهَ اِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَ اَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ اَمْتَنِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ.

پنجم روایت شده که این دعای حضرت باقر علیه السلام است در امری که حادث شود

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْلی وَارْحَمْنی وَزَكِّ عَمَلی وَ يَسِّرْ مُنْقَلَبی وَاهْدِ قَلْبی وَ آمِنْ خَوْفی وَ عافِنی فی عُمْری كُلِّهِ وَ ثَبِّتْ حُجَّتی وَ اغْفِرْ خَطاياىَ وَ بَيِّضْ وَجْهی وَاعْصِمْنی فی دينی وَ سَهِّلْ مَطْلَبی وَ وَسِّعْ عَلَیَّ فی رِزْقی فَاِنّی ضَعيفٌ وَ تَجاوَزْ عَنْ سَيِّئِ ما عِنْدی بِحُسْنِ ما عِنْدَكَ وَلاتَفْجَعْنی بِنَفْسی وَلاتَفْجَعْ لی حَميماً وَهَبْ لی يا اِلهی لَحْظَةً مِنْ لَحَظاتِكَ تَكْشِفُ بِها عَنّی جَميعَ مابِهِ ابْتَلَيْتَنی وَ تَرُدُّبِها عَلَیَّ ما هُوَ اَحْسَنُ عادَتِكَ عِنْدی فَقَدْ ضَعُفَتْ قُوَّتی وَ قَلَّتْ حيلَتی وَانْقَطَعَ مِنْ خَلْقِكَ رَجآئی وَ لَمْ يَبْقَ اِلاَّ رَجآؤُكَ وَ تَوَكُّلی عَلَيْكَ وَ قُدْرَتُكَ عَلَیَّ يا رَبِّ اَنْ تَرْحَمَنی وَ تُعافِيَنی كَقُدْرَتِكَ عَلَیَّ اَنْ تُعَذِّبَنی وَ تَبْتَلِيَنی اِلهی ذِكْرُ

عَوآيِـدِكَ يُؤْنِسُـنى وَ الرَّجـآءُ لِأِنْعامِـكَ يُقَـوِّينى وَ لَـمْ اَخْـلُ مِـنْ نِعَمِـكَ مُنْـذُ خَلَقْتَــنى فَاَنْــتَ رَبّى وَ سَــيِّدى وَ مَفْزَعــى وَ مَلْجَــاى وَ الْحــافِظُ لى وَالذّآبُ عَـنّى وَالـرَّحيمُ بى وَ الْمُتَكَفِّـلُ بِـرِزْقى وَ فى قَضـآئِكَ وَ قُـدْرَتِكَ كُلُّ مـا اَنَا فيـهِ فَلْــيَكُنْ يا سَــيِّدى وَ مَــوْلاىَ فــيما قَضَــيْتَ وَ قَــدَّرْتَ وَ حَتَمْــتَ تَعْجيــلُ خَـلاصى مِمَّـا اَنَا فيـهِ جَميعِـهِ وَالْعافِيَـةُ لى فَـاِنّى لا اَجِـدُ لِدَفْعِ ذلِكَ اَحَـداً غَـيْرَكَ وَلا اَعْتَمِـدُ فيـهِ اِلاَّ عَلَيْـكَ فَكُـنْ ياذَا الْجَـلالِ وَالْاِكْـرامِ عِنْـدَ اَحْسَـنِ ظَـنّى بِـكَ وَ رَجـآئى لَكَ وَارْحَـمْ تَضَرُّعى وَاسْـتِكانَتى وَ ضَـعْفَ رُكْـنى وَ امْـنُنْ بِـذلِكَ عَـلَيَّ وَ عَلى كُلِ داعٍ دَعاكَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمينَ وَ صَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که فرمود حضرت علیّ بن الحسین علیهما السلام می‌فرمود باکی ندارم هرگاه بگویم این کلمات را اگر جمع شوند برای ضرر من جن و انس

بِسْــمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِــنَ اللّهِ وَ اِلَى اللّهِ وَ فى سَــبيلِ اللّهِ وَ عَــلى مِـلَّةِ رَسُـولِ اللّهِ صَـلَّى اللّهُ عَلَيْـهِ وَ آلِهِ اَللّهُـمَّ اِلَيْـكَ اَسْـلَمْتُ نَفْسى وَ اِلَيْـكَ وَجَّهْـتُ وَجْهـى وَ اِلَيْـكَ اَلْجَـاْتُ ظَهْـرى وَ اِلَيْـكَ فَوَّضْـتُ اَمْـرى اَللّهُـمَّ احْفَظْـنى بِحِفْـظِ الْأيمـانِ مِـنْ بَيْنِ يَـدَىَّ وَ مِـنْ خَلْفى وَ عَـنْ يَمينـى وَ عَـنْ شِـمالى وَ مِـنْ فَـوْقى وَ مِـنْ تَحْـتى وَ مـا قِـبَلى وَادْفَـعْ عَـنّى بِحَـوْلِكَ وَ قُوَّتِـكَ فَاِنَّـهُ لا حَـوْلَ وَلاقُـوَّةَ اِلاَّ بِكَ.

هفتم برای دفع کربت و خوف از سلطان وارد شده بخوانند دعاء اهلبیت علیهم السلام را:

یا کائِناً قَبْلَ کُلِّشَیْءٍ وَ یا مُکَوِّنَ کُلِّشَیْءٍ وَ یا باقِیاًبَعْدَ کُلِّشَیْءٍ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا

بجای کذا و کذا حاجت خود را بخواه

هشتم از حضرت امام محمّد تقی علیه السلام مروی است که برای فرج و گشایش امر مواظبت کن بخواندن

یا مَنْ یَکْفی مِنْ کُلِّشَیْءٍ وَلایَکْفی مِنْهُ شَیْءٌ اِکْفِنی ما اَهَمَّنی.

نهم از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقولست که می‌فرمود به فرزند خود ای پسرك من هرگاه برسد مصیبتی به یکی از شماها یا نازل شود به او نازله ای وضوی کامل بگیرد و دو رکعت نماز گذارد یا چهار رکعت و بگوید در آخر آن:

یا مَوْضِعَ کُلِّ شَکْوی وَ یا سامِعَ کُلِّ نَجْوی وَ یا شاهِدَ کُلِّ مَلَأٍ وَ یا عالِمَ کُلِ خَفِیَّةٍ وَ یا دافِعَ ما یَشآءُ مِنْ بَلِیَّةٍ یا خَلیلَ اِبْراهیمَ وَ یا نَجِیَّ مُوسی وَ یا مُصْطَفیَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اَدْعُوكَ دُعآءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَ قَلَّتْ حیلَتُهُ وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ دُعآءَ الْغَریبِ الْغَریقِ الْمُضْطَرِّ الَّذی لایَجِدُ لِکَشْفِ ما هُوَ فیهِ اِلاَّ اَنْتَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.

پس بدرستی که نمی خواند این دعا را احدی مگر آنکه برطرف می‌کند حق تعالی از او نازله را ان شاء الله تعالی.

دهم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که برای رَفع همّ و غمّ غسل می‌کنی و دو رکعت نماز می‌گذاری و می‌گوئی:

یا فارِجَ الْهَمِّ وَ یا کاشِفَ الْغَمِّ یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالْأَخِرَةِ وَ رَحیمَهُما فَرِّجْ هَمّی وَاکْشِفْ غَمّی یا اَللّهُ الْواحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ اِعْصِمْنی وَ طَهِّرْنی وَ اذْهَبْ بِبَلِیَّتی.

و بخوان آیة الکرسی و معوذتین را یازدهم روایت شده که برای رفع همّ می‌گوئی در سجده صد مرتبه:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ یا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغیثُ فَاکْفِنی ما اَهَمَّنی وَلا تَکِلْنی اِلی نَفْسی.

دوازدهم از حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام منقول است که به سماعه فرمود که اي سماعه هر وقت که از برای تو حاجتی باشد نزد حق تعالی پس بگو:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ فَاِنَّ لَهُما عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ وَ قَدْراً مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِ ذلِكَ الشَّأْنِ وَ بِحَقِّ ذلِكَ الْقَدْرِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلْ بی کَذا وَ کَذا

پس بدرستی که چون روز قیامت شود نماند ملك مقرّبی و نه پیغمبر مرسلی و نه مؤمن ممتحنی مگر آنکه او محتاج است بسوی محمّد و علی صلواتُ اللَّهِ عَلیهما وآلِهِما در آن روز.

فقیر گوید: که ابن ابی الحدید نقل کرده از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمود وقتی سؤال کردم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله که دعا کند برای من به مغفرت فرمود دعا خواهم کرد پس برخاست و نماز گذاشت و دست به دعا برداشت گوش دادم به دعای آن حضرت شنیدم می‌گوید اَللّهُمَّ بِحَقِّ عَلِیٍّ عِنْدَكَ اِغْفِرْ لِعَلِیٍّ یعنی خدایا به حقّ علیّ نزد تو بیامرز علیّ را من گفتم یا رسول اللّه این

چه دعائی بود که کردی فرمود آیا کسی گرامی تر از او هست نزد خدا که من او را شفیع خود کنم نزد او.

مؤلف گوید: که ما در باب اوّل در ذکر ادعیه سجده شکر ذکر کردیم بعض دعاهائی که مناسبت با این فصل داشت.

فصل هشتم در ذکر چند دعائی برای علّتها و مرضها

اوّل از حضرت صادق علیه السلام منقول است که می‌گوئی از برای دردها:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ فى عِرْقٍ ساكِنٍ وَ غَيْرِ ساكِنٍ عَلى عَبْدٍ شاكِرٍ وَ غَيْرِ شاكِرٍ

و می‌گیری ریش خود را بدست راست خود بعد از نماز فریضه و می‌گوئی سه مرتبه:

اَللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنّى كُرْبَتى وَ عَجِّلْ عافِيَتى وَاكْشِفْ ضُرّى

و حریص باش که این عمل با اشك و گریه باشد

دوّم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که بگذار دست بر موضع درد و بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لاحَوْلَ وَ لاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ اَللَّهُمَّ امْسَحْ عَنّى ما اَجِدُ

و مسح می‌کنی بدست راست موضع درد را سه مرتبه.

سیّم از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام مرویست که امیر المؤمنین علیه السلام مریض شد رسول خدا صلی الله علیه وآله به دیدن او رفت و فرمود به او که بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ تَعْجیلَ عافِیَتِكَ وَصَبْراً عَلی بَلِیَّتِكَ وَ خُرُوجاً اِلی رَحْمَتِكَ.

چهارم از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود می‌گذاری دست خود را بر موضع درد و می‌گوئی سه مرتبه:

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ الَّذی نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمینُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فی اُمِّ الْكِتابِ عَلِیٌّ حَكیمٌ اَنْ تَشْفِیَنی بِشِفائِكَ وَ تُداوِیَنی بِدَوائِكَ وَتُعافِیَنی مِنْ بَلائِكَ

و صلوات می‌فرستی بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام

پنجم از ابوحمزه روایتست که مرا عارض شد دردی در زانویم پس شکایت کردم آن را به حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود هرگاه نماز گذاردی پس بگو:

یا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطی وَ یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَ یا اَرْحَمَ مِنْ اسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفی وَ قِلَّةَ حیلَتی وَاَعْفِنی مِنْ وَجَعی

گفت خواندم آن را و عافیت یافتم

مؤلّف گوید: که ما در اوّل باب سیّم دعاهائی برای عِلل و اسْقام ذکرنمودیم.

فصل نهم در بعض احراز و عوذات است

و آنچه ذکر می‌شود در اینجا پنج چیز است

اوّل روایت شده که شخصی خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت از وحشت کرد حضرت فرمود آیا خبر ندهم شما را به چیزی که اگر بگوئید آن را وحشت نخواهید کرد در شب و نه در روز:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ اِنَّهُ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللَّهَ بالِغُ اَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْءٍ قَدْراً اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنی فی کَنَفِکَ وَ فی جِوارِکَ وَاجْعَلْنی فی اَمانِکَ وَ فی مَنْعِکَ

روایت شده که مردی سی سال این را می‌خواند شبی آن را ترک کرد عقرب او را در آن شب گزید

دویّم روایت شده کسی که شب به روز آورد در خانه یا اطاقی تنها بخواند آیةالکرسی را و بگوید:

اَللّٰهُمَّ انِسْ وَحْشَتی وَ آمِنْ رَوْعَتی وَ اَعِنّی عَلی وَحْدَتی.

سیّم روایتست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله تعویذ فرمود حسن و حسین علیهما السلام را به این کلمات:

اُعیذُ کُما بِکَلِماتِ اللَّهِ التامَّةِ وَاَسْمآئِهِ الْحُسْنی کُلِّها عامَّةً مِنْ شَرِّ السَّآمَّةِ وَالْهامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ عَیْنٍ لامَّةٍ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ اِذا حَسَدَ

پس فرمود همچنین تعویذ می‌کرد حضرت ابراهیم علیه السلام، اسماعیل و اسحاق را

چهارم روایت شده که در بعضی غزوات اصحاب حضرت رسول صلی الله علیه وآله خدمت آن حضرت شکایت کردند از اذیّت کیکها فرمود در وقتی که به خوابگاه خود روند بگویند:

اَیُّهَا الْأَسْوَدُ الْوَثّابُ الَّذی لایُبالی غَلَقاً وَلاباباً عَزَمْتُ عَلَیْکَ بِاُمِ الْکِتابِ اَنْ لاتُؤْذِیَنی وَ اَصْحابی اِلی اَنْ یَذْهَبَ اللَّیْلُ وَ یَجِیءَ الصُّبْحُ بِما جآءَ.

پنجم روايت شده از حضرت اميرالمؤمنين ٧ كه فرمود چون ديدى سَبُعْ را يعنى جانور درنده را مانند شير و پلنگ و گرگ و امثال آنها بگو:

اَعُوذُ بِرَبِّ دانِيالَ وَالْجُبِّ مِنْ كُلِّ اَسَدٍ مُسْتَأْسَدٍ.

و از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه چون جانورى درنده ديدى بخوان در صورت او آية الكرسى و بگو مَرْ او را:

عَزَمْتُ عَلَيْكَ بِعَزِيمَةِ اللّهِ وَعَزِيمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَزِيمَةِ سُلَيْمانَ بْنِ داوُدَ وَ عَزِيمَةِ اَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلِيّ بْنِ اَبى طالِبٍ عَلَيْه السَّلام وَالْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ مِنْ بَعْدِهِ

پس بدرستى كه منصرف خواهد شد از تو ان شاء الله تعالى.

ششم روايت شده كه حضرت رسول صلى الله عليه وآله به اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود يا على هرگاه واقع شدى در ورطه اى يا بليّه اى بگو:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ وَلا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللّهِ الْعَلِّيِ الْعَظيمِ

پس بدرستى كه خداوند عزّوجل برطرف مى‌كند از تو آنچه بخواهد از انواع بَلا.

فصل دهم در ذكر چند دعاى موجز است

كه براى حوائج دنيا و آخرت نافع است و آنچه در اينجا ذكر مى‌شود سى دعا است

اوّل

از حضرت صادق عليه السلام مرويست كه بگو:

اَللَّهُمَّ اجْعَلْنی اَخْشاكَ كَاَنّی اَراكَ وَ اَسْعِدْنی بِتَقْویكَ وَلاتُشْقِنی بِنَشْطی لِمَعاصیكَ وَ خِرْلی فی قَضآئِكَ وَ بارِكْ لی فی قَدَرِكَ حَتّی لا اُحِبَّ تَأْخیرَما عَجَّلْتَ وَلاتَعْجیلَ ما اَخَّرْتَ وَاجْعَلْ غِنایَ فی نَفْسی ـ وَ مَتِّعْنی بِسَمْعی وَ بَصَری ـ وَ اجْعَلْهُمَا الْوارِثَیْنِ مِنّی وَانْصُرْنی عَلی مَنْ ظَلَمَنی وَاَرِنی فیهِ قُدْرَتَكَ یا رَبِّ وَ اَقِرَّ بِذلِكَ عَیْنی.

دویّم

و نیز از آن حضرت منقول است که بگو:

اَللَّهُمَّ اَعِنّی عَلی هَوْلِ یَوْمِ الْقِیمَةِ وَاَخْرِجْنی مِنَ الدُّنْیا سالِماً وَ زَوِّجْنی مِنَ الْحُورِ الْعینِ وَاكْفِنی مَؤُنَتی وَ مَؤْنَةَ عِیالی وَ مَؤُنَةَ النَّاسِ وَاَدْخِلْنی بِرَحْمَتِكَ فی عِبادِكَ الصَّالِحینَ.

سیّم

این دعاء شریفست که نگاه می‌دارد از گناهان و جامع دنیا و آخرتست:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ یا مَنْ اَظْهَرَ الْجَمیلَ وَ سَتَرَ الْقَبیحَ وَ لَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ عَنّی یا كَریمَ الْعَفْوِ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ وَ یا باسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یا صاحِبَ كُلِّ نَجْوی وَ یا مُنْتَهی كُلِّ شَكْوی یا كَریمَ الصَّفْحِ یا عَظیمَ الْمَنِّ یا مُبْتَدِءَ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها یا رَبَّاهُ یا سَیِّداهُ یا مَوْلَیاهُ یا غایَتاهُ یا غِیاثاهُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَسْئَلُكَ اَنْ لاتَجْعَلنی فِی النَّارِ

آنگاه می‌طلبی از حق تعالی هر چه بخواهی

چهارم

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که این دعا را خواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتی فی کُلِّ کُرْبَةٍ وَ اَنْتَ رَجآئی فی کُلِّ شِدَّةٍ وَ اَنْتَ لی فی کُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بی ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ کَمْ مِنْ کَرْبٍ یَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَ تَقِلُّ فیهِ الْحیلَةُ وَ یَخْذُلُ عَنْهُ الْقَریبُ وَ الْبَعیدُ وَ یَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تُعْیینی فیهِ الْأُمُورُ اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ اِلَیْكَ راغِباً فیهِ عَمَّنْ سِواكَ فَفَرَّجْتَهُ وَ كَشَفْتَهُ وَ كَفَیْتَنیهِ فَأَنْتَ وَلِیُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ وَ مُنْتَهی كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثیراً وَ لَكَ الْمَنُّ فاضِلاً.

مؤلّف گوید: که این دعا همان دعای حضرت رسول صلی الله علیه وآله است در یوم بدر واحزاب و نیز دعای حضرت سیّد الشهداء علیه السلام است که در روز عاشوراء در کربلا خواند و غیر از این نیز دو دعای دیگر از آن حضرت مروی است که در آن روز خواندند که یکی این دعاء است که تعلیم حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود در آن وقتی که او را به سینه خود چسبانید و خونها در بدن مبارکش می‌جوشید برای حاجت و مهمّ و اندوه و بلاهای سخت و امر عظیم و دشوار:

بِحَقِّ یس وَالْقُرْآنِ الْحَكیمِ وَ بِحَقِّ طه وَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ یا مَنْ یَقْدِرُ عَلی حَوآئِجِ السَّآئِلینَ یا مَنْ یَعْلَمُ ما فِی الضَّمیرِ یا مُنَفِّساً عَنِ الْمَكْرُوبینَ یا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَغْمُومینَ یا راحِمَ الشَّیْخِ الْكَبیرِ یا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغیرِ یا مَنْ لایَحْتاجُ اِلَی التَّفْسیرِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بی كَذا و كَذا

و حاجت خود را بخواه پنجم از حضرت صادق علیه السلام منقول است که دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:

رَبِّ لاتَكِلْنى اِلى نَفْسى طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً لا اَقَلَ مِنْ ذلِكَ وَلا اَكْثَرَ.

ششم

و نیز از آن حضرت مرویست که این کلمات را می‌گفت:

اِرْحَمْنى مِمَّا لاطاقَةَ لى بِهِ وَلاصَبْرَ لى عَلَيْهِ.

هفتم

از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بگو:

اَللّهُمَّ اِنّى اسْئَلُكَ بِجَلالِكَ وَ جَمالِكَ وَ كَرَمِكَ اَنْ تَفْعَلَ بى كَذا وَ كَذا.

هشتم

از فضل بن یونس منقول است که حضرت امام موسی علیه السلام به من فرمود که بسیار بگو:

اَللّهُمَّ لاتَجْعَلْنى مِنْ الْمُعارينَ وَلاتُخْرِجْنى مِنَ التَّقْصيرِ.

یعنی خدایا قرار مده مرا از کسانی که ایمانشان عاریه و غیر ثابت است یا آنکه قرار مده مرا از کسانی که آنها را به خودشان واگذاشته مانند ستوری که مهارش را به گردنش افکنند و او را رها کنند به چرا که هر کاری که خواهد بکند و هر کجا خواهد برود و بیرون مکن مرا از تقصیر یعنی چنان مکن که من خود را مقصّر ندانم بلکه چنان باشم که همیشه خود را مقصّر درگاه تو بدانم

نهم

از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام مرویست که حقّ تعالی آمرزید مردی از اهل بادیه را به سبب این دو کلمه که دعا کرد به آن:

اَللّٰهُمَّ اِنْ تُعَذِّبْنی فَاَهْلٌ لِذٰلِکَ اَنَا وَ اِنْ تَغْفِرْلی فَاَهْلٌ لِذٰلِکَ اَنْتَ.

دهم

از داود رقّی مرویست که گفت می‌شنیدم از حضرت صادق علیه السلام که بیشتر چیزی که الحاح می‌کرد به آن در دعا می‌خواند خدا را به حقّ پنج تن یعنی رسول خدا و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات اللّٰه علیهم

یازدهم

از یزید صایغ روایت است که گفتم به حضرت صادق علیه السلام که بخوان خدا را برای ما حضرت این دعا را نمود برای ما:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدیثِ وَ اَدآءَ الْأَمانَةِ وَالْمُحافَظَةَ عَلَی الصَّلَواتِ اَللّٰهُمَّ اِنَّهُمْ اَحَقُّ خَلْقِکَ اَنْ تَفْعَلَهُ بِهِمْ اَللّٰهُمَّ افْعَلْهُ بِهِمْ.

دوازدهم

بخواند این دعا را که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌خواند

اَللّٰهُمَّ مُنَّ عَلَیَّ بِالتَّوَکُّلِ عَلَیْکَ وَالتَّفْویضِ اِلَیْکَ وَالرِّضا بِقَدَرِکَ وَ التَّسْلیمِ لِأَمْرِکَ حَتّی لا اُحِبَّ تَعْجیلَ ما اَخَّرْتَ وَ لاتَأْخیرَ ما عَجَّلْتَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.

سیزدهم

روایت شده که جبرئیل خدمت حضرت رسول صلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد که پروردگارت می‌فرماید هرگاه خواستی مرا عبادت کنی روز و شبی حقّ عبادت مرا دستهای خود را بلند کن بسوی من و بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً خالِداً مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا مُنْتَهى لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لا اَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً لاجَزآءَ لِقآئِلِهِ اِلاّ رِضاكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْمَنُّ كُلُّهُ وَ لَكَ الْفَخْرُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْبَهآءُ كُلُّهُ وَلَكَ النُّورُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْعِزَّةُ كُلُّها وَ لَكَ الجَبَرُوتُ كُلُّها وَ لَكَ الْعَظَمَةُ كُلُّها وَ لَكَ الدُّنْيا كُلُّها وَ لَكَ الْأخِرَةُ كُلُّها و لَكَ اللَّيْلُ وَالنَّهارُ كُلُّهُ وَ لَكَ الْخَلْقُ كُلُّهُ وَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلانِيَتُهُ وَ سِرُّهُ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً اَبَداً اَنْتَ حَسَنُ الْبَلآءِ جَليلُ الثَّناءِ سابِغُ النَّعْمآءِ عَدْلُ الْقَضآءِ جَزيلُ الْعَطآءِ حَسَنُ الْأٰلاءِ اِلٰهٌ فِى الْأَرْضِ وَ اِلٰهٌ فِى السَّمآءِ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِى السَّبْعِ الشِّدادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِى الْأَرْضِ الْمِهادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ طاقَةَ الْعِبادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ سَعَةَ الْبِلادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِى الْجِبالِ الْأَوْتادِ وَ لَكَ الْحَمْدُ فِى اللَّيْلِ اِذا يَغْشى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِى النَّهارِ اِذا تَجَلّى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِى الْأخِرَةِ وَ الْأُولى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِى الْمَثانى وَالْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَ سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ وَالْأَرْضُ جَميعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيمَةِ وَالسَّمواتُ مَطْوِيّاتٌ بِيَمينِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمّا يُشْرِكُونَ سُبْحانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ كُلُّ شَيْءٍ هالِكٌ اِلاّ وَجْهَهُ سُبْحانَكَ رَبَّنا وَ تَعالَيْتَ وَ تبارَكْتَ وَ تَقَدَّسْتَ خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ وَ قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ وَ عَلَوْتَ

فَـوْقَ کُلِّ شَـيْئٍ بِارْتِفاعِـكَ وَ غَلَبْـتَ کُلَّشَـيْئٍ بِقُوَّتِـكَ وَ ابْتَـدَعْتَ کُلَّشَـيْئٍ بِحِكْمَتِـكَ وَ عِلْمِـكَ وَ بَعَثْـتَ الرُّسُـلَ بِكُتُبِـكَ وَ هَـدَيْتَ الصَّـالِحِينَ بِإِذْنِـكَ وَ اَيَّـدْتَ الْمُـؤْمنينَ بِنَصْرِـكَ وَ قَهَـرْتَ الْخَلْـقَ بِسُـلْطانِكَ لا اِلَهَ اِلاَّ اَنْـتَ وَحْـدَكَ لا شَرِيـكَ لَكَ لا نَعْبُـدُ غَـيْرَكَ وَلانَسْـئَلُ اِلاَّ اِيَّاكَ وَلانَرْغَـبُ اِلاَّ اِلَيْـكَ اَنْـتَ مَوْضِعُ شَكْوانا وَ مُنْتَهى رَغْبَتِنا وَ اِلهُنا وَ مَليكُنا.

چهاردهم

روایت شده که مردی خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شکایت کرد از دیر شدن جواب دعایش فرمود چرا نمی خوانی دعای سریع الأجابه را پرسید که آن کدام دعا است فرمود بگو:

اَللّهُـمَّ اِنّی اَسْـئَلُكَ بِاسْمِـكَ الْعَظـيمِ الْأَعْظَـمِ الْأَجَـلِّ الْأَكْـرَمِ الْمَخْـزُونِ الْمَكْنُـونِ النُّـورِ الْحَقِّ الْبُرْهـانِ الْمُبـينَ الَّذی هُـوَ نُـورٌ مَعَ نُـورٍ وَ نُـورٌ مِـنْ نُـورٍ وَ نُـورٌ فی نُـورٍ وَ نُـورٌ عَـلی کُلِّ نُـورٍ وَ نُـورٌ فَـوْقَ کُلِّ نُـورٍ وَ نُـورٌ تُضـيئُ بِـهِ کُلُّ ظُلْمَـةٍ وَ يُكْسَرُـ بِـهِ کُلُّ شِـدَّةٍ وَ کُلُّ شَـيْطانٍ مَريـدٍ وَ کُلُّ جَبـارٍ عَنيـدٍ لا تَقِرُّبِـهِ اَرْضٌ وَلايَقُـومُ بِـهِ سَمـآءٌ وَ يَأْمَـنُ بِـهِ کُلُّ خـآئِفٍ وَ يَبْطُـلُ بِـهِ سِحْـرُ کُلِّ سـاحِرٍ وَ بَغْـیُ کُلِّ باغٍ وَ حَسَـدُ کُلِّ حاسِـدٍ وَ يَتَصَـدَّعُ لِعَظَمَتِـهِ الْـبَرُّ وَالْبَحْـرُ وَ يَسْـتَقِلُّ بِـهِ الْفُلْكُ حـينَ يَـتَكَلَّمُ بِـهِ الْمَـلَكُ فَـلا يَكُـونُ لِلْمَـوْجِ عَلَيْـهِ سَـبيلٌ وَ هُـوَ اسْمُـكَ الْأَعْظَـمُ الأَعْظَـمُ الأَجَـلُّ الْأَجَـلُّ النُّـورُ الْأَكْـبَرُ الَّذی سَمَّيْـتَ بِـهِ نَفْسَـكَ وَاسْـتَوَيْتَ بِـهِ عَـلی عَرْشِـكَ وَ اَتَوَجَّـهُ اِلَيْـكَ بِمُحَمَّـدٍ وَ اَهْـلِ بَيْتِـهِ وَاَسْـئَلُكَ بِـكَ وَ بِهِـمْ اَنْ تُصَـلِّیَ عَـلی مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ وَ اَنْ تَفْعَـلَ بی کَـذا وَ کَذا.

بجای کذا و کذا حاجت بخواهد

پانزدهم

از عمرو بن ابی المقدام مرویست که حضرت صادق علیه السلام اِمْلاء کرد بر من این دعا را و این دعا جامع دنیا و آخرت است می‌گویی بعد از حمد و ثنای خداوند عزّوجلّ:

اَللّهُمَّ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَلیمُ الْکَریمُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْواحِدُ الْقَهّارُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْمَلِکُ الْجَبّارُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الرَّحیمُ الْغَفّارُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الشَّدیدُ الْمِحالُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْکَبیرُ الْمُتَعالِ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ السَّمیعُ الْبَصیرُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْمَنیعُ الْقَدیرُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْغَفُورُ الشَّکُورُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَمیدُ الْمَجیدُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَنّانُ الْمَنّانُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْحَلیمُ الدَّیّانُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْجَوادُ الْماجِدُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْواحِدُ الْأَحَدُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الْغائِبُ الشّاهِدُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ الظّاهِرُ الْباطِنُ وَ اَنْتَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ بِکُلِّشَیْءٍ عَلیمٌ تَمَّ نُورُکَ فَهَدَیْتَ وَ بَسَطْتَ یَدَکَ فَاَعْطَیْتَ رَبَّنا وَجْهُکَ اَکْرَمُ الْوُجُوهِ وَجِهَتُکَ خَیْرُ الْجِهاتِ وَ عَطِیَّتُکَ اَفْضَلُ الْعَطایا وَ اَهْنَأُها تُطاعُ رَبَّنا فَتَشْکُرُ وَ تُعْصی رَبَّنا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ تُجیبُ الْمُضْطَرّینَ وَ تَکْشِفُ السُّوءَ وَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَ تَعْفُو عَنِ الذُّنُوبِ لا تُجازی اَیادیکَ

وَلاتُحْصى نِعَمُكَ وَلايَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قآئِلٍ اَللّهُمَّ صَلِ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رَوْحَهُمْ وَ راحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ وَاَذِقْنى طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَ اَهْلِكْ اَعْدآئَهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَ آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ وَاجْعَلْنا مِنَ الَّذينَ لاخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلاهُمْ يَحْزَنُونَ وَاجْعَلْنى مِنَ الَّذينَ صَبَرُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ وَ ثَبِّتْنى بِالْقَوْلِ الثّابِتِ فِى الْحَيوةِ الدُّنْيا وَ فِى الْآخِرَةِ وَ بارِكْ لى فِى الْمَحْيا وَ الْمَماتِ وَالْمَوْقِفِ وَالنُّشُورِ وَ الْحِسابِ وَالْميزانِ وَ اَهْوالِ يَوْمِ الْقِيمَةِ وَ سَلِّمْنى عَلَى الصِّراطِ وَ اَجِزْنى عَلَيْهِ وَارْزُقْنى عِلْماً نافِعاً وَ يَقيناً صادِقاً وَ تُقىً وَ بِرّاً وَ وَرَعاً وَ خَوْفاً مِنْكَ وَ فَرَقاً يُبَلِّغُنى مِنْكَ زُلْفى وَلايُباعِدُنى عَنْكَ وَاحْبِبْنى وَلاتُبْغِضْنى وَ تَوَلَّنى وَلاتَخْذُلْنى وَ اَعْطِنى مِنْ جَميعِ خَيْرِ الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مالَمْ اَعْلَمْ وَ اَجِرْنى مِنَ السُّوءِ كُلِّهِ بِحَذا فيرِهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مالَمْ اَعْلَمْ.

شانزدهم

از معاوية بن عمّار منقولست كه به حضرت صادق عليه السلام عرض كردم كه آيا تخصيص نمى دهى مرا به آموختن دعائى فرمود بلى بگو:

يا واحِدُ يا ماجِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ يا عَزيزُ يا كَريمُ يا حَنّانُ يا سامِعَ الدَّعَواتِ يا اَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يا خَيْرَ مَنْ اَعْطى يا اَللّهُ يا اَللّهُ يا اَللّهُ قُلْتَ وَ لَقَدْنا دانا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجيبُونَ

پس حضرت فرمود كه رسول خداصلى الله عليه وآله مى‌گفت:

نَعَمْ لَنِعْمَ الْمُجيبُ اَنْتَ وَ نِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَ نِعْمَ الْمَسْؤُلُ اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَبَرُوتِكَ وَ اَسْئَلُكَ بِمَلَكُوتِكَ وَ دِرْعِكَ الْحَصينَةِ وَ بِجَمْعِكَ وَ اَرْكانِكَ كُلِّها وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ بِحَقِّ الْأَوْصِيآءِ بَعْدَ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَفْعَلَ بی كَذا وَ كَذا.

هفدهم

روایت شده که شخصی معروف به ابو جعفر از اهل کوفه به حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که مرا دعائی بیاموز که بخوانم آن را حضرت فرمود بگو:

یا مَنْ اَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ يا مَنْ امَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عُسْرَةٍ وَ يا مَنْ يُعْطی بِالْقَليلِ الْكَثيرَ يا مَنْ اَعْطی مَنْ سَئَلَهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَةً يا مَنْ اَعْطی مَنْ لَمْ يَسْئَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْطِنی بِمَسْئَلَتی مِنْ جَميعِ خَيْرِ الدُّنْيا وَ جَميعِ خَيْرِ الْأخِرَةِ فَاِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَيْتَنی وَ زِدْنی مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ يا كَريمُ.

هیجدهم

روایت شده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام این دعا را تعلیم برادرش عبدالله بن علی فرمود

اَللّهُمَّ ارْفَعْ ظَنّی صاعِداً وَلاتُطْمِعْ فِيَّ عَدُوّاً وَ لاحاسِداً وَاْحْفَظْنی قآئِماً وَ قاعِداً وَ يَقْظانَ وَ راقِداً اَللّهُمَّ اغْفِرْلی وَارْحَمْنی وَاهْدِنی سَبيلَكَ الْأَقْوَمَ وَ قِنی حَرَّ جَهَنَّمَ وَاحْطُطْ عَنّی الْمَغْرَمَ وَ الْمَاْثَمَ وَاجْعَلْنی مِنْ خِيارِ الْعالَمِ.

نوزدهم

روایت شده که این دعاء الحاح است:

اَللَّهُمَّ رَبَّ السَّمواتِ السَّبْعِ وَ ما بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَ رَبَّ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ اِسْرافيلَ وَ رَبَّ الْقُرْآنِ الْعَظيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِيّينَ اِنّى اَسْئَلُكَ بِالَّذى تَقُومُ بِهِ السَّماءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْجَمْعِ وَ بِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ تَرْزُقُ الْأَحْياءَ وَ بِهِ اَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمالِ وَ وَزْنَ الْجِبالِ وَكَيْلَ الْبُحُورِ

پس صلوات می‌فرستی بر محمّد و آل محمّد و سؤال می‌کنی حاجت خود را و الحاح و اصرار می‌کنی در طلب حاجت خود

بیستم

از ثقه جلیل ابن ابی یعفور روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را می‌خواند:

اَللَّهُمَّ امْلَاءْ قَلْبى حُبّاً لَكَ وَ خَشْيَةً مِنْكَ وَ تَصْديقاً وَ ايماناً بِكَ وَ فَرَقاً مِنْكَ وَ شَوْقاً اِلَيْكَ ياذَاالْجَلالِ وَالْإِكْرامِ اَللَّهُمَّ حَبِّبْ اِلَىَ لِقآئَكَ وَاجْعَلْ لى فى لِقآئِكَ خَيْرَ الرَّحْمَةِ وَالْبَرَكَةِ وَ اَلْحِقْنى بِالصّالِحينَ وَلاتُؤَخِّرْنى مَعَ الْأَشْرارِ وَ اَلْحِقنى بِصالِحِ مَنْ مَضى- وَاجْعَلْنى مَعَ صالِحِ مَنْ بَقِىَ وَ خُذْبى سَبيلَ الصّالِحينَ وَ اَعِنّى عَلى نَفْسى- بِما تُعينُ بِهِ الصّالِحينَ عَلى اَنْفُسِهِمْ وَلاتَرُدَّنى فى سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنى مِنْهُ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَسْئَلُكَ ايماناً لا اَجَلَ لَهُ دُونَ لِقآئِكَ تُحْيينى وَ تُميتُنى عَلَيْهِ وَ تَبْعَثُنى عَلَيْهِ اِذا بَعَثْتَنى وَابْرِءْ قَلْبى مِنَ الرِّيآءِ وَالسُّمْعَةِ وَالشَّكِّ فى دينِكَ اَللَّهُمَّ اَعْطِنى نَصْراً فى دينِكَ وَ قُوَّةً فى

عِبادَتِـكَ وَ فَهْـماً فى خَلْقِـكَ وَ كِفْلَـيْنِ مِـنْ رَحْمَتِـكَ وَ بَـيِّضْ وَجْهـى بِنُـورِكَ وَاجْعَـلْ رَغْبَـتى فـيما عِنْـدَكَ وَ تَـوَفَّنى فى سَـبيلِكَ عَـلى مِلَّتِـكَ وَ مِـلَّةِ رَسُـولِكَ اَللّهُـمَّ اِنّى اَعُوذُبِـكَ مِـنَ الْكَسَـلِ وَ الْهَـرَمِ وَ الْجُـبْنِ وَالْبُخْـلِ وَ الْغَفْـلَةِ وَالْقَسْـوَةِ وَالْفَـتْرَةِ وَ الْمَسْـكَنَةِ وَ اَعُوذُبِـكَ يا رَبِّ مِـنْ نَفْـسٍ لا تَشْـبَعُ وَ مِـنْ قَلْـبٍ لا يَخْشَعُ وَ مِـنْ دُعـآءٍ لايُسْمَعُ وَ مِـنْ صَلوةٍ لاتَنْفَعُ وَ اُعيـذُ بِـكَ نَفْسى۔ وَ اَهْـلى وَ ذُرِّيَّـتى مِـنَ الشَّـيْطانِ الـرَّجيمِ اَللّهُـمَّ اِنَّـهُ لايُجيرُنى مِنْـكَ اَحَـدٌ وَلا اَجِـدُ مِـنْ دُونِـكَ مُلْتَحَـداً فَـلا تَخْـذُلْنى وَلاتَـرُدَّنى فى هَلَكَـةٍ وَلاتَـرُدَّنى بِعَـذابٍ اَسْـئَلُكَ الثَّبـاتَ عَـلى دينِـكَ وَالتَّصْـديقَ بِكِتابِـكَ وَ اتِّبـاعَ رَسُـولِكَ اَللّهُـمَّ اذْكُـرْنى بِرَحْمَتِـكَ وَلاتَـذْكُرْنى بِخَطيئَـتى وَ تَقَبَّـلْ مِـنّى وَ زِدْنى مِـنْ فَضْـلِكَ اِنّى اِلَيْـكَ راغِـبٌ اَللّهُـمَ اجْعَـلْ ثَـوابَ مَنْطِقـى وَ ثَـوابَ مَجْلِسى۔ رِضـاكَ عَـنّى وَاجْعَـلْ عَمَـلى وَ دُعـآئى خالِصـاً لَكَ وَاجْعَـلْ ثَـوابِىَ الْجَنَّـةَ بِرَحْمَتِـكَ وَاجْمَعْ لى جَميعَ مـا سَـئَلْتُكَ وَ زِدْنى مِـنْ فَضْـلِكَ اِنّى اِلَيْـكَ راغِـبٌ اَللّهُـمَّ غـارَتِ النُّجُـومُ وَ نامَـتِ الْعُيُـونُ وَ اَنْـتَ الْحَىُّ الْقَيُّـومُ لا يُـوارى مِنْـكَ لَيْـلٌ ساجٍ وَ لا سَمـآءٌ ذاتُ اَبْـراجٍ وَ لا اَرْضٌ ذاتُ مِهـادٍ وَلابَحْـرٌ لُجِّـىٌ وَلا ظُلُـماتٌ بَعْضُـها فَـوْقَ بَعْـضٍ تُـدْلِجُ الرَّحْمَـةَ عَـلى مَـنْ تَشـآءُ مِـنْ خَلْقِـكَ تَعْـلَمُ خائِنَـةَ الْأَعْيُنِ وَ مـا تُخْفِـى الصُّـدُورُ اَشْـهَدُ بِـما شَـهِدْتَ بِـهِ عَـلى نَفْسِـكَ وَشَـهِدَتْ مَلائِكَتُـكَ وَاُولُـوا الْعِـلْمِ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْـتَ الْعَزيـزُ الْحَكـيمُ وَ مَـنْ لَـمْ يَشْـهَدْ عَـلى مـا شَـهِدْتَ عَـلى نَفْسِـكَ وَ شَـهِدَتْ مَلائِكَتُـكَ وَ اوُلُـواالْعِلْمِ فَاكْتُـبْ شَـهادَتى مَـكانَ شَـهادَتِهِ اَللّهُـمَّ اَنْـتَ السَّـلامُ وَ مِنْكَ السَّلامُ اَسْـئَلُكَ يا ذَاالْجَلالِ وَالْاِكْرامِ اَنْ تَفُكَّ رَقَبَتى مِنَ النّارِ.

مؤلف گوید که این دعا را شیخ طوسی در مصباح بعد از رکعت چهارم نافله شب ذکر فرموده

و علامه مجلسی روایتی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که فرموده این دعا را در نماز وتر بخوان.

بیست و یکم

روایت شده که این دعای ابوذر است که جبرئیل علیه السلام به حضرت رسول صلی الله علیه وآله عرض کرده که آن معروف است نزد اهل آسمان:

اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ الْأَمْنَ وَالْأیمانَ وَ التَّصْدیقَ بِنَبِیِّكَ وَ الْعافِیَةَ مِنْ جَمیعِ الْبَلاءِ وَالشُّكْرَ عَلَی الْعافِیَةِ وَالْغِنی عَنْ شِرارِ النّاسِ.

بیست و دوّم

از ابوحمزه روایت است که گفت گرفتم این دعا را از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام و آن حضرت این دعا را جامع می‌نامید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاشَریكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِجَمیعِ رُسُلِهِ وَ بِجَمیعِ ما اُنْزِلَ بِهِ عَلی جَمیعِ الرُّسُلِ وَ اَنَّ وَعْدَاللَّهِ حَقٌّ وَ لِقآئَهُ حَقٌّ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ بَلَّغَ الْمُرْسَلُونَ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَ سُبْحانَ اللَّهِ كُلَّما سَبَّحَ اللَّهَ شَیْءٌ وَ كَما یُحِبُّ اللَّهُ اَنْ یُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ للَّهِ كُلَّما حَمِدَ اللَّهَ شَیْءٌ وَ كَما یُحِبُّ اللَّهُ اَنْ یُحْمَدَ وَ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ كُلَّما هَلَّلَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ كَما یُحِبُّ اللَّهُ اَنْ یُهَلَّلَ وَاللَّهُ اَكْبَرُ كُلَّما كَبَّرَاللَّهَ شَیْ ءٌ وَ كَما یُحِبُّ اللَّهُ اَنْ یُكَبَّرَ اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مَفاتیحَ الْخَیْرِ وَ خَواتیمَهُ وَ سَوابِغَهُ وَ فَوائِدَهُ وَ بَرَكاتِهِ وَ ما بَلَغَ عِلْمَهُ عِلْمی

وَ ما قَصَرَ عَنْ اِحْصائِهِ حِفْظى اَللَّهُمَّ انْهَجْ لى اَسْبابَ مَعْرِفَتِهِ وَافْتَحْ لى اَبْوابَهُ وَ غَشِّنى بَرَكاتِ رَحْمَتِكَ وَ مُنَّ عَلَىَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْأَزالَةِ عَنْ دينِكَ وَ طَهِّرْ قَلْبى مِنَ الشَّكِ وَلاتَشْغَلْ قَلْبى بِدُنْياىَ وَ عاجِلِ مَعاشى عَنْ اجِلِ ثَوابِ آخِرَتى وَاشْغَلْ قَلْبى بِحِفْظِ مالا تَقْبَلُ مِنّى جَهْلَهُ وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسانى وَ طَهِّرْقَلْبى مِنَ الرِّياَءِ وَلاتُجْرِهِ فى مَفاصِلى وَاجْعَلْ عَمَلى خالِصاً لَكَ اَللَّهُمَ اِنّى اَعُوذُبِكَ مِنَ الشَّرِ وَ اَنْواعِ الْفَواحِشِ كُلِّها ظاهِرِها وَ باطِنِها وَ غَفَلاتِها وَ جَميعِ ما يُريدُنى بِهِ الشَّيْطانُ الرَّجيمُ وَ ما يُريدُنى بِهِ السُّلْطانُ الْعَنيدُ مِمَّا اَحَطْتَ بِعِلْمِهِ وَ اَنْتَ الْقادِرُ عَلى صَرفِهِ عَنّى اَللَّهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوارِقِ الْجِنِّ وَالْأِنْسِ وَ زَوابِعِهِمْ وَ بَوائِقِهِمْ وَ مَكايِدِهِمْ وَ مَشاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِ وَالْأِنْسِ وَ اَنْ اُسْتَزَلَّ عَنْ دينى فَتَفْسُدَ عَلَىَّ آخِرَتى وَ اَنْ يَكُونَ ذلِكَ مِنْهُمْ ضَرَراً عَلَىَّ فى مَعاشى اَوْ يَعْرِضَ بَلاءٌ يُصيبُنى مِنْهُمْ لاقُوَّةَ لى بِهِ وَلا صَبْرَ لى عَلَى احْتِمالِهِ فَلا تَبْتَلِيَنّى يا اِلهى بِمُقاساتِهِ فَيَمْنَعُنى ذلِكَ عَنْ ذِكْرِكَ وَ يَشْغَلُنى عِنْ عِبادَتِكَ اَنْتَ الْعاصِمُ الْمانِعُ الدَّافِعُ الْواقى مِنْ ذلِكَ كُلِّهِ اَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفاهِيَةَ فى مَعيشَتى ما اَبْقَيْتَنى مَعيشَةً اَقْوى بِها عَلى طاعَتِكَ وَاَبْلُغُ بِها رِضْوانَكَ وَاَصيرُ بِها اِلى دارِ الْحَيَوانِ غَداً وَ لا تَرْزُقْنى رِزْقاً يُطْغينى وَ لاتَبْتَلِيَنّى بِفَقْرٍ اَشْقى بِهِ مُضَيَّقاً عَلَىَّ اَعْطِنى حَظّاً وافِراً فى آخِرَتى وَ مَعاشاً واسِعاً هَنيئاً مَريئاً فى دُنْياىَ وَ لاتَجْعَلِ الدُّنْيا عَلَىَّ سِجْناً وَلاتَجْعَلْ فِراقَها عَلَىَّ حُزْناً اَجِرْنى مِنْ فِتْنَتِها وَاجْعَلْ عَمَلى فيها مَقْبُولاً وَ سَعْيى فيها مَشْكُوراً اَللَّهُمَّ وَ مَنْ اَرادَنى بِسُوءٍ فَاَرِدْهُ بِمِثْلِهِ وَ مَنْ كادَنى فيها فَكِدْهُ وَاصْرِفْ عَنّى هَمَّ مَنْ اَدْخَلَ عَلَىَّ هَمَّهُ وَامْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بى فَاِنَّكَ

خَیْرُ الْماکِرینَ وَافْقَاْعَنّی عُیُونَ الْکَفَرَةِ الظَّلَمَةِ وَالطُّغاةِ الْحَسَدَةِ اَللَّهُمَّ وَ اَنْزِلْ عَلَیَّ مِنْکَ السَّکینَةَ وَ اَلْبِسْنی دِرْعَکَ الْحَصینَةَ وَاحْفَظْنی بِسِرِّکَ الْواقی وَ جَلِّلْنی عافِیَتَکَ النّافِعَةَ وَ صَدِّقْ قَوْلی وَ فِعالی وَ بارِکْ لی فی وَلَدی وَ اَهْلی وَ مالی اَللَّهُمَّ ما قَدَّمْتُ وَ ما اَخَّرْتُ وَ ما اَغْفَلْتُ وَما تَعَمَّدْتُ وَ ما تَوانَیْتُ وَ ما اَعْلَنْتُ وَ ما اَسْرَرْتُ فَاغْفِرْهُ لی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

بیست و سیّم

از محمّد بن مسلم روایتست که حضرت امام محمّد باقر علیه السلام فرمود بخوان:

اَللَّهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیَّ فی رِزْقی وَامْدُدْلی فی عُمْری وَاغْفِرْلی ذَنْبی وَاجْعَلْنی مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدینِکَ وَلا تَسْتَبْدِلْ بی غَیْری.

بیست و چهارم

روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را می‌خواندند:

یا مَنْ یَشْکُرُ الْیَسیرَ وَ یَعْفُو عَنِ الْکَثیرِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ اِغْفِرْلِیَ الذّنُوبَ الَّتی ذَهَبَتْ لَذَّتُها وَ بَقِیَتْ تَبِعَتُها.

بیست و پنجم

و نیز روایت شده که آن حضرت این دعا را می‌خواندند:

یا نُورُ یا قُدُّوسُ یا اَوَّلَ الْأَوَّلینَ وَ یا آخِرَ الْأخِرینَ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ اِغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُغَیِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُحِلُّ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تَهْتِکُ الْعِصَمَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتی تُنْزِلُ الْبَلاءَ وَاغْفِرْ لِیَ

الذُّنُوبَ الَّتى تُديلُ الْأَعْدآءَ وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تُعَجِّلُ الْفَنآءَ وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَقْطَعُ الرّجآءَ وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تُظْلِمُ الْهَوآءَ وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَكْشِفُ الْغِطآءَ وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَرُدُّ الدُّعآءَ وَاغْفِرْ لِىَ الذُّنُوبَ الَّتى تَرُدَّ غَيْثَ السَّمآءِ

بیست و ششم

و نیز این دعا از آن حضرت منقولست:

یا عُدَّتى فى كُرْبَتى وَ یا صاحِبى فى شِدَّتى وَ یا وَلِیّى فى نِعْمَتى وَ یا غِیاثى فى رَغْبَتى.

فرموده و این دعا دعای امیرالمؤمنین علیه السلام است:

اَللّٰهُمَّ كَتَبْتَ الْأثارَ وَ عَلِمْتَ الْأَخْبارَ وَ اطَّلَعْتَ عَلَى الْأَسْرارِ فَحُلْتَ بَیْنَنا وَ بَیْنَ الْقُلُوبِ فَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلانِیَةٌ وَ الْقُلُوبُ اِلَیْكَ مُفْضاةٌ وَ اِنَّما اَمْرُكَ لِشَیْءٍ اِذا اَرَدْتَهُ اَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَیَكُونُ فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِطاعَتِكَ اَنْ تَدْخُلَ فى كُلِّ عُضْوٍ مِنْ اَعْضائى وَلاتُفارِقَنى حَتّى اَلْقاكَ وَ قُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِیَتِكَ اَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عُضْوٍ مِنْ اَعْضائى فَلا تَقْرَبُنى حَتّى اَلْقاكَ وَارْزُقْنى مِنَ الدُّنْیا وَ زَهِّدْنى فیها وَ لا تَزْوِها عَنّى وَ رَغْبَتى فیها یا رَحْمنُ.

بیست و هفتم

علیّ بن ابراهیم از پدرش از ابن محبوب از علاء بن رزین از عبدالرّحمن بن سیّابه روایت كرده كه گفت عطا كرد حضرت صادق علیه السلام به من این دعا را:

اَلْحَمْدُ للّهِ وَلِیِّ الْحَمْدِ وَ اَهْلِهِ وَ مُنْتَهاهُ وَ مَحَلِّهِ اَخْلَصَ مَنْ وَحَّدَهُ وَاهْتَدی مَنْ عَبَدَهُ وَ فازَ مَنْ اَطاعَهُ وَ اَمِنَ الْمُعْتَصِمُ بِهِ اَللّهُمَّ یا ذَا الْجُودِ وَالْمَجْدِ وَ الثَّنآءِ الْجَمیلِ وَ الْحَمْدِ اَسْئَلُکَ مَسْئَلَةَ مَنْ خَضَعَ لَکَ بِرَقَبَتِهِ وَ رَغَمَ لَکَ اَنْفُهُ وَ عَفَّرَ لَکَ وَجْهَهُ وَ ذَلَّلَ لَکَ نَفْسَهُ وَ فاضَتْ مِنْ خَوْفِکَ دُمُوعُهُ وَ تَرَدَّدَتْ عَبْرَتُهُ وَاعْتَرَفَ لَکَ بِذُنُوبِهِ وَ فَضَحَتْهُ عِنْدَکَ خَطیئَتُهُ وَ شانَتْهُ عِنْدَکَ جَریرَتُهُ فَضَعُفَتْ عِنْدَ ذلِکَ قُوَّتُهُ وَ قَلَّتْ حیلَتُهُ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ اَسْبابُ خَدایِعِهِ وَاضْمَحَلَّ عَنْهُ کُلُّ باطِلٍ وَ اَلْجَاَتْهُ ذُ نُوبُهُ اِلی ذُلِّ مَقامِهِ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ خُضُوعِهِ لَدَیْکَ وَابْتِهالِهِ اِلَیْکَ اَسْئَلُکَ اللّهُمَّ سُؤالَ مَنْ هُوَ بِمَنْزِلَتِهِ اَرْغَبُ اِلَیْکَ کَرَغْبَتِهِ وَ اَتَضَرَّعُ اِلَیْکَ کَتَضَرُّعِهِ وَاَبْتَهِلُ اِلَیْکَ کَاَشَدِّ ابْتِهالِهِ اَللّهُمَ فَارْحَمِ اسْتِکانَةَ مَنْطِقی وَذُلَّ مَقامی وَ مَجْلِسی وَ خُضُوعی اِلَیْکَ بِرَقَبَتی اَسْئَلُکَ اللّهُمَ الْهُدی مِنَ الضَّلالَةِ وَالْبَصیرَةَ مِنَ الْعَمی وَالرُّشْدَ مِنَ الْغِوایَةِ وَاَسْئَلُکَ اللّهُمَ اَکْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخآءِ وَاَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصیبَةِ وَ اَفْضَلَ الشُّکْرِ عِنْدَمَوْضِعِ الشُّکْرِ وَ التَّسْلیمَ عِنْدَ الشُّبُهاتِ وَ اَسْئَلُکَ الْقُوَّةَ فی طاعَتِکَ وَالضَّعْفَ عَنْ مَعْصِیَتِکَ وَالْهَرَبَ اِلَیْکَ مِنْکَ وَ التَقَرُّبَ اِلَیْکَ رَبِ لِتَرْضی وَالتَّحَرِّیِ لِکُلِّ ما یُرْضیکَ عَنّی فی اِسْخاطِ خَلْقِکَ الْتِماساً لِرِضاکَ رَبِّ مَنْ اَرْجُوهُ اِنْ لَمْ تَرْحَمْنی اَوْ مَنْ یَعُودُ عَلَیَّ اِنْ اَقْصَیْتَنی اَوْ مَنْ یَنْفَعُنی عَفْوُهُ اِنْ عاقَبْتَنی اَوْ مَنْ اٰمُلُ عَطایاهُ اِنْ حَرَمْتَنی اَوْ مَنْ یَمْلِکُ کَرامَتی اِنْ اَهَنْتَنی اَوْمَنْ یَضُرُّنی هَوانُهُ اِنْ اَکْرَمْتَنی رَبِّ ما اَسْوَءَ فِعْلی وَ اَقْبَحَ عَمَلی وَ اَقْسی قَلْبی وَ اَطْوَلَ اَمَلی وَ اَقْصَرَ اَجَلی وَ اَجْرَاَنی عَلی عِصْیانِ مَنْ خَلَقَنی رَبِّ وَما اَحْسَنَ بَلائَکَ

عِنْدى وَ اَظْهَرَ نَعْمآئَكَ عَلَىَّ كَثُرَتْ عَلَىَّ مِنْكَ النِّعَمُ فَما اُحْصيها وَ قَلَّ مِنِّى الشُّكْرُ فيما اَوْلَيْتَنيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ وَ تعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ وَ سَهَوْتُ عَنِ الذِّكْرِ وَ رَكِبْتُ الْجَهْلَ بَعْدَ الْعِلْمِ وَ جُزْتُ مِنْ الْعَدْلِ اِلَى الظُّلْمِ وَ جاوَزْتُ الْبِرَّ اِلَى الْأِثْمِ وَ صِرْتُ اِلَى اللَّهْوِ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْحُزْنِ فَما اَصْغَرَ حَسَناتى وَ اَقَلَّها فى كَثْرَةِ ذُ نُوبى وَاَعْظَمَها عَلى قَدْرِ صِغَرِ خَلْقى وَ ضَعْفِ رُكنى رَبِّ وَ ما اَطْوَلَ اَمَلى فى قِصَرِ اَجَلى وَ اَقْصَرَ اَجَلى فى بُعْدِ اَمَلى وَ ما اَقْبَحَ سَريرَتى فى عَلانِيَتى رَبِّ لا حُجَّةَ لى اِنِ احْتَجَجْتُ وَلا عُذْرَلى اِنِ اعْتَذَرْتُ وَلا شُكْرَ عِنْدى اِنِ ابْتَلَيْتُ وَ اُوليتُ اِنْ لَمْ تُعِنّى عَلى شُكْرِ ما اَوْلَيْتُ رَبّى ما اَخَفَّ ميزانى غَداً اِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ وَ اَزَلَّ لِسانى اِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ وَ اَسْوَدَ وَجْهى اِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ رَبِّ كَيْفَ لى بِذُنُوبِىَ الَّتى سَلَفَتْ مِنّى قَدْ هُدَّتْ لَها اَرْكانى رَبِّ كَيْفَ اَطْلُبُ شَهَواتِ الدُّنْيا وَ اَبْكى عَلى خَيْبَتى فيها وَ لا اَبْكى وَ تَشْتَدُّ حَسَراتى عَلى عِصْيانى وَ تَفْريطى رَبِّ دَعَتْنى دَواعِى الدُّنْيا فَاَجَبْتُها سَريعاً وَ رَكَنْتُ اِلَيْها طآئِعاً وَ دَعَتْنى دَواعِى الْأَخِرَةِ فَتَثَبَّطْتُ عَنْها وَ اَبْطَاْتُ فِى الْأِجابَةِ وَالْمُسارَعَةِ اِلَيْها كَما سارَعْتُ اِلى دَواعِى الدُّنْيا وَ حُطامِهَا الْهامِدِ وَ هَشيمِهَا الْبايِدِ وَ سَرابِهَا الذّاهِبِ رَبِّ خَوَّفْتَنى وَ شَوَّقْتَنى وَاحْتَجَجْتَ عَلَىَّ بِرِقّى وَ تَكَفَّلْتَ لى بِرِزْقى فَاَمِنْتُ خَوْفَكَ وَ تَثَبَّطْتُ عَنْ تَشْويقِكَ وَ لَمْ اَتَّكِلْ عَلى ضِمانِكَ وَ تَهاوَنْتُ بِاِحْتِجاجِكَ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ اَمْنى مِنْكَ فى هذِهِ الدُّنْيا خَوْفاً وَ حَوِّلْ تَثَبُّطى شَوْقاً وَ تَهاوُنى بِحُجَّتِكَ فَرَقاً مِنْكَ ثُمَّ رَضِّنى بِما قَسَمْتَ لى مِنْ رِزْقِكَ يا كَريمُ اَسْئَلُكَ بِاِسْمِكَ الْعَظيمِ رِضاكَ عِنْدَ السُّخْطَةِ وَ الْفُرْجَةَ عِنْدَ الْكُرْبَةِ وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَالْبَصيرَةَ عِنْدَ

تَشَبُّهِ الْفِتْنَةِ رَبِّ اجْعَلْ جُنَّتی مِنْ خَطایایَ حَصینَةً وَ دَرَجاتی فِی الْجِنانِ رَفیعَةً وَاَعْمالی کُلَّها مُتَقَبَّلَةً وَ حَسَناتی مُتَضاعَفَةً زاکِیَةً اَعُوذُبِكَ مِنَ الْفِتَنِ کُلِّها ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ مِنْ رَفیعِ الْمَطْعَمِ وَالْمَشْرَبِ وَ مِنْ شَرِّ ما اَعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ ما لا اَعْلَمُ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَشْتَرِیَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ وَ الْجَفا بِالْحِلْمِ وَالْجَوْرَ بِالْعَدْلِ وَالْقَطیعَةَ بِالْبِرِّ وَالْجَزَعَ بِالصَّبْرِ اَوِ الْهُدی بِالضَّلالَةِ اَوِ الْکُفْرَ بِالْأیمانِ

مؤلّف گوید که این دعاء مشتمل است بر مضامین عالیه و عبدالرّحمن بن سیّابه همان کس است که حضرت صادق علیه السلام او را وصیّت نافعه فرموده که شایسته است نقلش در اینجا و آن چنان است که عبدالرّحمن نقل کرده که چون پدرم سیابه وفات کرد مردی از دوستان او آمد دَرِ منزل ما را کوبید من به سوی او رفتم مرا تعزیت گفت پس پرسید که پدرت چیزی گذاشته برای شما گفتم نه پس کیسه ای که هزار درهم داشت به من داد و گفت این را نیکو محافظت کن و از کسب آن معاش کن من خوشحال شدم و به نزد مادرم رفتم و او را به این خبر دادم پس در آخر آن روز رفتم به نزدیکی از اصدقاء پدرم که برای من کسی مهیّا کند او برای من سرمایه از جامه های سابری خرید پس در دکّانی نشستم و مشغول کسب شدم پس حق تعالی از آن کسب مرا خیر بسیاری روزی فرمود پس وقت حجّ رسید در دلم افتاد که به حج روم به نزد مادرم رفتم و گفتم می‌خواهم به حجّ روم مادرم گفت که هزار درهم پُول آن مرد را بده عبدالرّحمن گفت پول آن مرد را تهیّه کردم و بُردم به او دادم او خوشحال شد مثل آنکه آن پول را به او بخشیدم پس گفت شاید این پول کم بوده تو را اگر می‌خواهی بیشتر بدهم به تو

گفتم نه در دلم افتاده که به حجّ مشرّف شوم و خواستم که پول شما را به خودت
ردّ کنم پس به مکّه رفتم و اعمال حجّ را بجا آوردم و برگشتم به مدینه و با جمعی از
مردم به خدمت حضرت صادق علیه السلام مشرف شدم و در آن اوقات حضرت
اذن عام می‌داد پس من نشستم در آخر جمعیّت مردم و من در آن وقت جوان
بودم پس مردم شروع کردند در سؤال کردن از آن حضرت و آن جناب جواب
آنها را می‌داد و می‌رفتند تا آنکه جمعیّت کم شد حضرت بسوی من اشاره کرد من
نزدیك آن جناب شدم فرمود آیا حاجتی داری گفتم فدایت شوم من عبدالرّحمن
پسر سیابه هستم احوال پدرم را پرسید گفتم پدرم وفات کرد فَتَوَجَّعَ وَ تَرَحَّمَ یعنی
حضرت محزون و غمگین شد و گویا دردی او را عارض شد و فرمود خدا او را
راحمت کند پس پرسید که ترکه گذاشت گفتم نه فرمود پس از کجا توانستی به
حجّ بیائی پس شروع کردم به قصّه آن مردی که آمد و هزار درهم به من داد
عبدالرّحمن گفت که حضرت فرصت نداد تا من قصّه ام را تمام کنم که به من فرمود
تو آمدی حجّ هزار درهم آن مرد را چه کردی گفتم ردّ کردم آن را به صاحبش فرود
اَحْسَنْتَ پس فرمود آیا وصیّتی نکنم تو را گفتم چرا بفرمائید فرمود ملازمت کن
براستی در گفتار و اداء امانت تا شریك شوی مردم را در اموال ایشان همچنین
و جمع فرمود ما بین دو انگشت خود یعنی اگر قولت درست شد و دروغ نگفتی
و خلاف وعده نکردی و سر موعد که طلبکار را وعده کرده بودی مال را ردّ کردی
و مال مردم را نخوردی از مردم هر چه بخواهی بگیری به تو می‌دهند پس تو
شریك مردم می‌شوی در مال ایشان بواسطه امانت و صداقت که در تو هست
عبدالرّحمن گفت من این وصیّت را از آن حضرت حفظ کردم یعنی رفتار به آن

نمودم و چندان مال پیدا کردم که زکات دادم سیصد هزار درهم را و در روایت دیگر وارد شده که این دعای حضرت علیّ بن الحُسین علیهما السلام است و در آخرش این زیادتست آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ

بیست و هشتم

از ابن محبوب روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را تعلیم شخصی فرمود که بخواند:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتی لاتُنالُ مِنْکَ اِلاَّ بِرِضاکَ وَالْخُرُوجَ مِنْ جَمیعِ مَعاصیکَ وَالدُّخُولَ فی کُلِّ ما یُرْضیکَ وَالنَّجاةَ مِنْ کُلِّ وَرْطَةٍ وَالْمَخْرَجَ مِنْ کُلِّ کَبیرَةٍ اَتی بِها مِنّی عَمْدٌ اَوْ زَلَّ بِها مِنّی خَطَاٌ اَوْ خَطَرَ بِها عَلَیَّ خَطَراتُ الشَّیْطانِ اَسْئَلُکَ خَوْفاً تُوقِفُنی بِهِ عَلی حُدُودِ رِضاکَ وَ تَشَعَّبَ بِهِ عَنّی کُلُ شَهْوَةٍ خَطَرَ بِها هَوایَ وَاسْتُزِلَّ بِها رَاْیِي لِیُجاوِزَ حَدَّ حَلالِکَ اَسْئَلُکَ اَللّهُمَ الْأَخْذَ بِاَحْسَنِ ما تَعْلَمُ وَ تَرْکِ سَیِّئِ ما تَعْلَمُ اَوْ اُخْطِئَ مِنْ حَیْثُ لا اَعْلَمُ اَوْمِنْ حَیْثُ اَعْلَمُ اَسْئَلُکَ السَّعَةَ فِی الرِّزْقِ وَالزُّهْدَ فِی الْکَفافِ وَالْمَخْرَجَ بِالْبَیانِ مِنْ کُلِّ شُبْهَةٍ وَالصَّوابَ فی کُلِّ حُجَّةٍ وَالصِّدْقَ فی جَمیعِ الْمَواطِنِ وَ اِنْصافِ النّاسِ مِنْ نَفْسی ـ فیما عَلَیَّ وَلِیَ وَالتَّذَلُّلَ فی اِعْطاءِ النَّصَفِ مِنْ جَمیعِ مَواطِنِ السَّخَطِ وَ الرِّضا وَ تَرْکَ قَلیلِ الْبَغْیِ وَ کَثیرِهِ فِی الْقَوْلِ مِنّی وَالْفِعْلِ وَ تَمامَ نِعَمِکَ فی جَمیعِ الْأَشْیآءِ وَ الشُّکْرَ لَکَ عَلَیْها لِکَیْ تَرْضا وَ بَعْدَ الرِّضا وَ اَسْئَلُکَ الْخِیَرَةَ فی کُلِ ما یَکُونُ فیهِ الْخِیَرَةُ بِمَیْسُورِ الْأُمُورِ کُلِّها لا بِمَعْسُورِها یا کَریمُ یا کَریمُ یا کَریمُ وَافْتَحْ لی بابَ الْأَمْرِ الَّذی فیهِ الْعافِیَةُ وَالْفَرَجُ وَافْتَحْ لی بابَهُ وَ یَسِّرْلی مَخْرَجَهُ وَ

مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ عَلَيَّ مَقْدُورَةً مِنْ خَلْقِكَ فَخُذْ عَنّى بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ لِسانِهِ وَ يَدِهِ وَ خُذْهُ عَنْ يَمينِهِ وَ عَنْ يَسارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ مِنْ قُدّامِهِ وَامْنَعْهُ اَنْ يَصِلَ اِلَيَّ بِسُوءٍ عَزَّ جارُكَ وَ جَلَ ثَناۤءُ وَجْهِكَ وَ لا اِلهَ غَيْرُكَ اَنْتَ رَبّى وَ اَنَا عَبْدُكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَجاۤئى فى كُلِ كُرْبَةٍ وَ اَنْتَ ثِقَتى فى كُلِّ شِدَّةٍ وَ اَنْتَ لى فى كُلِ اَمْرٍ نَزَلَ بى ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤادُ وَ تَقِلُّ فيهِ الحيلَةُ وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تُعْيِي فيهِ الْأُمُورُ اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ اِلَيْكَ راغِباً اِلَيْكَ فيهِ عَمَّنْ سِواكَ قَدْ فَرَّجْتَهُ وَ كَفَيْتَهُ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صاحِبُ كُلِّ حاجَةٍ وَ مُنْتَهى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثيراً وَ لَكَ الْمَنُّ فاضِلاً

بیست و نهم

به سند معتبر روایت شده که حضرت صادق علیه السلام این دعا را به ابو بصیر یاد داد که بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ قَوْلَ التَّوّابينَ وَ عَمَلَهُمْ وَ نُورَ الْأَنْبِياۤءِ وَ صِدْقَهُمْ وَ نَجاةَ الْمُجاهِدينَ وَ ثَوابَهُمْ وَ شُكْرَ الْمُصْطَفَيْنَ وَ نَصيحَتَهُمْ وَ عَمَلَ الذّاكِرينَ وَ يَقينَهُمْ وَ ايمانَ الْعُلَماۤءِ وَفِقْهَهُمْ وَ تَعَبُّدَ الخاشِعينَ وَ تَواضُعَهُمْ وَ حُكْمَ الْفُقَهاۤءِ وَ سيرَتَهُمْ وَ خَشْيَةَ الْمُتَّقينَ وَ رَغْبَتَهُمْ وَ تَصْديقَ الْمُؤْمِنينَ وَ تَوَكُّلَهُمْ وَ رَجاۤءَ الْمُحْسِنينَ وَ بِرَّهُمْ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ ثَوابَ الشّاكِرينَ وَ مَنْزِلَةَ الْمُقَرَّبينَ وَ مُرافَقَةَ النَّبِيّينَ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ خَوْفَ الْعامِلينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخائِفينَ مِنْكَ وَ خُشُوعَ الْعابِدينَ لَكَ وَ يقينَ الْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ وَ تَوَكُّلَ الْمُؤْمِنينَ بِكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ بِحاجَتى عالِمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ وَ اَنْتَ لَها واسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ

وَ اَنْتَ الَّذی لایُخْفیکَ سائِلٌ وَلایَنْقُصُکَ نائِلٌ وَلا یَبْلُغُ مِدْحَتَکَ قَوْلُ قائِلٍ اَنْتَ کَما تَقُولُ وَ فَوْقَ ما نَقُولُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لی فَرَجاً قَریباً وَ اَجْراً عَظیماً وَ سَتْراً جَمیلاً اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَعْلَمُ اَنّی عَلی ظُلْمی لِنَفْسی وَاِسْرافی عَلَیْها لَمْ اَتَّخِذْ لَکَ ضِدّاً وَلا نِدّاً وَلا صاحِبَةً وَلا وَلَداً یا مَنْ لا تُغَلِّطُهُ الْمَسائِلُ وَیا مَنْ لایَشْغَلُهُ شَیْءٌ عَنْ شَیْءٍ وَلاسَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ وَلابَصَرٌ عَنْ بَصَرٍ وَلایُبْرِمُهُ اِلْحاحُ الْمُلِحّین اَسْئَلُکَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنّی فی ساعَتی هذِهِ مِنْ حَیْثُ اَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لا اَحْتَسِبُ اِنَّکَ تُحْیِی الْعِظامَ وَ هِیَ رَمیمٌ اِنَّکَ عَلی کُلِّشَیْءٍ قَدیرٌ یا مَنْ قَلَّ لَهُ شُکْری فَلَمْ یَحْرِمْنی وَ عَظُمَتْ خَطیئَتی فَلَمْ یَفْضَحْنی وَ رَ انی عَلَی الْمَعاصی فَلَمْ یَجْبَهْنی وَ خَلَقَنی لِلَّذی خَلَقَنی لَهُ فَصَنَعْتُ غَیْرَ الَّذی خَلَقَنی لَهُ فَنِعْمَ الْمَوْلی اَنْتَ یا سَیِّدی وَ بِئْسَ الْعَبْدُ اَنَا وَجَدْتَنی وَ نِعْمَ الطّالِبُ اَنْتَ رَبّی وَ بِئْسَ الْمَطْلُوبُ اَلْفَیْتَنی عَبْدُکَ ابْنُ عَبْدِکَ ابْنُ اَمَتِکَ بَیْنَ یَدَیْکَ ما شِئْتَ صَنَعْتَ بی اَللّٰهُمَّ هَدَاَتِ الْأَصْواتُ وَ سَکَنَتِ الْحَرَکاتُ وَ خَلا کُلُّ حَبیبٍ بِحَبیبِهِ وَ خَلَوْتُ بِکَ اَنْتَ الْمَحْبُوبُ اِلَیَّ فَاجْعَلْ خَلْوَتی مِنْکَ اللَّیْلَةَ الْعِتْقَ مِنَ النّارِ یا مَنْ لَیْسَتْ لِعالِمٍ فَوْقَهُ صِفَةٌ یا مَنْ لَیْسَ لِمَخْلُوقٍ دُونَهُ مَنْعَةٌ یا اَوَّلُ قَبْلَ کُلِّشَیْءٍ وَ یا آخِراً بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ یا مَنْ لَیْسَ لَهُ عُنْصُرٌ وَ یا مَنْ لَیْسَ لِأخِرِهِ فَناءٌ وَ یا اَکْمَلَ مَنْعُوتٍ وَ یا اَسْمَحَ الْمُعْطینَ وَ یا مَنْ یَفْقَهُ بِکُلِّ لُغَةٍ یُدْعی بِها وَ یا مَنْ عَفْوُهُ قَدیمٌ وَ بَطْشُهُ شَدیدٌ وَ مُلْکُهُ مُسْتَقیمٌ اَسْئَلُکَ بِاِسْمِکَ الَّذی شافَهْتَ بِهِ مُوسی یا اَللّٰهُ یا رَحْمنُ یا رَحیمُ یا لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الصَّمَدُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ.

سی ام

از یونس روایت است که به حضرت امام رضا علیه السلام عرض کردم مرا تعلیم فرما دعای کوچکی فرمود بگو:

یا مَـنْ دَلَّـنی عَـلی نَفْسِـهِ وَ ذَلَّـلَ قَلْـبی بِتَصْـدِیقِهِ اَسْـئَلُكَ الْأَمْـنَ وَ الْأیمانَ

باب پنجم در ذکر بعض احراز و ادعیه مُوجزه

که منتخب شده از کتاب مهج الدّعوات و مجتنی که هر دو از مصنّفات رضیّ الدّین سیّد بن طاوس قدّس سرّه است و آن چند امر است

اول

از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود به امیرالمؤمنین علیه السلام هر گاه تو را امر دشواری پیش آید بگو:

اَللَّهُـمَّ اِنّی اَسْـئَلُكَ بِحَـقِّ مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ اَنْ تُصَـلِّیَ عَـلی مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّدِ وَ اَنْ تُنْجِیَنی مِنْ هذَا الْغَمِّ.

دویّم حرز حضرت فاطمه علیها السلام

بِسْـمِ اللّه الـرَّحْمنِ الـرَّحیمِ یا حَیُّ یا قَیُّـومُ بِرَحْمَتِـكَ اَسْـتَغیثُ فَـاَغِثْنی وَلا تَكِلْنی اِلی نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنِ اَبَداً وَ اَصْلِحْ لی شَاْنی كُلَّهُ.

سیّم حِرز حضرت امام زین العابدین علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ سَدَدْتُ اَفْواهَ الْجِنِّ وَالْأِنْسِ وَالشَّیاطینِ وَالسَّحَرَةِ وَالْأَبالِسَةِ مِنَ الجِنِّ وَالْأِنْسِ وَالسَّلاطینِ وَ مَنْ یَلُوذُ بِهِمْ بِاللَّهِ الْعِزیزِ الْأَعَزِّ وَ بِاللَّهِ الْکَبیرِ الْأَکْبَرِ بِسْمِ اللَّهِ الظَّاهِرِ الْباطِنِ الْمَکْنُونِ الْمَخْزُونِ الَّذی أقامَ بِهِ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ بِما ظَلَمُوا فَهُمْ لایَنْطِقُونَ قالَ اخْسَؤُا فیها وَلاتُکَلِّمُونِ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ اِلاَّ هَمْساً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ اَکِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فی اذانِهِمْ وَقْراً وَ اِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی اَدْبارِهِمْ نُفُوراً وَ اِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْأخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ اَیْدیهِمْ سَدّاً وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَاَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لایُبْصِرُونَ اَلْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلی اَفْواهِهِمْ وَ تُکَلِّمُنا اَیْدیهِمْ فَهُمْ لایَنْطِقُونَ لَوْ اَنْفَقْتَ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعاً ما اَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَلکِنَّ اللَّهَ اَلَّفَ بَیْنَهُمْ اِنَّهُ عَزیزٌ حَکیمٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرینَ.

چهارم حرز حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ یا خالِقَ الْخَلْقِ وَ یا باسِطَ الرِّزْقِ وَ یا فالِقَ الْحَبِّ وَ یا بارِئَ النَّسَمِ وَ مُحْیِیَ الْمَوْتی وَ مُمیتَ الْأَحْیآءِ وَ دائِمَ الثَّباتِ وَ مُخْرِجَ النَّباتِ اِفْعَلْ بی ما اَنْتَ اَهْلُهُ وَ لاتَفْعَلْ بی ما اَنَا اَهْلُهُ وَ اَنْتَ اَهْلُ التَّقْوی وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

پنجم حرز حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

روایت است از علیّ بن یقطین که گفت خبر دادند به ابوالحسن موسی بن جعفرعلیه السلام و در نزد او جماعتی از اقوام او بودند به آنچه قصد کرده است موسی بن مهدی در کار او پس گفت به اقوام خود چه رأی دارید در این باب گفتند رای ما این است که از او دور شوی و شخص خود را مخفی کنی که ایمن از شرّ او نتوان شد پس حضرت تبسّم فرمود و تمثّل جست به شعر کعب بن مالك:

زَعَمْتَ سَخینَةُ اَنْ سَتَغْلِبَ رَبَّها
فَلَیَغْلِبَنَّ مَغالِبَ الغُلاَّبِ

پس بلند کرد دست خود را بسوی آسمان و گفت:

اِلهی کَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لی ظُبَةَ مُدْیَتِهِ وَاَرْهَفَ لی شَبا حَدِّهِ وَدافَ لی قَواتِلَ سُمُومِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنّی عَیْنُ حِراسَتِهِ فَلَمَّا رَاَیْتَ ضَعْفی عَنِ احْتِمالِ الْفَوادِحِ وَ عَجْزی عَنْ مُلِمَّاتِ الْجَوائِحِ صَرَفْتَ ذلِكَ عَنّی بِحَولِكَ وَ قُوَّتِكَ لا بِحَوْلٍ مِنّی وَلا قُوَّةٍ فَاَلْقَیْتَهُ فِی الْحَفیرِ الَّذیِ احْتَفَرَهُ لی خائِباً مِمَّا اَمَّلَهُ فِی الدُّنْیا مُتَباعِداً مِمَّا رَجاهُ فِی الْأخِرَةِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلی ذلِكَ قَدْرَ اِسْتِحْقاقِكَ سَیِّدی اَللَّهُمَّ فَخُذْهُ بِعِزَّتِكَ وَافْلُلْ حَدَّهُ عَنّی بِقُدْرَتِكَ وَاجْعَلْ لَهُ شُغْلاً فیما یَلیهِ وَ عَجْزاً عَمَّا یُناویهِ اَللَّهُمَّ وَاَعْدِنی عَلَیْهِ عَدْویً حاضِرَةً تَكُونُ مِنْ غَیْظی شِفاءً وَ مِنْ حَنَقی عَلَیْهِ وَقاءً وَ صِلِ اللَّهُمَّ دُعائی بِالْأِجابَةِ وَ انْظِمْ شِكایَتی بِالتَّغْییرِ وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قلیلٍ ما اَوْعَدْتَ الظَّالِمینَ وَ عَرِّفْنی ما وَعَدْتَ فی اِجابَةِ الْمُضْطَرّینَ اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظیمِ وَ الْمَنِّ الْكَریمِ.

گفت پس متفرّق شدند قوم و جمع نشدند مگر برای قرائت خبر موت موسی بن مهدی

ششم رقعة الجيب حرز حضرت امام رضا علیه السلام

روایت است از یاسر خادم مأمون که گفت زمانی که وارد شد ابوالحسن علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام به قصر حمید بن قحطبه بیرون کرد از تن لباس را و داد به حمید و حمل کرد حمید و داد به جاریه خود که بشوید آن را پس نگذشت زمانی که آن جاریه آمد و با او رقعه ای بود و داد به حمید و گفت یافتم این رقعه را در گریبان لباس ابوالحسن علیه السلام پس حمید به آن حضرت گفت فدای تو گردم بدرستی که این جاریه یافته است رقعه ای در گریبان پیراهن تو چیست آن فرمود تعویذی است که آن را از خود دور نمی کنم حمید گفت ممکن است که ما را مشرّف کنی به آن پس فرمود که این تعویذی است که هرکه نگاه دارد در گریبان خود دفع می‌شود بلا از او و می‌باشد برای او حرزی از شیطان رجیم پس خواند تعویذ را بر حمید و آن این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللَّهِ اِنّی اَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيّاً اَوْ غَيْرَ تَقِيٍ اَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّميعِ الْبَصيرِ عَلى سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ لا سُلْطانَ لَكَ عَلَيَّ وَ لا عَلى سَمْعى وَلا عَلى بَصَرى وَلاعَلى شَعْرى وَلاعَلى بَشَرى وَلا عَلى لَحْمى وَلا عَلى دَمى وَلا عَلى مُخّى وَلا عَلى عَصَبى وَلا عَلى عِظامى وَلاعَلى مالى وَ لا عَلى ما رَزَقَنى رَبّى سَتَرْتُ بَيْنى وَ بَيْنَكَ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّذى اسْتَتَرَ اَنْبِیآءُ اللَّهِ بِهِ مِنْ سَطَواتِ الْجَبابِرَةِ وَالْفَراعِنَةِ جَبْرَئيلُ عَنْ يَمينى وَ ميكائيلُ عَنْ يَسارى وَ اِسْرافيلُ عَنْ وَرآئى وَ مَحَمَّدٌ

صَلّیَ اللَّهُ عَلَیْـهِ وَ آلِهِ اَمـامی وَاللَّهُ مُطَّلِعٌ عَـلَیَّ یَمْنَعُـکَ مِـنّی وَ یَمْنَـعُ الشَّـیْطانَ مِـنّی اَللَّهُـمَّ لا یَغْلِـبْ جَهْـلُهُ اَناتَـکَ اَنْ یَسْـتَفِزَّنی وَ یَسْـتَخِفَّنی اَللَّهُـمَّ اِلَیْـکَ الْتَجَاْتُ اَللَّهُمَّ اِلَیْکَ الْتَجَاْتُ اَللَّهُمَّ اِلَیْکَ الْتَجَاْتُ.

و از برای این حرز حکایت عجیبی است که روایت کرده آن را ابوالصَّلت هروی که گفت مولای من علیّ بن موسی الرضا علیه السلام روزی نشسته بود در منزل خود داخل شد بر او رسول مأمون و گفت که تو را امیر می‌طلبد پس امام برخاست و مرا گفت نمی طلبد مرا مأمون در این وقت مگر به جهت کاری سخت و به خدا که نمی تواند با من کاری بد کردن جهت این کلمات که از جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله به من رسیده ابوالصّلت گفت همراه امام علیه السلام بیرون رفتم نزد مأمون چون نظر حضرت بر مأمون افتاد این حرز را تا آخر خواند پس زمانی که حضرت ایستاد مقابل مأمون نظر کرد بسوی او مأمون و گفت ای ابوالحسن امر کرده ام که صد هزار درهم به جهت تو بدهند و بنویس هر حاجتی که داری پس چون امام پشت گردانید مأمون نظر در قفای امام کرد و گفت اراده کردم من و اراده کرده است خدا و آنچه اراده کرده است خدا بهتر بوده است

هفتم حرز حضرت جوادعلیه السلام

یا نُـورُ یا بُرْهـانُ یا مُبـینُ یا مُنـیرُ یا رَبِّ اِکْفِـنی الْشُّرُـورَ وَ افـاتِ الدُّهُورِ وَ اَسْئَلُکَ النَّجاةَ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ.

هشتم حرز امام علیّ نقی علیه السلام

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمنِ الـرَّحیمِ یا عَزیـزَ الْعِـزِّ فی عِـزِّهِ مـا اَعَـزَّ عَزیـزَ الْعِزِّ فی عِـزِّهِ یا عَزیـزُ اَعِـزَّنی بِعِـزِّکَ وَ اَیِّـدنی بِنَصْرِـکَ وَادْفَـعْ عَـنّی هَمَـزاتِ الشَّـیاطینِ

وَادْفَعْ عَنّى بِـدَفْعِكَ وَامْنَعْ عَنّى بِصُـنْعِكَ وَاجْعَلْـنى مِـنْ خِيـارِ خَلْقِـكَ يا واحِـدُ يا اَحَدُ يا فَرْدُ يا صَمَدُ.

نهم حرز حضرت امام حسن عسکرى عليه السلام

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمنِ الـرَّحيمِ يا عُـدَّتى عِنْـدَ شِـدَّتى وَ يا غَـوْثى عِنْـدَ كُـرْبَتى وَ يا مُونِسى عِنْـدَ وَحْـدَتى اُحْرُسْـنى بِعَيْنِـكَ الَّـتى لاَتَنـامُ وَاكْنُفْـنى بِرُكْنِـكَ الَّذى لا يُرامُ

دهم حرز مولانا القائم عليه السلام

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمنِ الـرَّحيمِ يا مـالِكَ الرِّقـابِ وَ يا هـازِمَ الْأَحْـزابِ يا مُفْـتِّحَ الْأَبْـوابِ يا مُسَـبِّبَ الْأَسْـبابِ سَـبِّبْ لَنـا سَـبَباً لا نَسْـتَطيعُ لَهُ طَلَبـاً بِحَـقِّ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلى آلِهِ اَجْمَعينَ.

يازدهم قنوت امام حسين عليه السلام

اَللَّهُـمَّ مَـنْ اَوى اِلى مَـاْوىً فَاَنْـتَ مَـاْواىَ وَ مَـنْ لَجَـاً اِلى مَلْجَـأٍ فَاَنْـتَ مَلْجَـاْى اَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ وَاسْمَـعْ نِـدائى وَ اَجِـبْ دُعـائى وَاجْعَـلْ مَـآبى عِنْـدَكَ وَ مَثْـواىَ وَاحْرُسْـنى فى بَلْـواىَ مِـنِ افْتِتـانِ الْاِمْتِحـانِ وَ لَمَّـةِ الشَّـيْطانِ بِعَظَمَتِـكَ الَّـتى لا يَشُـوبُها وَلَـعُ نَفْـسٍ بِتَفْتـينٍ وَ لا وارِدُ طَيْـفٍ بِتَظْنـينٍ وَلا يَـلُمُّ بِهـا فَـرَحٌ حَـتّى تَقْلِبَـنى اِلَيْـكَ بِاِرادَتِـكَ غَـيْرَ ظَنـينٍ وَلامَظْنُـونٍ وَلا مُرابٍ وَ لا مُرْتابٍ اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمينَ.

مؤلف گويد كه سيّد بن طاوس قنوتات ائمّه عليهم السلام را جمع كرده در مهج الدّعوات و چون طولانى بود آنها من اكتفا به همين يك قنوت كردم

دوازدهم دعاء حضرت رسول صلی الله علیه وآله

که امان است از جنّ و انس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ ما شآءَ اللَّهُ كانَ وَ مالَمْ یَشَأْ لَمْ یَكُنْ اَشْهَدُ اَنَّ اللَّهَ عَلی كُلِّشَیْئٍ قَدیرٌ وَ اَنَّ اللَّهَ قَدْ اَحاطَ بِكُلِّ شَیْئٍ عِلْماً اَللَّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسی وَ مِنْ شَرِّ كُلِ دآبَّةٍ اَنْتَ اخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ.

سیزدهم دعاء مجرّب

روایت است از انس که گفت حضرت رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود که هر کس این دعا را در هر صبح و شام بخواند موکّل فرماید حق تعالی به او چهار فرشته که او را حفظ کنند از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپش و در امان خداوند عزّ و جلّ باشد و اگر سعی کنند خلایق از جنّ و انس که ضرر به او برسانند نتوانند آن دعاء این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ بِسْمِ اللَّهِ خَیْرِ الْأَسْماءِ بِسْمِ اللَّهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَ السَّماءِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذی لایَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلا داءٌ بِسْمِ اللَّهِ اَصْبَحْتُ وَ عَلَی اللَّهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللَّهِ عَلی قَلْبی وَ نَفْسی بِسْمِ اللَّهِ عَلی دینی وَ عَقْلی بِسْمِ اللَّهِ عَلی اَهْلی وَ مالی بِسْمِ اللَّهِ عَلی ما اَعْطانی رَبّی بِسْمِ اللَّهِ الَّذی لایَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَیْءٌ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ اَللَّهُ اَللَّهُ رَبّی لا اُشْرِكُ بِهِ شَیْئاً اَللَّهُ اَكْبَرُ اَللَّهُ اَكْبَرُ وَ اَعَزُّ وَ اَجَلُّ مِمَّا اَخافُ وَ اَحْذَرُ عَزَّ جارُكَ وَ جَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلَهَ غَیْرُكَ اَللَّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

نَفْسی ـ وَ مِنْ شَرِّ کُلِ سُلْطانٍ شَدیدٍ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ شَیْطانٍ مَریدٍ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ جَبَّارٍ عَنیدٍ وَ مِنْ شَرِّ قَضآءِ السّوُءِ وَ مِنْ کُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها اِنَّکَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ وَ اَنْتَ عَلی کُلِّشَیْ ـ ءٍ حَفیظٌ اِنَّ وَلِیِّیَ اللّهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصّالِحینَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللّهُ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ.

چهاردهم دعاء حضرت رسول صلی الله علیه وآله

اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ اَنْ اَفْتَقِرَ فی غِناکَ اَوْ اَضِلَّ فی هُداکَ اَوْ اَذِلَّ فی عِزِّکَ اَوْ اُضامَ فی سُلْطانِکَ اَوْ اُضْطَهَدَ وَالْأَمْرُ اِلَیْکَ اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُبِکَ اَنْ اَقُولَ زُوراً اَوْ اَغْشی فُجُوراً اَوْ اَکُونَ بِکَ مَغْرُوراً.

پانزدهم

دعائی است از حضرت امام محمد باقر علیه السلام از ابوحمزه ثمالی روایت است که گفت از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام اجازه خواستم که به خدمتش مشرّف شوم پس حضرت از خانه بیرون آمد و لبهای مبارکش می‌جنبید و فرمود دانستی تکلّم مرا گفتم بلی فدایت شوم فرمود تکلّم کردم به کلامی که تکلّم نکرده به آن احدی هرگز مگر آنکه کفایت کرده حق تعالی آنچه مهمّ او است از امر دنیا و آخرت او گفتم فدایت شوم خبر ده مرا به آن فرمود بلی هر که این کلمات را در حال بیرون رفتن از خانه بخواند مهمّات او میسّر می‌شود:

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ حَسْبِیَ اللّهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّهِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ اُمُوری کُلِّها وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ خِزْیِ الدُّنْیا وَ عَذابِ الْأخِرَةِ.

شانزدهم از ادعیة الوسائل الی المسائل

از محمّد بن حارث نوفلی خادم حضرت امام محمّد تقی علیه السلام منقول است که وقتی تزویج کرد مأمون دختر خود را به حضرت امام محمّد تقی علیه السلام نوشت حضرت برای او که از برای هر زنی صداقی است از شوهرش و حق تعالی اموال ما را در آخرت ذخیره نهاده همچنانکه اموال شما را در دنیا به شما داده و من بکابین دختر تو دادم وسائل الی المسائل را و آن مناجاتی است که به من داده پدرم و به او رسیده از پدرش جناب موسی بن جعفر و به او رسیده از پدرش جعفر و به او رسیده از پدرش محمّد و به او رسیده از پدرش علیّ بن الحسین و به او رسیده از پدرش حسین و به او رسیده از برادرش حسن و به او رسیده از پدرش امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب صلوات اللَّه علیهم و به او رسیده از رسول خداصلی الله علیه وآله که به آن حضرت داد جبرئیل علیه السلام و گفت یا محمّد رَبِّ العزّه تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید این مفاتیح گنجهای دنیا و آخرت است آن را وسیله خود ساز بسوی مطالب خود تا برسی به مرام خود و سرانجام گردد مطلب تو و ایثار مکن آن را در حاجتهای دنیا که کم می‌گرداند حظّ آخرتت را و آن ده وسیله است که بواسطه آن درهای رَغَبات گشوده می‌شود و طلب کرده می‌شود به سبب آنها حاجات و به انجام می‌رسد و این است نسخه آن

مناجات استخاره

اَللَّهُمَّ اِنَّ خِیرَتَکَ فیمَا اسْتَخَرْتُکَ فیهِ تُنیلُ الرَّغآئِبَ وَ تُجْزِلُ الْمَواهِبَ وَ تُغْنِمُ الْمَطالِبَ وَتُطَیِّبُ الْمَکاسِبَ وَ تَهْدی اِلی اَجْمَلِ الْمَذاهِبِ وَ

تَسُوقُ اِلى اَحْمَدِ الْعَواقِبِ وَتَقى مَخُوفَ النَّوائِبِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْتَخيرُكَ فيما عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْهِ وَ قادَنى عَقْلى اِلَيْهِ وَ سَهِّلِ اللّٰهُمَّ فيهِ ما تَوَعَّرَ وَ يَسِّرْ مِنْهُ ما تَعَسَّرَ وَاكْفِنى فيهِ الْمُهِمَّ وَادْفَعْ بِهِ عَنى كُلَّ مُلِمٍّ وَاجْعَلْ يا رَبِ عَواقِبَهُ غُنْماً وَ مَخُوفَهُ سِلْماً وَ بُعْدَهُ قُرْباً وَجَدْبَهُ خِصْباً وَ اَرْسِلِ اللّٰهُمَّ اِجابَتى وَاَنْجِحْ طَلِبَتى وَاقْضِ حاجَتى وَاقْطَعْ عَنّى عَوائِقَها وَامْنَعْ عَنّى بَوائِقَها وَ اَعْطِني اللّٰهُمَّ لِواءَ الظَّفَرِ وَالْخِيَرَةَ فيمَا اسْتَخَرْتُكَ وَ وُفُورَ الْمَغْنَمِ فيما دَعَوْتُكَ وَ عَوائِدَ الأِفْضالِ فيما رَجَوْتُكَ وَاقْرِنْهُ اللّٰهُمَّ بِالنَّجاحِ وَ خُصَّهُ بِالصَّلاحِ وَاَرِنى اَسْبابَ الْخِيَرَةِ فيهِ واضِحَةً وَاَعْلامَ غُنْمِها لائِحَةً وَاشْدُدْ خِناقَ تَعْسيرِها وَانْعَشْ صَريعَ تَيْسيرِها وَ بَيِّنِ اللّٰهُمَّ مُلْتَبَسَها وَاَطْلِقْ مُحْتَبَسَها وَ مَكِّنْ اُسَّها حَتّى تَكُونَ خِيَرَةً مُقْبِلَةً بِالْغُنْمِ مُزيلَةً لِلْغُرْمِ عاجِلَةً لِلنَّفْعِ باقِيَةَ الصُّنْعِ اِنَّكَ مَلى بِالْمَزيدِ مُبْتَدِءٌ بِالْجُودِ.

مناجات استقاله

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الرَّجاءَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ اَنْطَقَنى بِاسْتِقالَتِكَ وَالْأَمَلَ لِأَناتِكَ وَ رِفْقِكَ شَجَّعَنى عَلى طَلَبِ اَمانِكَ وَ عَفْوِكَ وَلى يا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ واجَهَتْها اَوْجُهُ الْأِنْتِقامِ وَ خَطايا قَدْ لاحَظَتْها اَعْيُنُ الْأِصْطِلامِ وَاسْتَوْجَبْتُ بِها عَلى عَدْلِكَ اَليمَ الْعَذابِ وَاسْتَحْقَقْتُ بِاجْتِراحِها مُبيرَ الْعِقابِ وَ خِفْتُ تَعْويقَها لِأِجابَتى وَ رَدَّها اِيّاىَ عَنْ قَضاءِ حاجَتى بِإِبْطالِها لِطَلِبَتى وَ قَطْعَها لِأَسْبابِ رَغْبَتى مِنْ اَجْلِ ما قَدْ اَنْقَضَ ظَهْرى مِنْ ثِقْلِها وَ بَهَظَنى مِنَ الْأِسْتِقْلالِ بِحَمْلِها ثُمَّ تَراجَعْتُ رَبِّ اِلى حِلْمِكَ عَنِ الْخاطِئينَ وَ عَفْوِكَ عَنِ الْمُذْنِبينَ وَ رَحْمَتِكَ لِلْعاصينَ فَاَقْبَلْتُ بِثِقَتى مُتَوَكِّلاً عَلَيْكَ طارِحاً نَفْسى بَيْنَ يَدَيْكَ

شاكِياً بَثّى اِلَيْكَ سآئِلاً مالا اَسْتَوْجِبُهُ مِنْ تَفْريجِ الْهَمِ وَلا اَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفيسِ الْغَمِّ مُسْتَقيلاً لَكَ اِيّاىَ واثِقاً مَوْلاىَ بِكَ اَللّٰهُمَّ فَامْنُنْ عَلَىَّ بالْفَرَجِ وَ تَطَوَّلْ عَلَىَّ بِسُهُولَةِ الْمَخْرَجِ وَادْلُلْنى بِرَأْفَتِكَ عَلى سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَ اَزْلِقْنى بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّريقِ الْأَعْوَجِ وَ خَلِّصْنى مِنْ سِجْنِ الْكُرْبِ بِاِقالَتِكَ وَاَطْلِقْ اَسْرى بِرَحْمَتِكَ وَ طُلْ عَلَىَّ بِرِضْوانِكَ وَجُدْ عَلَىَّ بِاِحْسانِكَ وَاَقِلْنى عَثْرَتى وَ فَرِّجْ كُرْبَتى وَارْحَمْ عَبْرَتى وَلاتَحْجُبْ دَعْوَتى وَ اشْدُد بِالْأِقالَةِ اَزْرى وَ قَوِّبِها ظَهْرى وَ اَصْلِحْ بِها اَمْرى وَ اَطِلْ بِها عُمْرى وَارْحَمْنى يَوْمَ حَشْرى وَ وَقْتَ نَشْرى اِنَّكَ جَوادٌ كَريمٌ غَفُورٌ رَحيمٌ.

مناجات سفر:

اَللّٰهُمَّ اِنّى اُريدُ سَفَراً فَخِرْلى فيهِ وَاَوْضِحْ لى فيهِ سَبيلَ الرَّأْىِ وَ فَهِّمْنيهِ وَافْتَحْ لى عَزْمى بِالْأِسْتِقامَةِ وَاْشمُلْنى فى سَفَرى بِالسَّلامَةِ وَاَفِدْنى جَزيلَ الْحَظِّ وَالْكَرامَةِ وَ اَكْلأنى بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْحِراسَةِ وَ جَنِّبْنِى اللّٰهُمَّ وَ عْثاءَ الْأَسْفارِ وَ سَهِّلْ لى حُزُونَةَ الْأَوْعارِ وَاطْوِلى بِساطَ الْمَراحِلِ وَ قَرِّبْ مِنّى بُعْدَ نَأْىِ الْمَناهِلِ وَ باعِدْ فِى الْمَسيرِ بَيْنَ خُطَى الرَّواحِلِ حَتّى تُقَرِّبَ نِياطَ الْبَعيدِ وَ تُسَهِّلَ وُ عُورَ الشَّديدِ وَلَقِّنِى اللّٰهُمَّ فى سَفَرى نُجْحَ طآئِرِ الْواقِيَةِ وَهَبْنى فيهِ غُنْمَ العافِيَةِ وَ خَفيرَ الْأِسْتِقْلالِ وَ دَليلَ مُجاوَزَةِ الْأَهْوالِ وَ باعِثَ وُفُورِ الْكِفايَةِ وَ سانِحَ خَفيرِ الْوِلايَةِ وَاجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ سَبَبَ عَظيمِ السِّلْمِ حاصِلَ الْغُنْمِ وَاجْعَلِ اللَّيْلَ عَلَىَّ سِتراً مِنَ الْأفاتِ وَالنَّهارَ مانِعاً مِنَ الْهَلَكاتِ وَاقْطَعْ عَنّى قِطَعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ وَاحْرُسْنى مِنْ وُحُوشِهِ بِقُوَّتِكَ حَتّى تَكُونَ السَّلامَةُ فيهِ مُصاحِبَتى وَالْعافِيَةُ فيهِ مُقارِنَتى وَ الْيُمْنُ

سآئِقی وَ الْیُسْرُ مُعانِقی وَ الْعُسْرُ مُفارِقی وَ الْفَوْزُ مُوافِقی وَالْأَمْنُ مُرافِقی اِنَّكَ ذُوالطَّوْلِ وَ الْمَنِ وَالْقُوَّةِ وَ الْحَوْلِ وَ اَنْتَ عَلی کُلِّشَیْءٍ قَدیرٌ وَ بِعِبادِكَ بَصیرٌ خَبیرٌ.

مناجات طلب رزق:

اَللَّهُمَّ اَرْسِلْ عَلَیَّ سِجالَ رِزْقِكَ مِدْراراً وَاَمْطِرْ عَلَیَّ سَحآئِبَ اِفْضالِكَ غِزاراً وَ اَدِمْ غَیْثَ نَیْلِكَ اِلَیَّ سِجالاً وَاَسْبِلْ مَزیدَ نِعَمِكَ عَلی خُلَّتی اِسْبالاً وَاَفْقِرْنی بِجُودِكَ اِلَیْكَ وَ اَغْنِنی عَمَّنْ یَطْلُبُ مالَدَیْكَ وَ داوِدآءَ فَقْری بِدَوآءِ فَضْلِكَ وَانْعَشْ صَرْعَةَ عَیْلَتی بِطَوْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلی اِقْلالی بِكَثْرَةِ عَطائِكَ وَ عَلَی اخْتِلالی بِكَریمِ حِبائِكَ وَ سَهِّلْ رَبِّ سَبیلَ الرِّزْقِ اِلَیَّ وَ ثَبِّتْ قَواعِدَهُ لَدَیَّ وَ بَجِّسْ لی عُیُونَ سَعَتِهِ بِرَحْمَتِكَ وَ فَجِّرْ اَنْهارَ رَغَدِ الْعَیْشِ قِبَلی بِرَأْفَتِكَ وَاَجْدِبْ اَرْضَ فَقْری وَاَخْصِبْ جَدْبَ ضُرّی وَاصْرِفْ عَنّی فِی الرِّزْقِ الْعَوآئِقَ وَاقْطَعْ عَنّی مِنَ الضّیقِ الْعَلائِقَ وَارْمِنی مِنْ سَعَةِ الرِّزْقِ اَللّهُمَّ بِاَخْصَبِ سِهامِهِ وَاحْبُنی مِنْ رَغَدِ الْعَیْشِ بِاَكْثَرِ دَوامِهِ وَاَكْسُنِي اللّهُمَّ سَرابیلَ السَّعَةِ وَ جَلابیبَ الدَّعَةِ فَاِنّی یا رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِأِنْعامِكَ بِحَذْفِ الْمَضیقِ وَلِتَطَوُّلِكَ بِقَطْعِ التَّعْویقِ وَ لِتَفَضُّلِكَ بِاِزالَةِ التَّقْتیرِ وَ لِوُصُولِ حَبْلی بِكَرَمِكَ بِالتَّیْسیرِ وَ اَمْطِرِ اللّهُمَّ عَلَیَّ سَمآءَ رِزْقِكَ بِسِجالِ الدّیَمِ وَاَغْنِنی عَنْ خَلْقِكَ بِعَوائِدِ النِّعَمِ وَارْمِ مَقاتِلَ الْأِقْتارِ مِنّی وَاحْمِلْ كَشْفَ الضُّرِّ عَنّی عَلی مَطایَا الْأِعْجالِ وَاضْرِبْ عَنّی الضّیقَ بِسَیْفِ الْأِسْتیصالِ وَاَتْحِفْنی رَبِّ مِنْكَ بِسَعَةِ الْأِفْضالِ وَامْدُدْنی بِنُمُوِّ الْأَمْوالِ وَاحْرُسْنی مِنْ ضیقِ الْأِقْلالِ وَاقْبِضْ عَنّی سُوءَ الْجَدْبِ وَابْسُطْ لی بِساطَ الخِصْبِ وَ اسْقِنی مِنْ ماءِ

رِزْقِـكَ غَـدَقاً وَ انْهَـجْ لی مِـنْ عَمـیمِ بَـذْلِكَ طُرُقـاً وَ فـاجِئْنی بِالـثَّرْوَةِ وَالْـمالِ وَانْعَشْـنی بِـهِ مِـنْ صَرْعَـةِ الْأَقْـلالِ وَ صَـبِّحْنی بِالْأِسْـتِظْهارِ وَ مَسِّـنی بِالـتَّمَكُّنِ مِـنَ الْیَسـارِ اِنَّـكَ ذُو الطَّـوْلِ الْعَظـیمِ وَالْفَضْـلِ الْعَمـیمِ وَالْمَـنِّ الْجَسـیمِ وَ اَنْـتَ الْجَوادُ الْكَریمُ.

مناجات استعاذه

اَللّٰهُـمَّ اِنّی اعُـوذُ بِـكَ مِـنْ مُلِمّـاتِ نَـوازِلِ الْـبَلاءِ وَاَهْـوالِ عَظـآئِمِ الضَّرّـآءِ فَاَعِذْنی رَبِّ مِـنْ صَرْعَـةِ الْبَاْسـآءِ وَ احْجُبْـنی مِـنْ سَـطَواتِ الْـبَلاءِ وَ نَجِّـنی مِـنْ مُفاجـاةِ الـنِّقَمِ وَاَجْـرِنی مِـنْ زَوالِ الـنِّعَمِ وَ مِـنْ زَلَـلِ الْقَـدَمِ وَاجْعَلْـنِی اللّٰهُـمَّ فی حِیاطَـةِ عِـزِّكَ وَ حِفـاظِ حِـرْزِكَ مِـنْ مُباغَتَـةِ الدَّوایِـرِ وَ مُعـاجَلَةِ الْبَـوادِرِ اَللّٰهُـمَّ رَبِّ وَ اَرْضَ الْـبَلاءِ فَاَخْسِـفْها وَعَرْصَـةَ المِحَـنِ فَارْجُفْهـا وَ شَمْـسَ النَّوائِـبِ فَاَكْسِـفْها وَ جِبـالَ السُّـوءِ فَانْسِـفْها وَ كُـرَبَ الدَّهْـرِ فَاَكْشِـفْها وَ عَوائِـقَ الْأُمُـورِ فَاصْرِفْهـا وَ اَوْرِدْنی حِیـاضَ السَّـلامَةِ وَاحْمِلْـنی عَـلی مَطـایا الْكَرامَـةِ وَاصْحَبْـنی بِاِقـالَةِ الْعَـثْرَةِ وَاشْمَلْـنی بِسِـتْرِ الْعَـوْرَةِ وَ جُـدْ عَـلَیَّ یا رَبِّ بِالائِـكَ وَ كَشْـفِ بَلائِـكَ وَ دَفْـعِ ضَرّآئِـكَ وَادْفَـعْ عَـنّی كَلاكِلَ عَـذابِكَ وَاصْرِفْ عَـنّی اَلـیمَ عِقابِـكَ وَاَعِـذْنی مِـنْ بَوائِـقِ الدُّهُـورِ وَاَنْقِـذْنی مِنْ سُـوءِ عَواقِـبِ الْأُمُـورِ وَاحْرُسْـنی مِـنْ جَمیـعِ الْمَحْـذُورِ وَاصْـدَعْ صَـفاةَ الْـبَلاءِ عَـنْ اَمْـری وَاشْـلُلْ یَـدَهُ عَـنّی مَـدی عُمْری اِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجیدُ الْمُبْدِئُ الْمُعیدُ الْفَعّالُ لِما تُریدُ.

مناجات طلب توبه

اَللّٰهُـمَّ اِنّی قَصَـدْتُ اِلَیْـكَ بِاِخْـلاصِ تَوْبَـةٍ نَصُـوحٍ وَ تَثْبیـتِ عَقْـدٍ صَحـیحٍ وَ دُعـاءِ قَلْـبٍ قَـریحٍ وَ اِعْلانِ قَـوْلٍ صَریحٍ اَللّٰهُـمَّ فَتَقَبَّـلْ مِـنّی مُخْلَـصَ التَّوْبَـةِ وَ

اِقْبالَ سَريعِ الْأَوْبَةِ وَ مَصارِعَ تَخَشُّعِ الْحَوْبَةِ وَ قابِلْ رَبِّ تَوْبَتى بِجَزيلِ الثَّوابِ وَ كَريمِ الْمَأبِ وَ حَطِّ الْعِقابِ وَصَرْفِ الْعَذابِ وَ غُنْمِ الْأِيابِ وَ سِتْرِ الْحِجابِ وَامْحُ اللَّهُمَّ ما ثَبَتَ مِنْ ذُنُوبى وَاغْسِلْ بِقَبُولِها جَميعِ عُيُوبى وَاجْعَلْها جالِيَةً لِقَلْبى شاخِصَةً لِبَصيرَةِ لُبّى غاسِلَةً لِدَرَنى مُطَهِّرَةً لِنِجاسَةِ بَدَنى مُصَحِّحَةً فيها ضَميرى عاجِلَةً اِلَى الْوَفاءِ بِها بَصيرَتى وَاقْبَلْ يا رَبِّ تَوْبَتى فَاِنَّها تَصْدُرُ مِنْ اِخْلاصِ نِيَّتى وَ مَحْضِ مِنْ تَصْحيحِ بَصيرَتى وَاحْتِفالٍ فى طَوِيَّتى وَاجْتِهادٍ فى نَقاءِ سَريرَتى وَ تَثْبيتٍ لِأِنابَتى وَ مُسارَعَةً اِلى اَمْرِكَ بِطاعَتى وَاجْلُ اللَّهُمَّ بِالتَّوْبَةِ عَنّى ظُلْمَةَ الْأِصْرارِ وَامْحُ بِها ما قَدَّمْتُهُ مِنَ الْأَوْزارِ وَاكْسُنى لِباسَ التَّقْوى وَ جَلا بيبَ الْهُدى فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعاصى عَنْ جَلَدى وَ نَزَعْتُ سِرْبالَ الذُّنُوبِ عَنْ جَسَدى مُسْتَمْسِكاً رَبِّ بِقُدْرَتِكَ مُسْتَعيناً عَلى نَفْسى- بِعِزَّتِكَ مُسْتَوْدِعاً تَوْبَتى مِنَ النَّكْثِ بِخَفْرَتِكَ مُعْتَصِماً مِنَ الْخِذْلانِ بِعِصْمَتِكَ مُقارِناً بِهِ لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِكَ.

مناجات طلب حجّ

اَللَّهُمَ ارْزُقْنى الْحَجَّ الَّذى افْتَرَضْتَهُ عَلى مَنِ اسْتِطاعَ اِلَيْهِ سَبيلاً وَاجْعَلْ لى فيهِ هادِياً وَ اِلَيْهِ دَليلاً وَ قَرِّبْ لى بُعْدَ الْمَسالِكِ وَ اَعِنّى عَلى تَأْدِيَةِ الْمَناسِكِ وَ حَرِّمْ بِاِحْرامى عَلَى النّارِ جَسَدى وَ زِدْ لِلسَّفَرِ قُوَّتى وَ جَلَدى وَارْزُقْنى رَبِ الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْأِفاضَةَ اِلَيْكَ وَاَظْفِرْنى بِالنُّجْحِ بِوافِرِ الرِّبْحِ وَاَصْدِرْنى رَبِ مِنْ مَوْقِفِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ اِلى مُزْدَلَفَةِ الْمَشْعَرِ وَاجْعَلْها زُلْفَةً اِلى رَحْمَتِكَ وَ طَريقاً اِلى جَنَّتِكَ وَقِفْنى مَوْقِفَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ

وَ مَقامَ وُقُوفِ الْاِحْرامِ وَاَهِلَّنی لِتَأْدِيَةِ الْمَناسِكِ وَنَحْرِ الْهَدیِ التَّوامِكِ بِدَمٍ يَثُجُ وَاَوْداجٍ تَمُجُّ وَ اِراقَةِ الدِّماۤءِ الْمَسْفُوحَةِ وَالْهَدايَا الْمَذْبُوحَةِ وَ فَرْیِ اَوْداجِها عَلی ما اَمَرْتَ وَ التَّنَفُّلُ بِها كَما وَسَمْتَ وَاَحْضِرْنِی اللَّهُمَّ صَلوةَ الْعيدِ راجِياً لِلْوَعْدِ خائِفاً مِنَ الْوَعيدِ حالِقاً شَعْرَ رَاسی وَ مُقَصِّراً وَ مُجْتَهِداً فی طاعَتِكَ مُشَمِّراً رامِياً لِلْجِمارِ بِسَبْعٍ بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الْأَحْجارِ وَاَدْخِلْنِی اللَّهُمَّ عَرْصَةَ بَيْتِكَ وَ عَقْوَتِكَ وَ مَحَلَّ اَمْنِكَ وَ كَعْبَتِكَ وَ مَساكينِكَ وَ سُؤّالِكَ وَ مَحاويجِكَ وَجُدْ عَلَیَّ اللَّهُمَّ بِوافِرِ الْأَجْرِ مِنَ الْاِنْكِفاءِ وَالنَّفْرِ وَاخْتِمِ اللَّهُمَ مَناسِكَ حَجّی وَانْقِضاۤءَ عَجّی بِقَبُولٍ مِنْكَ لی وَ رَاْفَةٍ مِنْكَ بی يا اَرْحَمَ الرَّاحِمينَ.

مناجات كشف ظلم

اَللَّهُمَّ اِنَّ ظُلْمَ عِبادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فی بِلادِكَ حَتّی اَماتَ الْعَدْلَ وَ قَطَعَ السُّبُلَ وَ مَحَقَ الْحَقَّ وَ اَبْطَلَ الصِّدْقَ وَاَخْفَی الْبِرَّ وَاَظْهَرَ الشَّرَّ وَاَخْمَدَ التَّقْوی وَ اَزالَ الْهُدی وَ اَزاحَ الْخَيْرَ وَ اَثْبَتَ الضَّيْرَ وَ اَنْمَی الْفَسادَ وَ قَوَّی الْعِنادَ وَ بَسَطَ الْجَوْرَ وَ عَدَی الطَّوْرَ اَللَّهُمَّ يا رَبِ لا يَكْشِفُ ذلِكَ اِلاَّ سُلْطانُكَ وَ لايُجيرُ مِنْهُ اِلاَّ امْتِنانُكَ اَللَّهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَ بُثَّ جِبالَ الْغَشْمِ وَ اَخْمِدْ سُوقَ الْمُنْكَرِ وَ اَعِزَّ مَنْ عَنْهُ يَنْزَ جِرُ وَاحْصُدْ شَاْفَةَ اَهْلِ الْجَوْرِ وَ اَلْبِسْهُمُ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكَوْرِ وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ اِلَيْهِمُ الْبَياتَ وَ اَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثُلاتِ وَاَمِتْ حَيوةَ الْمُنْكَرِ لِيُؤْ مَنَ الْمَخُوفُ وَ يَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ وَ يَشْبَعَ الْجايِعُ وَ يُحْفَظَ الضَّايِعُ وَ يَأْوِی الطَّريدُ وَ يَعُودَ الشَّريدُ وَ يُغْنَی الْفَقيرُ وَ يُجارَ الْمُسْتَجيرُ وَ يُوَقَّرَ الْكَبيرُ وَ يُرْحَمَ الصَّغيرُ وَ يُعَزَّ الْمَظْلُومُ وَ يُذَلَّ

الظَّالِمُ وَ يُفَرَّجَ الْمَغْمُومُ وَ تَنْفَرِجَ الْغَمَّآءُ وَ تَسْكُنُ الدَّهْمآءُ وَ يَمُوتَ الْأِخْتِلافُ وَ يَعْلُوَالْعِلْمُ وَ يَشْمُلَ السِّلْمُ وَ يُجْمَعَ الشَّتاتُ وَ يَقْوىَ الْأيمانُ وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ اِنَّكَ اَنْتَ الدَّيانُ الْمُنْعِمُ الْمَنَّانُ.

مناجات شکر خدا

اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى مَرَدِّ نَوازِلِ الْبَلاءِ وَ مُلِمَّاتِ الضَّرَّآءِ وَ كَشْفِ نَوائِبِ اللَّأْوآءِ وَ تَوالى سُبُوغِ النَّعْمآءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى هَنيءِ عَطائِكَ وَ مَحْمُودِ بَلائِكَ وَ جَليلِ الآئِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى اِحْسانِكَ الْكَثيرِ وَ خَيْرِكَ الْغَزيرِ وَ تَكْليفِكَ الْيَسيرِ وَ دَفْعِ الْعَسيرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ يا رَبِّ عَلى تَثْميرِكَ قَليلَ الشُّكْرِ وَ اِعْطآئِكَ وَ افِرَ الْأَجْرِ وَ حَطِّكَ مُثْقَلَ الْوِزْرِ وَ قَبُولِكَ ضَيِّقَ الْعُذْرِ وَ وَضْعِكَ باهِضَ الْأِصْرِوَ تَسْهيلِكَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ وَ مَنْعِكَ مُفْظِعَ الْأَمْرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلاءِ الْمَصْرُوفِ وَ وافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ اِذْلالِ الْعَسُوفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى قِلَّةِ التَّكْليفِ وَ كَثْرَةِ التَّخْفيفِ وَ تَقْوِيَةِ الضَّعيفِ وَ اِغاثَةِ اللَّهيفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى سَعَةِ اِمْهالِكَ وَ دَوامِ اِفْضالِكَ وَ صَرْفِ اِمْحالِكَ وَ حَميدِ اَفْعالِكَ وَ تَوالى نَوالِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلى تَأْخيرِ مُعاجَلَةِ الْعِقابِ وَ تَرْكِ مُغافَصَةِ الْعَذابِ وَ تَسْهيلِ طَريقِ الْمَأبِ وَ اِنْزالِ غَيْثِ السَّحابِ اِنَّكَ الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ.

مناجات طلب حوائج

جديرٌ مَنْ اَمَرْتَهُ بِالدُّعآءِ اَنْ يَدْعُوَكَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْأِجابَةِ اَنْ يَرْجُوَكَ وَلِىَ اللَّهُمَّ حاجَةٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْها حيلَتى وَكَلَّتْ فيها طاقَتى وَ ضَعُفَ عَنْ مَرامِها قُوَّتى وَ سَوَّلَتْ لى نَفْسِىَ الْأَمَّارَةُ بِالسّوءِ وَ عَدُوِّىَ الْغَرُورُ الَّذى اَنَا

مِنْـهُ مَبْلُـوٌّ اَنْ اَرْغَـبَ اِلَيْـكَ [کـذا فی المـنهج و لعـلّ اِلَيْـكَ بمعنی عَنْـكَ ليســتقيم المعنی و فی الـبلد الامـين هکـذا اَنْ اَرْغَـبَ اِلی ضَـعيفٍ مِثْلی وَ مَـنْ هُـوَ فِی التّحـوّل شـکلی الخ «منـه»] اَللَّهُـمَّ وَاَنْجِحْهـا بِاَيْمَـنِ النَّجـاحِ وَاهْـدِها سَـبيلَ الْفَـلاحِ وَاشْرَحْ بِالرَّجـآءِ لِاِسْـعافِكَ صَـدْری وَ يَسِّرْ فی اَسْـبابِ الْخَـيْرِ اَمْـری وَ صَـوِّرْ اِلَیَّ الْفَـوْزَ بِبُلُـوغِ مـا رَجَوْتُـهُ بِالْوُصُـولِ اِلی مـا اَمَّلْتُـهُ وَ وَفِّقْـنِی اللَّهُـمَّ فی قَضـآءِ حـاجَتی بِبُلُـوغِ اُمْنِيَّـتی وَ تَصْـديقِ رَغْبَـتی وَاَعِـذْنِی اللَّهُـمَ بِکَرَمِـكَ مِـنَ الْخَيْبَـةِ وَالْقُنُـوطِ وَالْأَناةِ وَالتَّثْبـيطِ اَللَّهُـمَّ اِنَّـكَ مَـلِیٌ بِالْمَنـائِحِ الْجَـزيلَةِ وَفِیٌّ بِهـا وَ اَنْتَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَديرٌ بِعِبادِكَ خَبيرٌ بَصيرٌ.

هفدهم حجاب حضرت امام جعفر صادق عليه السلام

يا مَـنْ اِذَا اسْـتَعَذْتُ بِـهِ اَعـاذَنی وَ اِذَا اسْـتَجَرْتُ بِـهِ عِنْـدَ الشَّـدائِدِ اَجـارَنی وَ اِذَا اسْـتَغَثْتُ بِـهِ عِنْـدَ النَّوائِـبِ اَغـاثَنی وَ اِذَاسْتَنْصَرْـتُ بِـهِ عَـلی عَـدُوّی نَصَرَـنی وَ اَعـانَنی اِلَيْـكَ الْمَفْـزَعُ وَ اَنْـتَ الثِّقَـةُ فَـاقْمَعْ عَـنّی مَـنْ اَرادَنی وَاغْلِـبْ لی مَـنْ کادَنی يا مَـنْ قـالَ اِنْ يَنْصُرْـکُمُ اللَّهُ فَـلا غالِـبَ لَـکُمْ يا مَـنْ نَجَّـا نُوحـاً مِـنَ الْقَـوْمِ الظّـالِمينَ يا مَـنْ نَجَّـا لُوطـاً مِـنَ الْقَـوْمِ الْفاسِـقينَ يا مَـنْ نَجَّـا هُـوداً مِـنَ الْقَـوْمِ الْعـادينَ يا مَـنْ نَجَّـا مُحَمَّـداً صَـلّیَ اللَّهُ عَلَيْـهِ وَ آلِهِ مِـنَ الْقَـوْمِ الْکافِـرينَ نَجِّـنّی مِـنْ اَعْدائی وَ اَعْدآئِكَ بِاَسْمآئِـكَ يا رَحْمـنُ يا رَحيمُ لا سَـبيلَ لَهُـمْ عَـلی مَـنْ تَعَـوَّذَ بِالْقُـرْآنِ وَاسْـتَجارَكَ بِالـرَّحيمِ الـرَّحْمنِ الـرَّحْمنُ عَـلَی الْعَـرْشِ اسْـتَوی اِنَّ بَطْـشَ رَبِّـكَ لَشَـديدٌ اِنَّـهُ هُـوَ يُبْـدِئُ وَ يُعيـدُ وَهُـوَ الْغَفُـورُ الْـوَدُودُ ذُوا الْعَـرْشِ الْمَجيـدِ فَعـالٌ لِـما يُريـدُ فَـاِنْ تَوَلَّـوْا فَقُـلْ حَسْـبِیَ اللَّهُ لا اِلهَ اِلاَّ هُـوَ عَلَيْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هَوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.

هیجدهم حجاب حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لایَمُوتُ وَتَحَصَّنْتُ بِذِی الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ وَاسْتَعَنْتُ بِذِی الْکِبْریاءِ وَالْمَلَکُوتِ مَوْلایَ اسْتَسْلَمْتُ اِلَیْکَ فَلا تُسْلِمْنی وَ تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ فَلا تَخْذُلْنی وَ لَجَأْتُ اِلی ظِلِّکَ الْبَسیطِ فَلا تَطْرَحْنی اَنْتَ الْمَطْلَبُ وَ اِلَیْکَ الْمَهْرَبُ تَعْلَمُ ما اُخْفِی وَ ما اُعْلِنُ وَ تَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدوُرُ فَاَمْسِکْ عَنّی اللَّهُمَّ اَیْدِی الظّالِمینَ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اَجْمَعینَ وَاشْفِنی وَ عافِنی یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

نوزدهم حجاب حضرت امام محمّد تقی علیه السلام

اَلْخالِقُ اَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقینَ وَ الرّازِقُ اَبْسَطُ یَداً مِنَ الْمَرْزُوقینَ وَ نارُاللَّهِ الْمُوصَدَةُ فی عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ تَکیدُ اَفْئِدَةَ الْمَرَدَةِ وَ تَرُدُّ کَیْدَ الْحَسَدَةِ بِالْأَقْسامِ بِالْأَحْکامِ بِاللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَالْحِجابِ الْمَضْرُوبِ بِعَرْشِ رَبِّنَا الْعَظیمِ احْتَجَبْتُ وَاسْتَتَرْتُ وَاسْتَجَرْتُ وَ اعْتَصَمْتُ وَ تَحَصَّنْتُ بالم وَ بِکهیعص وَ بِطه وَ بِطسم وَ بِحم وَ بِحمعسق وَ نُون وَبِطسین وَ بِق وَالْقُرْآنِ الْمَجیدِ وَ اَنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظیمٌ وَاللَّهُ وَلِیّی وَ نِعْمَ الْوَکیلُ.

بیستم

از کتاب تعبیر الرّؤیا تصنیف شیخ کلینی منقول است که وَشّا از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده که فرمود دیدم پدرم را در خواب که فرمود ای فرزند من هرگاه در شدّتی واقع شدی بسیار بگو یا رَؤُف یا رَحیمُ پس حضرت فرمود آنچه ما در خواب می‌بینیم همچنان است که در بیداری به بینیم.

بیست و یکم دعاء رزق و غیره

منقول از کتاب مُجْتَنی تصنیف سیّد بن طاوس(ره):

اَللّٰهُمَّ اِنَّ ذُنُوبی لَمْ یَبْقَ لَها اِلاَّ رَجآءُ عَفْوِكَ وَ قَدْ قَدَّمْتُ آلَةَ الْحِرْمانِ بَیْنَ یَدَیَّ فَاَنَا اَسْئَلُكَ ما لا اَسْتَحِقُّهُ وَ اَدْعُوكَ مالا اَسْتَوجِبُهُ وَ اَتَضَرَّعُ اِلَیْكَ بِما لا اَسْتَاْهِلُهُ وَ لَمْ یَخْفَ عَلَیْكَ حالی وَ اِنْ خَفِیَ عَلَی النَّاسِ کُنْهُ مَعْرِفَةِ اَمْری اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ رِزْقی فِی السَّماءِ فَاَهْبِطْهُ وَ اِنْ کانَ فِی الْأَرْضِ فَاَظْهِرْهُ وَ اِنْ کانَ بَعیداً فَقَرِّبْهُ وَ اِنْ کانَ قَریباً فَیَسِّرْهُ وَ اِنْ کانَ قَلیلاً فَکَثِّرْهُ وَ بارِكْ لی فیهِ.

بیست و دوّم دعاء دفع شرّ ابلیس منقول از مجتنی

اَللّٰهُمَّ اِنَّ اِبْلیسَ عَبْدٌ مِنْ عَبیدِكَ یَرانی مِنْ حَیْثُ لا اَراهُ وَ اَنْتَ تَراهُ مِنْ حَیْثُ لا یَراكَ وَ اَنْتَ اَقْوی عَلی اَمْرِهِ کُلِّهِ وَ هُوَ لایَقْوی عَلی شَیْءٍ مِنْ اَمْرِكَ اَللّٰهُمَّ فَاَنَا اَسْتَعینُ بِكَ عَلَیْهِ یا رَبِ فَاِنِّی لا طاقَةَ لی بِهِ وَلا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ لی عَلَیْهِ اِلاَّ بِكَ یا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اِنْ اَرادَنی فَاَرِدْهُ وَ اِنْ کادَنی فَکِدْهُ وَاکْفِنی شَرَّهُ وَاجْعَلْ کَیْدَهُ فی نَحْرِهِ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ وَ صَلَّیَ اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرینَ.

بیست و سیّم

و نیز در مجتنی است که شخصی در خواب حضرت پیغمبرصلی الله علیه وآله را دید و از آن حضرت خواست که مرا دعائی تعلیم فرمائید که دلم را زنده گرداند حضرت این کلمات را تعلیم او فرمود:

يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ اَسْئَلُكَ اَنْ تُحْيِيَ قَلْبى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

آن شخص گفت پس سه مرتبه این کلمات را خواندم پس خدا قلبم را زنده گردانید.

بیست و چهارم

از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که هر که بخواهد اجلش تأخیر بیفتد و نصرت پیدا کند بر دشمنان خود و از مردن بد محفوظ بماند پس بگوید سه مرتبه در وقت دخول در شب و سه مرتبه در وقت دخول در صبح:

سُبْحانَ اللَّهِ مِلأَ الميزانِ وَ مُنْتَهَى الْحِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ الْعَرْشِ.

بیست و پنجم

نقل است از کتاب نثر اللّئالی تألیف سیّد سعید علیّ بن فضل اللَّه الحسینی راوندی که مردی به حضرت عیسی بن مریم علیهما السلام شکایت کرد از دین خود فرمود بگو:

اَللَّهُمَّ یا فارِجَ الْهَمِّ وَ مُنَفِّسَ الغَمِّ وَ مُذْهِبَ الْأَحْزانِ وَ مُجیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرّینَ یا رَحْمنَ الدُّنْیا وَالْأخِرَةِ وَ رَحیمَهُما اَنْتَ رَحْمنی وَ رَحْمنُ کُلِّ شَیْءٍ فَارْحَمْنی رَحْمَةً تُغْنینی بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَ تَقْضی بِها عَنّی الدَّیْنَ

پس هرگاه به قدر پُری زمین طلا مدیون باشد حق تعالی ادا فرماید از تو.

باب ششّم در ذکر خواص بعضی سُور و آیات و ذکر بعض ادعیه و مطالب متفرّقه

و آن مشتمل بر چهار امر است:

اوّل شیخ کلینی در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که هرکس بخواند مُسبّحات یعنی سوره حدید و حشر و صفّ و جمعه و تغابن و اعلی را پیش از خواب نمیرد تا درك نماید حضرت قائم علیه السلام را و اگر مُرد در جوار حضرت پیغمبرصلی الله علیه وآله خواهد بود.

دویّم و نیز در آن کتاب است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود هر که بخواند چهار آیه از اوّل سوره بقره و آیة الکرسی و دو آیه بعد از آن و سه آیه آخر بقره را نه بیند در جان و مال خود چیزی را که مکروه او باشد و نزدیك نشود به او شیطان و فراموش نکند قرآن را

سیّم و نیز روایت کرده از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام که هر که سوره اِنّا اَنْزَلْناهُ را بخواند و صدا به آن بلند کند مثل کسی باشد که شمشیر از نیام کشیده در راه خدا جهاد کند و اگر آهسته بخواند مثل کسی باشد که در راه خدا در خون خود طپیده باشد و کسی که ده مرتبه بخواند محو کند از او هزار گناه از گناهانش را

چهارم و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود پدرم می‌فرمود: قُلْ هُوَ اللّهُ اَحَدٌ ثلث قرآن است و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرُونَ رُبع قرآن

پنجم از حضرت امام موسی علیه السلام نقل کرده که هر که بخواند آیةالکرسی را در وقت خواب نترسد از فلج ان شاء الله و کسی که بخواند آن را در عقب هر فریضه ضرر نرساند به او صاحب زهری و فرمود کسی که مقدّم دارد قُلْ هُوَاللَّهُ اَحَدٌ را بین خود و بین شخص جبّار منع فرماید حق تعالی او را از شرّ او بخواندن آن سوره را از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ خود پس هرگاه چنین کرد حق تعالی روزی کند او را از خیر او و منع کند او را از شرّ او و فرمود هرگاه ترسیدی از امری بخوان صد آیه از قرآن از هر جای قرآن که باشد پس بگو: اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ عَنِّی الْبَلاءَ سه مرتبه.

ششمّ و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هر که ایمان به خدا و روز قیامت دارد وانگذارد خواندن قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَد را در عقب فریضه پس بدرستی که کسی که بخواند آن را جمع فرماید حق تعالی برای او خیر دنیا و آخرت را و بیامرزد او را و پدر و مادر و اولاد او را.

هفتم و نیز از آن حضرت روایت کرده که هر که سوره اَلْهیکُمُ التَّکاثُرُ را بخواند نزد خواب نگاه داشته شود از عذاب قبر.

هشتم و نیز از آن حضرت روایت کرده که اگر خوانده شود سوره حمد بر مرده هفتاد مرتبه پس ردّ کرده شود روح به او عجبی نخواهد داشت.

نهمّ از حضرت موسی بن جعفرعلیه السلام خاصیّت بسیار وارد شده برای خواندن کودك در هر شب سه مرتبه قُل اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سه مرتبه قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و صد مرتبه توحید و اگر نتواند پنجاه مرتبه و هرگاه مواظبت داشته باشد به آن محفوظ بماند از بلاها تا روزی که وفات کند.

دهم و نیز شیخ کلینی از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود به مفضل ای مفضّل منع و حفظ کن خود را از تمام مردم به بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ و به قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ که بخوانی آن را از طرف راست و طرف چپ و از پیش رو و از پشت سر و از بالای سر و پایین پای خود و هرگاه داخل شدی بر سلطان جائری بخوان سه مرتبه آن را در وقتی که نظر به او افکنی و بشمار بدست چپ خود و دست خود را به همان حال که انگشتان را جمع کرده ای برای شماره بگذار باشد تا از نزد او بیرون شوی و بعضی گفته اند که خواندن سوره را ترک مکن تا از نزد او بیرون شوی.

یازدهم در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که برای ایمنی از سوختن و غرق شدن بخواند:

اَللَّهُ الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوّلَیَ الصَّالِحِینَ وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیمَةِ وَالسَّمواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمینِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ

برای ذلیل شدن اسب سرکش در گوش راستش بخوانند:

وَ لَهُ اَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمواتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ اِلَیْهِ یُرْجَعُونَ

و در زمین مسبعه یعنی زمینی که جانوران درنده داشته باشد به جهت ایمنی از آنها بخواند:

لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِکُمْ عَزیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَریصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنینَ رَؤُفٌ رَحیمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ.

و برای پیدا شدن گمشده بخواند یس را در دو رکعت و بگوید:
یا هادِیَ الضّالَّةِ رُدَّ عَلَیَّ ضالَّتی
و برای رجوع عبد فرارکرده بخواند:
اَوْ کَظُلُماتٍ فی بَحْرٍ لُجِّیٍ یَغْشیهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ اِلی قوله عزّوجلّ وَ مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللّهُ لَهُ نُوراً فَمالَهُ مِنْ نُورٍ
و برای ایمنی از دزد در وقتی که به رختخواب رود بخواند:
قُلِ ادْعُوا اللّهَ اَوِادْعُوا الرَّحْمنَ تا وَ کَبِّرْهُ تَکْبیراً.
دوازدهم
و نیز شیخ کلینی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود مَلُول نشوید از قرائت اِذا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزالَها زیرا که هر که این سوره را در نوافل خود بخواند نرساند حق تعالی به او زلزله ابداً و نمیرد به زلزله و نه به صاعقه و نه به آفتی از آفات دنیا تا بمیرد و در وقت مردن او ملکی کریم از نزد حقّ تعالی بر او نازل شود و بنشیند نزد سر او و بگوید: ای ملك الموت رفق و مدارا کن به ولیّ اللّه زیرا که او بسیار مرا یاد می‌کرد الخبر و در آخر خبر است که پرده از جلو چشمش برداشته شود و منازل خود را در بهشت ببیند و قبض روح او شود به نرم تر وجهی و مشایعت کنند روح او را هفتاد هزار فرشته که ببرند او را بسوی بهشت.
سیزدهم و نیز کلینی از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود سوره مُلْك مانعه است منع می‌کند ازعذاب قبر الخبر

چهاردهم و نیز از آن حضرت مروی است که قرآنی در دریا افتاد چون او را یافتند دیدند رفته بود کلمات او جز این آیه اَلا اِلَی اللّهِ تَصیرُ الْأُمُورُ

پانزدهم و نیزشیخ کلینی از زراره روایت کرده که گفت می‌گیری قرآن را در ثلث دویّم ماه رمضان و می‌گشائی و می‌گذاری مقابل خود و می‌گوئی:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِکِتابِکَ الْمُنْزَلِ وَ ما فیهِ وَ فیهِ اسْمُکَ الْأَعْظَمُ الْأَکْبَرُ وَ اَسْماؤُکَ الْحُسْنی وَ ما یُخافُ وَ یُرْجی اَنْ تَجْعَلَنی مِنْ عُتَقائِکَ مِنَ النّارِ.

و دعا می‌کنی به آنچه حاجت داری

شانزدهم شیخ کفعمی در مصباح و محدّث فیض در خلاصة الأذکار فرموده که دیدم در بعض کتب اصحاب امامیّه که هر کس خواسته باشد در خواب ببیند یکی از پیغمبران و امامان علیهم السلام را یا یکی از مردمان یا والدین خود را بخواند سوره شمس و لَیل و قَدْر و قُلْ یا اَیُّهَا الْکافِرونَ و سوره اخلاص و مُعوّذتین را پس بخواند صد مرتبه سوره اخلاص و صلوات بفرستد بر پیغمبر و آل او صد مرتبه و بخوابد با وضو به جانب راست خواهد دید هر که را اراده کرده انشاء اللّه و تکلّم خواهد کرد با او انشاء اللّه هر چه بخواهد و در نسخه دیگر دیدم که این عمل را بجا آورد در هفت شب بعد از آنکه این دعا را بخواند:

اَللّهُمَّ اَنْتَ الْحَیُّ الَّذی لایُوصَفُ وَالْأیمانُ یُعْرَفُ مِنْهُ مِنْکَ بَدَتِ الْأَشْیاءُ وَ اِلَیْکَ تَعُودُ فَما اَقْبَلَ مِنْها کُنْتَ مَلْجَاَهُ وَ مَنْجاهُ وَ ما اَدْبَرَ مِنْها لَمْ یَکُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَلامَنْجامِنْکَ اِلاَّ اِلَیْکَ فَاَسْئَلُکَ بِلا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ وَ اَسْئَلُکَ بِبِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ وَ بِحَقِّ حبیبِکَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ سَیِّدِ

النَّبِيّينَ وَ بِحَقِّ عَلِي خَيْرِ الْوَصِيّينَ وَ بِحَقِّ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اللَّذَيْنِ جَعَلْتَهُما سَيِّدَىْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعينَ السَّلامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُرِيَنى مَيِّتى فِي الْحالِ الَّتى هُوَ فيها.

هفدهم و نیز در خلاصه است نقلاً عن بعض الکتب که یافتم در کتاب آداب الحمیدة تألیف محمّد بن جریر طبری از حارث بن روح از پدر از جدش نقل کرده که گفت به فرزندان خویش هرگاه اندوهگین ساخت شما را امری پس شب را بسر نیاورد احدی از شماها مگر در حالی که طاهر باشد و در فراش و لحاف طاهر باشد و با او نباشد زنی پس بخواند هفت مرتبه والشّمس و هفت مرتبه وَاللّيْلِ پس بگوید:

اَللّهُمَّ اجْعَلْ لى مِنْ اَمْرى هذا فَرَجاً وَ مَخْرَجاً

هر گاه این عمل را بجا آورد بیاید در خواب او شخصی در همان شب یا شب سیّم یا پنجم و گمان می‌کنم گفت یا در شب هفتم و بگوید برای او طریق بیرون شدن از آن غصّه و اندوه را فقیر گوید: که بعضی گفته اند که سوره والضّحی و اَلَمْ نَشْرَحْ را نیز بخواند و در جواهر المنثوره است که کسی که بخواهد در خواب بیند مطلب خود را بخواند وقت خوابیدن هر یك از این سوره ها را هفت مرتبه والشمّس و اللّیل و التّین و اخلاص و قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و بخوابد با طهارت در مکان پاکی در جامه پاکی رو به قبله بر دست راست خود یعنی به هیئت مرده که در لحد گذاشته می‌شود بخوابد و نیّت کند

مطلب خود را اگر در شب اوّل ندید در شبهای بعد و از هفت شب تجاوز نمی‌کند گفته شده مجرّبست.

[سه مطلب سودمند وقت خواب]

هیجدهم و نیز در خلاصة الأذكار است که از حضرت زهراء صلوات اللّه علیها روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله بر من وارد شد در وقتی که رختخواب خود را پهن کرده بودم و می‌خواستم بخوابم فرمود ای فاطمه مخواب مگر آنکه چهار عمل بجای آوری، ختم قرآن کنی و پیغمبران را شفیع خود گردانی و مؤمنین را از خود خوشنود گردانی و حجّ و عمره بکنی این را فرمود و داخل نماز شد من توقّف کردم تا نماز خود را تمام کرد گفتم یا رسول اللّه امر فرمودی به چهار چیز که من قدرت ندارم در این وقت آنها را بجا آورم آن حضرت تبسّم کرد و فرمود هرگاه بخوانی قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد را سه مرتبه پس گویا ختم قرآن کرده ای و هرگاه صلوات بفرستی بر من و بر پیغمبران قبل از من ما شفیعان تو خواهیم بود در روز قیامت و هرگاه استغفار کنی از برای مؤمنین پس تمامی ایشان از تو خوشنود شوند و هر گاه بگوئی سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ للّٰهِ وَ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ پس حج و عمره کرده ای.

مؤلف گوید: که کفعمی روایتی نقل کرده که هر کس در وقت خواب بگوید سه مرتبه:

يَفْعَلُ اللّٰهُ ما يَشاءُ بِقُدْرَتِهِ وَ يَحْكُمُ ما يُريدُ بِعِزَّتِهِ

مثل آن است که هزار رکعت نماز کرده.

نوزدهم و نیز در خلاصة الأذكار است که در وقت مطالعه بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنی مِنْ ظُلُماتِ الْوَهْمِ وَ اَكْرِمْنی بِنُورِ الْفَهْمِ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنا اَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَانْشُرْ عَلَيْنا خَزائِنَ عُلُومِكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بیستم روایت شده که شخصی به خدمت حضرت امام محمّد تقی علیه السلام نوشت که قرض بسیار دارم حضرت نوشتند که استغفار بسیار بکن و زبانت را تَر بدار بخواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ.

بیست و یکم در حدیث است که مفضّل به خدمت حضرت صادق علیه السلام شکایت کرد از تنگی نفس و گفت اندك راهی که می‌روم نفسم تنگ می‌گیرد و می‌نشینم فرمود که بول شتر بخور تا ساکن شود. و در حدیث دیگر است که شخصی به آن حضرت شکایت کرد از سرفه فرمود که قدری از انجدان رومی با همان قدر از نبات سفوف کن و یك روز یا دو روز بخور آن شخص گفت که یك مرتبه خوردم و برطرف شد.

بیست و دویّم از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت عیسی علیه السلام به شهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر روهای ایشان زرد و چشمهای ایشان کبود است و از بسیاری مرض به آن حضرت شکایت کردند فرمود که شما گوشت را نشسته می‌پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمی رود مگر آنکه جنابتی با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماریشان برطرف شد و حضرت عیسی علیه السلام به شهر دیگر گذشتند دندانهای ایشان ریخته بود و روهایشان باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهان را باز کنید وبرهم مگذارید چنان کردند آن علّتها از ایشان زایل شد.

بیست و سیّم از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که چون کسی از صاحبان بلا را به بینی سه مرتبه آهسته بگو که او نشنود:

اَلْحَمْدُ للّٰهِ الَّذی عافانی مِمَّا ابْتَلاكَ بِهِ وَ لَوْ شاءَ فَعَلَ

که هر که چنین کند هرگز آن بلا به او نرسد و در روایت دیگر است که بگو:

اَلْحَمْدُ للّٰهِ الَّذی عافانی مِمَّا ابْتَلاكَ بِهِ وَفَضَّلَنی عَلَیْكَ وَ عَلی كَثیرٍ مِمَّنْ خَلَقَ

و آهسته بگو که او نشود.

بیست و چهارم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هرگاه زنی را حملی باشد و چهار ماه بر او بگذرد روی او را به قبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو:

اَللّٰهُمَّ قَدْسَمَّیْتُهُ مُحَمَّداً

یعنی خدایا من او را محمّد نام کردم چون چنین کند خدا آن فرزند را پسر گرداند پس او را اگر محمّد نام کند مبارك باشد و اگر نام نکند خدا اگر خواهد از او بگیرد و اگر خواهد به او ببخشد

[عقیقه]

بیست و پنجم مروی است که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَللَّهُمَّ عَقيقَةٌ عَنْ فُلانٍ (و نام او را بگويد) لَحْمُها بِلَحْمِهِ وَ دَمُها بِدَمِهِ وَ عَظْمُها بِعَظْمِهِ اَللَّهُمَّ اجْعَلْها وَِقاءً لِأٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ

و در حديث ديگر فرمود كه اين دعا بخواند:

يا قَوْمِ اِنّى بَرى مِمَّا تُشْرِكُونَ اِنّى وَجَّهْتُ وَجْهِىَ لِلَّذى فَطَرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضَ حَنيفاً مُسْلِماً وَ ما اَنَا مِنَ الْمُشْرِكينَ اِنَّ صَلوتى وَ نُسُكى وَ مَحْياىَ وَ مَماتى لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ لا شَريكَ لَهُ وَ بِذٰلِكَ اُمِرْتُ وَ اَنَا مِنَ الْمُسْلِمينَ اَللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَاللَّهُ اَكْبَرُ اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ

و نام فرزند را ببرد پس آن را بكُشد علامه مجلسى در حليه فرموده بدانكه عقيقه فرزند سُنّت مؤكّد است براى كسى كه قادر بر آن باشد و بعضى از علماء واجب مى‌دانند و بهتر آن است كه در روز هفتم واقع شود و اگر تأخير كند تا بلوغ طفل بر پدر سنّت است و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر خودش سنّت است و در احاديث معتبره بسيار وارد شده است كه عقيقه واجب است بر كسى كه او را فرزندى به هم رسد و در احاديث بسيار منقول است كه هر فرزندى در گرو عقيقه است يعنى اگر نكند او در معرض مُردن و انواع بلاها است و از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه عقيقه لازمست بر كسى كه غنى باشد و كسى كه فقير باشد بعد از آنكه به هم رساند بكند اگر به هم نرساند بر او چيزى نيست و اگر عقيقه براى او نكنند تا وقتى كه قربانى براى او بكنند قربانى از عقيقه مجزى است و در حديث ديگر منقول است كه از آن حضرت پرسيدند

که ما طلب کردیم گوسفندی برای عقیقه و بدست نیامد چه می‌فرمائید تصدّق کنیم قیمتش را فرمود که طلب کنید تا بیابید خدا دوست می‌دارد خورانیدن طعام و ریختن خون را و در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم بمیرد عقیقه اش می‌باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقول است که به خدمت آن حضرت عرض کرد که نمی دانم که پدرم برای من عقیقه کرده است یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از آن حضرت منقول است که فرزند را در روز هفتم نام می‌گذارند و عقیقه می‌کنند و سر می‌تراشند و موی سرش را با نقره می‌کشند وآن نقره را تصدّق می‌کنند و پا و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده در زائیدن می‌فرستند و باقی را بخورد مردم می‌دهند و تصدّق می‌کنند و در حدیث موثّق دیگر فرمود که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولّد شود عقیقه می‌کنی در روز هفتم گوسفند یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و به وزن موی سرش طلا یا نقره تصدّق کن و در حدیث دیگر وارد شده است که رُبع گوسفند را به قابله می‌دهد و اگر بی قابله زائیده باشد آن را به مادر می‌دهد که به هر که خواهد بدهد و اقلّاً بخورد ده کس از مسلمانان می‌دهد و هر چند زیاده باشند بهتر است و خود از گوشت عقیقه نمی خورد و اگر قابله زن یهودیّه باشد قیمت رُبع گوسفند به او می‌دهد و در روایت دیگر وارد شده است که به قابله ثلث گوسفند را می‌دهند و مشهور میان علماء آن است که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز می‌باید باشد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در

روز ولادت اذان در گوش حسَنین صلوات اللّه علیهما گفتند و حضرت فاطمه علیها السلام در روز هفتم از ایشان عقیقه کردند و به قابله پای گوسفند را دادند با یك اشرفی و باید که اگر شتر باشد پنج ساله یا در شش باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یك سال یا در دو باشد یا بیشتر و اگر گوسفند باشد اقلاً شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و می‌باید که خُصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آن است که نمالیده باشند و مغز شاخش نشکسته باشد و گوشش نبریده باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد و لنگ بسیار لنگ نباشد که بر آن راه رفتن دشوار باشد. امّا در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی که باشد خوبست غرض گوشت است هر چند فربه تر باشد بهتر است و مشهور میان علماء آن است که سنّت است که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده باشد و گمان فقیر این است که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوب است و سنّت است که پدر و مادر از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آن است که از طعامی که در آن پخته باشد نخورند و خوردن مادر کراهیّتش بیشتر است و بهتر آن است که عیال پدر و مادر هم که در خانه ایشان می‌باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنّت است که بپزند و خام تصدّق نکنند و اقلّش آن است که با آب نمك بپزند بلکه محتمل است که این بهتر باشد و اگر خام تصدّق کنند هم خوبست و اگر حیوان عقیقه به هم نرسد قیمتش را تصدّق کردن فایده ندارد بلکه باید صبر

کنند تا به هم رسد و شرط نیست که جماعتی که به خوردن عقیقه حاضر می‌شوند فقیر باشند امّاصلحاء و فقراء را طلبیدن بهتر است انتهی.

فقیر گوید که مشهور کراهت شکستن استخوانهای عقیقه است و روایت:

يُكْسَرُ عَظْمُها وَ يُقْطَعُ لَحْمُها وَ تَصْنَعُ بِها بَعْدَ الذِّبْحِ ما شِئْتَ

منافات با کراهت ندارد و صاحب جواهر فرموده امّا آنچه مشهور شده بین مردم عراق ازاستحباب پیچیدن استخوانهای آن را در خرقه سفید و دفن کردن آن واقف نشدم بر نصّی در آن واللّٰه العالم.

[ختنه]

بیست و ششم از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در وقت ختنه کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسّر نشود تا بالغ شدن طفل هر وقت که میسّر شود برآن طفل بخوانند که از او حرارت آهن را از کُشتن و غیر آن رفع می‌کند، دعا این است:

اَللّٰهُمَّ هـٰذِهِ سُنَّتُكَ وَ سُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَاتِّباعٌ مِنّا لَكَ وَ لِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَ بِارادَتِكَ وَ قَضآئِكَ لِأَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَ قَضآءٍ حَتَمْتَهُ وَ اَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ وَ اَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَديدِ فى خِتانِهِ وَ حِجامَتِهِ بِاَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنّى اَللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَزِدْ فى عُمْرِهِ وَادْفَعِ الْافاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْأَوْجاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَ زِدْهُ مِنَ الْغِنى وَ ادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلانَعْلَمُ.

[تفأل به کتاب الله]

بیست و هفتم سید بن طاوس از دعوات خطیب مستغفری نقل کرده که او از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود هرگاه خواستی تفأّل

بزنی به کتاب اللّه عزّوجلّ پس بخوان سوره اخلاص سه مرتبه پس صلوات بفرست بر پیغمبر و آل آن حضرت سه مرتبه پس بگو:

اَللّهُمَّ اِنّی تَفَأَّلْتُ بِکِتابِکَ وَ تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ فَاَرِنی مِنْ کِتابِکَ ما هُوَ مَکْتُومٌ مِنْ سِرِّکَ الْمَکْنُونِ فی غَیْبِکَ

پس باز کن جامع را یعنی قرآنی که جامع تمام سُوَرَ آیات باشد و بگیر فال را از خطّ اوّل از جانب اوّل بدون آنکه بشمری اوراق و سطور

و بدانکه علاّمه مجلسی از بعض مؤلّفات اصحاب ازخطّ شیخ یوسف قطیفی نقل کرده و او از خطّ آیة اللّه علامه که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هرگاه اراده کردی که استخاره کنی از کتاب عزیز بگو بعد از بسمله:

اِنْ کانَ فی قَضائِکَ وَقَدَرِکَ اَنْ تَمُنَّ عَلی شیعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ بِفَرَجِ وَلِیِّکَ وَ حُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ فَاَخْرِجْ اِلَیْنا آیَةً مِنْ کِتابِکَ نَسْتَدِلُّ بِها عَلی ذلِکَ.

پس می‌گشائی مصحف شریف را و می‌شمری شش ورق و از ورق هفتم می‌شمری شش سطر و نظر می‌کنی در آن و مطلب را از آن بیرون می‌آوری

و شیخ شهید قدس سره در ذِکْری فرموده و از جمله استخاره ها استخاره به عدد است و این مشهور نبوده در عصرهای گذشته پیش از زمان سیّد کبیر عابد رضیّ الدّین محمّد بن محمّد الاوِّیِ الحسینی مجاور مشهد غرویّ رضی اللّه عَنْهُ وما روایت می‌کنیم این استخاره را با جمیع مرویّات او را از جماعتی از مشایخ خودمان از شیخ کبیر فاضل جمال الدّین بن المطهّر از والدش رضی اللّه عَنْهُما از

سیّد رضی الدین مذکور از حضرت صاحب الامر عَلَیْهِ الصَّلوة وَالسَّلامُ می‌خوانی فاتحه را ده مرتبه و اقلّش سه مرتبه و کمتر از آن یك مرتبه پس می‌خوانی سوره قدر را ده مرتبه پس می‌خوانی این دعا را سه مرتبه:

اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُكَ لِعِلْمِكَ بِعاقِبَةِ الْأُمُورِ وَ اَسْتَشیرُكَ لِحُسْنِ ظَنّی بِكَ فِی الْمَاْمُولِ وَالْمَحْذُورِ اَللّهُمَّ اِنْ کانَ الْأَمْرُ الْفُلانی مِمَّا قَدْنیطَتْ بِالْبَرَکَةِ اَعْجازُهُ وَ بَوادیهِ وَ حُفَّتْ بِالْکَرامَةِ اَیَّامُهُ وَ لَیالیهِ فَخِرْلی اَللَّهُمَّ فیهِ خِیَرَةً تَرُدُّ شُمُوسَهُ ذَلُولاً وَ تَقْعَضُ اَیَّامَهُ سُرُوراً اَللَّهُمَّ اِمَّا اَمْرٌ فَاَئْتَمِرُ وَ اِمَّا نَهْیٌ فَاَنْتَهی اَللّهُمَّ اِنّی اَسْتَخیرُكَ بِرَحْمَتِكَ خِیَرَةً فی عافِیَةٍ

پس می‌گیری یك قبضه از تسبیح را و نیّت می‌گیری حاجت را اگر عدد آن قبضه جفت است پس آن اِفْعَلْ است یعنی بجا آور و اگر طاق است لاتَفْعَلْ است یعنی مکن آن کار را یا بعکس یعنی طاق خوب است و جفت بد و این بسته است به قصد استخاره کننده

فقیر گوید: تَقْعَضُ بِضاد معجمه است به معنی تَرُدُّ وَ تَعْطُفُ و ما در باب نمازها استخاره ذات الرّقاع و بعضی از اقسام استخاره و ساعات آن را ذکر کردیم بدانجا رجوع شود

و بدانکه سیّد بن طاوس فرموده کلامی که حاصلش این است که من نیافتم حدیث صریحی در آنکه انسان استخاره کند برای غیر خود و لکن یافتم احادیث بسیار که امر شده در آن بر قضاء حاجات اخوان به دعوات و سایر توسّلات بلکه در اخبار از فوائد دعا بر اخوان چندان ذکر شده که محتاج به ذکر نیست و استخاره نیز از جمله حاجات و از جمله دعوات است زیرا که انسان را که تکلیف

کرد شخصی به استخاره کردن برای او پس حاجتی برای او وارد کرده پس آن شخصی که مباشر استخاره می‌شود می‌خواهد استخاره برای خود کند که آیا صلاح است که بگوید بکن یا نه و می‌خواهد برای آن شخص که به او گفته استخاره کند که آیا مصلحت است در فعل یا در ترك و این از چیزهائی است که داخل است در تحت عموم روایات به استخارات و به قضاء حاجات. علامه مجلسی قدس سره فرموده که کلام سیّد در جوازاستخاره برای غیرخالی از قوّت نیست به جهت عمومات خصوص در وقتی که قصد کند نائب از برای خود که بگوید به شخص مستخیر بکن یا مکن چنانکه سیّد به آن اشاره فرموده و این حیله ای است برای داخل کردن استخاره را در تحت اخبار خاصّه لکن اولی و احوط آن است که صاحب حاجت خودش استخاره کند برای خود زیرا که ما ندیدیم خبری که وارد شده باشد در جواز وکالت در استخاره و اگر این جایز یا راجح بود اصحاب سؤال می‌کردند از ائمّه علیهم السلام و اگر سؤال کرده بودند نقل می‌شد برای ما لاَاَقلّ در یك روایتی بعلاوه آنکه مُضْطَرّ اولی است به اجابت و دعای او اقرب است به خلوص نیّت انتهی.

بیست و هشتم از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که هر کس یهود یا ترسا یا گبری را به بیند و بگوید:

اَلْحَمْدُ للّهِ الَّذی فَضَّلَنی عَلَیْكَ بِالْإِسْلامِ دیناً وَ بِالْقُرْآنِ کِتاباً وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً وَ بِعَلِيٍ اِماماً وَ بِالْمُؤْمِنینَ اِخْواناً وَ بِالْکَعْبَةِ قِبْلَةً

خدا میان او و آن کافر در جهنّم جمع نکند.

مؤلّف گوید که از آیات و اخبار بسیار استفاده می‌شود که مسلمان باید از دوستی کفّار و محبّت و میل به ایشان و تشبّه به ایشان اجتناب کند و بر مسلك آنها سلوك نکند. قالَ اللّه تعالی قَدْ کانَتْ لَکُمْ اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فی اِبْرهیمَ وَالَّذینَ مَعَهُ اِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ اِنّا بُرَءآؤُ مِنْکُمْ وَ مِمّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ وَ بَدا بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمُ الْعَداوَةُ وَالْبَغْضاءُ اَبَداً

شیخ صدوق روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود وحی فرستاد حق تعالی بسوی پیغمبری از پیغمبران خود که بگو به مؤمنین نپوشید لباس دشمنان مرا و نخورید مطاعِم دشمنان مرا و نروید بر مسلکها یعنی راههای دشمنان من پس دشمنان من خواهید بود همچنانکه ایشان دشمنان منند و لِهذا در بسیاری از خبرها وارد شده که فلان عمل را بجا آورید و خود را به کفّار شبیه نگردانید مانند روایتی که از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که فرمود شارب را از تَهْ بگیرید و ریش را بلند بگذارید و به یهودان و گبران خود را شبیه مگردانید و نیز فرمود گبران ریشهای خود را چیدند و سبیلان خود را زیاد کردند و ماها شارب خود را می‌چینیم و ریش را می‌گذاریم و چون نامه دعوت آن جناب به ملوك رسید کَسْری به باذان که عامل یَمَن بود نوشت که آن حضرت را نزد او فرستد و او کاتب خود بانویه و مردی که او را خرخسك می‌گفتند به مدینه فرستاد و آن دو ریشها را تراشیده و شارب را گذاشته بودند پس آن جناب را ناخوش آمد که به ایشان نظر کند و فرمود وای بر شما که امر کرده شما را به این گفتند رَبّ ما یعنی کَسْری فرمود لکن پروردگار من امر کرده مرا به گذاشتن ریش و چیدن شارب و بدانکه حق تعالی در سوره هود فرموده: وَلا تَرْکَنُوا

اِلَى الَّذينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مالَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ اَوْلِياۤءَ ثُمَّ لاتُنْصَروُنَ مفسّرين در معنى آن فرموده اند كه يعنى ميل اندك نكنيد چه جاى بسياربسوى آنانكه ستم كردند پس برسد به شما آتش جهنّم و بعضى گفته اند كه رُكُونِ مَنْهِىٌّ عَنْهُ دخول با ايشان است درظلم ايشان و اظهار رضايت به كار ايشان و اظهار موالات ايشان و در روايت اهلبيت عليهم السلام است كه رُكُون مودّت و نصيحت و طاعت ايشان است

بيست و نهمّ نوزده حرفست كه اسباب فرج است براى داعى آن از آفات تعليم كرده آن را حضرت رسول خدا به اميرالمؤمنين صلوات اللَّهِ عَليهما و آلهما و نقل كرده آن را شيخ صدوق در كتاب خصال در ابواب تسعة عَشَر فرموده مى‌گوئى:

يا عِمادَ مَنْ لاعِمادَلَهُ وَ يا ذُخْرَ مَنْ لاذُخْرَلَهُ وَ يا سَنَدَ مَنْ لاسَنَدَ لَهُ وَ يا حِرْزَ مَنْ لاحِرْزَ لَهُ وَ يا غِياثَ مَنْ لاغِياثَ لَهُ وَ يا كَريمَ الْعَفْوِ وَ يا حَسَنَ الْبَلاءِ وَ يا عَظيمَ الرَّجاءِ وَ يا عِزَّ الضُّعَفاءِ وَ يا مُنْقِذَ الْغَرْقى وَ يا مُنْجِىَ الْهَلْكى يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ اَنْتَ الَّذى سَجَدَ لَكَ سَوادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعاعُ الشَّمْسِ وَ دَوِىُّ الْماءِ وَ حَفيفُ الشَّجَرِ يا اَللَّهُ يا اَللَّهُ يا اَللَّهُ اَنْتَ وَحْدَكَ لاشَريكَ لَكَ

پس مى‌گوئى:

اَللَّهُمَّ افْعَلْ بى كَذا وَ كَذا

سي‌ام شيخ كفعمي از مفاتح الغيب نقل كرده كه هر كه بنويسد لفظ بسم الله را بر در بيرون از منزل خود ايمن از هلاك خواهد گشت و اگر چه كافر

باشد و گفته که فرعون را خداوند زود هلاك نكرد و مهلت داد او را با ادعاي او ربوبيت را به جهت آن كه نوشته بود در منزل خود بسم الله را

و حق تعالي وحي فرمود به موسي وقتي كه از خدا خواست سرعت هلاك او را تو نظر مي‌كني به كفر او و من نظر مي‌كنم به آن چه نوشته بر در خود.

سي و يكم شيخ ابن فهد روايت كرده است كه روزي ابوالدرداء را خبر دادند كه خانه‌ات سوخته است گفت نسوخته است ديگري خبر داد باز چنين گفت تا سه مرتبه پس معلوم شد كه خانه‌هاي اطراف همه سوخته خانه او نسوخته گفتند از چه دانستي كه خانه‌ي تو نسوخته است گفت زيرا كه شنيدم از رسول خدا صلي الله عليه و آله كه هر كه در صبح اين دعا بخواند در آن روز بدي به او نمي‌رسد و اگر در شام بخواند در آن شب بدي به او نمي‌رسد و من اين دعا را خوانده بودم:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبّى لا اِلٰهَ اِلاَّ اَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ اَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ وَ لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّبِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ ما شاءَاللّٰهُ كانَ وَ مالَمْ يَشَأْلَمْ يَكُنْ اَعْلَمُ اَنَ اللّٰهَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً اَللّٰهُمَّ اِنّى اَعُوذُبِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسى وَ مِنْ شَرِّ قَضاءِ السُّوءِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ اَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتَها اِنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ.

سى و دوّم شيخ كلينى و غير او روايت كرده اند از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام كه اين دعا را تعليم زُراره فرمود كه در زمان غيبت و امتحان شيعه بخواند:

اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنی نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَفْسَكَ لَمْ اَعْرِف نَبِيَّكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنی رَسُولَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی رَسُولَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ اَللّٰهُمَّ عَرِّفْنی حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دینی.

[دعاي هنگام خواب]

سی و سیّم در عدة الدّاعی است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که هرگاه یکی از شما اراده کرد بخوابد بگذارد دست راست خود را در زیر صورت راست خود و بگوید:

بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِی لِلّٰهِ عَلی مِلَّةِ اَبْرهِيمَ وَ دينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ وِلايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ طاعَتَهُ ما شآءَ اللّٰهُ كانَ وَ مالَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ

پس هر کسی که بگوید این را در نزد خواب حفظ کند حق تعالی او را از دزد غارت کننده و از خراب شدن و طلب آمرزش کند برای او ملائکه

سی و چهارم و نیز در عدّةالدّاعی است که خواندن اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَيْلَةِ الْقَدْرِ بر هر چیزی که ذخیره و پنهان می‌کنند حرز است از برای او بنابر آنچه روایت شده از ایشان علیهم السلام

سی و پنجم و نیز از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که هر که بخواند صد آیه از قرآن از هرآیه که باشد پس بگوید هفت مرتبه یا اللّٰهُ پس اگر بخواند بر سنگی خدا بشکافد آن را

سی و ششم و نیز از آن حضرت نقل کرده که کسی که بخواند قُلْ هُوَ اللّٰهَ اَحَد را در وقتی که به خوابگاه خود رود سه مرتبه موکّل فرماید حق تعالی به او

پنجاه هزار فرشته که پاسبانی کنند او را در آن شب و ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که بگذرد بر او یك روز و در نماز خود قُلْ هُوَاللّٰهُ اَحَد نخواند روز قیامت به او گویند ای بنده خدا نیستی تو از نماز گذارندگان

و نیز از آن حضرت منقولست که کسی که بگذرد بر او جمعه یعنی هفته ونخواند درآن قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد پس بمیرد بدین ابی لَهَب و نیز از آن جناب مرویست که کسی که برسد به او مرضی یا شدّتی و نخواند در آن حال قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَد و بمیرد در آن مرض یا شدّت پس او از اهل آتش است

سی و هفتم و نیز در عدّةالدّاعی نقل کرده که این رقیه را برای حفظ زراعت خربزه و خیار و سایر زراعتها از ضرر کرم و جانوری که آن را فاسد می‌کند و کیفیّت آن چنانست که بنویسد بر چهار پارچه نی یا چهار رقعه و بگذارد در چهار نی و بگذارد آنها را در چهار طرف مزرعه:

اَیُّهَا الدُّودُ اَیُّهَا الدَّوابُّ وَالْهَوامُّ وَالْحَیْواناتُ اُخْرُجُوا مِنْ هٰذِهِ الْأَرْضِ وَالزَّرْعِ اِلَی الْخَرابِ کَما خَرَجَ ابْنُ مَتّٰی مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ فَاِنْ لَمْ تَخْرُجُوا اَرْسَلْتُ عَلَیْکُمْ شُواظاً مِنْ نارٍ وَ نُحاسٍ [ساً] فَلا تَنْتَصِرانِ اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ هُمْ اُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوتُوا فَماتُوا اُخْرُجُوا مِنْها فَاِنَّكَ رَجیمٌ فَخَرَجَ مِنْها خآئِفاً یَتَرَقَّبُ سُبْحانَ الَّذی اَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصی- کَاَنَّهُمْ یَوْمَ یَرَوْنَها لَمْ یَلْبَثُوا اِلاَّ عَشِیَّةً اَوْضُحیها فَاَخْرَجْناهُمْ مِنْ جَنّاتٍ وَ عُیُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقامٍ کَریمٍ وَ نَعْمَةٍ کانُوا فیها فاکِهینَ فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَالْاَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرینَ اُخْرُجْ مِنْها فَما یَکُونُ لَكَ اَنْ تَتَکَبَّرَ فیها فَاخْرُجْ اِنَّكَ مِنَ

الصَّـــاغِرِينَ اُخْــرُجْ مِنْها مَــذْؤماً مَــدْحُوراً فَلَنَــأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُــودٍ لاقِبَــلَ لَهُــمْ وَ لَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْها اَذِلَّةً وَ هُمْ صاغِرُونَ.

سی و هشتم سیّد بن طاوس از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش انگشتر عقیقی باشد و در انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آنکه نظرش بر کسی بیفتد نگین آن را به جانب کف دست بگرداند و به آن نظر کند و سوره اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ تا آخر بخواند پس بگوید:

آمَنْـتُ بِاللَّهِ وَحْـدَهُ لاشریـكَ لَهُ وَ كَفَـرْتُ بِالْجِبْـتِ وَالطَّـاغُوتِ وَ آمَنْـتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلانِیَتِهِمْ وَ ظاهِرِهِمْ وَ باطِنِهِمْ وَ اَوَّلِهِمْ وَ آخِرِهِمْ

پس چون چنین کند خداوند عالمیان او را نگاه دارد در آن روز از شرّ آنچه از آسمان نازل می‌شود و آنچه بالا می‌رود بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه بیرون می‌آید از زمین و در حِرز و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام

سی و نهم شیخ کفعمی از کتاب جمع الشتّات از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده که هرگاه خواستی از ما حدیثی نقل کنی و شیطان تو را فراموشی داده بگذار دست خود را بر جبهه خود و بگو:

صَـلَّیَ اللَّهُ عَـلی مَحَمَّـدٍ وَ آلِهِ اَللَّهُـمَّ اِنّی اَسْـئَلُكَ یا مُـذَكِّرَ الْخَـیْرِ وَ فـاعِلَهُ وَالْأمِرَ بِهِ ذَكِّرْنی ما اَنْسانیهُ الشَّیْطانُ

و در کتاب من لایحضره الفقیه از حضرت صادق علیه السلام نقلست که کسی که بسیار باشد سهو او در نماز پس بگوید در وقتی که داخل خلاء شود:
بِسْمِ اللَّهِ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبیثِ الْمُخْبِثِ الشَّیطانِ الرَّجیمِ

مؤلّف گوید که کسی که می‌خواهد حافظه اش زیاد شود مسواك کند و روزه بگیرد و قرآن بخواند و خصوص آیةالکرسی و اِدْمان خوردن مویز ناشتا خصوص اگر سرخ و بیست و یك دانه باشد برای فهم و ذهن و حافظه نافع است و خوردن حلوا و گوشت نزدیك گردن و عسل و عدس نیز مورث حفظ است و نقل شده که از دواهائی که به تجربه رسیده است آن است که کُندر و سَعْد و شکر طبرزد را مساوی با هم گرفته و نرم بکوبند و سُفوف کرده روزی پنج درهم بخورند لکن سه روز متوالی بخورند و پنج روز ترك کنند و هکَذا و بگویند هر روزی بعد از نماز صبح پیش از آنکه تکلّم کنند:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ فَلا یَفُوتُ شَیْئاً عِلْمُهُ وَلا یَؤُدُهُ

و هم بخوانند عقب نمازها دعای سُبْحانَ مَنْ لایَعْتَدی عَلی اَهْلِ مَمْلَکَتِهِ را و بخوانند نمازی را که در باب دوّم به جهت قوّت حافظه نقل کردیم و غیر ذلك و اجتناب کنند از چیزهایی که سبب نسیان می‌شود و آن خوردن سیب ترش و گشنیز سبز و پنیر و پس خورده موش و بول در آب ایستاده و خواندن اَلْواحِ قبرها و رفتن از بین دو زن و دور افکندن شپش زنده و نچیدن ناخنها و ترك قیلوله و کثرت معاصی و کثرت هموم و احزان در امر دنیا و کثرت اشتغال و علائق و نظر افکندن به دار کشیده و مُرور از بین قطار شتر

چهلم شیخ ابن فهد نقل کرده از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هر دعائی که پیش از آن تمجید نباشد پس آن ابتر است اوّل تمجید است پس ثنا راوی گفت کمتر چیزی که کفایت می‌کند از تمجید چیست فرمود می‌گوئی:

اَللَّهُمَّ اَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَكَ شَیْءٌ وَ اَنْتَ الْأخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَكَ شَیْءٌ وَ اَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَكَ شَیْءٌ وَ اَنْتَ الْباطِنُ فَلَیْسَ دُونَكَ شَیْءٌ وَ اَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَكِیمُ.

خاتمه در بعضی از آداب و ادعیه متعلّق به موت است

بدانکه چون بر کسی آثار موت ظاهر شود اوّل کسی که باید به احوال او بپردازد آن شخص خودش است که سفر ابدی آخرت در پیش دارد و در خُورِ آن سفر او را توشه می‌باید پس اوّل چیزی که او را ضرور است اِقرار به گناه و اعتراف به تقصیر و ندامت از گذشته ها و توبه کامل کردن است و تضرّع و زاری به جناب مقدّس ایزدی کردن که از گناهان گذشته او درگذرد و در احوال و اهوالی که در پیش دارد او را به خود و دیگران وانگذارد پس متوجّه وصیت شود و حقوق خدا و خلق آنچه در ذمّه او باشد ادا کند و به دیگران وانگذارد که بعد از مردن اختیار از دستش بدر رود و به حسرت در اموال خود نگرد و شیاطین جنّ و انس وسوسه ها کنند اوصیاء و وارثان او را و مانع شوند که ذمّه او را بَری سازند و او را چاره ای نباشد و گوید که برگردانید مرا آنقدر که آنچه از اعمال شایسته خواهم در مال خود بکنم و از او نشنوند و حسرت و ندامت سود نبخشد پس به قدر ثلث مال خود از برای خویشان و تصدّقات و خیرات و آنچه

مناسب حال خود داند وصیّت کند که زیاده از ثلث را اختیار ندارد پس اِبراء ذمّه از برادران مؤمن خود بطلبد و هر که را که غیبت کرده باشد یا اهانتی یا آزاری به او رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان التماس کند که او را حلال کنند و اگر حاضر نباشند از برادران مؤمن التماس کند که برای او اِبراء ذمّه بخواهند پس امور اطفال و عیال خود را بعد از توکّل بر جناب مقدّس الهی به اَمینی بگذارد و وصیّ برای اولاد صغیر خود تعیین کند پس کفن خود را مهیّا نماید و از شهادتین و عقاید و اذکار و ادعیه و آیات آنچه در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد به تربت حضرت امام حسین علیه السلام بفرماید بنویسند و این در صورتیست که پیشتر غافل شده باشد و کفن را مهیّا نکرده باشد و اگر نه مؤمن می‌باید که همیشه کفنش مهیّا باشد و نزد او حاضر باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه که نظر کند به آن کفن ثواب یابد و باید که بعد از آن دیگر در فکر زن و فرزند و مال نباشد و متوجّه جناب مقدّس ایزدی شود و به یاد او باشد و تفکّر کند که این امور فانی بکار او نمی آید و به غیر لطف و رحمت پروردگار در دنیا و آخرت چیزی به فریاد او نمی رسد و بداند که چون توکل بر حق تعالی کند امور بازماندگان او به احسن وجوه صورت خواهد یافت و بداندکه اگر خود باقی بماند بدون مشیّت الهی نفعی به ایشان نمی تواند رسانید و از ایشان ضرری دفع نمی تواند کرد و آن خداوندی که ایشان را آفریده است از او به ایشان مهربانتر است و باید که در آن حال در مقام رجاء و امید باشد و از رحمت الهی بسیار امیدوار باشد و از شفاعت رسول

خداصلی الله علیه وآله و حضرات ائمّه معصومین علیهم السلام امید عظیم داشته باشد و منتظر قُدُوم شریف ایشان باشد و بداند که همگی در آن وقت حاضر می‌شوند و شیعیان خود را بشارتها می‌دهند و ملك موت را سفارشها می‌کنند شیخ طوسی در مصبّاح متهجّد فرموده مستحب است برای انسان وصیّت و اخلال نکردن به آن، چه آنکه روایت شده که سزاوار است برای آدمی که شب به روز نیاورد مگر آنکه وصیّت نامه اش زیر سرش باشد و مؤکد است در حال مرض و نیکو وصیّت کند و خلاص کند خود را از حقوقی که ما بین او و خدا است و از مظالم عباد و به تحقیق روایت شده از رسول خداصلی الله علیه وآله که هر که نیکو نکند وصیّت را در نزد مرگ خود این نقص در عقل و مروّت او بوده است گفتند یا رسول اللَّه صلی الله علیه وآله چگونه است آن وصیّت نیکو فرمود چون حاضر شود وفات او و جمع شده باشند مردم نزد او بگوید:

اَللَّهُمَّ فاطِرَ السَّمواتِ وَالْأَرْضِ عالِمَ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ الرَّحْمنَ الرَّحیمَ اِنّی اَعْهَدُ اِلَیْكَ اَنّی اَشْهَدُ اَنْ لااِلهَ اِلاَّاللَّهُ وَحْدَهُ لاشَریكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لارَیْبَ فیها وَ اَنَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ اَنَّ الْحِسابَ حَقٌّ وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ اَنَّ ما وُعِدَ فیها مِنَ النَّعیمِ مِنَ الْمَاْكَلِ وَ الْمَشْرَبِ وَ النِّكاحِ حَقٌّ وَ اَنَّ النّارَ حَقٌّ وَ اَنَّ الْأیمانَ حَقٌّ وَ اَنَ الدّینَ كَما وَصَفَ وَ اَنَّ الْأِسْلامَ كَما شَرَعَ وَ اَنَّ الْقَوْلَ كَما قالَ وَ اَنَّ الْقُرآنَ كَما اَنْزَلَ وَ اَنَّ اللَّهَ هُوَالْحَقُّ الْمُبینُ وَ اَنّی اَعْهَدُ اِلَیْكَ فی دارِ الدُّنْیا اَنّی رَضیتُ بِكَ رَبّاً وَ بِالْأِسْلامِ دیناً وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ نَبِیّاً وَ بِعَلِیٍّ وَلِیّاً وَ بِالْقُرْآنِ كِتاباً وَ اَنَّ اَهْلَ بَیْتِ نَبِیِّكَ عَلَیْهِ

وَ عَلَـيْهِمُ السَّـلامُ اَئِمّـتى اَللّٰهُـمَّ اَنْـتَ ثِقَـتى عِنْـدَ شِـدَّتى وَرَجـائى عِنْـدَ كُـرْبَتى وَ عُـدَّتى عِنْـدَ الأُمُـورِ الَّـتى تَـنْزِلُ بى وَ اَنْـتَ وَلِـيّى فى نِعْمَـتى وَ اِلهِـى وَ اِلٰهُ آبائى صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِهِ وَ لاتَكِلْـنى اِلى نَفْسى‌ـ طَرْفَـةَ عَـيْنٍ اَبَـداً وَ انِـسْ فى قَبْرى وَحْشَـتى وَاجْعَلْ لى عِنْدَكَ عَهْدَاً يَوْمَ اَلْقاكَ مَنْشُوراً.

پس اين عهد ميّت است در روزى كه وصيّت مى‌كند به حاجت خود و وصيّت حقّ است بر هر مسلمانى فرمود حضرت صادق عليه السلام كه تصديق اين در سوره مريم است قول خداوند تبارك و تعالى:

لايَمْلِكُونَ الشَّفاعَةَ اِلاَّ مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمٰنِ عَهْداً

يعنى مالك نمى شوند شفاعت را مگر كسى كه فراگرفته از نزد خداى بخشنده عهد و پيمان را و اين همان عهد است و فرمود رسول خداصلى الله عليه وآله به اميرالمؤمنين عليه السلام كه بياموز آن را و تعليم كن آن را به اهل بيت و شيعه خود فرمود آن حضرت كه آموخت آن را به من جبرئيل پس شيخ فرموده نسخه آن نوشته كه گذارده مى‌شود با ميّت در نزد جريده بگويد پيش از نوشتن:

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمٰنِ الـرَّحيمِ اَشْـهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْـدَهُ لاشَريـكَ لَهُ وَ اَشْـهَدُ اَنَ مُحَمَّـداً عَبْـدُهُ وَ رَسُـولُهُ صَـلَّى اللَّهُ عَلَيْـهِ وَ آلِهِ وَ اَنَّ الْجَنَّـةَ حَـقٌّ وَ اَنَّ النَّـارَ حَـقٌّ وَ اَنَّ السَّـاعَةِ حَـقٌّ آتيَـةٌ لارَيْـبَ فيهـا وَ اَنَّ اللَّهَ يَبْعَـثُ مَـنْ فِى الْقُبُورِ

آنگاه بنويسد:

بِسْـمِ اللَّهِ الـرَّحْمٰنِ الـرَّحيمِ شَـهِدَ الشُّـهُودُ الْمُسَـمَّوْنَ فى هـذَا الْكِتـابِ اَنَّ اَخاهُمْ فِى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فلان بن فلان)

بجای این اسم آن شخص ذکر شود:

اَشْهَدَهُمْ وَاسْتَوْدَعَهُمْ وَاَقَرَّ عِنْدَهُمْ اَنَّهُ یَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ وَ اَنَ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّهُ مُقِرٌّ بِجَمیعِ الْأَنْبِیآءِ وَالرُّسُلِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللَّهِ وَ اِمامُهُ وَ اَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اَئِمَّتُهُ وَ اَنَّ اَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ وَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِیُّ بْنُ مُوسی وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ عَلِیُ بْنُ مَحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ وَالْقائِمُ الْحُجَّةُ عَلَیْهِمُ السَّلامُ وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِیَةٌ لارِیْبَ فیها وَ اَنَّ اللَّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ وَ اَنَ مُحَمَّداً صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ [عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ] جاءَ بِالْحَقِّ وَ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللَّهِ وَالْخَلیفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ مُسْتَخْلَفُهُ فی اُمَّتِهِ مُؤَدِّیاً لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبارَکَ وَ تَعالی وَ اَنَّ فاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَیْها الْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ اِبْنا رَسُولِ اللَّهِ وَسِبْطاهُ [وَ] اِمامَا الْهُدی وَ قائِداَ الرَّحْمَةِ وَ اَنَّ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ جَعْفَراً وَ مُوسی وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ حَسَناً وَالْحُجَّةَ عَلَیْهُم السَّلامُ اَئِمَّةٌ وَقادَةٌ وَ دُعاةٌ اِلَی اللَّهِ جَلَّ وَ عَلا وَ حُجَّةٌ عَلی عِبادِهِ

پس بگوید: یا شُهُودُ ای فلان و ای فلان که نام برده شده اید در این نوشته ثابت کنید برای من این شهادت را نزد خودتان تا ملاقات کنید به آن مرا در نزد حوض کوثر پس شهود بگویند ای فلان:

نَسْتَوْدِعُکَ اللَّهَ وَالشَّهادَةُ وَالْأِقْرارُ وَ الْأِخاءُ مَوْدُوعَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَنَقْرَءُ عَلَیْکَ السَّلامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ

پس به هم پیچند آن صحیفه را و مُهر کنند او را و باید مختوم شود به مُهر شهود و مُهر میّت و گذاشته شود در طرف راست میّت با جریده و نوشته شود صحیفه با کافور با سَرِ چوبی و معطّر و خوشبو نباشد و سزاوار است که در وقتی که مرگ حاضر می‌شود باطن قدمهای محتضر را رو به قبله کنند و بوده باشد نزد او کسی که بخواند سوره یس و صافّات و ذکر کند خدا را و تلقین کند او را شهادتین و اقرار به یك یك از امامان علیهم السلام و تلقین کند او را کلمات فَرَج:

لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمواتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ ما فیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ ما تَحْتَهُنَّ وَ رَبِ الْعَرشِ الْعَظیمِ وَالْحَمْدُ للَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ وَالصَّلوةُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِبینَ

و حاضر نشود نزد او جُنُب و حایض و چون از دنیا گذشت فرو خوابانند چشمانش راو بکِشند دستهایش را و بهم گذارند دهانش را و بکِشند ساقهایش را و ببندند چانه اش را و شروع کنند در تحصیل کفن او و کفن واجب او سه پارچه است لُنگ وپیراهن و اِزار که سرتاسری باشد و مستحبّ است که زیاد شود بر این پارچه ها حِبَرِه یَمَنِیّه و آن جامه ای است که ازیمن می‌آورندیااِزار دیگر و زیاد کنند پارچه پنجمی که به پیچند به آن رانهای میّت را و مستحبّ است که علاوه بر اینها عمامه برای او قرار دهند پس تحصیل کنند برای او مقداری از کافور که آتش به آن نرسیده باشد و افضل آن وزن سیزده درهم و ثلث است و اوسط آن چهار مثقال و اَقلّ آن یك درهم است و اگر دشوار باشد هر قدر که

ممکن است تحصیل کنند و سزاوار است که بنویسد بر همه کفنها یعنی بر هر پارچه ای از آن:

فُلانٌ یَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّهِ وَ اَنَ عَلِیّاً اَمیرُ الْمُؤْمِنینَ وَ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ (و یک یک امامان را ذکر کند) (پس بنویسد) اَئِمَّتُهُ اَئِمَّةُ الْهُدَی الْأَبْرارُ

و بنویسد این را به تربت امام حسین علیه السلام یا به انگشت و ننویسند به سیاهی و باید غسل دهند میّت را به سه غسل اوّل به آب سِدر دوّم به آب کافور سیّم به آب خالص و کیفیّت غسلش مثل غُسل جنابت است ابتدا می‌کند اوّل به شستن دستهای میّت سه مرتبه پس می‌شوید عورت او را به کمی از اِشنان سه مرتبه پس غسل می‌دهد سَر او را با کف سدر سه مرتبه پس جانب راست و بعد جانب چپ را به همین نحو و می‌کشد دست خود را بر جمیع بدن میّت و باید این شستنها به آب سدر باشد پس بشوید ظرفها را تا اثر سدر برود و بریزد در ظرف آب دیگری و بیندازد در آن کمی از کافور پس غسل دهد او را به آب کافور مثل غسل به آب سدر و بریزد بقیّه آب را و بشوید ظرفها را پس آب خالص بیاورد و غسل سیّم بدهد به همان نحو و بایستد غسل دهنده بر جانب راست او و بگوید هر زمانی که غسل دهد از او عضوی را عَفْواً عَفْواً و چون از غسل دادن فارغ شود بخشکاند بدن میّت را به جامه نظیفی و واجب است بر غسل دهنده غسل در این حال یا در مابعد و مستحبّ است مقدّم داشتن وضو بر غسلهایِ میّت پس کفن کند او را و حاضر کند آن پارچه پنجمی را که ران پیچ باشد و پهن کند و بگذارد بر روی آن مقداری از پنبه و بپاشد بر

آن مقداری زریره و بگذارد آن را بر قُبُل و دُبُر میّت و بر سوراخ دُبر او پنبه بگذارد پس آن پارچه را ببندد بر رانهای او و محکم ببندد رانهای او را پس لُنگش را ببندد از نافش تا هر کجا که برسد و بپوشاند بر او پیراهنش و بالای آن سرتاسری را و بالای آن حِبَرِه و یا چیزی که قایم مقام آن باشد و بگذارد با او دو جریده از چوب خرما یا از درخت دیگری و باید تَر وتازه باشد و درازی آن به مقدار استخوان ذراع باشد می‌گذارد یکی از آن دو را در جانب راست چسبیده به بدن از آن محلّی که موضع بستن لُنگ است و دیگری را در جانب چپ ما بین پیراهن و سرتاسری و بگذارد کافور را بر مواضع سجده میّت که پیشانی و باطن کفها و سر زانوها و اطراف انگشتان پاها باشد و اگر از کافور چیزی زیاد آمد بگذارد بر سینه او و بپیچد بر او کفنهایش را و ببندد او را از جانب سر و پاهایش تا او را به خاك سپرد و در آن وقت گره کفن را بگشاید و چون از امر کفن فارغ شدند او را سوار بر تابوت کنند و ببرند او را تا مصلّی پس بر او نماز بخوانند علامه مجلسی در زادالمعاد در باب نماز میّت فرموده آنچه که مُلخّصش این است این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم به فوت شخصی به هم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می‌شود و واجب است نماز بر شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بی خلاف و اشهر و اقوی آن است که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهراً به قصد قربت اکتفا می‌توان کرد و کمتر از شش ماهه را اگر زنده متولّد شده باشد بعضی سُنّت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است و سزاوارترین مردم به نماز میّت وارث او است بنا بر مشهور و شوهر اَوْلی است به زن خود و واجبست که

نماز گذارنده رو به قبله بایستد و سر جنازه به جانب راست او باشد و میّت بر پشت خوابیده باشد و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این نماز را می‌توانند کرد و سنّت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنّت است که تیمم کند و ظاهر بعضی احادیث است که بدون عذر نیز تیمّم مستحب است و سنّت است که پیش نماز برابر میان مرد بایستد و سینه زن بنابر مشهور و سنّت است که کفش را بکَنَند و واجب است که نیّت نماز کنند و پنج تکبیر بگویند و سنّت است که در هر تکبیر دستها را بردارند تا محاذی گوشها و مشهور آن است که بعد از تکبیر اوّل بگویند:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اِلاَّ اللَّهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ

و بعد از تکبیر دوّم بگوید:

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

و بعد از تکبیر سیّم بگویند:

اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ

و بعد از تکبیر چهارم بگویند:

اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهذَا الْمَیِّتِ

و تکبیر پنجم را بگویند و فارغ شوند مجزی است

و موافق مشهور بهتر آن است که چنین کند بعد از نیّت بگوید:

اَللَّهُ اَکْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلَهَ اللَّهُ وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشیراً وَ نَذیراً بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَةِ

پس بگوید:

اللّهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ ما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلی اِبْرهیمَ وَ آلِ اِبْرهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ وَ صَلِّ عَلی جَمیعِ الْأَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلینَ

پس بگوید:

اَللّهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمینَ وَالْمُسْلِماتِ الْأَحْیاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْواتِ تابِعْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُمْ بِالْخَیْراتِ اِنَّکَ مُجیبُ الدَّعَواتِ اِنَّکَ عَلی کُلِّشَیْءٍ قَدیرٌ

پس بگوید:

اللّهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هذا عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ وَابْنُ اَمَتِکَ نَزَلَ بِکَ وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلاَّ خَیْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّا اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَ مُحْسِناً فَزِدْ فی اِحْسانِهِ وَ اِنْ کانَ مُسیئاً فَتَجاوَزْ عَنْهُ وَاغْفِرِ لَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَکَ فی اَعْلا عِلِّیّینَ وَاخْلُفْ عَلی اَهْلِهِ فِی الْغابِرینَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

پس بگوید اللّهُ اَکْبَرُ و فارغ می‌شود و اگر زن باشد می‌گوید:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هذِهِ اَمَتُکَ وَابْنَةُ عَبْدِکَ نَزَلَتْ بِکَ وَ اَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنّا لا نَعْلَمُ مِنْها اِلاَّ خَیْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهامِنّا اَللّٰهُمَّ اِنْ کانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فی اِحْسانِها وَ اِنْ کانَتْ مُسیئَةً فَتَجاوَزْ عَنْها وَاغْفِرْ لَها اَللّٰهُمَّ اجْعَلْها عِنْدَکَ

فى اَعْـلا عِلِّيـيِّنَ وَاخْلُـفْ عَـلى اَهْلِهـا فِى الْغـابِرينَ وَارْحَمْهـا بِرَحْمَتِـكَ يا اَرْحَـمَ الرَّاحِمينَ

و اگر ميّت مستضعف باشد بگويد:

اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذينَ تابُوا وَاتَّبَعُوا سَبيلَكَ وَقِهِمْ عَذابَ الْجَحيمِ

و اگر ميّت طفل نابالغ باشد بگويد:

اَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِأَبَوَيْهِ وَ لَنا سَلَفاً وَ فَرَطاً وَ اَجْراً

و سنّت است كه بر جاى خود بايستد تا جنازه را بردارند خصوصاً پيش نماز

و در روايتى وارد شده است كه بعد از فارغ شدن از نماز بگويد:

رَبَّنا آتِنا فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَ فِى الْأخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ

از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه سزاوار آن است كه برادران مؤمن را خبر كنند به مردن اوتا به جنازه او حاضر گردند و بر او نماز كنند و از براى او استغفار كنند و ميّت و ايشان همه ثواب ببرند و در حديث حسن از حضرت صادق عليه السلام منقول است كه چون مؤمن را به قبر مى‌گذارند او را ندا مى‌كنند كه اوّل عطائى كه تو را داديم بهشت است و اوّل عطائى كه داديم آنها را كه با جنازه تو آمده اند آمرزش گناهان است و در حديث ديگر فرمود كه اوّل تحفه اى كه به مؤمن مى‌دهند در قبر آن است كه مى‌آمرزند هر كس را كه همراه جنازه او بوده است و در حديث ديگر فرموده كه هر كه همراهى جنازه مؤمنى بكند تا او را دفن بكنند حق تعالى در قيامت هفتاد ملك بر او بگمارد كه همراهى او نمايند و استغفار براى او كنند از قبر تا موقف حساب و فرمود كه هر كه يك

طرف جنازه بگیرد بیست و پنج گناه کبیره اش آمرزیده شود و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس بردارند و بهتر آن است که از برای کسی که تشییع جنازه کند اوّل دست راست میّت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میّت را باز بدوش راست بردارد پس از پشت جنازه برود و پای چپ میّت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میّت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد و باز به همان روش تربیع کند و اکثر علماء برعکس گفته اند که اوّل ابتداء بدست راست جنازه می‌کند پس به پای راست پس به پای چپ پس به دست چپ و اوّل موافق احادیث معتبر اولی است و اگر هر دو رابه عمل آورند بهتر است و افضل آن است که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آن است که اگر جنازه مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوبست و در جنازه خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال به عذاب می‌کنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که هر که جنازه ای را به بیند این دعا را بخواند:

اَللَّهُ اَكْـبَرُ هـذا مـا وَعَـدَنَا اللَّهُ وَ رَسُـولُهُ وَ صَـدَقَ اللَّهُ وَ رَسُـولُهُ اَللَّهُـمَّ زِدْنا ایماناً وَ تَسْلیماً اَلْحَمْدُللَّهِ الَّذی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَ قَهَرَ الْعِبادَ بِالْمَوْتِ

هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحّم به او

و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که در حال برداشتن جنازه این دعا را بخواند:

بِسْـمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اَللَّهُـمَّ صَـلِّ عَـلى مُحَمَّـدٍ وَ آلِ مُحَمَّـدٍ وَاغْفِـرْ لِلْمُـؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ

و منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام هرگاه جنازه ای را می‌دید می‌گفت:

اَلْحَمْدُ للَّهِ الَّذی لَمْ یَجْعَلْنی مِنَ السَّوادِ الْمُخْتَرَمِ.

و زنان را تشییع جنازه سنّت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و مکروه است کسی را که به جنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن و نیز علامه مجلسی در حلیه فرموده از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که هر که بر جنازه ای نماز کند هفتاد هزار ملك بر او نماز کنند و گناهان گذشته اش آمرزیده شود پس اگر همراهی کند تا او را دفن کنند به هر قدمی که بردارد قیراطی از ثواب به او بدهند که قیراطی مانند کوه احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر مؤمنی بر جنازه ای نماز کند بهشت او را واجب می‌شود مگر آنکه منافق یا عاقّ پدر و مادر باشد و به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون مؤمنی بمیرد و در جنازه او چهل نفر از مؤمنان حاضر شوند و بگویند: اَللَّهُمَّ اِنَّا لا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلاَّ خَیْراً وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا یعنی خداوندا ما از او به غیر از نیکی چیزی نمی دانیم و تو داناتری به احوال او از ما چون این را بگویند حق تعالی فرماید که من شهادت شما را قبول کردم و آمرزیدم آن گناهانی را که می‌دانم و شما نمی دانید و در حدیث معتبر دیگر از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقول است که اوّل چیزی که در عنوان نامه مؤمن می‌نویسند بعد از مرگش آن چیزی است که مردم در حقّ او می‌گویند اگر

نیك می‌گویند نیك می‌نویسند و اگر بد می‌گویند بد می‌نویسند فقیر گوید که شیخ طوسی در مصباح متهجّد فرموده و مستحبّ است تربیع جنازه یعنی بدوش بگیرد جانب کتف راست میّت را پس از آن بیاید بطرف پا بدوش بگذارد پای راست او را پس از آن پای چپ او را و بعد از آن کتف چپ او را حاصل آنکه چهار گوشه جنازه را به این ترتیب بر دوش کشد که تعبیر از آن بِدَوْررَحی کنند یعنی مثل سنگ آسیا گردیدن او باشد و چون جنازه را نزد قبر آورند اگر مرد است بگذارند او را بطرف پاهای قبر و بیاورند او را تا لب قبر در سه دفعه و اگر جنازه زن است او را بگذارند طرف پیش قبر که جانب قبله است پس داخل در قبر شود ولیّ میّت یا کسی که امر کند و نازل شود در قبر از طرف پای قبرکه آن باب قبر است و چون نازل شد بگوید:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْها رَوْضَةً مِنْ رِیاضِ الْجَنَّةِ وَلاتَجْعَلْها حُفْرَةً مِنْ حُفَرِ النّارِ

و سزاوار است که شخص نازل سر برهنه و پابرهنه باشد با بندهای گشاده پس بگیرد میّت را و از سر او داخل در قبر کند و بگوید در آن حال:

بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ فی سَبیلِ اللّٰهِ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ ایماناً بِكَ وَ تَصْدیقاً بِكِتابِكَ هذا ما وَعَدَنَا اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ اَللّٰهُمَ زِدْنا ایماناً وَ تَسْلیماً

پس بخواباند او را بر جانب راست و روی او را به قبله کند و بگشاید بندهای کفن را از جانب سر و پای او و بگذارد صورت میّت را بر خاك و مستحبّ است که بگذارد با او چیزی از تربت امام حسین علیه السلام پس بچیند بر او خشت و بگوید آن کسی که می‌چیند خشت را:

اَللَّهُمَّ صِلْ وَحْدَتَهُ وَ انِسْ وَحْشَتَهُ وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَغْنى بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كانَ يَتَوَلاَّهُ [مِنَ الائِمَّةِ الطَّاهِرينَ].

و مستحبّ است که تلقین کرده شود میّت به شهادتین و اسماء ائمه علیهم السلام وقت گذاشتن در قبر پیش از چیدن خشت بر او پس می‌گوید تلقین کننده: يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ (و به جای این اسم می‌برد آن میّت و پدر او را)

اُذْكُرِ العَهْدَ الَّذى خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنْ دارِ الدُّنْيا شَهادَةَ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لاشَريكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّ عَلِيّاً اَميرَالْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ

و ذکر کند ائمّه را یك به یك تا آخر اَئِمَّتُكَ اَئِمَّةُ الْهُدىَ الْأَبْرارُ

پس وقتی که فارغ شد از چیدن خشت بریزد خاك بر او و مستحب است که خاك بریزند کسانی که حاضر شده اند با پشت دستهای خودشان و بگویند در آن حال:

اِنَّا للّهِ وَ اِنَّا اِلَيْهِ راجِعُونَ هذا ما وَعَدَنَا اللّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللّهُ وَ رَسُولُهُ اَللَّهُمَّ زِدْنا ايماناً وَ تَسْليماً

پس چون اراده کند بیرون آمدن از قبر را بیرون بیاید از طرف پاهای میّت پس پرکند قبر را و بلند کند از زمین بقدر چهار انگشت و نریزد در قبر غیر از خاك قبر و گذارده شود نزد سَرِ او خشتی یا لوحی پس بریزد آب بر قبر و ابتداء کند به ریختن آب از جانب سر پس دَوْر داده شود آب ریختن بر چهار طرف قبر تا برگردد نزد سر آنجائی که اوّل شروع کرده است به آب ریختن پس اگر از آن

آب چیزی زیاد بیاید بریزد بر وسط قبر پس وقتی که پوشانید قبر را بگذارد دست خود را بر قبر هر کسی که می‌خواهد و بگشاید انگشتان خود را و فرو ببرد در خاك قبر و دعا کند برای میّت پس بگوید:

اَللَّهُمَّ انِسْ وَحْشَتَهُ وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَاَسْكِنْ رَوْعَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَغْنى بِها عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِواكَ وَ احْشُرْهُ مَعَ مَنْ كانَ يَتَوَلاَّهُ

پس وقتی که برگشتند مردم از نزد قبر تأخیر بیندازد برگشتن خود را کسی که سزاوارتر است به آن میّت و مهربانی کند به او و بگوید به صدای بلند اگر مقام تقیّه نباشد یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ (اسم میّت و پدر او را ببرد)

اَللّهُ رَبُّكَ وَمُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَالْقُرْآنُ كِتابُكَ وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتُكَ وَ عَلِيٌّ اِمامُكَ وَالْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ (ونام ببردائمّه رایك یك) ائِمَّتُكَ ائِمَّةُالْهُدىَ الْأَبْرارُ

مؤلّف گوید که غیر از وقت احتضار از برای میّت دو جا تلقین مستحبّ است یکی وقتی که او را در قبر گذارند و بهتر آن است که بدست راست دوش راست او را و بدست چپ دوش چپ او را بگیرند و او را حرکت دهند و تلقین کنند و دیگر وقتی که او را دفن کردند سنّت است که ولیّ میّت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم از سر قبر او برگردند نزد سَر میّت بنشیند و به صدای بلند او را تلقین کند و خوب است که دو کف دست را روی قبر گذارد و دهان را نزدیك قبر برد و اگر دیگری را نائب کند نیز خوب است و در اخباروارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر به نکیر می‌گوید بیا برویم

تلقین حجّتش کردند احتیاج به پرسیدن نیست پس برمی گردند و سؤال نمی کنند علّامه مجلسی علیه الرّحمه فرموده و تلقین کننده به این نحو بگوید جامع تر است:

اِسْمَعْ اِفْهَمْ یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ (و نام او و پدرش را بگوید) هَلْ اَنْتَ عَلَی الْعَهْدِ الَّذی فارَقْتَنا عَلَیْهِ مِنْ شَهادَةِ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ سَیِّدُ النَّبِیّینَ وَ خاتَمُ الْمُرْسَلینَ وَ اَنَ عَلِیّاً اَمیرُ الْمُؤْمِنینَ وَ سَیِّدُ الْوَصِیّینَ وَ اِمامٌ افْتَرَضَ اللّهُ طاعَتَهُ عَلَی الْعالَمینَ وَ اَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ وَ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِیَّ بْنَ مُوسی وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ وَ عَلِیَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍ وَالقآئِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِیَّ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِمْ اَئِمَّةُ الْمُؤْمِنینَ وَ حُجَجُ اللّهِ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعینَ وَ اَئِمَّتُکَ اَئِمَّةُ هُدَیً اَبْرارٌ یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اِذا اَتاکَ الْمَلَکانِ الْمُقَرَّبانِ رَسُولَیْنِ مِنْ عِنْدِاللّهِ تَبارَکَ وَ تعالی وَ سَئَلاکَ عَنْ رَبِّکَ وَ عَنْ نَبِیِّکَ وَ عَنْ دینِکَ وَ عَنْ کِتابِکَ وَ عَنْ قِبْلَتِکَ وَ عَنْ اَئِمَّتِکَ فَلا تَخَفْ وَ قُلْ فی جَوابِهِما اَللّهُ جَلَّ جَلالُهُ رَبّی وَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ نَبِیّی وَالْاِسْلامُ دینی وَ الْقُرْآنُ کِتابی وَالْکَعْبَةُ قِبْلَتی وَ اَمیرُالْمُؤْمِنینَ عَلِیُّ بْنُ اَبیطالِبٍ اِمامی وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ الْمُجْتَبی اِمامی وَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ الشَّهیدُ بِکَرْبَلاءَ اِمامی وَ عَلِیٌّ زَیْنُ العابِدینَ اِمامی وَ مُحَمَّدٌ باقِرُ عِلْمِ النَّبِیّینَ اِمامی وَ جَعْفَرٌ الصّادِقُ اِمامی وَ مُوسَی الْکاظِمُ اِمامی وَ عَلِیٌّ الرِّضا اِمامی وَ مُحَمَّدٌ الْجَوادُ اِمامی وَ عَلِیٌّ الْهادی اِمامی وَ الْحَسَنُ الْعَسْکَرِیُّ اِمامی وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اِمامی هؤُلاءِ صَلَواتُ اللّهِ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ اَئِمَّتی وَ سادَتی وَقادَتی وَ شُفَعآئی

بِهِمْ اَتَوَلّی وَ مِنْ اَعْدآئِهِمْ اَتَبَرَّءُ فِی الدُّنْیا وَالْأخِرَةِ ثُمَّ اعْلَمْ یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اَنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی نِعْمَ الرَّبُّ وَ اَنَّ مُحَمَّداً صَلَّی اللّه عَلَیْهِ وَ آلِهِ نِعْمَ الرَّسُولُ وَ اَنَّ اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِبٍ وَ اَوْلادَهُ الْأئِمَّةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعْمَ الْأَئِمَّةُ وَ اَنَّ ما جآءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ حَقٌّ وَ اَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤالَ مُنْکَرٍ وَ نَکیرٍ فِی الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَ الصِّراطَ حَقٌّ وَالْمیزانَ حَقٌّ وَ تَطائُرَ الْکُتُبِ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النّارَ حَقٌّ وَ اَنَّ السّاعَةَ آتِیَةٌ لارَیْبَ فیها وَ اَنَّ اللّهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ

پس بگوید

اَفَهِمْتَ یا فُلانُ

در حدیث است که میّت در جواب می‌گوید بلی فهمیدم پس بگوید:

ثَبَّتَکَ اللّهُ بِالْقَوْلِ الثّابِتِ هَداکَ اللّهُ اِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ عَرَّفَ اللّهُ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ اَوْلیائِکَ فی مُسْتَقرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ

پس بگوید:

اَللّهُمَّ جافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَیْهِ وَاصْعَدْ بِرُوحِهِ اِلَیْکَ وَلَقِّهِ مِنْکَ بُرْهاناً اَللّهُمَّ عَفْوَکَ عَفْوَکَ

به کلمه شریفه عفو ختم کردم این رساله را رجاء واثق که عفو الهی شامل گردد حال این روسیاه و کسانی که به این رساله (عمل می‌نمایند) و کان ذلك فی آخر یوم الجمعه التّاسع عشرمن شهر محرّم الحرام سنة ۱۳۴۵ الف و ثلثمائة و خمس و اربعین فی جوار امامنا المسموم مولینا الغریب المظلوم ابی الحسن علیّ بن موسی

الرّضا علیه و علی آبائهُ السّلام من الحیّ القیّوم والحمدللّه اوّلاً و آخراً وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحمّد و آلهِ کتبه بیمناه الوازرة عبّاس بن محمّد رضا القمیّ عفی عنهما.

ملحقات باقیات الصالحات

بِسْم اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ

ذکر چند دعای مُوجز و عَوذه های مختصره که نقل شده از کتاب بحار و ملحق شده به کتاب باقیات صالحات

اوّل

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که مردی را دید که می‌خواند از روی دفتری دعای طولانی حضرت فرمود ای مرد آن خدائی که می‌شنود کثیر را جواب می‌دهد از قلیل آن شخص عرض کرد ای مولای من می‌فرمائی چه کنم فرمود بگو:

اَلْحَمْدُ للَّهِ عَلی کُلِّ نِعْمَةٍ وَاَسْئَلُ اللَّهَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ وَ اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ کُلِّ شَرٍّ وَ اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ.

[دفع هول و غم]

دوّم دعائی است که حضرت صادق علیه السلام تعلیم فرمود آن را به بعضی از اصحاب خود که برای دفع هول و غمّ بخواند:

اَعْدَدْتُ لِکُلِّ عَظیمَةٍ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَ لِکُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لا حَوْلَ وَ لا قُوَةَ اِلاَّ بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ النُّورُ الْأَوَّلُ وَ عَلِیٌّ النُّورُ الثَّانی وَ الْأَئِمَّةُ الْأَبْرارُ عُدَّةٌ لِلقآءِ

اللَّهِ وَ حِجابٌ مِنْ اَعْدآءِ اللَّه ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَةِ اللَّهِ وَ اَسْئَلُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ الْكِفايَةَ.

سیّم دعائی است برای رفع بیماریها و ناخوشیها

سیّد بن طاوس(ره) فرموده که ما تجربه کردیم آن را می‌نویسی در رقعه ای

یا مَنْ اِسْمُهُ دَوآءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفآءٌ یا مَنْ یَجْعَلُ الشِّفاءَ فیما یَشاءُ مِنَ الْأَشْیاءِ صَلِ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مَحُمَّدٍ وَ اجْعَلْ شِفائی مِنْ هذَا الدَّاءِ فِي اسْمِكَ هذا

پس می‌نویسی ده مرتبه یا اَللَّهُ ده مرتبه یا رَبِّ ده مرتبه یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

چهارم برای بَثْر

یعنی آبله ریزی که بر اندام برآید از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که چون احساس کردی به آن بگذار انگشت سَبّابه را بر آن و بگردان دَوْرِ آن و بگو هفت مرتبه لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ الْحَلیمُ الْكَریمُ و دفعه هفتم بچسبان انگشت سبّابه را بر روی آن و فشار بده آن را

پنجم

روایت شده که برای خنازیر مکرّر بگوئید یا رَؤُفُ یا رَحیمُ یا رَبِّ یا سَیِّدی

ششم از برای درد کمر

روایت شده که دست بگذارد بر موضعی که درد می‌کند و سه دفع بخواند:

وَ ما كانَ لِنَفْسٍ اَنْ تَمُوتَ اِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ كِتاباً مُؤَجَّلاً وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ مَنْ یُرِدْ ثَوابَ الأَخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْها وَ سَنَجْزِی الشَّاكِرینَ

پس هفت مرتبه اِنَّا اَنْزَلْناهُ بخواند ان شاء اللّٰه عافیت یابد

هفتم برای درد ناف

روایت شده که دست بگذار بر موضع درد و بگو سه مرتبه:

وَ اِنَّهُ لَكِتابٌ عَزيزٌ لا يَأْتيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلامِنْ خَلْفِهِ تَنْزيلٌ مِنْ حَكيمٍ حَميدٍ

عافیت یابی انشاء اللّٰه

هشتم

تعویذی است برای هر درد مروی از حضرت رضا علیه السلام:

اُعيذُ نَفْسى بِرَبِّ الْأَرْضِ وَ رَبِّ السَّماءِ اُعيذُ نَفْسى بِالَّذى لايَضُرُّ مَعَ اِسْمِهِ دآءٌ اُعيذُ نَفْسى بِالَّذِى اسْمُهُ بَرَكَةٌ وَ شِفاءٌ.

نهمّ برای درد خاصره یعنی تهیگاه

روایت شده که چون فارغ شدی از نماز بگذار دست خود را بر موضع سجود خود پس بکش بر روی خاصره و بخوان آخر سوره قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ را اَفَحَسِبْتُمْ اَنَّما خَلَقْناكُمْ عَبَثاً تا آخر سوره مبارکه

دهم برای درد شکم و قولنج و نحو آن

می خوانی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً تا آخر آیه پس می‌خوانی سوره حمد را هفت مرتبه و این مجرّب است

یازدهم دعای شخص مهموم

و آن کسی که بلیّه به او رسیده و چاره اش قطع گشته در شب جمعه چون از نماز عشاء فارغ شود بگوید: لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ سُبْحانَكَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ

دوازدهم دعای حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام به جهت خلاصی از زندان

یا مُخَلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ بَیْنِ رَمْلٍ وَ طینٍ وَ ماءٍ وَ یا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَیْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ وَ یا مَخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَیْنِ مَشیمَةٍ وَ رَحِمٍ وَ یا مُخَلِّصَ النّارِ مِنْ بَیْنِ الْحَدیدِ وَ الْحَجَرِ وَ یا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَیْنَ الْأَحْشآءِ وَالْأَمْعآءِ خَلِّصْنی مِنْ یَدَیْ هارُونَ

به جای اسم هارون اسم آن ظالمی را ببرد که او را در زندان کرده

روایت شده که چون حضرت در حبس هارون این دعا را خواند بعد از آنکه شب درآمد وضو تازه کرد و چهار رکعت نماز گذاشت هارون خواب هولناکی دید بترسید امر کرد تا آن حضرت را از زندان رها کردند

سیزدهم دعاء فَرَج

اَللّهُمَّ اِنْ کانَتْ ذُنُوبی قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهی عِنْدَكَ فَاِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ نَبِیِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَةَ والْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَالْأَئِمَةِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ

و بدانکه ادعیه فَرَج بسیار است و از ادعیه فَرَج است دعای اِلهی طُمُوحُ الْأَمالِ قَدْ خابَتْ اِلاَّ لَدَیْكَ الخ و این دعا در مفاتیح در اعمال شب جمعه ذکر شد

چهاردهم دعای شریفی که در نماز وتر خوانده می‌شود

علّامه مجلسی قدس سره در بحار آن را از کتاب اختیار نقل نموده فرموده می‌کشی دست خود را به جانب آسمان و می‌گوئی:

اِلهی کَیْفَ اَصْدُرُ عَنْ بابِكَ بِخَیْبَةٍ مِنْكَ وَ قَدْ قَصَدْتُهُ عَلی ثِقَةٍ بِكَ اِلهی کَیْفَ تُؤْیِسُنی مِنْ عَطائِكَ وَ قَدْ اَمَرْتَنی بِدُعائِكَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْنی اِذَا اشْتَدَّ الْأَنینُ وَ حُظِرَ عَلَیَّ الْعَمَلُ وَانْقَطَعَ مِنّیِ الْأَمَلُ وَاَفْضَیْتُ اِلَی الْمَنُونِ وَ بَکَتْ عَلَیَّ الْعُیُونُ وَ وَدَّعَنِی الْأَهْلُ وَالْأَحْبابُ وَ حُثِیَ عَلَیَّ التُّرابُ وَ نُسِیَ اِسْمی وَ بَلِیَ جِسْمی وَانْطَمَسَ ذِکْری وَ هُجِرَ قَبْری فَلَمْ یَزُرْنی زآئِرٌ وَ لَمْ یَذْکُرْنی ذاکِرٌ وَ ظَهَرَتْ مِنّیِ الْمَاثِمُ وَاسْتَوْلَتْ عَلَیَّ الْمَظالِمُ وَ طالَتْ شِکایَةُ الْخُصُومِ وَ اتَّصَلَتْ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْضِ خُصُومی عَنّی بِفَضْلِكَ وَ اِحْسانِكَ وَ جُدْ عَلَیَّ بِعَفْوِكَ وَ رِضْوانِكَ اِلهی ذَهَبَتْ اَیّامُ لَذّاتی وَ بَقِیَتْ مَاثِمی وَ تَبِعاتی وَ قَدْ اَتَیْتُكَ مُنیباً تائِباً فَلا تَرُدَّنی مَحْرُوماً وَ لا خائِباً اَللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتی وَاغْفِرْ زَلَّتی وَ تُبْ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوابُ الرَّحیمُ.

پانزدهم دعاء حزین

دعائی است شریف بعد از نماز شب خوانده می‌شود و آن دعاء مطابق آنچه در مصباح متهجّد است این است:

اُناجیكَ یا مَوْجُوداً فی کُلِ مَکانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدائی فَقَدْ عَظُمَ جُرْمی وَ قَلَّ حَیآئی مَوْلایَ یا مَوْلایَ اَیَّ الْأَهْوالِ اَتَذَکَّرُ وَ اَیَّها اَنْسی وَ لَوْلَمْ یَکُنْ اِلاَّ الْمَوْتُ لَکَفی کَیْفَ وَ ما بَعْدَ الْمَوْتِ اَعْظَمُ وَ اَدْهی مَوْلایَ یا مَوْلایَ

حَتّى مَتى وَ اِلى مَتى اَقُولُ لَكَ الْعُتْبى مَرَّةً بَعْدَ اُخْرى ثُمَّ لا تَجِدُ عِنْدى صِدْقاً وَ لا وَفاءً فَياغَوْثاهُ ثُمَّ واغَوْثاهُ بِكَ يا اَللَّهُ مِنْ هَوىً قَدْ غَلَبَنى وَ مِنْ عَدُوٍّ قَدِ اسْتَكْلَبَ عَلَىَّ وَ مِنْ دُنْيا قَدْ تَزَيَّنَتْ لى وَ مِنْ نَفْسٍ اَمَّارَةٍ بِالسُّوءِ اِلاَّ ما رَحِمَ رَبّى مَوْلاىَ يا مَوْلاىَ اِنْ كُنْتَ رَحِمْتَ مِثْلى فَارْحَمْنى وَ اِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلى فَاقْبَلْنى يا قابِلَ السَحَّرَةِ اقْبَلْنى يا مَنْ لَمْ اَزَلْ اَتَعَرَّفُ مِنْهُ الْحُسْنى يا مَنْ يُغَذّينى بِالنِّعَمِ صَباحاً وَ مَساءً اِرْحَمْنى يَوْمَ اتيكَ فَرْدَاً شاخِصاً اِلَيْكَ بَصَرى مُقَلِّداً عَمَلى قَدْ تَبَرَّءَ جَميعُ الْخَلْقِ مِنّى نَعَمْ وَ اَبى وَ اُمّى وَ مَنْ كانَ لَهُ كَدّى وَ سَعْيى فَاِنْ لَمْ تَرْحَمْنى فَمَنْ يَرْحَمُنى وَ مَنْ يُونِسُ فِى الْقَبْرِ وَحْشَتى وَ مَنْ يُنْطِقُ لِسانى اِذا خَلَوْتُ بِعَمَلى وَ سآئَلْتَنى عَمّا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّى فَاِنْ قُلْتُ نَعَمْ فَاَيْنَ الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ وَ اِنْ قُلْتُ لَمْ اَفْعَلْ قُلْتَ اَلَمْ اَكُنِ الشّاهِدَ عَلَيْكَ فَعَفوَكَ عَفْوَكَ يا مَوْلاىَ قَبْلَ سَرابيلِ الْقَطِرانِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يا مَوْلاىَ قَبْلَ جَهَنَّمَ وَالنّيرانِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يا مَوْلاىَ قَبْلَ اَنْ تُغَلَّ الْأَيْدى اِلَى الْأَعْناقِ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمينَ وَ خَيْرَ الْغافِرينَ.

شانزدهم

روايت شده از ثقه جليل عالم عابد عبداللّه بن جندب كه از بزرگان اصحاب حضرت موسى و امام رضا عليهما السلام و وكيل ايشان مى‌باشد آنكه وقتى عريضه اى خدمت حضرت ابوالحسن يعنى امام موسى عليه السلام نوشت و در آن عرض كرد كه فدايت شوم من پير شدم و ضعف و عجز پيدا كردم از بسيارى از آنچه قوّت داشتم بر آن و دوست دارم فدايت شوم كه تعليم فرمائى مرا كلامى كه مرا به خداوند تعالى نزديك كند و فهم وعلم مرا زيادكند حضرت درجواب او، او

را امر فرموده بود که بسیار بخواند این ذکر شریف را بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ لا حَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

هفدهم

در حدیث قدسی است که ای محمّد صلی الله علیه وآله بگو به کسانی که می‌خواهند تقربّ بجویند بسوی من بدانید از روی یقین که این کلام افضل است از هر چیزی که تقرّب می‌جویند به سبب آن به سوی من بعد از فرائض و آن کلام این است که می‌گوئی:

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَمْ یُمْسِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ اَنْتَ اِلَیْهِ اَحْسَنُ صَنیعاً وَ لا لَهُ اَدْوَمُ کَرامَةً وَ لا عَلَیْهِ اَبْیَنُ فَضْلاً وَ لا بِهِ اَشَدُّ تَرَفُّقاً وَ لا عَلَیْهِ اَشَدُّ حِیاطَةً وَ لا عَلَیْهِ اَشَدُّ تَعَطُّفاً مِنْكَ عَلَیَّ وَ اِنْ کانَ جَمیعُ الْمَخْلُوقینَ یُعَدِّ دُونَ مِنْ ذلِكَ مِثْلَ تَعْدیدی فَاشْهَدْ یا کافِیَ الشَّهادَةِ بِاَنّی اُشْهِدُكَ بِنِیَّةِ صِدْقٍ بِاَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَ الطَّوْلَ فی اِنْعامِكَ عَلَیَّ مَعَ قِلَّةِ شُکْری لَكَ فیها یا فاعِلَ کُلِّ اِرادَةٍ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ طَوِّقْنی اَماناً مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقِلَّةِ الشُّکْرِ وَ اَوْجِبْ لی زِیادَةً مِنْ اِتْمامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الْمَغْفِرَةِ اَمْطِرْنی خَیْرَكَ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لاتُقایِسْنی بِسُوءِ سَریرَتی وَامْتَحِنْ قَلْبی لِرِضاكَ وَ اجْعَلْ ما تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَیْكَ فی دینِكَ لَكَ خالِصاً وَ لا تَجْعَلْهُ لِلُزُومِ شُبْهَةٍ اَوْ فَخْرٍ اَوْ رِیاءٍ یا کَریمُ.

فقیر گوید که این دعا از ادعیه سِرّ قُدسیّه است و آن سی و یك دعاء است که برای حوائج دنیا و آخرت است و مشایخ آن را با اسانید متّصله نقل کرده اند و بعضی از ادعیه آن در مصباح متهجّد و مصباح کفعمی ذکر شده و هر

که طالب تمام آن است رجوع کند به کتاب بلدالأمین یا کتاب دعای بحار یا جواهر السّنیّة و ما در اینجا یك دعای دیگر از آن نقل می‌کنیم

هیجدهم و نیز در ادعیه سِرّ است

که هر که اراده کرده که بیرون رود از اهل خود پی حاجتی یا سفری و دوست داشته باشد که او را بر گردانم سالم با برآوردن حاجتش پس بگوید وقتی که بیرون می‌شود از خانه اش:

بِسْمِ اللَّهِ مَخْرَجی وَ بِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَ قَدْ عَلِمَ قَبْلَ اَنْ اَخْرُجَ خُرُوجی وَ قَدْ اَحْصی عِلْمُهُ ما فی مَخْرَجی وَ مَرْجِعی تَوَكَّلْتُ عَلَى الْأِ لهِ الْأَكْبَرِ تَوَكُّلَ مُفَوِّضٍ اِلَيْهِ اَمْرَهُ وَ مُسْتَعينٍ بِهِ عَلى شُؤُنِهِ مُسْتَزيدٍ مِنْ فَضْلِهِ مُبَرِّءٍ نَفْسَهُ مِن كُلِّ حَوْلٍ وَ مِنْ كُلِّ قُوَّةٍ اِلاَّ بِهِ خُرُوجَ ضَريرٍ خَرَجَ بِضُرِّهِ اِلى مَنْ يَكْشِفُهُ وَ خُرُوجَ فَقيرٍ خَرَجَ بِفَقْرِهِ اِلى مَنْ يَسُدُّهُ وَ خُرُوجَ عائِلٍ خَرَجَ بعيلَتِهِ اِلى مَنْ يُغْنيها وَ خُرُوجَ مَنْ رَبُّهُ اَكْبَرُ ثِقَتِهِ وَ اَعْظَمُ رَجائِه وَ اَفْضَلُ اُمْنِيَّتِهِ اَللَّهُ ثِقَتی فی جَميعِ اُمُوری كُلِّها بِهِ فيها جَميعاً اَسْتَعينُ وَلاشَيْئَ اِلاَّ ما شاءَ اللَّهُ فی عِلْمِهِ اَسْئَلُ اللَّهَ خَيْرَ الْمَخْرَجِ وَ الْمَدْخَلِ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ اِلَيْهِ الْمَصيرُ.

نوزدهم در ذکر نماز و دعاء در شب زفاف

از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام منقول است که چون عروس را به نزد تو بیاورند بگو که پیش از آن وضو بسازد و تو وضو بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس حمد الهی کن و

صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرست پس دعا کن و امر کن آن زنان را که با او آمده اند آمین بگویند و این دعا بخوان:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنی اِلْفَها وَ وُدَّها وَ رِضاها وَاَرْضِنی بِها وَاجْمَعْ بَیْنَنا بِاَحْسَنِ اجْتِماعٍ وَ انَسِ ایتِلافٍ فَاِنَّکَ تُحِبُّ الْحَلالَ وَ تَکرَهُ الْحَرامَ

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون در شب زفاف به نزد عروس بروی موی پیشانیش را بگیر و رو به قبله آور و بگو:

اَللّٰهُمَّ بِاَمانَتِکَ اَخَذْتُها وَ بِکَلِماتِکَ اسْتَحْلَلْتُها فَاِنْ قَضَیْتَ لی مِنها وَلَداً فَاجْعَلْهُ مُبارَکاً تَقِیّاً مِنْ شیعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلاتَجْعَلْ لِلشَّیْطانِ فیهِ شِرْکاً وَ لانَصیباً.

بیستم دعای رَهْبَه است

روایت شده که حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام چون شب در محراب عبادت می‌ایستاد آن را می‌خواند و آن دعای پنجاهم صحیفه است و اینست:

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ خَلَقْتَنی سَوِیّاً وَ رَبَّیْتَنی صَغیراً وَ رَزَقْتَنی مَکْفِیّاً اَللّٰهُمَّ اِنّی وَجَدْتُ فیما اَنْزَلْتَ مِنْ کِتابِکَ وَ بَشَّرْتَ بِهِ عِبادَکَ اَنْ قُلْتَ یا عِبادِیَ الَّذینَ اَسْرَفُوا عَلی اَنْفُسِهِمْ لاتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعاً وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنّی ما قَدْ عَلِمْتَ وَ ما اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنّی فَیاسَوْ اَتاهُ مِمَّا اَحْصاهُ عَلَیَ کِتابُکَ فَلَوْلاَ الْمَواقِفُ الَّتی اُؤَمِّلُ مِنْ عَفْوِکَ الَّذی شَمِلَ کُلَّشَیْءٍ لَاَلْقَیْتُ بِیَدی وَ لَوْ اَنَّ اَحَداً اسْتَطاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّهِ لَکُنْتُ اَنَا اَحَقَّ بِالْهَرَبِ مِنْکَ وَ اَنْتَ لاتَخْفی عَلَیْکَ خافِیَةٌ فِی الْاَرْضِ وَلافِی السَّمآءِ اِلاَّ اَتَیْتَ بِها وَ کَفی بِکَ جازِیاً وَ کَفی بِکَ حَسیباً اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ طالِبی اِنْ اَنَا

هَرَبْتُ وَ مُدْرِكى اِنْ اَنَا فَرَرْتُ فَها اَناذا بَيْنَ يَدَيْكَ خاضِعٌ ذَليلٌ راغِمٌ اِنْ تُعَذِّبْنى فَاِنّى لِذلِكَ اَهْلٌ وَ هُوَ يا رَبِّ مِنْكَ عَدْلٌ وَ اِنْ تَعْفُ عَنّى فَقَديماً شَمَلَنى عَفْوُكَ وَ اَلْبَسْتَنى عافِيَتَكَ فَاَسْئَلُكَ اللّهُمَّ بِالْمَخْزُونِ مِنْ اَسْمائِكَ وَ بِما وارَتْهُ الْحُجُبُ مِنْ بَهائِكَ اِلاَّ رَحِمْتَ هذِهِ النَّفْسَ الْجَزُوعَةَ وَ هذِهِ الرِّمَّةَ الْهَلُوعَةَ الَّتى لاتَسْتَطيعُ حَرَّ شَمْسِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطيعُ حَرَّ نارِكَ وَالَّتى لاتَسْتَطيعُ صَوْتَ رَعْدِكَ فَكَيْفَ تَسْتَطيعُ غَضَبَكَ فَارْحَمْنِى اللّهُمَّ فَاِنّى امْرُؤٌ حَقيرٌ وَ خَطَرى يَسيرٌ وَ لَيْسَ عَذابى مِمّا يَزيدُ فى مُلْكِكَ مِثْقالَ ذَرَّةٍ وَ لَوْ اَنَّ عَذابى مِمّا يَزيدُ فى مُلْكِكَ لَسَئَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ وَاَحْبَبْتُ اَنْ يَكُونَ ذلِكَ لَكَ وَ لكِنْ سُلْطانُكَ اَللّهُمَّ اَعْظَمُ وَ مُلْكُكَ اَدْوَمُ مِنْ اَنْ تَزيدَ فيهِ طاعَةُ الْمُطيعينَ اَوْ تَنْقُصَ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْمُذْنِبينَ فَارْحَمْنى يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ تَجاوَزْ عَنّى يا ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ وَ تُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحيمُ.